



۶

کتاب و کتابخانه

در دوران پنجاه سال شانشاهی پهلوی

از انتشارات

وزارت فرهنگ و هنر

دبیرخانه بنیاد اسامی کتابخانه های عمومی کشور

۲۵۳۵



۷۳۸۷۰

دوران فرخنده شاهنشاهی پهلوی بی گمان یکی از مهمترین ادوار تاریخ ایران است . این اهمیت مبتنی بر دو خصوصیت اساسی است . نخست اینکه این دوران در تمام زمینه‌های فکری و معنوی زنده کننده هویت ملی یعنی باز دهنده رنگ ایرانی به مردم ایران است و بر اثر همین خصیصه است که ملت ایران در این دوران شخصیت ملی باستانی دیرین خود را باز می یابد و در روابط جهانی، دربرخورد با فرهنگهای دیگر، استوارتر از پیش با تکیه بر فرهنگ اصیل ملی بر پای خود می ایستد .

خصوصیت دوم آنکه دوران شاهنشاهی پهلوی درحقیقت دوران ترقی سریع ملت ایران در تمام زمینه‌های مادی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی است و بر اثر این ترقیات کم نظیر است که راه تمدن بزرگ بر روی ملت ایران گشوده میشود و شواهد کافی بر این حکایت دارند که بزودی ملت ایران در آستانه تمدن بزرگ قرار خواهد گرفت .

علی رغم اهمیتی که این دوران پر شکوه دارد، رویدادهای گرانبار این روزگار آنطور که باید و شاید مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته و حق مطلب ادا نشده است . شاید علت آن باشد که نسل معاصر - که خود بر خوردار از مواهب این دوران است آنچنان در جریان تحولات مملکتی مستغرق شده است که فرصت فاصله گرفتن از این جریان سریع و تحول و اندیشیدن در باره آنرا نمی یابد .

این امر در عین حال که نشانه تحرک شدید و تکاپوی دائم مردمی است که در این رستاخیز بزرگ ملی شریک هستند، از آنجا که مجال مطالعه و بررسی تاریخی این وقایع را سلب می‌کند ممکن است نسل معاصر را از اهمیت تاریخی این دوران و مخصوصاً " جوانان این روزگار را از وظیفه خطیری که در راه به ثمر رساندن این کوششها بر عهده دارند غافل بار آورد. نظر بجهات مذکور، اینک که آیین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی برگزار می‌شود تحقیق دقیق در تاریخ این دوران به صورت یکی از مهمترین هدفهای ملی درآمده است.

وزارت فرهنگ و هنر که خود حاصل دوران پر برکت پهلوی است در این تحقیقات و کاوشگری و ارج گذاری وظیفه‌ای بسیار خطیر بر عهده دارد. از این رو کوشیده است که با فراهم آوردن اسناد و مدارک معتبر به پژوهشی واقع گرایانه در شناخت این دوران بپردازد، که حاصل آن تالیفاتی است که بمناسبت این آیین ملی به همت گروهی از دانشمندان و محققان از سوی واحدهای این وزارت انتشار می‌یابد و این کتاب یکی از آنهاست.

بی گمان این تالیفات تنها گوشه‌ئی از این عصر درخشان را نشان خواهند داد و از بسپارها اندکی را باز خواهند گفت، چه باز نمودن و شناخت جوانب و شئون گوناگون این دوران، کاریست بس سترگ که نیروئی عظیم و زمانی دراز و پژوهشی مداوم می‌طلبد. امید است این توفیق حاصل آید.

مهرداد پهلبد
وزیر فرهنگ و هنر

فهرست

پیش گفتار . . .

فصل اول

صفحه ۱۷ کتاب چیست

صفحه ۴۹ ایرج افشار در باره کتاب اظهار نظر می کند

فصل دوم

صفحه ۶۱ تاریخچه کتاب در ایران

صفحه ۹۵ محمد امین ریاحی در باره کتاب اظهار نظر می کند

فصل سوم

صفحه ۱۱۳ تاریخچه نشر کتاب در ایران

صفحه ۱۴۷ عباس زریاب خوئی در باره کتاب اظهار نظر می کند

فصل چهارم

صفحه ۱۵۵ کتابخانه های مهم

صفحه ۱۸۱ محمد محیط طباطبائی در باره کتاب اظهار نظر می کند

فصل پنجم

صفحه ۱۸۹ دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور

صفحه ۲۰۹ مجتبی مینوی در باره کتاب اظهار نظر می کند

فصل ششم

صفحه ۲۱۹ روز نگاری کتاب و خاندان جلیل پهلوی

اگر در این کتاب به ایرادی، اشکالی، اشتباهی، لغزشی برخوردید به چشم اغماض در آن ننگرید. لطفاً تذکر فرمائید تا در اصلاح آن بکوشیم.

بنام خداوند جان و خرد

بحث در زمینه " کتاب " وماهیت آن ، در عین سادگی ، یک بحث جالب وگسترده و از نظری دیگر تحقیقی ، علمی و فنی است .

تا زمانی که خط اختراع نشده بود انسان نمی توانست جز از راه گفتار که زودگذر و نا پایدار است ، خواست‌ها و اندیشه‌ها و دانسته‌های خود را به دیگران منتقل کند و به ناچار آنچه می‌بایست بماند تا دیگران از آن بهره بگیرند ، دهان به دهان یا سینه به سینه ، آنهم با مشکلات و دشواریهای بسیار منتقل می‌شد . و هم اکنون بعد از گذشت روزگاران دراز ، اگر بخواهیم در زندگی مردم زمان‌های گذشته به پژوهش و بررسی بپردازیم چاره‌ای جز کاوش و یافتن و دیدن آثار باقیمانده و وسایل زندگی آنان نداریم و به سختی و گاه با حدس و گمان ، معلومات خود را در این زمینه افزایش می‌دهیم اما از زمانی که خط به وجود آمد ، پیشینیان ما نیز با ما سخن می‌گویند و از رنجها و شادیهها و کوششها و محرومیت‌ها و پیشرفته‌ها و پیروزیها و بطور کلی از تمام جنبه‌های زندگی خود به ما آگاهی می‌دهند .

آدمی با اختراع خط ، پای در مرحله تازه‌ای از زندگی و تکامل فرهنگ خود نهاد ، اما به کار بردن خط بر روی سنگها و استخوان و پوست حیوانات و اشیاء دیگر و نشر و انتقال دانش از آن راه ، بسیار سخت و دشوار بود . پیدایش کاغذ و سپس کتاب این سختی و دشواری را از میان برداشت و راهی تازه برای پیشرفت فرهنگ پدیدار کرد . این کتاب بود که به سرعت و سهولت ، هنر و دانش را از شهری به شهری یا از کشوری به کشور دیگر رسانید و درهای تازه بروی جهانیان گشود و به سبب همین نقل و انتقال ، افکار مردم کشورهای گوناگون به یکدیگر نزدیک شد و بالاخره دانش و فرهنگ بشری در مجموع نیرو و رنگ تازه‌ای بخود گرفت این همان خدمتی است که کتاب از قرن‌ها پیش بر عهده گرفته و هنوز همچنان بر عهده دارد .

و اما تا روزی که کتاب با دست و قلم نوشته می‌شد تکثیر و یاب و دست آوردن آن ، به همان صورت که مؤلف یا مصنف فراهم ساخته بود ، و آنهم به بهای ارزان ، آسان نبود و هر کس در همه جا نمی‌توانست از آنان بهره بگیرد . اختراع چاپ این نقائص را از بین برد و بشر توانست آنچه می‌نویسد به همان صورت و به تعداد زیاد و طبعاً " به بهای مناسب و حتی ارزان در دسترس دیگران بگذارد و جهانیان را برای همیشه از دانش و هنر و اندیشه خود بهره‌ای بدهد . صریحاً " باید گفت اختراع چاپ گام بسیار مهم و بلندی در راه پیشرفت و نشر فرهنگ و تعمیم آموزش و پرورش بوده است .

بطور خلاصه در بررسی تاریخ فرهنگ و آموزش و پرورش می‌توان سه مرحله جدا از یکدیگر را تشخیص داد. اول، دوره‌ای که خط اختراع نشده بود. دوم، دوره‌ای که خط و کاغذ و کتاب به وجود آمد. سوم، دوره‌ای که بکار بردن چاپ معمول شد.

همانطور که اشارت رفت در اثر پیدایش کتاب و بعد ها چاپ، تغییری شگرف در زندگی بشر حاصل شد و جهانیان در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار گرفتند و از کوششهای پراکنده و جدا جدا رهائی یافتند و اصولاً دانش و هنر آنان با آشنائی به دانش و هنر دیگران در راه کمال قدم نهاد و از مرزهای سیاسی گذشت و به دیگر کشورها راه یافت. دانشمندان و محققان و جامعه شناسان امروزی معتقدند که کتاب، یکی از پایه‌های چهارگانه آموزش و پرورش است که سه پایه دیگر آن، آموزگار و برنامه و روش است.

در اینصورت متوجه می‌شویم بدون داشتن کتاب، آموزش و پرورش ناقص و ناتوان است، بدون وجود کتاب، کوشش معلم و استاد چند برابر بیشتر و حاصل کار ورنج او کمتر خواهد بود یعنی کتاب است که با او همکاری صمیمانه دارد و در خدمت مقدسی که بر عهده گرفته است همه جا او را یاری می‌دهد.

کمتر کسی را می‌توان سراغ داشت که در آموزشگاهها تا پایان زندگی، به تحصیل ادامه دهد و از خرمن دانش و هنر استادان و معلمان بهره ور شود، ولی همه کس در همه حال به تکمیل دانسته‌های خود و به آموختن و دانستن بازهم بیشتر، نیاز دارد و از این روست که کتاب، تمام وظایف استاد و مدرسه و دانشگاه را در تمام مراحل زندگی، بطور یک تنه به عهده می‌گیرد.

این واقعیت را قبول کنیم روزی که تحصیلات دانشگاهی به پایان می‌رسد، روزی است که نیازه کتاب بیشتر محسوس است. واقعا "غیر از کتاب کیست که از آن پس، استاد ما باشد و دست ما را در راه پیشرفت و کمال بگیرد؟!"

همانطور که برای پرورش تن به ورزش می‌پردازیم، برای پرورش و آسایش جان هم وسیله‌های بهتر و آماده تر و در دسترس تر از کتاب نداریم. وقتی کتاب می‌خوانیم خود را فراموش می‌کنیم و اندیشه‌ها و احساسات و سخنان نویسنده، جان و دل ما را فرا می‌گیرد و از جهان خود به جهان دیگر می‌رویم که بسیاری چیزها در آن تازگی دارد. و هنگامی که از آن جهان برمی‌گردیم ره آورده‌های گرانبها همراه داریم که با آنها می‌توانیم به اندیشه‌های تازه بپردازیم و حتی بیافرینیم و بسازیم. به راستی که کتاب همدم مساعدی برای اوقات تنهائی، و معلم و آموزنده، ساکت و بی توقع و بی آزاری برای لحظات جستجوگری است.

به بینیم آیا وسایل دیگری که در قرن اخیر در جهت آموزش عمومی اختراع شده است، می‌تواند جای کتاب را هم بگیرد؟! .

یک بررسی اجمالی به ما نشان می‌دهد که هیچیک از این وسایل و پدیده‌ها و اختراعات با تمام اهمیت و ارزش خود، جانشین کتاب نشده‌اند. وسایل مختلف سمعی و بصری که کمک‌های ارزنده به پیشرفت آموزش و پرورش و نشر فرهنگ و بیداری مردم می‌کنند کار کتاب را انجام نمی‌دهند.

سینمازود گذر است و همراه با دیدن آن تعمق و مطالعه دشوار است و از سوی دیگر نمی‌توان همیشه و همه جا و به آسانی از آن بهره گرفت. نوارها و صفحه‌ها و دستگاه‌های ضبط صوت و رادیو و تلویزیون نیز هرکدام کم و بیش همین وضع و حال را دارند. البته این وسایل، کتاب را در خدمتی که به عهده دارد یاری کرده‌اند و می‌کنند اما جانشین آن نشده‌اند.



در تاریخ، در نوشته‌های پیشین مکررمی‌خوانیم که پادشاهان و بزرگان ما، دانشمندان را به تالیف کتابها و نوشتن آگاهی‌ها و معلومات خود تشویق کرده‌اند و یا خود به تهیه و ایجاد کتابخانه‌های بزرگ و معروف همت گمارده‌اند که در باره آن‌ها می‌توان مقاله‌ها و حتی کتابها نوشت و فهرست تمام کتابهایی که از کهن‌ترین زمان تا کنون در کشور ما نوشته شده است خود تشکیل چندین مجلد کتاب خواهد داد.

این سرزمین مقدس، گهواره فرهنگ و هنر است، فرزندان خردمند و تیزهوش آن، همیشه در راه پیشبرد و نشر هنر و دانش پیشگام و کوشا بوده‌اند و کتاب را محترم و گرامی داشته‌اند.

بعد از آغاز شاهنشاهی دودمان پهلوی که ایران در کلیه زمینه‌ها در شاهراه پیشرفت گام نهاد توجه به کتاب و کتابخانه نیز اوج گرفت و مروری ساده در فصل ششم این کتاب به خوبی می‌تواند نشان دهد که امر کتاب تا چه حد مورد عنایت خاندان جلیل سلطنت بوده است.

این کتاب به تحقیق در همین موضوع پرداخته است. فصل اول به خصوصیات کتاب و تعاریف کلی آن اختصاص یافته است. در فصل دوم به تاریخچه کتاب در ایران اشاره‌ای رفته است. موضوع فصل سوم موسسات انتشاراتی در پنجاه سال اخیر و خصوصیات آن است. در فصل چهارم موضوع کتابخانه‌های عمومی در پنجاه سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته است، و فصل پنجم به مطالعه تازه‌ترین و پربارترین کاری که در پنجاه سال اخیر در زمینه کتاب انجام یافته، و وزارت فرهنگ و هنر بر اساس ضوابط خاص کار کتاب و

کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور را زیر نظر خود گرفته، تخصیص داده شده است. در پایان کتاب روزنگاری شاهنشاهی دودمان پهلوی و امر کتاب به تفصیل آمده است. هر فصل از فصل دیگر با اظهار نظر یک کارشناس و صاحب نظر کتاب جدا شده است، که ضمن آن نکات تازه و دقیقی در باره کتاب در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. و برای تنوع مطلب و سادگی بیان این اظهار نظرهابه صورت مصاحبه تدوین شده است و امید آنکه مورد عنایت و توجه صاحب نظران قرار گیرد.

در تالیف این کتاب روش تازه‌ای برگزیده شد و مطالب این کتاب را در واقع به جای یک نفر یک گروه از نویسندگان تراز اول ایران تهیه کرده‌اند و مولف کتاب فقط بر تهیه مطالب کتاب نظارت کرده و امر تنقیح و هم آهنگ کردن مطالب آنرا به عهده گرفته است، این افراد که صمیمانه باید از همکاری‌ها و دقت‌ها و علاقه مندی‌های شان تشکر کرد به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

- ۱- امیر اسماعیلی که امر مصاحبه با صاحب نظران را به عهده داشت.
 - ۲- علی اصغر حلبی که تهیه مطالب تحقیقی کتاب را به عهده داشت.
 - ۳- حبیب‌الله شاملوئی که تهیه مطالب تاریخی کتاب را به عهده داشت.
- اینک، اگر این کتاب مورد توجه شما خواننده گرامی قرار گرفت در واقع باید از آنان تشکر کنید و اگر ضمن مطالعه آن به اشتباه یا ایرادی برخورد کردید گناه آن بی تردید با مؤلف کتاب خواهد بود.

فصل اول

کتاب چیست

کتاب، کارنامه، فرهنگ و معرفت بشر است، از قدیم گفته اند: شناخت بشر سخت دشوار است. ولی آنچه هم از شناخت بشر حاصل شده در سایه تدوین و تالیف کتابها به دست آمده است. تنها برتری انسان را بر جانوران دیگر نیروی اندیشه او می دانسته اند؛ امروزه کم و بیش این عقیده ضعیف شده و امکان فکر و اندیشه را در جانوران دیگر نیز سراغ داده اند و این تشریف را که روزگاری آدمی زاده تنهابر قامت خود موزون می دانسته، طبیعت به تن دیگران نیز پوشانیده است. اما تنها جامعه‌ای که هنوز هم بر پیکر انسان می‌برازد، نیروی کتابت است. پس باید درباره شناخت آن بکشیم و نکاتی را که ایرانیان و یا بیگانگان در ارزش مقام آن گفته‌اند یاد کنیم. اگر گفتیم ماهیه تمایز انسان از سایر جانداران قدرت کتابت یا نیروی نویسندگی است شگفت نباید داشت زیرا حتی سروری و ارجمندی ملت هانیز به داشتن کتاب‌های سودمند و پرمعنی است. " دکارت " فیلسوف نامدار فرانسه (وفات ۱۶۵۰ م) می گوید: " تمدن هر کشوری، به اندازه عظمت و ارجمندی کتابهای آن کشور است؛ و یک ملت به هیچ چیز آن اندازه نیاز ندارد که به داشتن کتابهای خوب و راستین! " (۱)

(1) Letters to Mersenne, London, P. 16, 1958.

برتری پیامبران اولوالعزم نیز بر دیگر پیامبران اینست که کتاب داشته اند. در قصه‌های دینی می‌خوانید که خدای بزرگ یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر برای راهنمایی و ارشاد بندگان خود فرستاده، ولی چون دقت می‌کنید می‌بینید که تنها پنج تن از آنها کتاب داشته اند، و آنها عبارتند از: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (ص) پیامبر اسلام. و به تصدیق همه خداوندان عقل و بصیرت اهمیت وجود هر یک از این پنج تن در پیدا شدن ادیان بزرگ از همه پیامبران دیگر افزونتر است. استادان و شاعران و گویندگان بزرگ جهان بیشتر در فقر و تنگدستی زیستند و مانند مردم روزگار خود از دراز دستی چرخ پژمردند و در دل خاک خفتند اما امروزه نام نامی آنها بر دفتر ایام باقی وزنده جاوید است. اما توجه باید داشت که از فردوسی، شاهنامه اوباقی است و از نظامی، خمسه او، و از سعدی و حافظ دیوانهای دلپذیرشان که چون کاغذ زر می‌برند و چون نقل و شکر می‌خرند، اما تن‌های آنان نیز مانند هزاران توانگر گردن‌فراز روزگار خودشان پوسیده و با خاک تیره یکسان شده است. اهمیت مقام کتاب را پس از این در جایگاه خود خواهیم گفت. اینک به ترتیب مطالبی در پیدا شدن کتاب، تعریف کتاب در کتابهای لغت، تعبیری که نویسندگان ایران و خارج ایران درباره کتاب کرده‌اند، توجه خداوند به کتاب، منشاء مذهبی کتاب در فرهنگ ایرانی با تکیه بر کلام زرتشت و مانی، و معانی کتاب در قرآن می‌نویسیم.

کتاب چیست ؟

هر بحثی درباره کتاب، به سبب پیچیدگی موضوع، باید چند جنبه باشد تا شامل بخش های اساسی آن گردد. این بخش ها منشاء کتاب، تهیه و تولید، سازنده و نویسنده و سرانجام محتویات و مندرجات، و چاپ و تجلید و انتشار آن را دربر میگیرد. هم چنین شکل و قطع و مواد آن نیز باید مورد بررسی قرار گیرد، و تاریخ تزیین و آراستن آن به اشکال مختلف نیز اهمیت به سزائی دارد. در سالهای اخیر مسئله خواننده کتاب و خواست های وی نیز در خواندن کتاب و در شناخت آن وارد گشته است. از این رو شناخت کتاب با کتابشناسی رشته های مختلف یافته و نیازمند تخصص های گوناگون است و بنابر این، بحث در همه آن مطالب از عهده یک تن خارج است و بنده تنها در اینجا به روش مطالبی که در آغاز فصل یاد شده، اشارتی می کند و در باب هر یک شرحی می نگارد و بحث بیشتر در این موضوع دلبذیر را به متخصصان هر یک از این رشته های گوناگون وا می گذارد.

درباره پیداشدن خط و کتابت داستانهای مذهبی و پژوهش های علمی دلکش بسیار است؛ هم سخن پژوهشگران، و هم قصه های افسانه پردازان شنیدنی است. در زیر مطلب را از هر دو نظر گاه علمی و مذهبی بررسی می کنیم تا به چگونگی پیدایش کتاب برسیم:

اما از نظر گاه علمی، به قول یکی از دانشمندان "ابتدای مرحله انسانیت را باید هنگام پیداشدن کلمه و کلام دانست، و با همین وسیله بود که انسانیت انسان آشکار گردید. زیرا اگر این صداهای عجیب و غریبی که به آنها نام "اسم عام" می دهیم (۲) نبود، فکر انسان منحصر در اشیاء و تجاری می گردید که می توانست آنها را به ذهن بسپارد یا از راه حواس و به ویژه حس بینائی آنها را در برآید؛ در آن صورت انسان نمی توانست طبقات و انواع مختلف اشیاء را جدا از فرد خود این اشیاء تصور کند و صفات را متمایز از اشیاء یا اشیاء را متمایز از صفات ادراک کند. اگر الفاظ نماینده کلیات نبود، ما می توانستیم این مرد یا آن مرد یا این چیز و آن چیز را مورد تفکر قرار دهیم ولی هرگز نمی توانستیم "مفهوم انسان کلی" را دریابیم، زیرا چشم ما افراد انسان را می بیند ولی انسان کلی را نمی بیند. و همچنین افراد اشیاء را درک می کند ولی از ادراک نوع کلی هر شیء عاجز است. (۳) در واقع انسانیت

(2) Common Noun.

(۳) ویل دورانت: تاریخ تمدن، مقدمه، ترجمه احمد آرام، ص ۱۴۱-

از آن روز آغاز شد که موجودی نیم انسان و نیم حیوان درغار یا بر روی درختی نشست و مغز خود را برای یافتن و اختراع علامت‌هایی صوتی به کار انداخت که بتواند شناساننده دست‌هایی از اشیاء مشابه باشد. مانند کلمه: "خانه" برای همه خانه‌ها و "انسان" برای همه انسان‌ها، و "روشنی" برای همه روشنی‌هایی که بر روی زمین و دریا و آسمان می‌درخشد. از آن روز، برای پیشرفت عقلی تنسان راه جدیدی باز شد که پایان ندارد. زیرا کلمات برای فکر منزلت ابزار کار را دارند، و بدیهی است که تکامل مصنوعات تا حدی مدیون تکامل ابزار کار می باشد.

ولی مهم ترین گامی که انسان به سوی مدنیت برداشت همانا اختراع خط است. بر روی بعضی از قطعات سفال که از دوره حجر جدید برجای مانده، خطوط رنگینی دیده می شود که بیشتر کارشناسان آنها را علائم و رموز تشخیص داده‌اند، گرچه این مسئله با تردید تلقی میشود، ولی امکان دارد که خط نویسی در صورتیکه به معنی وسیع در نظر گرفته شود و علامت گذاری، علامت‌هایی روی گل نرم کوزه‌ها برجای گذاشته باشد. در قدیم ترین نوشته‌های "هیروگلیفی" که در سومر به دست آمده، مرغ را به صورتی نگاه داشته اند که با نقشه‌های مرغ موجود بر ظروف سفالی شوش در عیلام کمال شباهت را دارد؛ همینطور نخستین کتابت تصویری که نماینده گندم است مستقیماً "از تزیینات هندسی ظروف شوش و سومر اقتباس شده است. حروف مستقیم الخطی که ابتدای امر در سومر حوالی ۳۶۰۰ ق.م آشکار شده، ظاهراً صورت خلاصه شده‌ی است از رموز و رسوم نقاشی شده یا کنده شده بر ظرف های گلی نواحی جنوبی بین‌النهرین و عیلام، بنا بر این خط نویسی نیز مانند نقاشی و حجاری از شاخه‌های هنر کوزه‌گری است؛ گلی که از زیر دست کوزه گریه شکل ظرف بیرون می‌آمد و مجسمه ساز با آن پیکرها را می ساخت و برای بنا آجر بود، در برابر خط نویسی ماده‌ی بود که مطالب خود را بر آن می نوشت. با ملاحظه این نکته بخوبی می‌توان دریافت که چگونه از این مقدمات، به صورت تدریجی منطقی خط میخی در بین النهرین متولد شده است.

قضیه تکامل و تطور این علائم رمزی هرچه بوده، هم عرضی آن نوعی از خط نویسی وجود داشته که از شعبه‌های نقاشی به شمار می‌رود و افکار را به وسیله تصاویر مجسم می ساخته است؛ هنوز بر تخته سنگ‌های مجاور دریاچه سوپر یور آثاری از تصاویر غیر ظریفی دیده می‌شود که هندیان آمریکا به وسیله آنها گذشت خود را از این

دریاچه هولناک با افتخار روایت کرده اند که آهنگان پاشاید نزدیکان آنها از این امر آگاهی پیدا کنند.

این یقین است که هنوز سال ۳۶۰۰ پیش از میلاد نشده بود - و شاید بسیار پیش از آن - که در عیلام و سومر و مصر، مجموعه‌ی از تصاویر را نماینده افکار ترتیب داده، و از آن دو خطی ساختند که هیروگلیف^(۴) نامیده می شود، زیرا بیشتر کسانی که آنرا بکار می بردند کاهنان بودند.

مجموعه دیگری شبیه به آنها در کرت پیدا شده که تاریخ ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد را دارد. فینیقیان حروف " هجا " را اختراع نکرده، بلکه آن را وسیله داد و ستد خویش قرارداد کرده بودند و ظاهراً آنان را از مصر و کرت گرفته به تدریج در صورت صیدا و بیلوس^(۵) وارد کرده پس از آن به سایر شهرهای مدیترانه برده اند. بدین ترتیب فینیقیان چون دلالاتی بوده اند که انتقال الفبایه وسیله آنان صورت گرفته و هرگز خودشان مخترع الفبا نبوده اند. هنگامی که زمان " هومر " رسید، یونانیان این حروف فینیقی را - و به عبارت دیگر حروفی را که تمام قبایل آرامی در ایجاد آن دست داشته اند گرفتند و آنها را با دو اسم سامی که نماینده دو حرف اول است نامیدند:

Alpha - beta (در عبری الف، بت = Aleph , Beth)

که بعد ها در زبان های عربی و فارسی هم به شکل الفبا در آمده است.

از آنچه گفتیم بر می آید که خط نویسی محصول تجارت است، در اینجا یک بار دیگر متوجه می شویم که مدنیت تا چه حد مدیون بازرگانی است. آنگاه که کاهنان برای خود مجموعه‌ی از رسوم و تصاویر وضع کردند تا عبارات سحری و دینی و پزشکی خود را با آن بنگارند، دو جریان مختلف تاریخ که معمولاً "با یک دیگر سر سازگاری ندارند، یعنی دین و دنیا، یا کاهن و بازرگان موقتاً" با یکدیگر سازش کردند و بزرگترین اثری را که بشریت پس از شناسایی سخن گفتن به آن دست یافته یعنی نگاشتن و نوشتن را بر جای گذاشتند!

می توان گفت که پیداشدن خط و تکامل آن آفریدگار مدنیت است، زیرا وسیله نگارش و بر جای گذاشتن علم و معرفت و انتقال آن را فراهم ساخته و اسباب فزونی دانش و ادبیات گردیده و در میان قبیله‌های مخالف هم، لغت واحدی ایجاد کرده و در واقع با ایجاد حکومت واحد خطی، درانتشار صلح و نظم، کمک فراوان کرده است. پیداشدن خط، حدی است که ابتدای تاریخ را نشان می دهد، و این نقطه شروع، هر اندازه معرفت ما به آثار گذشتگان بیشتر می شود، عقب تر می رود.

(۴) Hieroglyphe، از دوریسه یونانی ساخته شده که به معنی "نیشته مقدس" است.

(5) Byblos.

ارسطو (وفات ۳۲۲ ق. م) عقیده داشت که: "جهان مدنیت های فراوان به خود دیده و به بسیاری از مخترعات و اسباب تجمل دست یافته و پس از آن در نتیجه" ویرانی پاد آن از خاطره‌ها محو شده است". و همچنانکه بیکن (وفات ۱۶۲۶ م) می‌گوید: "تاریخ همچون تخته پاره گشتی است که بر روی گردابی شناور است، و آنچه از آن تپاه شده و از میان رفته بیش از آن است که برجای مانده؛ تنها مایه تسلی خاطر ما آنست که بگوئیم همانطور که لازم بوده فرد بشری بسیاری از چیزها را که با آنها تصادف می‌کند به دست فراموشی بسپارد تا خردش زایل نشود، همانطور هم نوع بشر از میراث سرشار تجربه‌های فرهنگی خود آنچه را درخشنده تر و دل‌فریب تر و تابناک تر و نیرومندتر می‌دیده و یا بهتر قابل ثبت و تدوین بوده به خاطر نگاه داشته‌است. (۶) اما این همه میراث‌های ارجمند را در کجا گنجانیده؟ در ذهن؟ یا در پوست جانوران یا بر روی سنگهای کوهساران و یا پاپیروس مصریان و کاغذ چینیان؟ شک نیست که این دومی با عقل و حس بیشتر سازگار است تا آن اولی؛ زیرا در آن صورت بشر دیوانه می‌شد و سر به صحرا می‌گذاشت. فکر کنید که یک انسان دست کم می‌خواست همه مندرجات دایره المعارف بریتانیکا را به ذهن بسپارد. آیا وحشتناک نبود؟! برای گریز از همین وحشت و اضطراب، بشر به چاره در ایستاد و نوشته‌های خود را در صفحات ویژه‌ی گرد کرد و نام "کتاب" بر آن نهاد. اما کتاب و رساله و مقاله نیز مانند سیر تمدن بشر، برای خود دوره‌ها و سیرهای مختلف دارد، و همچنانکه انسان از کودکی به نوجوانی و جوانی و میان‌سالی و پیری می‌رسد و این را "سیر کمالی" انسان می‌گویند کتاب‌های همین سرنوشت را داشته‌دارند. برای نمونه، کتاب‌هایی را که پیش از اختراع فن چاپ فراهم آمده با کتاب‌های پس از آن دوره بسنجید، تا حقیقت مطلب به دست آید.

(۶) فردریک کاپلستون: تاریخ فلسفه، ج ۴، ص ۱۱۹، چ لندن ۱۹۶۸

تاریخ پیدایش کتاب

تشخیص و بیان اینکه کدام مردم پس از اختراع نوشتن و کتابت، شروع به کتاب سازی کردند بسیار سخت است زیرا موادی که کتاب از آنها ساخته می شده گوناگون و در نواحی مختلف بوده است.

قدیم ترین نمونه های کتابت پانوپسندگی بر روی سنگها پیدا شده است. مواد نرمتری که در زمانهای مختلف برای کتابت بکار می رفته کم و بیش فناپذیر و تباہ گشتنی می بوده است. قدیم ترین کتابهایی که شناخته شده لوح های گلی بین النهرین است، و پس از آن اوراق پاپیروسی مصر. تاریخ نمونه هایی از این هر دو نوشته به هزاره سوم پیش از میلاد مسیح می رسید.

۱- کتابهای ساخته از الواح گلی. - سومریان، بابلیان و آشوریان و هیتی های قدیم بر روی الواحی که از گل ساخته شده بوده، می نوشتند. همچنین این نوشته ها در شکلها و اندازه های مختلف بریده یا قالب گیری می شد. یکی از اشکال عمومی آنها چهارضلعی بوده که طول آنها حدود پنج اینچ بوده، و در حالی که هنوز گل تر بوده و خشک نشده بوده نویسنده مطلب خود را بر روی آن می نگاشته، و برای اینکار قلم یا سوزنی بکار می برده و به شکل میخ های افقی و عمودی می نوشته است. اما اگر میخواسته از یک مطلب نسخه های گوناگون بسازد مجبور می بوده است که از همین متن دوباره به تعداد مورد نیاز خود یا دیگران بازنگارد. برای نوشتن مطالبی که طولانی تر بود کاتب می بایست چندین لوح را با شماره های متوالی ۱ و ۲ و ۳ و غیره بنویسد تا مطلب خود را تمام کند و آنها را پشت سر هم بچیند. و یا با اشاره و علامتی دنبالهء مطلب را در لوح دیگر اعلام کند، عین همان کاری که در روزگار ما در صفحات کتاب از آن استفاده می کنند. و چون کتابت به پایان می رسیده آنرا در برابر آفتاب خشک می کردند یا در کوره پخته و لعاب می داده اند، ولی البته این الواح گلین فناپذیر و کم دوام بوده است.

۲- طومار پاپیروس مصری. - طومارهای پاپیروسی مصر نیای بلا فصل کتابهای جدید است و بیشتر از الواح گلی به کتابت جدید نزدیک شده است و قدمت و سابقه آن نیز با الواح گلی سومر و بابل یکسان است. پاپیروس به عنوان ماده یی برای کتابت مشابه کاغذ است.

این کاغذ مصری از یک گیاه نی مانند که در دره‌های نیل می روید ساخته می شد. پس از کوبیدن این گیاه، آنرا با آب خمیر کرده و پهن می نمودند و به صورت ورقه های بزرگ و کوچک می بریدند.

با مقایسه آجرهای گلی سومر و بابل، پاپيروس نرمتر و کم دوام تر می‌نموده، ولی یکی از نمونه‌های آن که به تازگی کشف شده، متعلق به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد است؛ و سنگ نبشته‌ها و سنگ نگاشته‌ها نیز کم و بیش دوامی همانند پاپيروس داشته است. این بقای شگفت، از یک سو: مرهون اقلیم مصر و آب و هوای خشک آن است، و از سوی دیگر مربوط به آیین دفن مردگان آنهاست.

با اعتقادی که اقوام مصری به زندگانی پس از مرگ داشتند، صورتهای سحر آمیزی بر روی تابوت‌ها یا بر دیوارهای قبرها می نگاشتند تا مردگان را یکرست و سالم به دروازه‌های جهان زیرین مصر رهبری کند. این متون مربوط به مردگان را مجموعاً " امروزه بنام " کتاب مردگان " (۷) می نامند. البته هیچیک از این نوشته‌های مربوط به مردگان و کتابهایی که از گورهای مصر کشف شده، اندازه و قطع معینی ندارد. گذشته از کتابهای مردگان، بقایای پاپيروسی مصری شامل نوشته‌های علمی، و بسیاری از افسانه‌ها، داستانها و قصه‌های کوتاه نیز می شود. با غلبه اسکندر بر مصر در سده چهارم پیش از میلاد چون، تعلیم دانش‌های مصری موقوف گشت؛ و برنامه یونانی کردن (۸) به کوشش پادشاهان بطلمیوسی (بطالسه) جای آن‌ها را گرفت، کتاب‌های مردگان نیز در اثر فراموش گشتن همین آداب و آیین‌های قدیم مصری فراموش گشت. این تسلط از سده چهارم تا سده نخستین پیش از میلاد ادامه یافت. شکی نیست که " کتاب اموات " در مسیحیت نخستین شناخته بوده، ولی همچنان سر به مهر و مسکوت باقی بود تا اینکه در سده نوزدهم " ژان فرانسوا شامپلیون " (۹) " وتوماس یانگ " (۱۰) آنها را از حالت رمزی و ابهام به در آوردند و راز این کتابت قدیم و برجسته را دریافتند.

* * *

آثار باقیه از کتابهای قدیم نشان می دهد که در مصر کهن کاتبان و نویسندگان اعتباری به سزا داشتند. آنها اعضای کلیساها و مقامات دیوانی معابد و اهرام و دفاتر حکومتی بوده اند. هرودوت گزارش می‌دهد که خاک برداران و استخراج‌گران مصری در

-
- (7). Book of the Deads.
 - (8). Hellenisation
 - (9). Jean Francois champollon.
 - (10). Th. Young.

پیدا کردن نسخه‌های " کتاب اموات " کوشش بسیار می کردند .

۳- کتابهای چین باستان .- چینیان اگر چه در پیشرفت علمی خود مانند سومریان و مصریان قدیم نبودند ، با وجود این سومین قوم هستند که توانستند یک دانش کتابی را بالاستقلال بیافرینند . چند اثر باقیمانده از روزگار پیش از مسیح ، که بیشتر ادبی و معماری است ، دلالت بر این دارد که چینیان دست کم / ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد نوشتن می دانستند و احتمالاً " به تالیف کتاب می پرداختند . این کتابهای ابتدائی از چوب یا نی پاره ساخته می شده و با ریسمان بهم پیوسته می شده است . مقداری کتاب از این دست به وسیله " شی این " در روزگار امپراطور " شیخ هونگ تی " (۱۱) به سال ۲۱۳ پیش از میلاد در آتش سوخته شد . نرمی مواد و رطوبت محیط سبب تباهی و از میان رفتن بسیاری از نسخه های قدیم چینی گشته است .

چین در ادبیات و فرهنگ پیشرفت کرد و میراث دار سنت علمی فرهنگی خلل ناپذیری گشت . استواری و نیروی معنوی همین سنت فرهنگی سبب شد که " شیخ هونگ تی " به سوزاندن آنها دستور دهد ؛ زیرا از نفوذ و قدرت آن دربر انگیختن مردم ترسیده بود .

در سده نخستین پیش از میلاد یک کتابشناسی ملی در چین به همت گروهی از متخصصان طب و دانش نظامی ، فلسفه ، شعر ، خدا شناسی ، نجوم به هم رسید . از آن جمله صورتی بر جای مانده در باره کتابهایی که بر روی الواح پخته یا ابریشم نوشته شده . و این صورت ، ۶۷۷ کتاب را در رشته‌های گوناگون فرهنگ چینی نشان می دهد . و پس از این تاریخ کتابهای گوناگون چینی نوشته شده و در هر رشته نوشته های کوتاه و بلند بسیار یافته اند که بحث و بررسی بیشتر در آن باب از موضوع کتاب ما بیرون است .

۴- کتابهای یونانی و رومی .- یونانیان اوراق پاپیروسی را متداول کردند و آن را به رومیان سپردند . البته هم یونانیان و هم رومیان برای نوشتن مواد دیگری نیز بکار می بردند (از آن جمله ورقه‌های چوبی و مومی) .

کلماتی که یونانیان و رومیان برای نامگذاری کتاب بکار می برده اند با کلماتی که

مصریان استعمال می کردند تشابه و همسانی دارد . با بلهون (Biblion) = (Book)

ممکن است که با بیلوس (Byblos) = (Papyrus) مصری و ولومون

Volume (= Book) لاتین سنجیده شود و قابل تطبیق باشد .

دیوید دیرینگر (۱۲) بررسی های شایان دقتی در این باب انجام داده و به این نتیجه رسیده است که پاپیروس بطور مداوم تا سده ۶ ششم پیش از میلاد در یونان مورد استعمال داشته و مدارک معتبر استعمال آن را تا سده ۶ نهم پیش از میلاد نیز به ثبوت می رساند .

افلاطون ، گزنفون و آریستوفانس کتابهایی را یاد می کنند که در سده ۶ پنجم پیش از میلاد میان مردم متداول بوده ، اگر چه قدیم ترین اوراق موجود و تاریخی یونان مربوط به سده ۶ چهارم میلادی می شود . باوجود این " فردریک ج . کنیون " (۱۳) بحث می کند در اینکه هومر در سده ۶ نهم پیش از میلاد کتابهایی داشته است .

حدود ۳۰ هزار پاپیروس موجود یونانی عموماً " وجود کتابهای زیادی را در یونان پذیرفتنی می سازد که روی هم رفته ، بلندی آنها حدود ۹ یا ده اینچ ، و قطر آنها یک یا یک و نیم اینچ می بوده . بر خلاف تشریفات یونانیان در هنرهای تزئینی ، تنها چند کتاب با مانده ۶ قدیم مصور است . و بیشتر این تصاویر مربوط به عکس هایی است که در دانش های عملی برای تفهیم مطلب به دانشجویان بکار می رفته است .

از نشانه های مهم کتابهای یونانی همین جنبه ۶ عملی (۱۴) آن ها است . حروف الفبا نیز اگر چه از اختراعات یونانیان نیست ، ولی با اندک دگرگونی و جرح و تعدیل آن را برای بیان مقاصد کلامی خود بکار گرفتند .

در روزگار طلائی آن یعنی سده ۶ پنجم پیش از میلاد ، کتابها شناخته و مرسوم بوده و یونانیان از آنها استفاده می کرده اند جز اینکه آشکارا آنها را به منزله ۶ طرق تعلیم و آموزش مورد استفاده قرار می داده اند .

در این عصر درخشان ، بیشتر سخن از تجارب شخصی و آزمون می رود . در ادبیات گامهای بلندی در زمینه ۶ تراژدی و کمدی برداشته می شود ؛ و سخنوری و شعر سرایی و تاریخ نگاری و خطابه سازی به کمال خود می رسد و بازیگران و ناطقان و حماسه سرایان (۱۵) و خطابه آموزان کم نظیر ظهور میکنند و هیچ تردید نیست که همه ۶ اینان کم و بیش در کار خود با نوشتن و نگاشتن سروکار داشته اند .

اما روم به منزله ۶ کانالی بوده که کتابهای یونانی هم به شکل ابتدایی و هم در

(12). David Diringer.

(13). Frederic G. Kenyon.

(14). Practicality.

(15). Rhapsodists.

لباس لاتینی خود از آنجا به کشورهای بیگانه اروپای غربی رسید. وقتی رومیان یونان را فتح کردند فرهنگ و ادبیات یونانی را به عنوان پایه‌یی برای ادبیات زادگاه خود به روم بردند.

البته فرهنگ رومی مجموعه‌هایی متفاوت با کتابهای یونان و لاتین داراست، ولی اگر وضع و شکل الفبای لاتین را استثناء کنیم، یک پاپیروس رومی، کاملاً مشابه و همسان پاپیروس یونانی است؛ به ویژه محتویات و اندیشه‌های مندرج در آن‌ها شباهت شگفتی با هم دارد.

رومیان در ساختن و فروختن کتابهای گوناگون گامهایی بلند برداشتند و آن راتا حدود زیادی وسعت بخشیدند، به ویژه از روزگار سیسرون (وفات ۴۳ ق- م) مدارک بسیاری از کتابهای گوناگون ادبی و اخلاقی و علمی در دست است که برای فروش ساخته شده بوده است، و خود او در مواضع گوناگون کتابهای خود، خوانندگان را به کتابخانه‌هایی که برخی از کتابهای مورد نیاز خود را از آنجا گرفته بوده حواله می‌دهد. (۱۶)

۵- کتاب در ایران— در بیشتر ماخذتازی آمده است که نخستین کسی که خط فارسی را بر نهاده و طبقات نویسندگان را تعیین کرده و دو اوین گوناگون را برای دخل و خرج و دیگر کارها وضع نموده "لهراسب" بود. (۱۷) فردوسی نیز در شاهنامه از "لهراسب" به دانائی یاد می‌کند و می‌گوید: وی خدا شناس بود و سی سال جامه پلاسین پوشید و خدا را عبادت کرد و به اندیشه و ناءمل در باب آفرینش پرداخت:

چو گشتاسب راداد لهراسب تخت فرود آمد از تخت و بر بست رخت

بپوشید جامه پرستش پلاس خدا را بدین گونه باید سپاس

بیفگند یاره فرو هشت موی سوی داور دادگر کرد روی

همی بود سی سال پیشش بپای بدینسان پرستید باید خدای (۱۸)

در آثار زرتشتی و مانوی نیز که دو تن از پیام آوران راستی و پاکی بوده اند در باره کتاب و نقش سازنده آن سخنان دلپذیر آمده، و چنانکه می‌دانید هر دو تن برای ابلاغ رسالت خود کتاب داشته اند و مردمان را بخواندن و نوشتن که از سپاهیان نورو لشکریان اهورامزدا است فرا خوانده اند.

آنچه مسلم است اینست که زرتشت تعالیم خود را می‌نوشته یا دیگران برای او

(16) Sarton, G ; History of Science, P. 17-9, New York

(۱۷) خوارزمی: مفاتیح العلوم، ص ۶۳، چ مصر؛ مسعودی: مروج الذهب، ج ۱، ص ۹۳

چ مصر.

(۱۸) فردوسی: شاهنامه، ج ۴، ص ۸۱- ۱۸۰، چ ژول مهل.

می نوشته اند و خود اوستا چنانکه میدانید بیست و یک " نسک " داشته ، و از جمله معانی همین کلمه " کتاب " را شمرده اند . این کتاب سودمند ، که کارنامه مقدس ایرانیان باستان و زرتشتیان است شامل پنج بخش است :

۱ - یسنا (که شامل گاتها نیز هست و گویا زرتشت خود تنها این بخش را نوشته و بخش های دیگر که در زیر شماره میکنیم در زمانهای مختلف توسط اشخاص گوناگون تالیف شده است) :

۲- پشت ها ؛ ۳- وپسپرد ؛ ۴- ونبیداد ؛ ۵- خرده اوستا . مندرجات این پنج بخش یا بیست و یک " نسک " همه در نهایت یزدان و پرستش اوست و بیان تکالیف انسان و شناخت پاکان و جمت و جوی اسرار کیهان .

معروف اینست که این کتاب را ، پیروان زرتشت (و حتی به قول برخی از محققان اروپا خود او) بر روی چندین هزار پوست نوشته و آنها را در چندین نسخه تهیه کرده ، و برای رفع نیازمندی های ایرانیان به نواحی مختلف کشور فرستاده اند .

توجه خداوند به کتاب

در کتابهای دینی آمده است که نخستین شخصی که کتابت یا خط سریانی را بر نهاد و راه و رسم خط های دیگر را نشان داد آدم ابوالبشر بود. و این کار را سیصد سال پیش از مرگ خود انجام داد. و چون این خطوط را وضع کرد، آن همه را بر روی گل نگاشت، و گل ها را خشک کرد و پخت. و چون زمین در طوفان نوح گرفتار غرق شد، و به رحمت خدا از آن بلا رهایی یافت و اندک اندک آدمی زادگان در بسیط زمین رفتند، هر کسی و هر قومی خط خود را در سرزمین خود یافت. (۱۹)

و نیز نخستین کسی که به زبان عربی چیز نوشته، ادریس بوده، و پس از وی اسماعیل پسر ابراهیم بوده است. و نیز آورده اند نخستین کسی که به زبان عربی کتاب نوشته "حرب بن امیه بن عبد شمس" بوده است.

در همین کتاب ها باز می خوانیم که نویسندگان فارسی برای پادشاهان یا خسروان خود چهار خاتم ساخته بودند که به ترتیب خاتم جنگ، خراج و عمارت، برید و مظالم بود. بر روی خاتم جنگ نوشته بود: مدارا؛ و بر خاتم خراج و عمارت نوشته بود: تأئید؛ و بر خاتم برید نوشته بود: شتاب و سخت کوشی؛ و بر خاتم مظالم نوشته بود: دادگری. (۲۰)

و نیز پادشاهان ایران دو دیوان داشتند، یکی: دیوان خراج؛ دو دیگر: دیوان نفقات. هر چه از ولایات میرسید به دیوان خراج افزوده میشد و هر چه برای سپاه و آبادانی صرف می شد از دیوان نفقات برداشت می گشت. و از آیین پادشاهان ایران آن بود که هر یک از گروهی که در خدمت آنها بودند لباسی ویژه داشتند، که هیچیک از افراد گروه یا طبقه دیگر حق نداشتند لباس طبقه دیگر را بپوشند؛ و هرگاه مردی به خدمت آنها می رسید از روی پوشاکش می فهمیدند که هنر او چیست و طبقه او کدام است. کاتبان نیز در حضور آنان لباس ویژه خود را می پوشیدند، و هرگاه پادشاه به جنگ میرفت، کاتبان به لباس جنگجویان در می آمدند.

(۱۹). جهشیاری: الوزراء و الكتاب، ص ۳ - ۱، چ مصر؛ ابن عبدربه: العقد.

الفرید. ج ۳، ص ۱۳، چ بیروت.

(۲۰). جهشیاری: الوزراء و الكتاب، ص ۳ - ۲؛ حاجظ: البیان والتبیین، ج

۲، ص ۱۹۴، شرح و تحقیق محمد عبدالسلام هارون، چ قاهره.

همچنین پادشاهان ایران، نویسندگان را "ترجمانان پادشاه" می‌نامیدند و همواره به آنها می‌گفتند: نباید که سخن سبک بنویسید و معانی بلند را فروگذارید و دلایل‌های لازم را یاد نکنید.

و رسم بر این بوده که نویسندگان جوان را که در دربار پادشاه بهم رسیده بودند، کارهای سزاوار بدهند، و نویسندگان مجرب را دستور می‌داند که در امتحان و آزمایش و پژوهش از اندیشه‌های آنان بگویند تا شایسته خدمت هست یا نه؟ این پادشاهان ارج نویسنده‌گی و نویسندگان را می‌شناختند و هنر آنها را می‌پنداشتند و استواری در بار و کمال پادشاهی و روشنی نظام سلطنت می‌دانستند، و شرف و مرتبت آنها تا بعدی بود که خسروان آنان را زبان گویای پادشاه، و گنجینه دار اموال خود و امین خود در میان رعیت و شهرها می‌دانستند. (۲۱)

افسانه‌ی شگفت:

مفسر معروف "کلبی" گفت: کتابت یا خط‌ملت‌ها بر دو نوع است: یکی از راست آغاز می‌شود و به طرف چپ نوشته می‌شود و آن شامل زبان عربی و عبری می‌شود، و دیگری از چپ آغاز می‌گردد و به راست ادامه می‌یابد. و آن خط یونانی و رومی است، و هر خطی که از راست آغاز شود برتر و گزیده تر است. خط چینی‌ها نیز نقش‌هایی است که نگاشته می‌شود. و آورده اند که پادشاه روم گفت: بر هیچ چیز تازیان باندازه خطشان و اشکال خطوطشان حسد نبردم! (۲۲)

در فضیلت نوشتن سخنان بسیار گفته اند. یکی گفته است: خط زبان دست است و آن طلسم بزرگ است. و گفته اند: خط هندسه روحانی است که به آلت جسمانی آشکار می‌گردد. و گفته اند: دانش درخت است و نوشتن میوه آن. و برخی نوشتن را برگ گفتن رجحان داده و گفته اند: نوشتن، دور و نزدیک هر دو را شاید، ولی گفتن تنها نزدیک را بکار آید. (۲۳)

اکنون گوئیم: فضیلت کتابت را همین بس که خدا در قرآن فرشتگان گرامی خود را جزو نویسندگان قرارداده است آنجا که می‌گوید: "شما را نگاهبانانی باشند از نویسندگان

(۲۱) اصفهانی راغب: محاضرات الادباء، ج ۱، ص ۹۶.

(۲۲) ایضا، محاضرات، ج ۱، ص ۹۷، چ بیروت؛ و خوارزمی: مفاتیح العلوم، ص ۹۸.

(۲۳) ابشیهی: المستطرف، ج ۱، ص ۲۱۹، چ بیروت.

گرامی ، که آنچه رامی نویسند می دانند (۲۴) و نیز می گوید " (آن صحیفه های گرامی و پاک) به دست نویسندگان گرامی نیکوکار باشد . " (۲۵)

بیشتر بزرگان و امیران و وزیران راه کتابت و نویسندگی به مقامات بلند رسیده اند . در صدر اسلام نیز کاتبان وحی برترین مقامات دینی و دنیائی را داشتند . گرامی ترین مردم برای مسلمانان پس از رسول اکرم : عثمان و علی ، عمر و معاویه و عبدالملک بودند که همه به نیروی کتابت و ارجمندی نویسندگی به مقام خلافت رسیدند و هر مسند پیامبر اسلام تکیه زدند ، و گویند : اعرابی از یاران پیامبر پرسید ، یک یک می شمرند تا به معاویه رسیدند . اعرابی برخاست و با شگفتی گفت : به خدای کعبه سوگند ، که همه کارها به دست کاتبان بوده و هست ! و شاعری در این باب نیک سروده است : (۲۶)

مردم نیستند مگر نویسندگان
آنان سیم اند و اینان زر
زیرا عیش دنیا شان را به دست کرده اند به یک شاخه از نی ! (۲۷)

در مذاهب مسیحی هم که کم و بیش با فرهنگ یونانی پیوند نزدیک دارد کلمه

Book را با Byblos یونانی و پاپیروس Papyrus مصری و بیبل Bible

(تورات) که خود به معنی کتاب « Book » است هم ریشه دانسته اند . (۲۸)

اگر این حدس درست باشد باید گفت : هیچ دینی بی کتاب قوت نمی گرفته و بدون قوانین مدونی که در دفتری گرد آمده بود استوار نمی گشته است . حتی پیامبران بزرگی که به ظاهر دینشان آسمانی نیست و یا دست کم خداوندان این پنج دین و پیروان آنها ، آنان را پیامبران راستین نمی دانند ، همه کتاب داشته اند . زرتشت و بودا و مانی و مزدک و حتی در آغاز اسلام پیامبر نمایان گستاخی چون مسیلمه کذاب (وفات ۵۴ هـ) و سجاح دختر حارث (۵۵ هـ) کتابی نوشته اند . و گویا داشتن کتاب برای رواج نبوت از پایه های رسالت و یا ادعای آن به شمار می رفته است . همچنانکه امروزه برای گرفتن بهره مند شدن از عنوان لیسانسیه و دکتری ، نوشتن یا رونویسی کتابی لازم است . زیرا همچنانکه در گذشته دیده شده امروز هم بی داشتن کتابی یا مجله و روزنامه ای هیچ دکانی

(۲۴) . قرآن ، سوره ۸۲ ، آیه ۵ و ۱۱ و ۱۲ . " . . . کراما " کاتبین یعلمون ماتفعلون . "

(۲۵) . ایضا " قرآن ، سوره ۸۵ ، آیه ۱۵ و ۱۶ " بایدی سفره . کرام برره . "

(۲۶) . ما الناس الا الکتبه هم فضه فی ذهبه

قداء حرزوا دنیا هم بشعبه من قصبه !

(۲۷) . اصفهانی راغب : محاضرات الادباء ، ج ، ص ۹۷ ، چ بیروت .

(28). Encyclopaedia Britannica, VolB, P. 620-21. 1968.

از وزارت و استادی و غیره بسر نمی‌رود. و گوئی مولوی در حق کتاب گفته است :
" بی همگان بسز رود بی تو بسر نمی‌رود ."

سخنان بزرگان در باره کتاب

ابن المقفع (وفات ۱۴۲ هـ) گفته است : " هر هنری نیازمند یک هوشمندی است مگر کتابت که نیازمند دو هوشمندی است : گرد کردن معانی در قلب ، و گرد کردن حروف به نیروی قلم . " (و جاحظ (وفات ۲۵۵ هـ) گفته است " روشی پسندیده تراز رسم کاتبان ندیدم زیرا از الفاظ آنهایی را بر می‌گزینند که وحشی و دور از ذهن یا مبتذل و بازاری نیست . " و همو گوید : " شعر شاعرانی پسندیده تر و دل‌آویز تر بوده که نویسندگی می‌کرده اند مانند نابغه " ذبیانی " (وفات ۶۰۴ م) و " زهیر بن ابی سلمی " (وفات ۶۲۷ م / ۶ هـ) . (۲۹)

اینجا تذکر یک نکته لازم است ، زیرا بدون توجه بآن ممکن است برای برخی از مردم توهماتی پیش‌آید که مایه گمراهی آنها گردد و آن اینست که اگر برخی اوقات شاعران و نویسندگان را می‌بینیم که از شغل و پیشه خود ناله سر می‌دهند و از دست هنر های خویشان فریاد می‌کشند . چون آنها راناشاد و رنجور داشته است ، واقعیت این است که از ته دل نیست ، و تنها از لحاظ شکوه از روزگار و نادانی مردم و عدم تشخیص ابنای زمانه سخنانی دلپذیر و گاهی تاسف انگیز گفته اند ، و گرنه درکمال فقر و نیازمندی ، باز از نیروی باطنی خود و تاثیر هنر خود خبر دارند . خواجه شیراز را بنگرید چه می‌گوید :

حافظار سیم و زرت نیست برو شاکر باش چه به از دولت لطف سخن و طبع کریم ! ؟
و گویند : روزی مامون عباسی (وفات ۲۱۸ هـ) به احمد بن یوسف کوفی (وفات ۲۱۳ هـ) گفت : ایکاش من نیز خطی چون تو می‌داشتم . احمد در پاسخ گفت . ای امیر ، اگر در نویسندگی بهره‌ی بی بود ، خدا آن را بر پیامبرش حرام نمی‌کرد و او را امی نمی‌فرستاد ! (۳۰)

اما این احمد که بود که اینچنین " نعل وارونه " می‌زد ، سرپرست دیوان رسائل مامون بود و همه اسرار و احوال مامون بر وی آشکار بود ، و همو وقتی محمد بن عبدالله

(۲۹) . جاحظ : البیان و التبیین ، ج ۲ ، ص ۱۶۱ ، ج محمد عبدالسلام هارون .
(۳۰) . راغب اصفهانی : محاضرات الادباء ، ج ۱ ، ص ۱۰۰ " ... قال المامون لاحمد بن یوسف : و ددت أن یكون لسی خط کخطک إفقال : یا امیر المومنین لوکان فی الخط حظ ما إحرمه الله تعالی نبیه . "

ظاهر برای خوردن ناهار به سرای وی آمده بود ، سبب سفره رنگین گسترده دید و مهمان از آلات و ظروف دهشت گرفت ! (۳۱)

* * *

علی امیرمؤمنان می گوید : " در شرافت دانش همین بس که هرکس که آن را نمی داند ، هم آن را به خود می بندد ، و چون آن را به وی نسبت می دهند شادمان می شود اگر چه اهل آن نباشد ، و در پستی نادانی همین بس که نادان نیز از آن بیزار است ، و هر گاه نادانی را به وی نسبت می کنند خشم می گیرد !

و گویند : " عمر بر گروهی بگذشت که نمی توانستند خوب تیر بیندازند ، عمر آنان را سرزنش کردن گرفت ، گفتند : ما گروهی " دانشجو " هستیم . وی خشمناک شد و از آنها در گذشت " و گفت " بخدا سوگند که زبان و خامه شما سخت تر و گذرنده تر از پیکان تیر اندازان است . " (۳۲)

در فرق میان ادیب و عالم سخنان بسیار گفته اند . ولی یکی از بهترین قول ها اینست که ادیب کسی است که از هر چیز بهترین آنها را می گیرد و گرد هم می آورد . ولی عالم یک فن را می گیرد و در آن ممارست و تمرین می کند تا مهارت یابد . و از این روست که علی امیرمؤمنان می گوید : دانش بیشتر از شماره است ، پس از هر چیز بهترش را بگیرید ، و آنها را به قید کتابت در آورید تا جاودان باشد . "

وسفیان ثوری (وفات ۱۵۲ هـ) می گوید : " از خلیل بن احمد شنیدم که گفت : هر گاه خواستی علم را برای خودت یاد بگیری از هر علمی چیزی گرد کن ، ولی هرگاه خواستی که در یک علم سرآمد شوی ، راه تو اینست که یک دانش را دنبال کنی " . و از این روست که شعبی (وفات حدود ۱۲۱ هـ) گفت :

" هرگز بر من پیروز نشد مگر کسی که در یک دانش مهارت یافته و خداوند یک هنر بود " . بزرگمهر گفته است : " هرکس سروری جوید ، باید که چهار چیز در او جمع باشد : پاکدامنی امانت ، دانش و ادب ، و نویسندگی و خط نیکو " .

و همو گفته است : " هرکس که ادبش افزون باشد ، شرافت او افزون شود اگر چه گمنام باشد ، و نام او تا دوردست ها برود اگر چه پست و فرومایه باشد ، و سروری یابد اگر چه غریب باشد ، و نیاز مردمان به سوی او بسیار گردد اگر چه خود نیازمند باشد " . و هم از اوست که : " ادب فرا بگیرید ، زیرا در سفر همراه شماست ، و در حضر همنشین ، و در تنهایی غمخوار ، و در بزم ها مایه احترام و زیبایی و وسیله طلب روزی " .

(۳۱) یاقوت حموی معجم الادباء ، ج ۵ ص ۷۲ - ۱۶۶ ، چ دارالمأمون

(۳۲) بیهقی: المحاسن و المساوی : چ مصر ، ج ۱ ، ص ۳ - ۲

ابن سکیت (وفات ۲۷۳ هـ) گفته است : " فراگیر از ادب آنچه به دلها آویزد ، و گوش ها آن را طلب کند ، و از نحو یاد گیر آنچه را که سخن بدان راست شود و مشکلات آن را فرو گذار ، و از این میان از شعر آنچه معانی لطیف دارد در حفظ آرواخبار مردمان را به نیکی یاد بگیر و در داستانها و سخنهایشان دقیق شو ، ولی از سخنان بیمایه آن دور باش " .

ارسطو (وفات ۳۲۲ ق . م .) گفته است ، " کاش می دانستم چه چیز از دست داده کسی که ادب فرا گرفته ؟ و چه چیز یافته است کسی که ادب یاد نگرفته ؟ !
عبدالملک مروان (وفات ۸۶ هـ . ق) گفته است : مردم به چیزی نیازمندتر از آن نیستند که به درست کردن زبانشان که بدان سخن می گویند و نکته ها راه همدیگر هدیه می کنند ، و مشکلات علم را از نهانگاه های آنها استخراج می کنند و پراکنده های آن را گرد هم می آورند ، زیرا سخن چون داوری است که میان دادخواهان داوری می کند ، و نوری است که تاریکی را می زداید ، و نیاز مردم به مواد آن مانند نیازشان به مواد غذایی است " .

و اعرابی به بازار در آمد ، و شنید که سخن درست نمی گویند و به اصطلاح " لحن می کنند " ، گفت : " عجب است ، سخن نادرست می گویند و با این همه در تجارت سود هم می کنند !

و یکی از فرزندان ایران گفته است : " انسان نمی تواند همه کارها را نیک بداند و بکند ، ولی هر انسانی یک کار را بهتر می کند و راستی را : هرکسی را بهر کاری ساخته اند " .

و حکیمان گفته اند : " کتاب بهترین همنشین و اندوخته است اگر خواهی بدبیه هایش ترا شاد سازد و نادره هایش ترا بخنداند ، و اگر خواهی پند هایش ترا دلیر کند : و از شگفتی های خود ترا متعجب سازد : و او گذشته و آینده ، و اول و آخر : و کم و زیاد و غایب و حاضر ، و همسانان و غیر همسانان را برای تو جمع میکند ، مرده بی است که به زندگان سخن می گوید ، و در باره زندگان بحث در می پیوندد و همنشینی است که به شادی تو شاد می شود با خوابیدن تو بخواب می رود ، و جز بدانچه تو می خواهی سخن نمی گوید . هیچ یار و همسایه بی عادل تر از او ، و هیچ رفیقی رام تر و هیچ آموزگاری فروتن تر ، و هیچ دوستی کافی تر ، و کم جنایت تر و پسر سودتر و خوشخوی تر و شادی آفرین تر و راز نگاه دار تر و کم خرج تر از کتاب نیست . اگر در آن بنگری ، بهره مند شوی و طبع ترا تیز تر و دانش ترا بیشتر می کند و می توانی در یک ماه ، همه آنچه را در یک عمر می توانی یاد گرفت فراگیری . معلمی است که ترا جفا نکند ، و اگر تو ماده "

او را قطع کنی، فایدهٔ خود را از تو نمی برد .

شعبی (وفات حدود ۱۲۱ هـ.) گفت:

"هیچ فرمانروا یا بازاری را ندیدم که به من نیازمند نباشد مگر عبدالملک مروان، زیرا هر شعری برای او خواندم و یا حدیثی گفتم، وی سخن مرا تکمیل کرد و آن را نوشت یا نویسانید. و هر طعامی که برای او آوردند تا کتابت و سخنگویی خود را به پایان نیاورد، نخورد. و همواره در جواب می گفت: غذای روح بهتر از غذای تن است."

و محمد زهری (وفات ۸۳ هـ.) گوید: "هرگاه نکته‌یی شنیدی آن را بنویس اگر چه بر روی دیوار باشد!

و گویند: "یکی از نویسندگان به یکی از دوستان خود دفتری از نکته‌های دلپذیر و سخنان دل‌آویز فرستاد و نوشت: این هدیهٔ من بابخشیدن افزونی گیرد و یا کوشیدن زیاده گردد، عاریه دادن آن راتباه نگرداند، و بسیار صفحه زدن آن رازنده و پاره‌نکند؛ در شب و روز و سفر و حضر هم‌نشین تو باشد؛ و دنیا و آخرت را نیکو سازد."
دیگری گفته است: "کتابها، بوستانهای دانشوران است. و دیگری گفته است: "کتاب هم‌نشینی است که هیچ‌گونه خرج ندارد."

و گویند: فضل بن سهل با ماء مون از کنار "دیر مران" در غوطهٔ دمشق می‌گذشتند. فضل گفت: یا امیر، آیا در مملکت تازیان چیزی زیبا تر از این دیده‌ای؟ گفت: آری، کتابی که در آن نکته‌های خاطر‌انگیز و روشنگر باشد، و دل‌ها را پاک کند و مونس جان‌ها باشد.

و راستی اگر نکته‌های نوشته و کتابهای مدونه نبود، بیشتر دانش بشر از میان می‌رفت. و فرمانروای فراموشی بر سلطان دانش و تذکار پیروز می‌گشت. شریف‌ترین و دل‌آویزترین کتاب‌ها که در آنها هدایت و رحمت فراوان است کتابهای خداست که همه بر روی لوح‌ها و کاغذها کتابت شده است. چنانکه خدای بزرگ گفت "ام لم ینبأ بما فی صحف موسی. و ابراهیم الذی و فی" (سوره النجم "سوره ۵۳" آیه ۳۶ و ۳۷)
"الم. ذالک الکتاب لاریب فیہ هدی للمتقین". (سوره البقره "سوره ۲" آیه ۱ و ۲)
"..... ما فرطنا فی الکتاب من شیء....." (سوره الانعام "سوره ۶" آیه ۳۸)
"کراما کاتبین" (سوره الانفطار "سوره ۸۲" آیه ۱۱)، "و اما من اوتی کتابه و زاء ظهره." (سوره الانشاق "سوره ۸۴" آیه ۱۵)، "اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا" (سوره الاسراء "سوره ۱۷" آیه ۱۴).

و اینجا یک نکته جالب است که بنظر همهٔ دانایان دین و مسلمانان اگر خدای

بزرگ اعمال بندگان خود رانمی نوشت، باز هم می توانست آنان را جزا دهد و کیفر کند زیرا " ذره بی در آسمانها و زمین از دانش او بیرون نیست " با وجود این کارهای خود را به کتابت و نویسندگی مقید کرد تا ارجمندی آن را برای مردم آشکار سازد. و از آن جمله نوشتن به قلم راه مردم آموخت و در چندین جای قرآن آن راستود. " اقرأ وربک الاکرم . الذی علم بالقلم (سوره العلق "سوره ۹۶" آیه ۳ و ۴) . خود را به این ستود که نویسندگی به قلم پیاموخت، همچنان که خود راه کرم ستود. و از جمله همه موجودات بزرگ بدانهایی که قسم یاد کرد یکی نیز قلم بود و آنچه به قلم نویسند، چنانکه گفت " ن والقلم وما یسطرون (سوره القلم "سوره آیه ۱) .

و نیز قلم از زبان بر تراست؛ زیرا نوشته آن را در همه جا می خوانند. و آنچه در آن است به هر زبانی در می آید، و در هر زمان پیدا می شود. در صورتی که منقولات زبان و هدیه آن از مجلس گوینده اش تجاوز نمی کند. (۳۳)

کتابها از نظر اخوان الصفا

بدان ای برادر، که داستان خداوندان رساله ها با طالبان علم و جویندگان دانش، و خوانندگان رهایی و گزینندگان راه رستگاری، همانند مردی دانشور حکیم و بخشنده کریم است که بوستانی سبز و خرم و دلگشا، و دل انگیز و شگفت، خوش میوه و پر ثمر، و پر گل و پر بو، و شکفته گل و خوش منظر و روح افزای پر رنگ و نگار خوش رنگ و بو، میانه نرم و خشک، و شیرین و ترش دارد، و جز اینها پرندگان خوش آواز و طوطیان سرود خوان، بر شاخسارها، و در زیر درخت ها جویبارهای روان دارد، و میان گلها و سبزیهای آن جدول های پر آب موج زن تعبیه کرده اند. و در میان نهادهای آب جدول های سر سبز خرم، و صدف های تابناک آن گوهرهای خوش رنگ دل آویز نو آیین است که شادی هر جانی و روشنی هر دیده بی و برگیرنده هر غمی باشد. پس آن خداوند باغ از روی بزرگواری و بلند نهادی بخواهد که هر سزاواری را در آن باغ در آورد، و بدان و در آن هر خردمند دانش پژوهی را لذت بخشد. پس در میان مردم بانگ دردهد که: بیایید، بیایید و در این بوستان اندر شوید و هر چه بخواهید از میوه آن بخورید، و هر چه از گلهای آن بخواهید ببویید، و هر جا خواهید بگردید و شاد باشید و آزادی

(۳۳) این مطالب را به ترتیب از: حاجط: البیان والتبیین، ج ۱، چ مصر: بیهقی: المحاسن و المساوی، ج ۱، ص ۱۵ - ۲؛ یاقوت، حموی، معجم الادباء، ج ۱، ص ۴۳ - ۲۲ ترجمه و نقل کرده ایم.

کنید و بخورید و بیاشامید و بهره گیرید. کسی او را پاسخ ندهد، و سخنش را باور ندارد، و هیچکس به وی التفات نکند زیرا سخنش را باور نکردنی و "گنده" بدانند. حکیم ناچار بر در بوستان بایستد، و از تحفه‌ها و شگفتی‌ها میوه‌های لطیف آن بیرون آورد و از گل‌های خوشبو و خوش‌رنگ آن بچیند، و از بلبلان خوش‌الحان و پرندگان خوش‌آواز آن به دست گیرد. و از شراب‌های خوشگوار آن در پیمانه کند. آنگاه هرکس که بروی بگذرد، آنها را به وی نشان دهد و ذوق و میل مردمان را نسبت به آنها برانگیزد، و برخی از آنها را از این نعمت‌ها بچشاند، و از گل‌های آن به بینی آنها نزدیک سازد، و از آوازه‌های دل‌انگیز به آنان بشنواند. تا چون چشیدند و بویدند، و بدان شاد گشتند و طربناک شدند و رغبت گرفتند و مایل گشتند، و حکیم دریافت که تازه وارد بر همه چیزهایی که در بوستان است آگاه شده و جانش به سوی آنها مشتاق گشته، و طالب ورود در بوستان است، و دلش از دوری آن می‌تپد و طالب وصال آن است و آرام و شکیب ندارد، در آن حال به او می‌گوید: در بوستان درآی، و هرچه خواهی بخور، و هرچه خواهی ببوی، و هرچه خواهی برگزین، و هر طور که خواهی بنگرو ببین، و چنانکه خواهی بهره‌مند شو، و از هر جا که خواهی بیا، و لذت ببر و کام‌گیر و خوش‌باش و بخند... این بوستانها چنانکه گفتیم کتابهاست به ویژه کتابهای حکمت که ماهی‌رهایی از ضلالت است (۳۴)

تذکره - اخوان الصفاء گروهی از حکیمان و عالمان ایرانی بودند که در میانه سده چهارم هجری در بصره و بغداد انجمن‌هایی تشکیل می‌دادند. هدف آنان هم‌آهنگ ساختن اسلام با فلسفه یونان به ویژه زدودن دین از خرافات جاهلانه بود. و در این راه فلسفه را با آیات قرآن و برخی سخنان پیشوایان می‌آراستند تا مقبول طبع مردم صاحب‌نظر هم باشد. اینان ۵۱ "رساله" در علوم و فنون گوناگون نوشتند و آنرا به نامهای مستعار و ای‌سا ناشناخته در میان مردم پراکندند. از نام‌های شناخته شده این جماعت: ابوسلیمان بستی، ابوالحسن علی بن هارون زنجانی، ابو احمد نهر جوری و زید بن رفاعه العوفی را نام برده‌اند. (۳۵)

(۳۴) اخوان الصفاء، الرسائل، ج ۱، ص ۱۹ - ۲۰، کلمه عامه، فی وصف الرسائل.

(۳۵) برای آگاهی بیشتر، طالبان بنگرند به: ابوحیان توحیدی: الامتاع و الموانشه

ج ۲۰، ص ۱۴۰، ۱۱۲، ج ۱، احمد امین، بیروت.

تعبیر مختلف کتاب

اگر بخواهیم همه تعبیراتی را که از کتاب شده و معانی مختلفی را که این کلمه یافته است با سیر تاریخی آن بیان کنیم سخن به درازا میکشد. اینجا مهمترین تعبیراتی که کتاب همراه آن تعبیرها و جمله‌ها بکار می‌رود و کم و بیش در زبان فارسی مرسوم است در زیر یاد می‌کنیم:

۱. کتاب آسمانی. / کتاب آسمانی به کتابی گفته می‌شود که از طرف خدا بر پیامبری نازل شده باشد. مهم‌ترین کتابهای آسمانی پنج کتاب است که بر پنج پیامبر اولوالعزم فرود آمد و پیش از این، مطلب مذکور را یاد کردیم.

بسیاری از مسلمانان برآنند که جز این پنج کتاب، ۱۱۴ کتاب یا به عبارت دقیق‌تر صحیفه (جمع صحف) دیگر نازل شده است: ۵۰ صحیفه بر آدم و شیث، ۳۰ صحیفه بر نوح، ۲۰ صحیفه بر ابراهیم و ۱۴ صحیفه بر دیگر پیامبران. (۳۶)

شک نیست که این مطلب قرینه سازی است جهت افزودن منزلت قرآن مجید، که همه صحیفه‌های پیامبران با شماره سوره‌های قرآن برابر است و تکیه بر این نکته که آنچه در کتابهای مذکور آمده همه در قرآن مجید یاد شده و آنچه خوبان همه دارند این کتاب مجید تنها دارد.

اینجا یک نکته را نیز نادیده نباید گرفت و آن اینست که در عرفان بلند پایه و انسان مدار " (۳۷) ایرانی سخنان خدا و کتابهای آسمانی آن منحصر به پیامبران نیست. بلکه پاکان و وارستگان نیز کتاب دارند اگر چه به ظاهر آسمانی نیست. شعر معروف شیخ بهایی (وفات ۱۰۴۱ هـ.) را در حق کتاب عظیم مثنوی مولوی (وفات ۶۷۲ هـ.) شنیده اید که می‌گوید:

من نمی‌گویم که آن عالیه‌جناب	هست پیغمبر ولی دارد کتاب
مثنوی او چو قرآن مدل (۳۸)	هادی برخی و برخی رامضل (۳۹)

و نیز در احوال شیخ ابو سعید ابی‌الخیر (وفات ۴۴۰ هـ.) آمده است " از جدم .. شنیدم که یک روز شیخ ابو سعید سخن میگفت، دانشمندی فاضل حاضر بود. آهسته

(۳۶) بلعمی: ترجمه تاریخ طبری، ج ۱، ص ۷ - ۱۰۶، چ پروین گنابادی

37. Humanist

(۳۸) مدل: از ادلال؛ دلالت و راهنمایی کننده.

(۳۹) مضل: از اضلال؛ گمراه کننده.

گفت که: " این سخن که شیخ می گوید در هفت سبع قرآن هیچ جای نیست. " شیخ به فراست (۴۰) دریافت و گفت: " این سخن در سبع هشتم است! " آن دانشمند گفت: سبع هشتم کدام است؟ گفت: این هفت سبع آن است که گفت: ای پیامبر برسان آنچه به سویت فرستاده می شود. (۴۱) و سبع هشتم آن است که گفت: وحی کرد بسوی بنده اش آنچه را که وحی کرد (۴۲) شما پندارید که سخن خدای بزرگ محدود و محدود است، حال آنکه کلام خدا را کرانه پیدا نیست؛ آنچه بر محمد نازل کرد این هفت سبع است و اما آنچه به دلهای بندگان می رساند در حصر و عد (۴۳) نیاید و بریده نشود، در هر لحظه پیامی بدل بندگان می رسد. (۴۴)

۲. کتاب تفصیلی . - در فلسفه ، مجموعه* موجودات عالم خلق و عالم امر (= دنیا و آخرت = زمین و آسمان) را گویند که همه آنها مراتب تفصیل عالم الهی اندوه هر مرتبه‌یی که در بالاست به منزله اجمال جهان زیرین است و همه گزارشگر خداوندی و توانایی او هستند . و شیخ محمد شبستری در اشاره به این کتاب می گوید:

بنزد آنکه جانش در تجلاست همه عالم کتاب حق تعالی است

۳. کتاب تکوینی . - تعبیر دیگری است از همه* موجودات عالم اعم از مادی و معنوی یا محسوس و معقول .

۴. کتاب جامع . - نفس آدمی زاده است از آن جهت که در بردارنده ، همه مراتب و کمالات جهان بیرون است ، یا جهان کوچکی است همانند عالم بزرگ . و گاه نیز آن را " عالم اصغر " گویند در برابر " عالم اکبر " و صوفیان و عارفان بزرگ ایرانی در شرح و تفسیر آن سخنان زیبا و دلپذیر بسیار گفته اند . و از ابن سینا یا دیگران نقل کرده اند که گفت " ای انسان ، پنداری که تو جرمی کوچک هستی ، در حالی که جهان بزرگ در وجود تو مندرج گشته است . " (۴۵)

(۴۰) فراست: پی بردن از خلق به خلق و خوی (ابن مسکویه: تهذیب الاخلاق) .

(۴۱) یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک . . . (سوره ۵ ، آیه ۶۷) .

(۴۲) فاوحی الی عبده ما اوحی (سوره ۵۳ ، آیه ۱۰) .

(۴۳) حصر و عد : شماره ؛ شمارش .

(۴۴) حالات و سخنان ابو سعید ابوالخیر ، ص ۵۱ - ۵۰ ، چ زوکوفسکی .

(۴۵) شیرازی ، ملاصدرا : الاسفار الاربعه ، ج ۲ ، ص ۱۵۲ - ۴۹ ، باب نفس ، چ تهران ؛

موسی سلامه : حریه الفکر و ابطالها فی التاریخ ، ص ۷۱ چ ، مصر ، که این سخن را به

ابن سینا منسوب دانسته است .

۵. کتاب چاپی - کتابی که آن را در چاپخانه‌ی چاپ کرده و برای مردم یا گروه و یا خاندان ویژه‌ی آماده کرده باشند؛ و امکان تکثیر آن به چندین نوع ممکن است که از بحث ما خارج است.

۶. کتاب خدا . مقصود از آن قرآن مجید است که بر پیامبر اسلام محمد بن عبدالله در طول ۲۳ سال وحی کرده است و آن ۱۱۴ سوره و ۶۶۶۶ آیه دارد.
آیه قرآن که نغز و دلکش است شش هزار و ششصد و شش است. و به این معنی در کتابهای دینی و کلامی ما بسیار آمده است.

نمونه را " و سخن گفتم اندر و با حکماء دینی به آیات کتاب خدای تعالی و اخبار رسول او... " (۴۶)

۷. کتاب خطی . - کتابی را گویند که نویسنده یا کاتبی آن را با دست خویش نوشته باشد. پیش از پیداشدن صنعت چاپ کتابها همه خطی بوده و آنها را بیشتر اوقات خط نویسان می نوشتند.

۸. کتاب شیطان (یا شیطانی) . - نفس انسان در زمانی که در درجات پست ماده گرائی و دنیا مداری بیفتد و آن را " کتاب الفجار " نیز گویند که از آیه قرآن مجید برگرفته شده است که " ان الفجار لفی جحیم = بیگمان تباهکاران در دوزخ باشند. "
۹. کتاب عزیز . قرآن مجید است. چنانکه ناصر خسرو می گوید " چنانکه اندر کتاب عزیز اوست " و ما بکم من نعمه ... " (۴۷)

۱۰. کتاب عقلی . - نفس انسان است از آن نظر که صورتهای همه موجودات در آن نقش می بندد و مرتسم می گردد ، و او از ارتباط آنها صورتهای عقلی می سازد.
۱۱. کتاب علوی . - نفس انسان در درجات و کمالات برتر، این کتاب را " کتاب الابرار " هم گفته اند که در قرآن نیز به آن اشاره شده است " ان الابرار لفی نعیم = بیگمان نیکوکاران در نعمت باشند " .

۱۲. کتاب محو و اثبات . - مراد انسان است از آن نظر که نفس حیوانی در اوست و پیوسته صورتهای خیالی در ذهنش می آیند و بعد محوگشته از میان می روند. و باز گفته اند مراد از این کتاب ، موجودات همین عالم مادی ما نیز هست که " یکی می رود دیگر آید بجای "

۱۳. کتاب مسطور . - کتابی است که با عقدا اهل دین همه سرنوشت بشرو رویدادهای این جهانی و آن جهانی در آن نوشته است. و به این کتاب نیز در قرآن اشارت رفته است.

(۴۶) ناصر خسرو : جامع الحکمتین ، ص ۱۸ .

(۴۷) ایضاً ، جامع الحکمتین ، ص ۴ .

۱۴. کتاب نمدی . - نوشته یا سند بی اصل و بیهوده را گویند ، و آنرا " دفتر نمدی " هم خوانده اند . در فرهنگ آنند راج از شاعر میر الهی نام در هجو " شیدا " نام شاعر شعری آمده که معنی این تعبیر را روشن تر می سازد . می گوید :

شیدای منافق که سراپاش بد است هم مرتدوهم رداست وهم تخم دداست
با آنکه کلوخ چین بود اشعارش دیوانش سبکتر از کتاب نمد است !

همچنین از کتاب ، کلمات زیر اشتقاق یافته و بکار می رود :

کردن : کتاب (جمع کاتب ؛ نویسندگان ؛ و به معنی دبستان) ؛ کتابت ؛ کتابت کتابچه ، کتابخانه (کتابخانه خصوصی ، کتابخانه شخصی ، کتابخانه عمومی) (۴۸) کتابخوان ؛ کتابدار ، کتابداری ؛ کتابدوست ؛ کتاب دوستی ؛ کتاب ساختن ؛ کتاب شناس (۴۹) کتابشناسی (۵۰) کتاب فروش (۵۱) ؛ کتابفروشی ؛ کتابه (خطی که آن را روی کاغذ یا پارچه نویسند) ، کتابه (آیاتی از قرآن که در روی پارچه بیرق نویسند) ؛ کتابی (کسی که در هر مبحثی به کتاب استدلال می کند و به استدلال و استنباط شخصی خود یا دیگران کمتر توجه دارد) ، کتابی (نوعی شیشه شراب که بیشتر بغلی است و در جیب می گنجد کتابی زدن (نوشیدن شراب از کتابی ، حبیب خراسانی می گوید :
یک دو کتابی بزن از دست پیر تا خبر از سر کتابت دهد !

تعریف کتاب

اما در اصطلاح ، کتاب مجموعه نوشته ها یا نگاشته های خطی یا چاپی را گویند که در باره یک یا دو یا چند موضوع گوناگون در آن سخن رفته باشد . (۵۲) چنانکه پیش از این گفتیم کتاب در گذشته شکل ها و نوع های گوناگون داشته و با دست و مرکب و قلم نی و غیره نوشته می شد ، اما پس از اختراع فن چاپ کتاب صورت نوی یافت ، و بیشتر از گذشته در دسترس طالبان آن قرار گرفت و با نوشتن مطالب روز ، و آسان کردن مفاهیم

(48) Public Library.

(49) Bibliographer

(50) Bibliography.

(51) Book seller

(۵۲) بریتانیکا ، ج ۳ ، ص ۶۲۲ ، ج ۱۹۶۸ ، ماده Book ؛ و علی اکبر دهخدا ، لغت نامه ، ج ۶۱ ، ص ۲۹ .

ونوشتن فهرست و خلاصه هر بحث رغبت مردم را بیش از گذشته به کتاب معطوف کردند .
 در سازمان یونسکو کتاب رانزدیک بدین مضمون تعریف کرده اند " کتاب ، مجموعه
 نوشته یانگاشته‌بی است که بادر نظر گرفتن نیازهای مردم نوشته و منتشر می شود وبه‌ویژه
 در آن صلح و بهداشت توده‌های مردم بیش از پیش مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد ."
 شک نیست که این سازمان تعریفی مخصوص کتاب بدست نداده ولی از بیان مرانامه
 آن چنین بر می آید که هر کتابی که زیر نظارت این سازمان نوشته شده باشد باید مروج
 صلح و سلامت ملت ها و به ویژه ملت هایی که در اول ژانویه سال ۱۹۴۲ مقدمات این
 سازمان را بنیاد نهادند باشد . (۵۳)

کتاب در قرآن و آثار مذهبی

بیش از این درباره کتاب ، آیاتی چند از قرآن نقل کردیم ، ولی اینجا بحث
 جداگانه بی در باب کتاب از نظر قرآن مجید انجام می دهیم که کمال اهمیت را داراست
 باید دانست که حدود سیصد و پنجاه بار کلمه " کتاب " در قرآن آمده و در هر یک از
 آنها ارزش معنوی و مقام عظیم کتاب بیان شده است و اینک برخی از آنها را با معانی
 مربوطه در زیر یاد می کنیم نخست می گوئیم :

کتاب بر وزن ضرب به معنی دوختن چرمی به چرم دیگر به وسیله نخ است . چنانکه
 گویند : کتب السقاء مشک را دوخت . " و در اصطلاح و عرف کاتبان و صحافان و وراقان
 پیوستن برخی از حروف به برخی دیگر به وسیله خط است ، و این حروف بهم پیوسته
 را لفظ گویند . کتاب ، در اصل مصدر است و به جای مکتوب بکار می رود یا بجای صفحه
 یا ورقه‌بی که در آن چیزی نوشته شده باشد . مثال اولی از قرآن اینست که می گوید
 " یستلک اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتابا " من السماء . . . (سوره النساء ، آیه ۱۵۳)
 مثال برای دومی اینست که " ولو نزلنا علیک کتابا " فی قرطاس = اگر بر تو کتابی
 می فرستادیم در کاغذی و در قرآن از این کلمه به اثبات و تقدیر و ایجاب و
 فرض و عزم تعبیر شده است . و دلیل آن اینست که هر چیزی نخستین بار اراده می شود ،
 پس از آن نوشته می شود ، اراده آغاز کار است و نوشتن آن انجام کار .

اینک معانی کتاب

- ۱ . کتاب به معنی ثبت و تقدیر : کتب الله لاغلبن انا ورسلی (سوره المجادله
 " سوره ۵۸ " آیه ۲۱) .

٢. كتاب به معنى حكم: "... واولوا الاحارم بعضهم اولى ببعض فى كتاب الله ... " سورة الانفال (سورة ٨) آيه ٧٥ .
٣. كتاب به معنى فرض ووحى: " وكتبنا عليهم فيها النفس بالنفس ... " سورة المائدة (سورة ٥) آيه ٤٥ .
٤. كتاب به معنى ايجاب: "... كتب عليكم الصيام ... " سورة بقره (سورة ٢) آيه ١٨٣ .
٥. قضاء و حكم شدنى: " اولئك فى قلوبهم الابعان ... " سورة المجادله (سورة ٥٨) آيه ٢٢ .
٦. قرار دادن و شمردن: "... فاكتبنا مع الشاهدين . " سورة آل عمران (سورة ٣) آيه ٥٣ .
٧. نامه اعمال بندگان: "... مال هذا الكتاب لا يغا در صغيره ولا كبيره الا احصياها ... " سورة الكهف (سورة ١٨) آيه ٤٩ .
٨. لوح محفوظ: "... الافى كتاب من قبل ان نبراها ان ذلك على الله يسير . " سورة الحديد (سورة ٥٧) آيه ٢٢ . و "... ولارطب ولا يابس الافى كتاب مبين . " سورة الانعام (سورة ٦) آيه ٥٩ . و " لولا كتاب من الله سبق ... " سورة الانفال (سورة ٨) آيه ٦٨ .
٩. تقدير نهانى و قضاء پنهانى: " قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا ... " سورة التوبه (سورة ٩) آيه ٥١ .
١٥. بخشش و غنيمت: " يا قوم ادخلوا الارض المقدسه التى كتب الله لكم ... " سورة المائدة (سورة ٥) آيه ٢١ .
١١. علم و اعتقاد تحقق: " و من الناس من يجادل فى الله بغير علم ولاهدى و لاكتاب منير " سورة الحج (سورة ٢٢) آيه ٨ .
١٢. نكاح و زناشوى: "... وابتغوا ما كتب الله لكم ... " سورة البقره (سورة ٢) آيه ١٨٧ .
١٣. انجيل: " فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم ... " سورة البقره (سورة ٢) آيه ٧٩ .
١٤. تورات: " و ان منهم لفرىقا يلوون السنتم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب و ماهو من الكتاب ... " سورة آل عمران (سورة ٣) آيه ٧٨ .
١٥. نوشته بر ساخته و نادرست: " فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم ... " سورة البقره (سورة ٢) آيه ٧٩ .
- اكتتاب نيز بدين معنى است: " وقالوا اساطير الاولين اكتبها ... " سورة الفرقان (سورة ٢٥) آيه ٥ .

۱۶. همه کتابهای آسمانی: "... و تومنون بالکتاب کله... " سوره آل عمران (سوره ۳) آیه ۱۱۹.

۱۷. آزاد شدن از بردگی: "... والذین یتبغون الکتاب مما مملکت ایمانکم فکاتبوهم... " سوره النور (سوره ۲۴) آیه ۳۳.
این بود اندکی از معانی کتاب در قرآن...

پژوهش بیشتر و تحقیق همه * معانی آن از گنجایش این رساله بیرون است. ولی همین مختصر نیز نشان میدهد که ارتباط راستین خدا با بندگان خویش با کتابت امکان داشته، اگر چه خود مستقیماً چیزی ننوشته و همه این کارها را به وسیله انجام داده است.

در صدر اسلام نیز کاتبان وحی از احترام و منزلت بزرگی برخوردار بودند و پیش از این هم نقل کردیم که بیشتر خلفای اسلام پس از پیامبر از جمله: عمر و عثمان و علی و معاویه از نویسندگان وحی خدا بودند و به سبب همین مزیت به لباس خلافت آراسته گشتند و پیامبر در اشاره به آنان گفت:

" یاران من مانند ستارگان تابناک آسمان هستند، و شما به هریک از آنها اقتداء کنید هدایت یابید. " (۵۴)

(۵۴) " اصحابی کنجوم السماء بایهم اقتدیتم اهتدیتم " .

برای اطلاع بیشتر طالبان به کتاب سودمند " المفردات فی غریب القرآن " تالیف

ابوالقاسم راغب اصفهانی (وفات ۵۰۲ هـ) چ مصر بنگرند.

نظر ایرج افشار در باره کتاب

ایرج افشار نویسنده و کتابشناس مشهور که چندین ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را به عهده دارد ، سالیان دراز با کتاب و کتابداری زندگی کرده و به کتاب عشق ورزیده است افشار که تالیفات بسیاری در زمینه کتابشناسی ایران دارد ، مسائل تازه در باره نسخ خطی ، این گنجینه‌های ادب و هنر ایران کهن را مطرح می‌کند ، و می‌گوید : " در حال حاضر ۹۵ درصد از باسوادان و تحصیل کرده‌های کشور با نسخ خطی ایران بیگانه‌اند ، برای آشنایی مردم با کتاب‌های خطی ، بایستی به تشکیل نمایشگاه‌های کتاب ، و تهیه فیلم ، پستر ، تمبر و کارت پستال اقدام شود . چرا که این گنجینه‌های ملی کمتر از سایر زمینه‌های سنتی ایران نیستند بلکه به مراتب والاترند . اکنون مصاحبه‌ای که با ایرج افشار صورت گرفته نقل می‌شود .

— شما به عنوان یک کتابشناس سالها با کتاب آشنا و مأنوس بوده‌اید و در زمینه کتابشناسی ایران تالیفاتی نیز دارید ، با این آشنائی و سابقه ، کتاب را در ایران چگونه یافته‌اید و چگونه می‌بینید . . . ؟ مخصوصاً " اشاره دارم به کتابهای خطی که یادگارهای گرانقیمتی از روزگار کهن سرزمین ما است و اینکه این کتابها چگونه بوجود آمده‌اند . چگونه نسل به نسل دست به دست گشته‌اند و الان در ایران و خارج چه موقعیتی دارند؟

ایرج افشار :

نسخه‌های خطی چه آنها که در ایران وجود دارد و یا وجود داشته و در حال حاضر در کتابخانه‌های خارجی است طبعاً هم از نظر تاریخی هم از جهت هنری که در خلق آنها بکار رفته است و هم از جنبه‌زبان و ادبیات از اهمیت خاصی برخوردارند . برای اهمیت وجودی این گنجینه‌های گرانبها توضیح بدهم که در حال حاضر قریب یکصد هزار نسخه خطی در زمینه‌های مختلف در ایران است و تعداد قابل ملاحظه‌ای در کتابخانه‌های بزرگ عالم محفوظ است و خلاصه اگر بخواهیم مجموع نسخ خطی ایرانی و اسلامی را تخمین بزنیم بالغ بر سیصد هزار نسخه خواهند شد و این رقم علاوه بر اهمیت کیفی این نسخ ، جنبه کمی آنها را نیز نشان می‌دهد .

— این نسخ خطی که اشاره کردید ، مربوط به چه دوره‌هایی هستند و اصولاً " قدیمیترین کتابی که در این زمینه در دست است کدام است ؟ .

ایرج افشار : از میان مجموع نسخ خطی که در عالم است مقادیر کثیری ، چه از حیث تالیف چه از نظر خط نویسی یا نقاشی و پشت جلد آفریده دست ایرانیان است که در دوره‌های اولیه اسلام و بعد از به وجود آمدن حکومت‌های اسلامی پدید آمده‌اند ولی قدیمی‌ترین کتاب که به زبان فارسی نوشته شده و موجود است کتاب " الالبینیه عن الحقایق الادویه " تالیف ابومنصور هروی است که در موضوع شناخت داروها و گیاهان دارویی و به خط اسدی طوسی شاعر نوشته شده و متعلق به قرن پنجم هجری است . البته نسخ عربی هم وجود دارد که آنها را هم ایرانیها تالیف کرده یا خط نویسی کرده‌اند و مربوط به قدیمی‌تر از این تاریخ است .

— منظور شما از نسخ خطی مربوط به ایران ، فقط آنهایی است
که به فارسی یا عربی نوشته شده‌اند ، یا به زبانهای دیگر
هم اثری هست ؟ .

ایرج افشار : وقتی می‌گوییم نسخ خطی در ایران طبیعی است که باید شامل تمام
نسخی باشد که به وسیله ایرانیان به وجود آمده خواه به عربی نوشته شده باشد ،
خواه به ترکی یا به لهجه‌هایی از قبیل کُردی و بلوچی یا لهجه‌های محلی دیگر .
ناگفته نماند که در جوار نسخ خطی ، یعنی کتبی که خط نویسی شده‌اند بایستی
مجموعه‌های خطوط خوش تصاویر ، مکاتیب فرمانها و یا قباله جات را هم در حساب
نسخه‌های خطی آورد و از آنها جدا ندانست .

— چطور می‌شود یک نسخه خطی را شناخت و احیانا " از نسخ
دیگر متمایز دانست ؟

ایرج افشار : در شناسایی نسخه‌های خطی معمولا " دو نکته مورد توجه قرار می‌گیرد ،
یکی شناخت خود کتاب از نظر محتوی ، نویسنده و زمان نگارش آن که مجموع این
مسائل جنبه معنوی و ذاتی کتاب است ، ممکن است گلستان سعدی را در نظر بیاوریم .
این کتاب ، نسخه خطی ، پاچایی آن آن از نظر کیفی و ذاتی یکی است ولی ظواهرش
فرق میکند و در شناخت کتاب و مخصوصا " نسخ خطی ابتدا توجه به ذات و معنی
کتاب است خواه خطی نفیس باشد ، خواه نفیس نباشد . خواه خط قدیم باشد یا
خط قدیم نباشد بهر حال توجه به اصل و تشخیص موضوع و تالیف و مولف است که
این نوع تشخیص در اصطلاح " کتابشناسی " گفته می‌شود البته فرق نمی‌کند ، کتابشناسی
می‌تواند هم در مورد کتاب خطی باشد هم در مورد کتاب چاپی ، اما معمولا " در
نسخ خطی از نظر عام جنبه‌های ظاهری نسخه مطرح است و شاید یک نسخه که خط
خوش نباشد یا احیانا " کثیف و پاره باشد به نظر عموم واجد اهمیت نباشد . و یک
کتاب زیبا ، مذهب ، و مرصع که تصاویر و جداولی هم داشته باشد مهم جلوه‌نماید ،
اگرچه موضوع و محتوی آن نسبت به نسخه قبلی و در درجه پائین تر قرار داشته باشد .

آیا نسخ خطی درجات و طبقاتی خاص دارند ، می‌شود از حیث
ارزش ، مرتبه‌ای برای آنها قائل بود ؟

ایرج افشار : معمولا" نسخ قدیمی که از جهت تزئین ، تجلید ، خوب باشند ، بخصوص از جنبه هنری ارزش بیشتری دارند برای اینکه هم کار قدیم تر است هم تعدادش کم ... مثلا" در کتابخانه آستان قدس رضوی یک سی جزوه قرآن مربوط به دوره غزنوی است یعنی عصر سلطان محمود ... این قرآن هم از حیث جلد ، هم از جهت نوع کاغذ ، نوع تذهیب و هم از لحاظ خط در نهایت زیباییست و طبعا" در مقام مقایسه با قرآن های مشابه که مربوط به عصر قاجار باشد ولو اینکه مذهب و مزین هم باشد ، ارزش بیشتری دارد ، چون قدیمی تر است و ممدودتر . و از نظر نفاست هنری و سابقه تاریخی و ارزش معنوی هم در مرتبه بالاتری است .

— این قرآن که اشاره کردید و همینطور نسخ خطی دیگر ، کاغذشان از چه نوع است ... و اصولا" کاغذ کتابهای خطی ، چگونه و از چه طریقی تهیه می شده است ؟

ایرج افشار : یکی از مسائل بسیار پیچیده و دشوار مربوط به شناخت نسخ خطی ، همین مسئله کاغذ است ، کاغذ از وقتی از راه چین به آسیای مرکزی یعنی ماورالنهر وارد شد تا به نسخ خطی ایران راه یافت مسیر خاصی را طی کرد . یعنی ابتداء در سمرقند برای تهیه کاغذ کارخانه هایی ایجاد شد و کاغذهای همین کارخانه به ایران و از راه ایران به اروپا و غرب کشیده شد . کاغذهای سمرقندی کاغذهای نخودی رنگ ، کلفتی شبیه شمیهای فعلی بود و البته باسامی مختلفی خوانده می شد . در کتاب الفهرست ، ابن ندیم " اسامی بعضی از کاغذها هست ، مثل کاغذ نوحی ، کاغذ منصوری و معمولا" اسم کاغذها یا اسم سازنده آن بود یا اسم پادشاهان و بعدها به نام محلها هم شهرت یافت مثل کاغذ بغدادی ، سمرقندی ، کشمیری ، دولت آبادی یا استانبولی ، بعدها با پیشرفتهایی که در صنعت کاغذ سازی حاصل شد ، کاغذها آنقدر ظریف شدند که از حیث ظرافت به نام ترمه ، معروف شد ، روش دیگری هم به وجود آمده بود که بر اساس آن کاغذها را بوسیله آب نشاسته یا لعاب برنج نرم و براق می کردند و اینکار به " آهار مهره " معروف بود ، کاغذهایی از این دست ، نویسندگی را آسان میکرد .

— این کتاب و نسخ خطی بیشتر به چه منظور و برای چه هدف های خاصی نوشته می شد هدف فقط صرف نوشتن بود یا منظورهای

دیگری را به دنبال داشت ؟ .

ایرج افشار : نکته‌ای که باید در نسخ خطی مورد توجه قرار داد جنبه تاریخی آن است و اینکه تعدادی از این نسخ جنبه‌های علمی و عالمانه دارند و مسائل تحقیقی یا کلامی و یا نظایر آنرا شامل می‌شوند که اینگونه نسخ معمولاً "توسط علما و اهل فضل و کمال بوجود می‌آمد و برای رفع احتیاجات خودشان و طبقاتی از این دست بوداما کتابهایی که گران قیمت و نفیس بود و جنبه‌های هنری در ایجادشان بیشتر رعایت می‌شد ، معمولاً " برای سلاطین و صاحبان حشمت و جاه بود و اینگونه کتب معمولاً " از درباری به دربار دیگر بعنوان هدیه فرستاده می‌شد ، حتی سلاطین ، گاهی سفارش کتابهایی از اینگونه را می‌دادند و یا هنرمندان کتابهای مزین و خویشان را برای سلاطین و بزرگان دربار می‌فرستادند که البته کارشان بی اجر نمی‌ماند .

یکی از بالاترین دوره‌ها ، از جهت توسعه رواج هنر کتابت و خط نویسی و ایجاد کتابهای خطی دورهٔ تیموری‌ها بود ، تقریباً " تمام شاهزاده‌های تیموری برقاقت با یکدیگر ، کتابخانه‌ای برای خود داشتند و همیشه عده‌ای هنرمند ، خطاط ، نقاش ، تذهیب‌کار و نویسنده در دستگاه خودشان جمع میکردند که به ایجاد نسخه‌های ممتاز و ظریف بنشینند ، کتابهای ذی‌قیمتی مثل شاهنامه بایسنقری یادگار همین دوره‌هاست .

— جلد این کتابها که معمولاً " مذهب و مرصع و همراه بانقش‌های

زیبایی بود چطور تهیه می‌شد ؟ .

ایرج افشار : جلد کتاب قدیمی . با آنچه در اواخر دوره نسخ خطی دیده می‌شد از نظر کیفی تفاوت زیادی نکرده است . به این معنی که آن روزها هم جلدهایی از نوع چرم وجود داشت و حالا این جلد چرمی ، خواه مزین بوده یا تالایش بوده یا معرق ، به هر حال تا وقتی جلدهای روغنی به وجود آمده ، روی جلدها همین گونه بود یعنی روی جلد چرم و قسمت اصلی که کتاب را نگاه می‌داشت مقوا . مقواها هم معمولاً " از بهم چسبانیدن اوراق مختلف کاغذ ایجاد می‌شد ، گاهی می‌شد که اوراق کتابهای کهنه را که باطل شده یا از مصرف خارج شده بود بهم می‌چسبانیدند و مقوا ایجاد می‌کردند ، به همین علت هم پیش‌آمده که از لای جلدهای قدیمی کتب خطی ، بعضی اوراق خیلی کهنه و از نظر علمی خیلی با ارزش به دست می‌آمد .

چنانچه چند سال قبل چندین ورق از منظومهٔ واق و عذرا " که از آثار عنصری بود و مفقود شده بود در حالیکه بهم چسبیده بود و بصورت مقوا درآمد بود ، در

پاکستان پیدا شد و مرحوم محمد شفیع دانشمند پاکستانی آن‌ها را به سختی از هم جدا کرد و توانست، به صورت جزوه‌ای چاپ کند .

– این جلدها ویژگی‌هایی ندارند که بشود دوره‌های آن‌ها را حدس زد؟

ایرج افشار : جلدها چند دوره مهم هنری دارند ، یکی دوره غزنوی و سلاجقه ، که به طرز بسیار زیبایی ساخته می‌شدند ، مخصوصاً "از حیث نقوش هندسی و نوع ضربهای که روی چرمهای مختلف انجام می‌شد . دوره دیگر ، دوره ایلخانان و تیموری‌هاست که تفنن و تجدیدی در جلد سازی به وجود آمد و جلدها طلا پوش و مزین شدند و یا با سوزندان چرم و قطعه‌کاری روی جلد ، تازگی و تنوعی در جلدها پدید آمد . و دوره بعد ، دوره رنگ و روغن بود که از اواخر دوره صفویه تا عهد قاجاریه است . نمونه کاری‌هایی روی قلمدان‌ها ، قاب آئینه‌ها و جعبه‌ها و جلد کتاب‌ها می‌شد و معمولاً "شکل‌های هندسی یا تصویر و نقوش از نوع گل یا پرندگان را بهمراه داشت تا وقتی که جلدها ، تبدیل به جلد ماشینی شدند ، چیزی که حالا کتابها دارند .

– در فاصله دوره رنگ و روغن که شما اشاره کردید و دوره باصطلاح جلدهای ماشینی در متن کتابهای خطی تغییرات دیگری هم به وجود آمد ، این تغییرات چگونه بود و چه تاثیری گذاشتند؟

ایرج افشار : بین این دو دوره فاصله‌ای بود که در این فاصله نسخ خطی به قصد چاپ به وجود می‌آمدند ، یعنی نسخ خطی را می‌نوشتند برای آنکه با چاپ سنگی به چاپ برسند . در نتیجه ، نسخ چاپی ابتدایی ، یعنی نسخی که به وسیله چاپ سنگی چاپ شده ، با نسخ خطی فقط از نظر تکنیک تفاوت دارند و گر نه از نظر ظاهر شباهت‌های آنها کاملاً واضح است ، اینست که باید توجه کرد در کتب چاپی امروز ، بکلی از سنت‌های کتاب نویسی قدیمی و نسخ خطی دور افتاده‌ایم ، همین صنعت چاپ و کتب چاپی امروز سبب شد که مردم بکلی از نسخ خطی بیگانه باشند ، نه آنکه فقط اسم یا موضوع کتابی مثل " توضیح الاسناد " از ذهن مردم دور شده و ناآشناست بلکه ظاهر خود و شکل و قواره آن نیز از اذهان به دور مانده است و متأسفانه در حال حاضر ۹۵ درصد از مردم ، مخصوصاً تحصیل کرده‌ها و اشخاص با سواد مملکت نسبت به کتب قدیم بیگانه‌اند .

– این کتابها و نسخ گرانقیمت که به قول شما امروز با ذهن مردم بیگانه‌اند در گذشته چطور جمع آوری شده و نگهداری می‌شدند و نخستین کتابخانه‌ها کدام‌ها بودند ؟

ایرج افشار : در طول تاریخ اسلام ، برخی از مدارس ، اوقاف ، مساجد و بناهایی که جنبه مذهبی و دینی داشتند و برای‌تعلیم و تربیت و ارشاد مردم بودند ، موجب نگهداری این نسخ می‌شدند ، معمولا " مدارسی که به وجود می‌آمد کتابخانه داشت ، مساجد غالبا " محل جمع آوری کتاب بود و تاسیسات دیگری مثل ربع رشیدی‌خواجه رشیدالدین فضل الله در تبریز یا رصدخانه‌خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه یا مدرسه ساوه در عصر سلاجقه و نظامیه‌هایی که به تدریج به وجود آمدند ، هر کدام به‌نحوی نگهدار و حافظ این کتابها بودند .

– کتابخانه‌هایی که داریم ، از کی به وجود آمدند و قدیمی‌ترین کتابخانه کدامست و مردم چطور کتابهایشان را باین کتابخانه‌ها می‌سپردند ؟

ایرج افشار : قدیمی‌ترین کتابخانه که مانده است ، کتابخانه آستان قدس رضوی است . مردم معمولا " به علت عقاید دینی و احترام خاصی که به این آستان داشتند ، کتابهای خودشان را وقف آن می‌نمودند . سابقه این کار زیاد است . در کتابخانه آستان قدس ، حتی کتابهای وقف شاه عباس و نادرشاه نیز موجود است . . . و اخیرا " در سقف آن کتابهایی پیدا شده که وقف سلاجقه است . البته این کتابخانه هم چندین بار صدماتی دیده است ، در حمله ازبک‌ها و در وقایع مختلف گاهی کتابها متفرق شده‌اند اما به‌ر حال مانده‌اند غیر از آن بقاء متبرکه هم همیشه مقداری کتاب داشته‌اند و کانونی برای جمع آوری کتاب بوده‌اند سلسله‌های پادشاهی ایران هم هر کدام برای خود کتابخانه‌هایی داشته‌اند که متأسفانه با از بین رفتن آن سلسله‌ها ، کتابخانه‌هایشان هم تاراج شده و از بین رفته است . برخی از این کتابها ، در مجموعه‌ها به تفاوت دیده می‌شود . در دوره قاجاریه نیز سلاطین به جمع‌آوری کتاب توجه داشته‌اند و کتابخانه سلطنتی قاجاریه که در حال حاضر هم هست . منبع بزرگی از کتابهای گرانقیمت ایران است . البته در دوره اعلیحضرت فقید رضا شاه با ایجاد کتابخانه پهلوی قسمتی از کتابهای خطی و برخی کتابهای چاپی به کتابخانه ملی منتقل شده برخی دیگر در همان کتابخانه سلطنتی باقی مانده است .

— درجایی اشاره کردید به کتاب " الابنيه عن الحقایق الادویه " که در داروشناسی و تالیف ابومنصور هروی است . این کتاب کجا است ؟ .

ایرج افشار : این کتاب در کتابخانه دولتی و پادشاهی اتریش است البته از روی آن تا بحال نسخ متعددی چاپ شده ، یک چاپ به صورت حروفی با ترجمه آلمانی ، در حدود صد و پنجاه سال پیش ، یک چاپ حروفی توسط دانشگاه تهران با تصحیح مرحوم احمد بهمنیار و یک چاپ عکسی توسط بنیاد فرهنگ ایران و اخیراً "یک ترجمه انگلیسی نیز از آن به چاپ رسیده است .

— کتابهای خطی مشهور و پر ارزش ایرانی اکنون در کدام کتابخانه‌های خارجی هستند ؟ .

ایرج افشار : نسخ خطی که فهرست شده و فهرست آنها در کتابخانه ملی ماست . بیشتر در موزه بریتانیا ، کتابخانه دولتی آلمان ، در شهر برلن ، کتابخانه‌های متفرق مثل ناپل ، واتیکان ، بعضی از شهرهای آلمان مثل توینگن و گوتینگن . هامبورگ موسسه شرق شناسی لنینگراد و دانشگاه لنینگراد و خلاصه هر جا که مرکز علمی معتبری هست و تحقیقات ایرانشناسی می‌کنند ، تعداد زیادی کتابهای خطی ایرانی وجود دارد ، حتی در آمریکا

— این کتابها چطور باین کتابخانه‌ها راه پیدا کرده‌اند ؟

ایرج افشار : مقداری در لشکر کشیها ، جنگها و غارت‌های بعد از آن نظیر آنچه توسط سپاه روس از اردبیل به لنینگراد برده شده است . تعدادی هم به وسیله مستشرقین مطلعین و علما و سفرایی که به ایران آمده‌اند و گاهی به صورت تحفه و هدیه ناگفته نماند مقدار زیادی از راه امپراطوری عثمانی بعد از تجزیه عثمانی به اروپارفته است . مخصوصاً " به لهستان و یوگسلاوی که آن وقتها تحت سلطه عثمانی‌ها بود

— آیا می‌توانیم به طریقی این‌ها را دوباره داشته باشیم و به نحوی به کتابخانه‌های خودمان برگردانیم ؟

ایرج افشار : آنها که در دستگاههای عمومی کشورهای خارجی است قابل برگرداندن نیست و شاید لزومی هم نداشته باشد ، آنچه مهم است به دست آوردن عکسهائی از آنها است و اینکه ما یک کانون عکسی یا میکروفیلم از این کتابها داشته باشیم . . . البته گاهی تک تک کتابهایی در حراجهای خارجی پیدا می شود که بعضی ها که وسعت مالی دارند می خریدند یا بقصد آنکه به قیمت گرانتر به مسئولان بفروشند یا در مجموعه های خود نگهداری کنند .

— کتابخانه های فعلی ما ، تا چه حد در این جمع آوری کتاب نقش داشته اند و از کی تا چه میزان توانسته اند کتابهای خطی پراکنده را جمع آوری کنند ، اشاره ام بیشتر به سال های اخیر است ؟

ایرج افشار : اول بار کتابخانه ملی که با به دست آوردن مقداری از کتابهای خطی کتابخانه سلطنتی ایجاد شد به خریدن کتابهای خطی متفرق پرداخت . مثل کتابخانه بدر ، یا کتابخانه محتشم السلطنه . . . کتابخانه مجلس هم البته بود که در حدود سال ۱۳۵۵ به وجود آمد که آنها هم به نوبه خود کانونی شد برای خرید و جمع آوری کتب خطی . . . و در حال حاضر قریب پانزده هزار جلد کتاب خطی در کتابخانه مجلس موجود است . همینطور کتابخانه دانشگاه ، کانونی است برای اینکار و تاکنون قریب چهارده هزار جلد کتاب خطی خریداری و جمع آوری کرده است . کتابخانه مدرسه سه سالار هم هست که در سالهای اخیر کتابی بر آن اضافه نشده است بهر حال جمع کردن کتابهای خطی در سالهای اخیر هم از طریق دستگاه های دولتی انجام گرفته هم به توسط کلکسیونرهای علاقه مند . . . و خلاصه کار به جایی رسیده که به عکس سابق که کتاب از ایران به خارج می رفت ، حالا کتابها را از خارج می خریدند و به ایران می آوردند .

— شما گفتید قریب ۹۵ درصد از مردم با سواد مملکت با کتابهای خطی بیگانه اند ، این بیگانگی را چطور می شود از بین برد و چطور می شود توجه مردم را باین گنجینه های گرانقدر جلب کرد ؟

ایرج افشار : آنهایی که کتاب دارند و اهل دانش و بینشاند توجه دارند و ارزش کار را می دانند آنهایی هم که نمی دانند مثل آن روستایی ساده که احیانا " کتابی در خانه اش هست ، وقتی خواست چیزی بفروشد کتاب را می آورد ، بی آنکه بشناسد و آگاه باشد به قیمت ارزان می فروشد ، بهر حال آنچه در این میان لازم است بیداری

دولت و دستگاههای فرهنگی مملکت است وقتی به حفظ ذخایر ملی و فرهنگی توجه واقعی می‌بود و کتابخانه‌های متعددی دنبال این کار بودند مردم هم متوجه می‌شوند و دیگر کمتر کتاب دست عتیقه فروش و سمساری می‌افتد که برای فروش آن هزاران راه ناصحیح می‌دانند ، متأسفانه باید بگویم بیست در صد آنچه لازم است توجه وجود ندارد ، اعتباراتی که برای خریدن کتاب هست محدود و ناچیز است ، کتابخانه ملی مملکت کتاب نمی‌خرد ، یعنی اعتبار ندارد ، کتابخانه‌های عمومی شهرستانها هم که می‌توانند دارندگان کتابهای خطی را جلب کنند یا وسیله حفظ آنها را ندارند یا اصلاً کتابدار آشنا و کتابشناس نیست که کتابها را بشناسد و بخرد البته کتابخانه‌های مجلس سنا و مجلس شورای ملی کتاب می‌خرند ، دانشگاه می‌خرد اما دستگاههای فرهنگی بایستی بهر حال به این موسسات و موسسات مشابه که در کار حفظ این گنجینه‌ها فعالیت میکنند کمک کنند .

به نظر من پول دادن برای خرید کتاب خطی مهمتر و واجب‌تر از هزینه‌ای است که برای تشکیل نمایشگاه‌های نقاشی امروز صرف می‌شود یا احیاناً " برای حفظ موسیقی همانطور که لازم است موسیقی سنتی ایران از سینه‌های مردم گرفته و حفظ شود ، حفظ آثار خطی هم واجب است ، شاید گفته شود چون سنت‌ها و معیارها و ارزشها کمی تفاوت کرده است ، در ذهن مسئولان فرهنگی نیست که فلان کتاب کلامی یا فلسفی یا فقهی یا سنتی ، حتی خرافی که دارای مطالب و مضامینی است اهمیت فکری و تاریخی برای ایران دارد و فکر می‌کنند چون این مسائل از زندگی مردم دور شده نگهداری آنها نیز ضرورت ندارد . . . منظورم این است که دو شیوگی زندگی و تغییر از یک شیوه به شیوه دیگر نباید سبب شود که از نظر فرهنگی و تاریخی به نسخ خطی بی‌اعتنا باشیم و این وظیفه دستگاههای فرهنگی ماست که در این زمینه دقتی و برنامه‌ای داشته باشند .

— جذب کردن ، جمع کردن و حفظ کردن خود کتابهایکطرف
قضیه است ، برای اینکه مردم به این قبیل کتابها آشنا شوند
چه باید بکنیم ؟ به هر حال حیفاست که این گنجینه‌ها را نشناسیم .

ایرج افشار : به نظر من چندان لزومی ندارد که همه مردم کتب خطی را بشناسند ولی دستگاههای فرهنگی مملکت ، مقارن تشکیل نمایشگاههای مختلف که برای نمایش کارهای فرهنگی و لباسهای بومی می‌کنند ، برای نمایش و معرفی نسخ خطی هم‌کاری بکنند ، در شناخت عمومی بی‌تأثیر نخواهد بود . یک نمایشگاه بگذارند ، از کتابهای

خطی فیلم تهیه کنند ، کارت پستال و تمبر چاپ کنند اینها همه همانطور که در معرفی
زمینه‌های فرهنگی دیگر ماموثرند در شناخت و درک اهمیت کتابها و نسخ خطی مانیز بدون
شک تاثیر دارند .

فصل دوم

تاریخچه کتاب در ایران

غلطنامه فصل دوم

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶۵	۱۴	بوده	بود
۶۸	زیر نویس ۹	Monist	Monost
۶۹	۳	زرتشی	زرتشتی
۶۹	۱۵	بسیار نوشته و	بسیار نوشته شده است از جمله
۶۹	زیر نویس ۱۴	Manichaeism	Manichaeism
۷۰	۱۰	به	با
۷۲	زیر نویس ۱۹	and	und
۷۳	۴	گنیز	گینز
۷۷	۱۱	بین	این
۸۰	۲۴	زاییدهء	زاییده ای
۸۱	۱۱	بدوات	بدویت
۸۶	۱۹	بر افروختند	برافراشتند
۸۷	۸	نه می تواند	نمی تواند
۸۸	زیر نویس ۱۰	D, ohsson	D, ohsson
۹۲	زیر نویس ۲۴	Ydenham	Sydenham
۹۸	۱۴	است	داشت
۱۰۷	۹	دست اند	دست اندر
۱۰۷	۲۷	می شوند	بشوند
۱۰۸	۸	زیان ، گوشت	زیان گوشت
۱۱۰	۱۳	قبلا"	مثلا"

در فصل اول اندکی در پیدایش خط و نگارش و انواع کاغذهای قدیم و ارزش کتاب در ایران قدیم و روزگار اسلامی و سخنان بزرگان ایرانی و غیر ایرانی نوشتیم و اگر آن بحث اندکی روشن‌گرو ساده بود ، خوانندگان گرمی دریافتند که ایرانیان ، از قدیم‌ترین اقوامی بوده‌اند که احساسات و خیالات و اندیشه‌ها و دستورهای زندگانی خود را بر روی پوست جانوران یا پوسته درختان و غیره می‌نوشتند اینک کتابهای معتبر ایران در روزگار پیش از اسلام :

۱ . شناخته‌ترین کتابی که در ایران پیش از اسلام به وجود آمده ، اوستاست که کتاب دینی زرتشتیان است .

البته چنانکه می‌دانید وجود خود زرتشت (۱) مورد اختلاف پژوهشگران است . گروهی وجود تاریخی او را انکار کرده‌اند گروهی هم وجود او را تاریخی می‌دانند و زمان او را از ۶۰۰۰ تا ۶۰۰ پیش از میلاد می‌رسانند . یکی از کسانی که نوشته‌های او در باره زرتشت وجود تاریخی او را اثبات کرده ، پروفیسور جکسن (۲) است که کتاب ارجمندی در زندگانی زرتشت (۳) نگاشت . وی در بحث‌های خود به این نتیجه رسید که زرتشت شخص تاریخی است نه افسانه‌ای ، و او از قبیله ماد بوده و در نیمه سده هفتم پیش از میلاد ظهور کرد و حدود سال ۵۸۳ ، پس از ۷۷ سال عمر درگذشت . زادگاهش آذربایجان بود ، ولیکن نخستین پیشرفتی که به دست آورد در بلخ بود و آن چنان بود که «بشتاسب» (۴) پادشاه بدین او درآمد و در اندک زمانی دین وی از بلخ در تمام ایران انتشار یافت . بعضی از محققین حتی زادگاه او را نیز " شرق ایران " دانسته‌اند .

زرتشت دین خود را بر دو پایه قرار داده بود :

- ۱ . این جهان را قانونی است ، و همه مظاهر طبیعت دلیل وجود آن است .
- ۲ . میان نیروهای گوناگون طبیعت نزاع و تصادمی جاودانه است روشنایی با تاریکی ، فراوانی با قحط و خشکسالی ، و نیکی با بدی در پیکار است . همه تعلیمات زرتشت بر پایه همین دو نکته است جز اینکه در ادیان پیش از زرتشت مردم ارواح نیک را که شماره آنها بسیار بوده می‌پرستیده‌اند ، ولی زرتشت همه آنها را یکی کرده و

(۱) . به انگلیسی = Zoroaster می‌گویند ، و در متون پهلوی بده صورت

یاد شده و مشهور از همه زرتشت یا زردشت است .

(2) Jackson

(3) Life of Zoroaster, Persian Prophet

(۴) . در شاهنامه نام او را گشتاسب می‌گویند .

و در یک خدای نیکی بنام " اهورامزدا " گرد کرد ، و همه خدایان یا نیروهای بدی را نیز زیر یک نام یعنی " اهریمن " قرار داد ، و از این رو در پیش او تنها دو قوه خیر و شر اهمیت یافت .

چنانکه گفتیم زرتشت کتاب مقدسی داشته بنام " اوستا = Avesta " و این کتاب شرحی نیز داشته بنام زند اوستا ، مسعودی در باره این کتاب می گوید : " اوستا بیست و یک سوره دارد که هر سوره حدود دویست صفحه می شود و آن کتاب ، به فارسی نخستین نوشته شده و امروز هیچ کس معنی این زبان را نمی داند ، و بخش هایی از این کتاب به فارسی ترجمه شده و در دست پارسیان است و آن را در نمازهای خود می خوانند که در برخی از آنها سخن از آغاز و انجام جهان ، و در برخی دیگر پنندهای نیک ، گفته شده است " (۵)

اصل اوستا و نویسندگان سوره های آن پیوسته مایه جدال میان اهل بحث بوده ، همچنانکه در مورد خود زرتشت چنین بوده است . باریون می گوید : " اوستا در روزگار دولت ساسانی از بیست و یک بخش یا سوره تالیف شده بوده و در روزگار ما جز یک سوره کامل و برخی آیات از سوره های گوناگون آن چیزی بر جای نمانده است . " مسلمانان نیز در روزگار فتح ایران با آنان معامله اهل کتاب کردند ، و کتاب آنان را چنانکه یک کتاب آسمانی را احترام کنند ، بزرگ داشتند ، و گویند عمر گفت که : " باکتاب آنان ، همچون سنت اهل کتاب رفتار کنید ... " (۶)

و همچنان که گفتیم وی می گفته است : جهان را دو اصل است ، اصل خیر که اهورا یا " اهورامزدا " نام دارد ، و اصل شر که اهریمن نامیده می شود ، و این دو با هم در نزاعند ، و هر یک از این دو اصل نیروی آفرینش دارند . اصل خیر ، نور است و همه چیزهای نیکو و سودمند را او آفریده است ، و همو راستی و نظام و روشنی و سگ پاسبان و خروس و همه جانوران سودمند را آفریده ، و بر مؤمن آیین زرتشتی واجب است که از همه اینها نگاهداری کند ، اصل شر نیز عبارت از ظلمت یا تاریکی است و هر چه بدی است در عالم او آفریده ، یعنی جانوران درنده و مارهای گزنده و حشرات و مگس ها را او خلق کرده است و بر مؤمن این دین واجب است که آنها را بکشد تا روح بدی و آزاررسانی سستی گیرد . پیکار میان این دو اصل پایدار است ولیکن پیروزی نهایی با روح نیکی است ، و مردمان در پیکار میان این

(۵) . مسعودی : مروج الذهب ، ج ۲ ، ص ۱۹۶ ، ج مصر ، پورداود : مقدمه

کاتاهتا ص ۸ - ۷ ج دانشگاه .

(۶) . امین ، احمد : فجر الاسلام ، ص ۱۵۱ ج اول .

دو روح باین سو و آن سو کشیده می‌شوند و گروهی این و گروهی آن را یاری می‌کنند. نکته اینجاست که خود این دو اصل ، با هم پیکار نمی‌کنند بلکه مخلوقاتشان با هم در نبردند و انسان را دو حیات است : زندگانی نخستین در دنیا ، و زندگانی دیگری پس از مرگ ، و بهره او در زندگانی آخرت نتیجه کارهایی است که در زندگانی دنیا کرده است اعمال او را در کتابی ثبت کنند و بشمارند ، و گناهانش به منزله دامهایی است که به گردن دارد : تا سه روز پس از مرگ روح انسان بر فراز تنش می‌چرخد ، و طبق اعمالی که کرده خوشحال یا بد حال می‌گردد . . . در زمان حساب ، نفس انسان از روی پلی که بر روی جهنم کشیده شده می‌گذرد ، و آن پل از برای مؤمن بهن و گذشتنی باشد ، و برای کافر از مو باریک‌تر گردد از این رو هر کس که ایمان آورد و کارهای نیک بکند از آن پل باسانی و سلامت می‌گذرد و اهورامزدا " را به خوشی ملاقات می‌کند ، و او وی را در جایگاه گرامی فرود می‌آورد ، و گر نه در دوزخ می‌افتد و بنده " اهرمن " می‌گردد ، ولی اگر بدبها و نیکی‌هایش یکسان باشد ، روح تا روز رستاخیز به " اعراف " می‌رود .

از مهم‌ترین اصول این کتاب در باره زندگانی اینست که نسبت به کشاورزی و پرورش حیوانات توجه کامل ابراز کرده چه از ارجمندترین آموزش‌های زرتشت : زراعت و توجه به دامداری است . و همیشه مردم را به کشتن و برزبگری تشویق می‌کند و می‌گوید که : زرتشتی باید با چهارپای خود زندگی کند و از کار و کوشش بازنايستد ، و برای همین منظور روزه گرفتن را بر پیروان خود حرام کرده است زیرا روزه داری آنان را ناتوان می‌سازد و از کار باز می‌دارد و زرتشت آنان را نیرومند و کارگرمی خواهد . و نیز در این کتاب تعلیم می‌دهد که آب و باد و آتش و خاک (۷) عنصرهای پاکیزه‌بی هستند و هرگز نباید آلوده شوند و از نشانه‌های این اعتقاد سفارش پیروان است به اینکه آتش را بستابند و آن را رمز پاکی به‌شمار آورند ، و آب روان را آلوده نسازند ، و مردگان را در زمین دفن نکنند .

در همین کتاب ، و نیز بنا بر افسانه‌های زرتشتی - پیامبری ، نخست برجمشید پادشاه پارس فرود آمد ، ولیکن او نتوانست از عهده این کار برآید ، پس زرتشت این مهم را بر عهده گرفت ، و همواره خدا با او سخن می‌گفت و بر او وحی نازل می‌شد . از بحث‌های فلسفی اوستا ، بحث این کتاب درباره نفس است آیین زرتشتی معتقد است که خداوند نفس را پس از آنکه نبوده آفریده ، ولی می‌تواند بزنگانی

جاودانی سعادت‌مندان به شرط آنکه با بدیهای جهان بستیزد . و خدا انسان را با اراده آزاد آفریده ، و از این جاست که می‌تواند یکی از دو اصل نیکی یابدی را برگزیند و در تقویت آن بکوشد .

نفس انسان به نظر زرتشت نیروهای گوناگون دارد :

۱ - ضمیر یا وجدان ، ۲ نیروی زندگانی ، ۳ نیروی عقلانی ، ۴ نیروی روحانی ، و ۵ نیروی نگاهداری ...

پس از این مختصر ، آیا دین زرتشت ثنوی یا دوگرای (۸) است که می‌گوید : جهان دو خدا دارد ، خدای نیکی و خدای بدی ، و هر یک از آنها وجودمستقلی دارد ؟ یا موحد و یکی گرای (۹) است که می‌گوید : جهان را یک خداست و آنچه از بدی و نیکی در جهانست و نیز دو نیروی پیکار جوی جز دو مظهر یا دو اثر از برای خدای یگانه نیست ؟

پژوهشگران در این باره اختلاف کرده‌اند . بیشتر بر این عقیده‌اند که این دین . دو گرای یا ثنوی است همچنانکه ظاهر این عقیده بدان دلالت دارد . و گروهی از نویسندگان فرنگ از جمله نویسنده مقاله زرتشت در دائرةالمعارف بریتانیکا به این عقیده رفته‌اند ، و گروهی او را موحد و یکتاپرست دانسته‌اند از آن جمله شهرستانی و قلقشندی در " صبح الاعشی " ، وعده‌ای دیگر را می‌توان نام برد و پروفیسور هوگ (۱۰) می‌گوید : " زرتشت از نظرگاه لاهوتی یکتاپرست بود ، ولی از نظرگاه فلسفی ثنوی یا دو گرای بوده است " و شاید مراد او به این عبارت این بوده است که زرتشت از نظر عقیده دینی اعتقاد داشته است که جهان را یک خداست ولی چون به شرح فلسفه عالم می‌پردازد و پیکار خیر و شر را بیان می‌دارد ثنوی یا دوگرای است و معتقد است که در جهان دو نیرو وجود دارد .

اگر چه در بیان مندرجات کتاب " اوستا " سخن را به درازا کشیدیم ولی خواستیم تا خوانندگان گرامی بدانند این کتاب که کارنامه دینی و اخلاقی نیاکان ما بوده ، چه ارزش علمی و فلسفی داشته و تا چه مایه در پرورش فکری و ذوقی ایرانیان و مسلمانان پس از اسلام موثر واقع شده است .

پژوهشگری می‌گوید " هر خواننده‌بی که اندک تأمل و آهسته رایی در کتاب " اوستا بکند " ، به نیکی در می‌یابد که این کتاب تا چه اندازه در اندیشه‌های

(8) Dualist

(9) Monist

(10) Haug

مسلمانان اثر داشته است ، زیرا بیشتر مدهاب کلامی (۱۱) و عقاید دینی عامه مسلمانان دربارهٔ پل یا صراط و پرواز کردن روح بر فراز جسد و اقامه آیین‌هایی برای سه روز شباهت تام با دین زرتشتی دارد . همچنین سخن معتزله " دربارهٔ جبر و اختیار ، و سخن صوفیان در باب اقسام نفس همه برگرفته از آیین دین زرتشتی است (۱۲)

* * *

(۲) یکی دیگر از بزرگان پیش از اسلام که " اهل کتاب " بوده یا دین کتابی داشته ، و پیروان بیشماری یافته " مانی " پیامبر ایرانی بوده است . این دین و آثار مانی تاثیر شگرفی در تمدن اسلامی و حتی تمدن اروپائی داشته و سالها ، گذشته از دین اسلام دیانت مسیحی را نیز زیر نفوذ خود گرفته بوده است . مانی (۱۳) پسر فاتک بنا بر آنچه " بیرونی " و " اُرت " (۱۴) در کتابهای خود می‌گویند در سال ۲۱۵ یا ۲۱۶ م در بابل از مادرزاد . و خلاف آنچه از تعقیب و آزار و شکنجه دید تا سدهٔ هفتم هجری و سدهٔ سیزدهم میلادی دین او زنده ماند ، و پیروان او در آسیا و اروپا بسیار گشتند .

تعالیم او آمیزه‌هایی بود از دین ترسایی و زرتشتی ، و آن ، چنانکه " ادوارد برون " می‌گوید بیشتر " زرتشتی ترسایی است تا ترسایی زرتشتی " و در بارهٔ او کتابهای بسیار نوشته و در روزگار ما " پوئش " و " ویدنگرن " و " اُرت کتابهای سودمند نوشته‌اند و برخی از آن تحقیقات را مرحوم سید حسن تقی زاده در کتاب " مانی و دین او " گرد آورده است .

خلاصه مذهب او اینست که می‌گوید : همچنانکه زرتشت می‌گفت ، جهان از دو چیز ساخته است : نور و ظلمت . همهٔ نیکی‌ها از نور بر می‌آید ، و همهٔ بدیها از ظلمت زاده می‌شود . فعلا " نور بر دفع ظلمت و ظلمت بر راندن نور قادر نیستند ، و آنچه خیر از انسان صادر میشود از خدای نیکی است ، و آنچه از شر صادر میشود مصدر آن خدای بدی است همهٔ حواس انسان نیز از همین خدای بدی بر می‌آید ، و چنانکه گفتیم او و پاراناش در بارهٔ چگونگی امتزاج این دو نیرو سخنانی می‌گویند و دراز میکشند که بیشتر بخرافات شبیه است تا به حقیقت . چنانکه می‌بینیم در این قسمت از عقاید ، مانی زیاد از زرتشت دور نمی‌شود ،

(11) Theologian Doctrines

(۱۲) احمد امین ، : فجر الاسلام ، ص ۵ - ۱۰۴ ، چ اول مصر .

(13) Mani

(14) Ort, H. E. : Mani and Manichaeism P. 53-4.

ولیکن در یک امر بنیادی با او مخالف است و آن اینست که زرتشت معتقد بود که جهان موجود جهان نیکی است ، زیرا ما در این جهان نشانه‌هایی از پیروزی نیکی بر بدی می‌بینیم ، در حالی که مانی معتقد است که همین امتزاج خیر و شر مایه بدی و تباهی است و بایسته است که از آن رها شد . همچنین زرتشت معتقد است که انسان باید زندگانی طبیعی بکند ، زن بخواهد و فرزند بیاورد ، و از کشت زار و فرزندان و چهار پایان خود نگاهداری کند و تن خود را نیرومند کند و روزه نگیرد ، و او با این کارها خدای نیکی را بر ضد خدای بدی یاری داده است . اما مانی در این راه ، روشی مخالف زرتشت پیش می‌گیرد که بیشتر شبیه " رهبانیت " است . مانی همچنان که برخی گفته‌اند راهبی در حران بوده و بر این عقیده بود که آمیزش نور به ظلمت در این عالم ، شر است ، و از این رونکاح را تحریم کرد تا مگر فنازودتر برسد . او بیشتر به زهد می‌خواند و در ماه هفت روز روزه مقرر می‌کرد و نمازهای بسیار واجب کرده بود بطوریکه در روز ۱۲ نماز فرض بود و در هر نماز چند سجده و در هر سجده چندین دعا . مانویان دعای درازی می‌خواندند . همو یاران خود را از کشتن حیوان نهی کرد زیرا این کار مایه رنجوری جانوران است مانی به نبوت عیسی و زرتشت اقرار داشت و می‌گفت : من پیامبری هستم که عیسی به آمدن او بشارت داده بود .

معروف است که هرمز پادشاه ایران مذهب او را پذیرفت و در روزگار او بسیاری از مردمان آیین مانی را پذیرفتند . اما چون بهرام اول پادشاه شد ، تعالیم او را رد کرد و پیروانش را تار و مار کرد . با وجود این تعلیماتش نمود ، و همواره پیروانش مورد تعقیب بودند مرکز تعلیم مانی نخست در بابل بود سپس به سمرقند انتقال یافت و ابن ندیم می‌گوید " زمانی که کار ایرانیان به تباهی و پراکندگی گرایید و کار تازبان نیرو گرفت ، ایرانیان بدین شهرها روی آوردند - به ویژه در فتنه پارسیان ، و روزگار پادشاهی امویان - ، از جمله آنان خالد بن عبدالله القسری را شمرده‌اند و آخرین گروهی از آنان در روزگار مقتدر خلیفه عباسی دیده شدند که آنان نیز از ترس به خراسان گریختند . و هر کس از آنها باقی ماند کار خود را پنهان کردند . ولی در جاهای گوناگون کشورهای اسلامی پراکنده بودند . و من در مدینه السلام در روزگار معزالدوله حدود سیصد تن از آنها را می‌شناختم ، ولی اکنون در حضرت خلافت بیشتر از پنج تن نیستند . " آنگاه ابن ندیم گروهی از بزرگان آنان را که اظهار اسلام می‌کنند ولی باطنا " زندقه دارند بر می‌شمارد . از آنان جعدبن در هم آموزگار مروان بن محمد (وفات ۱۳۲ هـ) آخرین خلیفه اموی ، و خالد بن عبدالله القسری ، صالح بن عبدالقدوس ، بشار بن برد و مسلم خاسرا نام می‌برد . و سرانجام

می‌گوید " همه برمکیان - به جز محمد بن خالد برمک - همه متهم به زندقهند، و در برخی کتابها دیدم که مامون عباسی (وفات ۲۱۸ هـ) از آنها بوده ولی این دروغ است ! ... "

چنانکه ملاحظه میفرمائید : زندیق روزگار اسلامی همان مانوی ، دوره ساسانی است . بیش از این در باره آموزش‌های مانی سخن نمی‌گوییم و سیری را که این مذهب شگفت ایرانی در آسیا و اروپا کرد بیان نمی‌کنیم . زیرا از موضوع بحث ما خارج است . مقصود از این مقدمات آن بود که بگوییم همه این تعالیم و رواج بی‌سابقه آن در جهان مرهون اتکاء مانویان بر " کتاب " بوده است .

همه خاور شناسانی که در باره مانویت پژوهشی کرده‌اند یک دل و یک زبان معترف بوده‌اند و هستند که مذهب مانی ، " مذهب کتابی " (۱۵) است . و الحق مانی تعلیمات خود را با مهارت و استادی بسیار در کتابهای گوناگون بیان کرده‌است . مانی خود در کتاب‌هایش بروشنی می‌گوید : مذهب من تا بقای کتابهای جاودانیم باقی خواهد ماند ، زیرا آموزگاران ، کشیشان ، نیوشاگان و برگزیدگان (۱۶) ، آنها را با کوشش و خردمندی برای مردم خواهند خواند .

اگر کتابهای مانی تا این اندازه اهمیت دارد ، این سؤال پیش می‌آید : کدام کتابها به وسیله خود مانی نوشته شده ، و ما در باره مندرجات آنها چه میتوانیم دانست ؟ خوشبختانه این مطلب تا کنون به وسیله دانشمندان گوناگونی مورد بحث قرار گرفته و ما می‌توانیم بدون آنکه خواننده خود را سرگردان کنیم خلاصه بحث‌های آنها را بیان کنیم .

۱ - پروفوسورد آلفاریک Alfarcic در سال ۱۹۱۹ میلادی جلد دوم کتاب خود را که در باره ادیان قدیم نگاشته بود زیر عنوان :

"Les Ecritures Monicheennes"

انتشار داد . بخش نخستین همین کتاب به تفصیل درباره کتابهای مانی، توصیف‌ارزش و اعتبار مندرجات و تعداد آنها بحث می‌کند .

۲ - پروفوسور و . ب . هنینگ . W. B. Henning در مقاله خویش بنام

(15) Book-Religion W.B. Henning

(۱۶) . پیروان مانی طبقاتی داشته‌اند که مهم‌تر از همه " برگزیدگان ، و سماعان یا نیوشاگان بوده‌اند . در دوره‌های بعد نیوشاک را مطلق مانوی می‌گفته‌اند . سوزنی سمرقندی در هجو نظامی گنجوی می‌گوید :

ای نظامی کلکی بی سرو سامانی
به‌نیو شاگ و جهود وغ و ترسامانی!

" خلاصه مذاهب و سبک‌های تعلیم مانی ، بودای روشنائی (۱۷) کتابهای مهم مانی و پیروان او را مورد بحث قرار می‌دهد .

۳ - پوئش H-Ch Puech در کتاب خود " مانی گری " (۱۸) و ویدنگرن G. Widengren در کتاب خود بنام " مانی و مانی گری " (۱۹) به ویژه توجه خود را به کتابهایی که به وسیله خود مانی نوشته شده معطوف کرده‌اند .
با تلخیص بررسی‌ها و پژوهش‌های همین محققان و با استفاده از مآخذ شرقی به ویژه این‌ندیم و شهرستانی و نیز " مانی و دین او " مطالب زیر در باره کتابهای مانی بدست می‌آید .

۱. شاپورگان : این کتاب به وسیله خود مانی به زبان فارسی میانه نوشته شده است مانی این کتاب را به شاپور اول تقدیم کرد . این دو حقیقت ما را از مقاصد مانی در نوشتن کتاب آگاه می‌سازد ، مانی به وسیله کتاب خود شاپورگان می‌خواست که شاپور را به دفاع و پشتیبانی از مذهب جدید خود برانگیزد .

محتویات کتاب ، مباحث کیهانی و مسائل آن جهانی (به تعبیر حکیمان اسلامی مبدا و معاد) (۲۰) را در بردارد . این کتاب فصل دیگری دارد که " آمدن رسول " (۲۱) نام دارد ، که مانی در آنجا حوادثی از حیات خود را باز می‌گوید . همچنین در این کتاب مطالبی در باره کسانی که به آیین مانی در می‌آیند و آداب و رسومی که باید بپذیرند مطالبی آمده است .

۲. انجیل کبیر : که آن را انجیل جاویدان نیز می‌نامند ، از کتابهای مهم مانی بوده بدبختانه بخش‌های انجیل مانی در دسترس ما نیست تا بتوانیم خلاصه‌یی از محتویات آن را بدست دهیم . تنها می‌دانیم که انجیل مذکور بیست و دو فصل داشته و این مطلب را از تعدادی نامه به القای سُرپانی استنباط می‌کنیم . در یکی از قطعات این انجیل ، مانی خود را " رسول مسیح " می‌نامد . ابوریحان بیرونی

(17) Compendium of The Doctrines and Styles of the Teaching of Mani, The Buddha of Light,

Part 2. London, 1952, pp. 242-53.

(18) Le Manichisme,

(19) Mani and Der Manichaismus.

(20) Cosmological and Eschotological Problems

(21) The Coming of the Apostle

(وفات ۴۴۰ هـ) نیز به این مطلب اشاره کرده ، می‌گوید : مانی در انجیل خود می‌گوید " من فارقلیط هستم و خاتم پیامبران " (۲۲)

۳. کنز الحیات (گنجینه زندگانی) عنوان انجیل کبیر مانی ، از انجیل‌های مسیحی برای ما باقی مانده ، اما عنوان کنزالحیات از " گنیزای " Ginza " ماندایی گرفته شده است .

از این کتاب نیز جز چند فقره در نوشته‌های بیرونی و اوگوستین و ایود یوس Euodius بدست ما نرسیده است . یکی از قطعات این کتاب در باره جایگاه ارواح در قلمرو روشنائی بحث میکند . اوگوستین St. Augustine و ایودیوس یک قطعه دیگر از این کتاب را در مقاله‌یی که در باب مسائل کیهانی یا جهان‌شناسی سخن می‌گوید ، به ما معرفی می‌کنند ، و به ویژه در آنجا از برخوردها و پیکارهایی که نیروهای نیک و بد با هم می‌کنند سخن می‌رود .

همچنین به نظر نویسنده تازی محمد بن حسن الیعقوبی این کتاب مانی شامل اطلاعاتی است که به وسیله آن سادگی و فساد و بیهودگی نوع انسان را بیان می‌کند . این کتاب شامل سخنانی در باب مسائل کیهانی و انسان شناسی (۲۳) و روانشناسی است .

۴. کتاب رازها : این کتاب را در متون اسلامی چون ابن‌ندیم در الفهرست و بیرونی در الآثارالباقیه و نیز محمد زکریای رازی (وفات ۳۱۱ هـ) در کتابهای خود " سفر الاسرار " یا " کتاب الاسرار " نامیده‌اند . ابن‌ندیم در کتاب الفهرست ، فصول این کتاب را هیجده یا نوزده می‌داند و می‌گوید مندرجات آن شامل ایرادات مانی از مدافعان دیضانیه (۲۴) است . در این کتاب از عقاید مانی و پیروان او درباره روح و جسم و حقیقت آن سخن رفته است . ولی متأسفانه همه مندرجات کتاب اسرار برای ما شناخته نیست .

۵. کتاب جباران : هنینگ توانسته است بسیاری از عبارات و بخش‌های موجود کتاب جباران را گرد آورد . (۲۵) در این کتاب ، مانی داستان فرشتگان رانده را به صورتی مقبول به هم پیوند می‌دهد .

گذشته از داستان جباران ، کتاب مذکور شامل پنجاهی چند به گروهی که

(۲۲) . فارقلیط = Paraclete یعنی تسلی بخش . مورخان اسلامی از این کلمه معنی " خاتمیت " فهمیدند و آن درست نیست !

(23) Anthropology

(24) Diosanites

اصطلاحاً " سماعان یا نیوشاکان نامیده می‌شوند ، و نیز امکاناً " بحثی در باب عناصر پنجگانه‌ای (۲۶) است که مانی از آن بسیار سخن می‌دارد .

۶. نامه‌ها (۲۷) : مانی در زمان حیات خود تعداد زیادی نامه نوشته است . متأسفانه مجموعه قبطی این نامه‌ها همه از میان رفته ، به ویژه در جنگ جهانی دوم . امروزه از این نامه‌ها که روشن‌گر بسیاری از نقاط تاریک زندگانی و تعالیم مانی بوده تنهاده و یا سه نامه در دست است . البته این‌ندیم از تعداد زیادتری نامه اسم می‌برد ولی از مندرجات آنها چیزی به دست نمی‌دهد .

۷. مزامیر و ادعیه : این کتاب حاوی سرودها و نیایش‌هایی است که مانی خود و پیروانش می‌خوانده‌اند . از فهرست آثار مانی بر ما معلوم می‌شود که مانی کتابهایی در آداب نماز و نیایش نوشته است . البته ما مقدار زیادی از سرودها و نیایش‌های مانی را در دست نداریم . گذشته از این ، قطعات موجود به نحو بدی تباه شده بطوریکه خواندن و عکس برداشتن از این نوشته‌ها غیر ممکن است . از روی قطعاتی که انتشار یافته می‌توان اظهار کرد که این سروده‌ها برای پرستش خدای نور بوده و در زمان مناجات خوانده می‌شده است .

۸. ارتنگ (ارژنگ) و شرح بر ارژنگ : از روزگاری بس قدیم عموماً این نکته پذیرفته شده است که مانی نه تنها عقاید مذهبی خود را می‌نوشته بلکه حتی آنها را نقاشی و ترسیم می‌کرده است . اما همه دانشمندان این نکته را که عکس‌های ترسیم شده در کتابهای مانی موبه مو نمایانگر محتویات آنها باشد نمی‌پذیرفتند . اما امروزه از برکت بررسی‌های ژرف خاورشناسان این نکته روشن شده است که این کتابها شامل نقش‌ها یا عکس‌هایی از خود مانی و به قلم او بوده است . عنوان کتاب نیز از نظر لفظی " نقش " یا " عکس " معنی می‌دهد . در این کتاب مصور ، مانی تصویر بارزی از عقاید و اندیشه‌های خود را ارائه می‌دهد .

در سده یازدهم و پایان آن ، هنوز نسخه‌ی از " کتاب ارتنگ " مانی باقی بوده است ولی در حال حاضر ، هیچ چیز از این کتاب مهم بر جای نمانده است . تنها یک قطعه کوچک از یک متن پهلوی در دست داریم که " شرح بر ارژنگ " (۲۸) نامیده شده است . از این خلاصه کوتاه در باره آثار مانی ، می‌توانیم نتیجه گرفت

(25) W. B. Henning : The Book of the Giants, Volume XI, Dart, 1. P. 55-88, 1943.

(26) Five Elements

(27) Epistles

(28) Commentary on The Drawing

که قسمت بیشتر نوشته‌های مانی هنوز برای ما ناشناخته است .
 با وجود این ، فهرست نوشته‌های مانی ثابت می‌کند که مانویان مالک میراث
 مهمی از پیشوای دینی خود بوده‌اند . گذشته از این ، می‌توانیم با قضاوت از روی
 عنوانهای کتب مانی و بهره‌گیری از محتویات برخی قطعات و کتابهای کوچک و سرودها
 که باقی مانده و امروزه با کوشش خاورشناسان به دست ما رسیده ، حکم کنیم به اینکه
 مانی در باره همه موضوعات و مسائل مذهبی سخن گفته و بحث کرده است و مانویان
 هرگاه می‌خواست‌اند افکار و عقاید پیشوای دینی خود را بررسی کنند و یا تکالیف
 مذهبی خود را دریابند بدان "کتابها" رجوع می‌کردند .

درباره مزدک پیامبر شورشگر ایرانی که در روزگار قباد ساسانی ظهور کرد و
 سخنانی شگفت در باب اشتراک اموال و زنان گفت ، سخن نمی‌گوییم ، زیرا کتابی از
 وی بدست ما نرسیده ، و آنچه از تعلیمات او بدست ما رسیده ، به اندازه‌ی کژ و
 نادرست تفسیر کرده‌اند که در باره آن سخن گفتن فایده‌ی ندارد . البته در فهرست
 کتابهایی که عبدالله بن المقفع از فارسی به تازی ترجمه کرده ، نام کتاب بنام
 "مزدک" به چشم می‌خورد ولی از مندرجات آن خبری نداریم . (۲۹)

۲ . کتاب در روزگار اسلامی

تازیان قومی بیابان گرد و دور از علم و فلسفه بودند ، و در روزگار ظهور پیامبر
 اسلام کسی که لقب " عالم " یا " دانشمند " بروی شایسته و برآورنده باشد یانبود
 یا بسیار اندک بود . جهل و بیسوادی - به ویژه در نقاط بدوی - حکمفرما بود
 زیرا از لوازم نویسندگی و دانش وجود عمران و آبادی است ، و از این رو ، تنها
 در برخی نقاط عربستان مانند حجاز که برخی آبادیها و درختستانها در آن وجود
 داشت ، نویسندگانی نیز کم و بیش پیدا می‌شدند . ابن خلدون (وفات ۸۹۲ هـ)
 مورخ نامی عرب می‌گوید - حجازیان نوشتن را از مردم حیره فرا گرفتند ، و اینان
 از حمیریان یاد گرفتند . "

بلاذری در " فتوح البلدان " می‌گوید : وقتی اسلام ظهور کرد ، در میان
 قریش هیفده تن بودند که همه نوشتن می‌دانستند : عمر بن خطاب ، علی ابن ابیطالب ،
 عثمان بن عفان ، ابو عبیده بن الجراح ، طلحه ، یزید بن ابی سفیان ، ابو حذیفه
 بن غبته ، بن ربیع ، حاطب بن عمرو ، ابوسلمه بن عبدالاسد المخزومی ، ابان
 بن سعید بن العاص بن امیه ، خالد بن سعید برادر او ، عبدالله بن سعید بن ابی
 سرح العامری ، حویطب بن عبدالعزی العامری ، ابوسفیان بن حرب ، معاویه بن ابی ،

(۲۹) . احمد امین : ضحی الاسلام ، ج ۲ ، ص ۱۹۴ .



(۲) جهیم بن الصلت، و العلاء بن الحضرمی (۱). و بخوشی از زبان آنهانیز نویسدگی می دانستند مانند حفصه و ام کلثوم ، که بعدها هر دو از زبان رسول شدند .

و همو گوید " نوشتن بزبان و خط تازی ، در میان اوس و خزرج بسیار اندک بود. تنها برخی از یهودیان نوشتن می دانستند و از مدتها پیش آن را به اشراف زادگان این دو طایفه تعلیم می دادند ، و چون اسلام آمد ، شماره این نویسندگان بده تن می رسید " . و بسبب همین ندرت و کمی نویسندگان ، تازیان ، هر کس را که نوشتن و تیر انداختن و شنا کردن را با هم می دانست او را کامل می گفتند. و در آغاز اسلام مردانی چون سعد بن عباده ، اسید بن حضیر ، و عبدالله بن ابی ربه این لقب می خواندند. چون اسلام آمد ، پیامبر برخی از این کاتبان را به کتابت آیاتی که از قرآن نازل می شد برکماشت . و نخستین کسی که پس از رسیدن پیامبر مدینه آیاتی از قرآن نوشت ، " ابی بن کعب انصاری " بود . همین ابی وزید بن ثابت انصاری در پیش رسول حاضر می شدند و آیه های قرآنی و نامه های خصوصی پیامبر را می نوشتند . و اول کسی که از قریشیان چیزی برای او نوشت عبدالله بن سعد بن ابی سرح بود که بعدها مرتد شد و از اسلام برگشت . (۳)

پس از آن عثمان بن عفان ، و شرحبیل بن حسنہ و ابان بن سعید ، و خالد بن سعید و علاء الحضرمی و معاویه بن ابی سفیان این کار را بر عهده گرفتند . چیزی که اینجا قابل ذکر است اینست که: این کاتبان ، در کتابت ماهر نبودند و همه بر یک روش نمی نوشتند ، و قوانین املاء را یا نمی دانستند یا به درستی رعایت نمی کردند. برای نمونه " لا اذبحنه " و " لا اوضعوا " می نوشتند و در قرائت " الف " را حذف کرده " لا وضعوا " و " لا اذبحنه " می خواندند و این کار را از آن سبب می کردند که هنوز در صنعت خط ناتوان بودند و هیچ گونه مهارتی نیافته بودند .

* * *

اما از روزگار عمر بن الخطاب که تازیان به کشور گشایی و دراز دستی پرداختند، با اقوام متمدن تر و با فرهنگ تر از خودی چون ایرانیان و رومیان برخورد کردند و اگر چه دینی به آنان دادند ولی در مقابل ، آیین کشورداری و نامه نگاری و امور دیوانی را از عجمان به ویژه ایرانیان فرا گرفتند . دلیل مشهوری که مورخان برای کم فرهنگی تازیان یاد کرده اند ، آتش زدن تازیان است ، کتابخانه های ایران و اسکندریه را . و داستان آن چنین است که چون لشکر اسلام ایران را فتح کردند ، و به کتابخانه های عظیم ایران دست یافتند عمرو بن عاص به عمر نامه کرد و گفت : در

(۱) . بلاذری: فتوح البلدان، ج ۱، ص ۴۷۱، ج اروپا.

(۲) . ایضا، ج ۱، ص ۴۷۳ . (۳) . ایضا، بلاذری: ص ۴۷۳ .

اینجا انبوهی از کتابها وجود دارد و می‌گویند در باره دانش‌های گوناگونی است که از گذشتگان به ارث رسیده است. عمر از فرط ایمان و سادگی ذهن در جواب سعد نامه‌ی نوشت که یک جمله از آن را امروز در زبان منطقیان برای "قیاس ذوحین" (۴) مثال می‌زنند. عمر نوشته بود:

"همه آن کتابها را در آب بریزید، اگر در آنها ضلالتی باشد، خدا با کتاب خود ما را از ضلالت مصون داشته، و اگر در آنها هدایتی باشد، خدا به وسیله هدایت کننده‌تر از آن، ما را هدایت کرده است و آن قرآن است." (۵)

با کتابخانه‌های بزرگ اسکندریه نیز همین معامله رفت. (۶) البته در این اواخر گروهی از پژوهشگران تازی می‌خواهند این لکه فرهنگی را، که ناشی از جهل قوم بدوی و تعصب خلیفه دوم اسلام بوده، از دامن تازیان بزدایند، ولی حق این است که هنوز این دلایل باندازه‌ای قوی نیستند که بتوانند مصیبت بزرگ از میان رفتن آن همه فرهنگ و تمدن و آلات و ابزار علمی و کتابهای ادبی و فلسفی و دینی را تاویل کنند! شکی نیست که در این میان، پیکار دو عقیده و دو دولت در میان بوده، و غالبیت و مغلوبیت همواره چنین مشکلاتی به همراه داشته، هرگاه گروهی بر گروه دیگر چیره می‌شده‌اند در باره زنان و فرزندان و مال و خواسته قوم و گروه مغلوب گذشت و مهربانی به خرج نمی‌داده‌اند و تاریخ بشر همواره گواه اینگونه ناهنجاری‌ها بوده و شاید نیز خواهد بود!

* * *

تازیان که تا این زمان از روح تمدن بی‌خبر بودند و نمی‌دانستند که جز "حدا" شتران و میدان رزم پهلوانان و مفاخره‌بر نیاگان و برمه‌های شاعری شاعران چیزهای دیگری نیز هست که باید فرا بگیرند، اکنون دریافته بودند که باید چشم بگشایند و با ژرف بینی، و اندکی انصاف ذخایر فرهنگی و علمی کشورهای مغلوب را باز بینی کنند، و بنابر جبر زمان کاستی‌های خود را از آنان بگیرند. شاهنشاهی ساسانی را پربیفایده نپندارند، زیرا ایرانیانی که در میدانهای "جلولاء" و "نهایند" و "قادیسیه" مغلوب شمشیرهای برهنه و دل‌های تشنه تازیان شده بودند این نکته را به نیکی می‌دانستند که اگر با شمشیر تا تازیان برنیامدند، "ذهنیات" گرانبار و پر ثمری دارند که میراث معنوی نیاگان آنهاست، و اکنون باید تلافی شکست‌های

(4) Dilemma.

(۵) ابن خلدون: مقدمه، ص ۵۰۷.

(۶) ابن خلدون: مقدمه، چ بغداد، حاجی خلیفه: کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۹۶، چ مصر.

صوری میدانهای قادسیه و نهاوند را در بغداد و بصره و شام جبران کنند و غلبه معنوی و فکری خود را نشان دهند! این غلبه معنوی چه بود؟ وجه کار کرد؟ ایرانیانی که هنوز رگ میهن دوستی داشتند و سروری گروهی این چنین مردم بیگانه را بر خود بر نمی تافتند از اندیشه های قدیم نیاگان خود و آنچه از اقوام دیگر گرفته بودند بر ضد دین جدید استفاده کرده ، شبهه ها ساختند و شک ها کردند، و به ظاهر پرسشگرانه، و در باطن معتمدانه تخم تردید و شک را در دل های مسلمانان کاشتند و مباحث عظیمی در اسلام پیش آوردند که در دوره پیامبر اسلام اصلاً وجود نداشت. این ها را از کجا به وجود آوردند؟ از کتابهایی که خود خوانده بودند و یا از پدرانشان فرا گرفته بودند. اگر بپرسند: وقتی گفتید: تازیان آن ضربه هولناک را برسند ملیت ما زدند و کتابهای علمی و ادبی و فلسفی و طبی ما را طعمه حریق کردند، ایرانیان تازه مسلمان این دانش ها را از کجا آوردند؟ جواب ساده است، هر اندازه گروهی را به چوب و فلک ببندند و کتابهایشان را از آنها بگیرند، این نظام اجتماعی است که قهراً "گروهی" مردان کتاب " به وجود می آیند، و آنچه در کتابهاست، به ذهن ها می سپارند و آنها را به آسانی از راه بیان و در لباس و آرایش جدید به طالبان می آموزند و این در همه تاریخ نمونه های بارز دارد و نیازی بذکر مثال نیست.

تازیان وقتی سراز خواب گران برداشتند که تقریباً کار از کار گذشته بود، ولی بزودی بچاره در ایستادند و ناچار از حربه های علمی و فرهنگی همان کشورهای مغلوب جهت مقابله با آنان سود جستند. یعنی: جهت فرو کوفتن استدلالهای مدعیان یا ملحدان به ظاهر مسلمان که در اصطلاح آنان را «زندیق» (۷) می گفتند، مجبور به تعلم و فراگیری منطق و فلسفه، و تالیف کتابهای گوناگون در رد مخالفان خود گشتند و از این جهت، در برابر نیاز زمان عرب بدوی و مسلمان ساده که جز آیین نماز و کوشش در روزه و جهاد و همانندان آنها - چیزی را شایسته فرا گرفتن نمی دانست، منطق و فلسفه خواندن گرفت.

در نتیجه بازار بحث و فحص علمی و ترجمه و تالیف کتابهای منطقی و نجومی و فلسفی رونق گرفت. اگر چه این کار در روزگار امویان که مردمانی بدوی بودند و روح عصبیت و صحرانشینی هنوز در آنها باقی بود، چندان محسوس نبود، ولی از زمان عباسیان نفوذ مباحث علمی و رواج مسائل عقلی بیشتر شد، چنانکه از منصور عباسی روایت

(۷) . در باره زندیق و زندقه به کتاب ضحی الاسلام ابن عبدالهج ا، ص ۳۱۲ - ۲۹۱ نوشته احمد امین و دیگر ماخذ بنگرید .

شده که می‌گفت: "دانش‌ها بر سه گونه‌اند: علم دین‌ها، علم تن‌ها، علم زمان‌ها" (۸)، و بدینگونه تازبان اندک اندک از صدر اسلام دور شدند و جبر زمان مجبورشان کرد بپذیرند که علم، تنه‌افقه و حدیث و تفسیر نیست، بلکه برای تأمین سلامت تن‌ها به علم طب و جهت شناخت وقت و زمان نیاز به علم نجوم و دیگر دانش‌های طبیعی است

* * *

و چون حرکت علمی در روزگار عباسی رونق یافت، گروهی از دانشمندان که دو زبان پارسی و تازی را نیکو می‌دانستند، کتابهای پارسی را به تازی نقل می‌کردند، و این ندیم فصلی پرداخته و در آن نام مترجمان پارسی را به تازی یاد کرده که از آنها اشخاص زیر اهمیت ویژه دارند:

- ۱- عبدالله ابن المقفع، ۲- خاندان نوبختی، ۳- موسی و یوسف دو پسر خالد، ۴- ابوالحسن علی بن زیاد التمیمی، ۵- حسن بن سهل، ۶- بلاذری، ۷- جبلیه بن سالم، ۸- اسحاق بن یزید، ۹- محمد بن جهم البرمکی، ۱۰- هشام بن القاسم، ۱۱- موسی بن عیسی-الکردی، ۱۲- زادویه بن هاشویه اصفهانی، ۱۳- محمد بن بهرام بن مطیار الاصفهانی، ۱۴- بهرام بن مردانشاه، ۱۵- عمر بن فرخان (۹)
- عبدالله بن مقفع کتاب "خدای نامه" را به تازی در آورد، و آن کتابی بود در تاریخ پادشاهان پارسی از اول نشأت آنان تا پایان روزگارشان. ابن المقفع آن را "تاریخ ملوک الفرس" نامید، و ظاهر اینست که طبری در نگارش قسمت مربوط به ساسانیان در تاریخ بزرگ خود به آن خیلی تکیه و اعتماد داشته است. همو کتاب "آیین نامه" را ترجمه کرد، و معنی آیین - چنانکه می‌دانیم - نظم‌ها و عادت‌ها و عرف‌ها و شریعت‌های گوناگون است. و چنانکه مسعودی می‌گوید: این کتاب، کتابی کلان بوده و به هزاران صفحه می‌رسیده است، و تازیان در نظم دادن و مرتب کردن امور اداری و وضع مقررات قانونی و مالیاتی خود از آن استفاده‌های بسیار کردند.
- ابن المقفع همچنین از فارسی کتاب "کليلة و دمنه" را به تازی در آورد. و نیز کتاب "مزدک" را ترجمه کرد و آن سیرت پیشوای دینی پارسیان را دربر دارد، و نیز کتاب "تاج" در سیرت انوشیروان، و کتاب "الادب الکبیر" و "الادب الصغیر" و کتاب "یتیمه" را (۱۰) ... و بدینگونه کتاب جای خود را در میان تازیان نیز باز کرد.

(۸) ابن عبدربه: العقد الفرید، ج ۲، ص ۲۱۷، چ بیروت.

(۹) ابن ندیم: الفهرست، ص ۱۸۵.

(۱۰) مسعودی مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۰۹.

دانشمندان اسلامی ، همه در این روزگار از وجود کتابخانه‌های عظیم در نواحی گوناگون ایران اظهار شگفتی کرده‌اند .

مسعودی می‌گوید : " در شهر استخر فارس به سال ۳۰۳ هجری در برخی از خانه‌های پارسی کتاب‌های ضخیم و کلانی به چشم دیدم که شامل بسیاری از دانش‌ها و اخبار پادشاهان و بناهایشان و سیاست‌شان بود ، و البته مطالب آن را در کتابهایی چون خدای نامه و آیین نامه ، و گاه نامه و غیر آنها ندیده‌ام . در این کتابها و به ویژه در کتابی که مربوط به تاریخ ساسانیان بود ، تصویر بیست و هفت پادشاه آمده بود که بیست و پنج تن آنها مرد و دو نفرشان زن بودند " . (۱۱)

همچنین جله‌بن سالم کتاب " رستم و اسفندیار " و کتاب بهرام شوش (ظ:گور) را که در سیرت و اخلاق پهلوانان و پادشاهان ایرانی است به تازی درآورد . از کتابهای دینی ، کتاب زرتشت موسوم به اوستا را با شروح آن به تازی ترجمه کردند و حمزه اصفهانی مکرر از او نقل می‌کند . (۱۲) . و مسعودی می‌گوید " می‌گفتند که تا سال پس از سیصد هجری مردی در سیستان بوده که این کتاب را از آغاز تا انجام از بر می‌دانسته و بازگو می‌کرده است . " (۱۳)

در ادبیات ، به ویژه کتاب‌های کلیله و دمنه ، و پتیمه ، و الادب الکبیر و الادب الصغیر به کوشش رادمرد ایرانی روزه پارسی ملقب به ابن المقفع به پارسی درآمد . از جمله کتابهایی که در این روزگار به فارسی بود و به تازی درآمد کتاب " هزار افسانه " بود که یکی از مآخذ مهم کتاب " هزار و یکشب " به شمار می‌رود . (۱۴) آنچه گفتیم در باره ترجمه کتابهای پارسی به تازی بود . ولی عده‌یی نیز وجود داشتند که دو زبان تازی و پارسی را نیکو می‌دانستند . از این رو کتابهای پارسی را نیکو می‌خواندند ، و بدان وسیله اندیشه خود را بارور می‌کردند . آنگاه آن نکته‌های شیرین ادبی یا شعری یا علمی را در قالب زبان تازی می‌ریختند ، ولی البته آنچه نقل می‌کردند ترجمه تحت لفظی و سطر به سطر خواننده‌های آنان به زبان پارسی نبود ، ولی برآمده از آن و زاینده از معانی آن بود . چنانکه امروزه ، بسیاری از نویسندگان مطلبی را در زبانهای فرانسه یا انگلیسی یا آلمانی می‌خوانند ، سپس معانی لطیف آنها را گرفته ، به زبان مادری خویش منظومه‌های گرانبها و گوهرهای

(۱۱) . مسعودی : التنبیه و الاشراف ، ص ۱۰۶ ، ج اروپا .

(۱۲) . ابن ندیم : الفهرست ، ص ۳۰۵ .

(۱۳) . مسعودی : مروج الذهب ، ص ۱۱۰ ، ج ۱ ، چ محمد عبدالحمید .

(۱۴) . ایضا : ج ۱ ، ص ۱۱۶ .

شاهوار می‌سازند . جاحظ بصری (وفات ۲۵۵ هـ) در باره موسی بن سيارالاسواری یکی از داستان نویسان و قصه سرایان نقل می‌کند که " وی از شگفتی‌های روزگار بود . فصاحت وی در زبان پارسی همسنگ فصاحت وی در زبان تازی بود ، تازیان در دست راست او و پارسیان در دست چپ او می‌نشستند ، یک آیه از قرآن می‌خواند و آن را به زبان تازی برای آنان شرح و تفسیر می‌کرد ، آنگاه روی خود را به سوی پارسیان بر می‌گرداند و همان را به فارسی برای پارسیان می‌گفت ، و نمی‌شد دریافت که به کدام زبان رساترو بهتر می‌گوید . در حالی که هرگاه زبانی به زبانی دگر برخورد کند ، هر یک دیگری را خنثی می‌کند و از مقبولیت آن می‌کاهد . ولی این نکته در باره موسی بن سيار درست نبود ! " (۱۵)

سخن دراز کشید ، ولی این نکات لازم بود تا دریابیم که تازیان به برکت اسلام چگونه از حالت بدوات بیرون آمدند و چگونه با کشورهای متمدن و با فرهنگ قدیم مانند ایران و روم آشنا گشتند و جهت ساختن و پرداختن تمدن عظیم اسلامی از ایندو امپراطوری و فرهنگ‌های پر بار و درخشان آن دو سود جستند ، به ویژه از ایرانیان . و این شگفت نیست که یکی از بزرگترین مورخان تازی نژاد آشکارا می‌گوید " بیشتر حاملان دانش در اسلام عجمان و به ویژه ایرانیان بودند ! " (۱۶)

* * *

(۱۵) . بصری ، جاحظ : البیان والتبیین ، ج ۱ ، ص ۱۳۹ ، چ عبدالسلام هارون .
 (۱۶) . ابن خلدون : مقدمه ، ص ۳۹۱ ، چ بغداد : " اکثر حمله العلم فی الاسلام العجم .. " .

توجه بزرگان ایرانی به کتاب و کتابخانه‌های بزرگ

گفتیم که ایرانیان تمدنی پهناور و درخشان داشتند ، و امروزه همه دنیا این نکته را قبول دارند و هیچگونه اغراق و بلند پروازی در آن نیست . تازیان اگر چه ظاهر این تمدن را خراب کردند ولی نتوانستند- و نمی‌توانستند- که ریشه آن را از بن براندازند . از این رو ، دیدیم که عنصر ایرانی پس از زوال امویان چگونه نبوغ و عظمت نیاگان خود را تجدید کردند .

آنان با تائید و درایت رادمردان خود دودمان عباسی را نصرت دادند و بر روی کار آوردند . و این دولت اگر چه از حیث خلیفگان و لغت و دیانت تازی بودند ، اما از نظر سیاست و اداره کشور پارسی بودند ، زیرا بیشتر وزیران و کاتبان و حاجبان آنها ایرانی بودند ، و نظم حکومت و اداره کارهای مهم درید کفایت رجال ایرانی بود . (۱)
در دوره وزارت دودمان‌های ایرانی چون برمکیان و غیره که همه ایرانیان و بیشترشان اهل علم و کمال بودند ، کتابخانه‌های عظیم در بلاد اسلامی ایجاد گشت ، و شاعران و نویسندگان و متکلمان و فیلسوفان و خداوندان ملل و نحل یا مذاهب گوناگونی که در بطن اسلام پدیدار گشتند ، همه و همه برای تائید مذهب و مرام خود کتاب نوشتند و صله‌ها و عطیه‌های بسیار گرفتند .

در بغداد که مرکز امپراطوری بود ، کار مذکور رونقی به سزا داشت ، اما در خود ایران نیز که سلاطین ایرانی نژاد بر سر کار آمده بودند و استقلال کشور را بازیافته و آب رفته را به جوی آورده بودند کار کتاب و کتابخانه دست کمی از دربار خلیفگان عباسی نداشته است .

از سده سوم تا اواسط سده هفتم هجری تاریخ ایران مشحون است به ذکر کتابخانه‌هایی که پادشاهان ایرانی به همت وزیران و کارگزاران دانا و کاردان خود به وجود آورده‌اند . برای نمونه چندین مورد را از تواریخ گوناگون در زیر یاد می‌کنیم : یکی از دودمان‌های بزرگ ایرانی : بویه‌یان یا آل بویه هستند که از نژاد ایرانی خالص بودند ، و وزیران و کاتبان دانشمند و والا مقامی چون ابن العمید و صاحب بن عباد طالقانی و ابن مسکویه (وفات ۴۲۱ هـ) و ابوعلی حسین بن سینا (وفات

(۱) - جرجی زیدان ، تاریخ التمدن الاسلامی ، ج ۴ ، ص ۱۲۳ ، چ مصر .

۴۲۸ هـ) در دربار این دودمان برآمده و پرورش یافته‌اند . .
همین ابن العمید که در سال ۳۵۲ هجری به محض درگذشت " ابو محمد مهلبی " ،
وزارت رکن الدوله دیلمی را به دست آورد ، کتابخانه بسیار عظیمی احداث کرده
بود . و ابن مسکویه صاحب کتابهای سودمند " تهذیب الاخلاق " و " جاویدان خرد " و غیره
سمت کتابداری او را یافت .

و آورده‌اند که در زمان کتابداری همین ابن مسکویه ، خراسانیان به خانه ابن-
العمید ریختند ، و هر چه بود بردند یا خراب کردند ، و خزائن و اصطبل‌ها را همه
غارت کردند ، تا شب فرارسید و بازگشتند ، و قضا را به خزانه کتابهای او آسیبی
نرسید ، و شاید ابن مسکویه نیز در این میان تدبیری کرد . چون ابن العمید شبانگاه
به خانه باز آمد و حال را بر آن منوال دید ، و حتی کوزه‌یی نیافت تا در آن آبی
بخورد پریشان دل گشت ، به سراغ نوشته‌ها و دفاتر و رسائل و کتابخانه خود رفت-
که از جان برای وی عزیزتر بود - ابن مسکویه را دید و در باره آنها از او پرسید .
ابن مسکویه پاسخ داد که : " دل فارغ دار که کتابخانه سالم است و آن نوشته‌ها
همه بر جای خود است و دست کسی به آنها نرسیده است . " ابن العمید با خوشحالی
تمام گفت : گواهی می‌دهم که توندیمی مبارک پی هستی . و او را " خازن " لقب داد . (۲) .

* * *

یکی دیگر از دودمان‌های بزرگ و اصیل ایرانی سامانیان بودند ، در روزگار
آنان علم و فضیلت و دانش و معرفت ایرانیان رواج به‌سزایی یافت و کم و بیش مجد
و عظمت نیاگان ساسانی خود را باز یافتند ، و پس از سیمصد یا دویست و پنجاه سال
اسارت ، زبان شیرین پارسی به همت ایرانیان میهن دوست نشاط گذشته را بازیافت ،
و اگر چه از زبان تازی لغت‌ها و اصطلاحات بسیاری به عاریه گرفت ، ولی هرگز خود
را نباخت .

در روزگار همین دودمان بود که تاریخ و تفسیر طبری به فارسی سره ترجمه
شد که خود این دو کتاب ، کتابخانه‌یی بزرگ بشمار می‌رود . امام محمد زکریای رازی
بزرگترین پزشک تجربی ایران (وفات ۳۱۱ هـ) (۳) در کنف حمایت این دودمان
کتابهای بی‌زوال خود را مانند " الحاوی " که درسی و اند جزو بزرگ است نوشت .
ابوریحان بیرونی خوارزمی (وفات ۴۴۵ هـ) و ابوعلی بن سینا و ده‌ها دانشمند
دیگر در روزگار همین دودمان پرورش یافتند و کتابخانه معرفت ایرانی را پربار کردند .

(۲) ابن مسکویه : الحکمه الخالده ، ص ۱۸ ، ج عبدالرحمن بدوی ، ج مصر .

(۳) ابن العماد : شذرات الذهب ، ج ۳ ، ص ۱۸۶ ، ج مصر ،

نکته‌ی که اینجا جالب و قابل ذکر است اینست که سامانیان کتابخانه عظیمی ترتیب داده بوده‌اند که در آن مبالغی از کتابهای قدیم ایرانی ، و نیز آلات و وسایل و ابزار بر جای مانده بوده که دست شوم تازیان هنوز بدانها نرسیده و آنها را طعمه آتش و دستخوش ویرانی نکرده بودند . اکنون این مطلب را از زبان ابن سینا حکیم و طبیب نامدار ایرانی بشنوید :

" ... پادشاه بخارا نوح بن منصور سامانی (حکومت از ۳۶۶ ه تا ۳۸۷) بود . قضا را بیمار شد ، پزشکان زمان ، پیش او رفتند ، نام من در میان آنها به بسیار خواندن و نیک فهمیدن مشهور گشته بود . نام من در پیش او ببرند ، واحضار من از وی بخواستند . مرا بخواست ، بیامدم و در مداوا و علاج او با آنان شرکت کردم ، و بدینسان به خدمت او در آمدم ، ... یکی از روزها اجازه خواستم که وارد کتابخانه این دودمان بشوم ، و آنچه از کتابهای طب در آنجا هست بخوانم . مرا اجازه دادند . و من بدانجا رفتم . اما چه دیدم ؟ خانه‌ی بزرگ با اتاقهای متعدد که در هر خانه صندوق‌هایی از کتب بود که روی هم چیده بودند ، در اتاقی کتابهای عربیت و شعر ، در اتاقی کتابهای فقه ، در اتاقی کتابهای طب ، و همچنان در هر اتاقی کتابهای مربوط به دانشی از دانش‌های بشر . پس من فهرست کتابهای علوم اوایل (۴) را - که از یونانیان به دیگر ملت‌ها رسیده است - مطالعه کردم ، و آنچه از پیش برایم غامض و پوشیده بود ، جستجو کردم و یافتم . - کتابهایی دادم که اصلاً میان مردم معروف و مرسوم نیست ، و من نه پیش از آن و نه پس از آن مانند آنها را جایی دیدم . این کتابها را خواندم و از فواید آنها بهره‌مند گشتم ، مرتبه هر کس را در علم خود شناختم ، پس چون به هیجده سالگی رسیدم ، از مطالعه و فهم همه علوم زمان فارغ گشتم ، ... آن روزها من در حفظ کردن دانش تواناتر بودم ولیکن امروز پخته‌ترم و تجربت افتاده‌تر ... و این‌ها همه به کمک آن کتابها بود " (۵)

برخی از مورخان می‌گویند که این کتابخانه در همان روزگار آتش گرفت ، و این سینا در برافروختن این آتش دست داشته تا دیگران از وجود کتابهای شگفت‌مذکور

(۴) . علوم اوایل : در اصطلاح دانشمندان اسلامی ، دانش‌های یونانیان و رومیان و اسکندریان را شامل می‌شود . (تهانوی : کشف اصطلاحات الفنون ، ج ۲ ، ص ۶۰۳ ، چ کلکته) .

(۵) . ابن القفطی : اخبار الحکماء ، ص ۳ - ۱۷۲ ، چ اروپا ، ابن ابی اصیبه : طبقات الاطباء ، ص ۴۴ - ۴۳۷ ، چ بیروت .

هی خبر بمانند و بدستان نرسد! این خبر البته درست نیست و سند استواری بر صحت آن در دست نداریم.

* * *

در روزگار غزنویان و خوارزمشاهیان و به ویژه سلجوقیان نیز دانش و معرفت رواجی شگرف داشته، و به ویژه خواجه نظام الملک حسن طوسی (قتل ۴۸۵ هـ)، وزیر با کفایت آلپارسلان و ملکشاه سلجوقی در این راه بسیار همت کردند. سلطان محمود غزنوی (وفات ۴۲۱ هـ) با اینکه خود مردی عامی بوده، ولی بنا بر روح زمان بزرگترین دانشمندان روزگار خود را از اقصی نقاط کشورهای اسلامی به غزنین فرا می خوانده است. و داستان رفتن ابوریحان و چند تن دیگر از دانشمندان بزرگ دربار مامون خوارزمشاه به غزنین بنا بر حکم موکدی که محمود داده بود، در چهار مقاله عروسی و مآخذ دیگر آمده است. شاعران بزرگی چون منوچهری دامغانی، غضائری رازی، عسجدی، عنصری، و بالاخره استاد حکیم ابوالقاسم فردوسی، زنده کننده زبان پارسی، همه در دربار وی بوده اند، و این نکته را که فردوسی شاهنامه را به نام محمود کرده بوده، اگر چه امروزه بیشتر پژوهندگان نمی پسندند، ولی در روزگار همو، و به نظر گروه زیادی به دستور همو بوده است. در این روزگار در شهر غزنه کتابخانه های بزرگی وجود داشته، به نحوی که دیوانهای شاعران تازی در دربار محمود فراوان یافت می شده است.

"کرنکو" خاور شناس آلمانی که کتاب "الجما هرفی معرفة الجواهر" تصنیف ابوریحان بیرونی را چاپ کرده می گوید: "آگاهی شگفت او به اشعار شاعران قدیم و جدید عرب و عجم مرا به شگفتی وا می دارد، و این همه دلیل بر وجود این کتابها در شهر غزنه در روزگار اومی کند و نشان می دهد که علوم تازی نیز در این دوران در شرق خراسان رواج داشته است." (۶)

وجود کتابهای بسیار و کتابخانه های گوناگون در روزگار سلجوقیان نیز نیازی به دلیل ندارد، زیرا کافیهست که تنها گروه معدودی از دانشمندان این دوره را نام ببریم و از هر کدام چند کتاب یاد کنیم تا معلوم شود که خود همین کتابها، کتابخانه های بزرگی را تشکیل می داده است.

(۶) بیرونی: الجواهر فی معرفة الجواهر، خاتمه الطبع، ص ۳، چ حیدرآباد: "و کنت اتعجب من جوده معرفته لدواوین الشعراء و وجود هذه الكتب فی مدینه غزنه فی زمانه، و هو دلیل علی توسع العلوم العربیه از ذاک فی شرق خراسان..."

همچنانکه "سبکی" در احوال نظام الملک و غزالی می‌گوید: در همه نظامیه‌های بغداد و نیشابور و شهرهای دیگر کتابخانه‌های عظیمی در جوار مدارس و مساجد وجود داشته است. (۷)

بهترین و غنی‌ترین کتابهای فقهی و کلامی و ریاضی و فلسفی در این روزگار و به تشویق پادشاهان سلجوقی و به ویژه خواجه نظام الملک طوسی نوشته شده است. و شاید نتوان در همه دوران گذشته تاریخ ایران، حرکت علمی و تالیفی بهتر و با ارجح‌تر از این دوره سراغ داد!

نکته دیگری که اینجا ذکرش اهمیت دارد اینست که: با بروی کار آمدن سلجوقیان بود که ایرانیان به نحو بارزی توانستند خود را از زیر بار تسلط تازیان به دور بدارند، و دیگر فرمانهای خلیفه را گردن نگذارند. توضیح این مطلب آنست که تا ظهور سلجوقیان با اینکه پادشاهان مقتدری از دودمان سامانی، صفاری و غزنوی در ایران حکومت کردند و رادمردانی چون یعقوب در برابر خلیفه مردانه قد علم کرده و تا بغداد برای بر انداختن خلیفه رفتند و اقتداری به تمام یافتند و از حوزه خلافت مجزا شدند، ولیکن کشور ما به چند قسمت تقسیم شد و در حقیقت نوعی ملوک الطوائفی بر آن حاکم بود. مثلاً "سلطان محمود با آن همه شوکت و جلال پادشاهی، به سبب لشکرکشی به هندوستان و نزاع با ترکان ماوراءالنهر و خوارزمیان مجال آترانیافت که فتوحات خود را در تمام ایران بسط دهد و حکومت واحدی تشکیل کند.

ولیکن سلجوقیان در اندک زمانی همه ملوک الطوائفی را از میان برداشته و بنیادش را بر انداختند و در تمام ایران رایت سلطنت برافروختند و حتی ممالک مجاور آسیای را تسخیر کردند و از آن همه یک کشور پهناور، به وجود آوردند که مرکز آن ایران بود. و بطوریکه در تواریخ آمده این روش در زمان حکومت آلپارسلان، و به ویژه پسرش سلطان ملکشاه سلجوقی به منتهی درجه خود رسید، چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال دریایچه خوارزم و دشت قباچاق تا ماوراء یمن بنام او خطبه می‌خواندند، و امپراطور روم شرقی و امیران علوی گرجستان و ابخاز به او خراج می‌دادند و اصفهان در روزگار او و خواجه نظام الملک از مهم‌ترین بلاد دنیا و یکی از آبادترین آنها بود، و این پادشاه و وزیر، و عاملان و کارگزاران بزرگ سلجوقی در آن شهر بناهای بزرگی ساختند که هنوز هم آثار برخی از آنها برجاست. در عظمت حکومت این دودمان همین بس که گویند "... خواجه طوسی نظام الملک در ایام وزارت با سلطان ملک شاه از جیحون به گذشت، و اجرت کشتی بانان

جیحون ده هزار دینار بروالی انطاکیه نوشت : سلطان او را گفت : از جیحون تا انطاکیه نه ماه راه است ملاحان را جهت اجرت تا آنجا رفتن متعذر باشد . گفت : راست می‌گویند اما غرض من آنست که طول و عرض مملکت سلطان ، کسانی که ندانند معلوم کنند ، و این برات را خود لشکریان ما از کشتی بانان بخرند و هم اینجامال به ایشان رسد . " (۸) شک نیست که در کشوری بدین پهناوری و با همه این ارج یافتن دانش و معرفت ، کتابخانه‌های عظیمی نیز به وجود می‌آید ، و آثار علمی و ریاضی بیشماری ظاهر می‌گردد ، زیرا این نکته از نظر علوم فلسفی ، امروزه ، روشن شده است که کشوری نه می‌تواند در یک جهت پیشرفت و کمال بیابد ولی در جهات دیگر عقب بماند ، زیرا کشورها و دولت‌ها به منزله دستگاہ ماشین هستند که وقتی حرکت می‌کند ، همه اجزای آن با هم پیشرفت می‌کنند و همین پیشرفت همه اجزای انتقال از یک حال به حال دیگر و از یک مکان به مکان دیگر را ایجاد می‌کند ، در هر کشوری هم وقتی ثروت کلان به وجود آمد و وضع اقتصادی آن خوب شد ، موسیقی و ادبیات و شعر و فلسفه و ریاضی و علوم نیز پیش می‌رود و راه تعالی و کمال می‌پوید . از این رو وقتی در کشور پهناور سلجوقی لشکری جرار به وجود آمده بود ، و اداره امور مملکت نیز به دست سیاستمدار مردم دوستی چون نظام الملک حسن طوسی افتاده بود که خود نیز از طبقات پائین جامعه بود و از این رو با دردهای آن طبقات برآمده بود و آنها را خوب می‌شناخت ، و نیز لیاقت و دانش فراوان داشت و دانشمندان و نویسندگان را واقعا "گرامی می‌داشت ، و خود در بسیاری از مجالس بحث و مناظره علمی دانشمندان حضور می‌یافت ، روشن است که پایگاه علوم نیز در آن روزگار بالا می‌بوده و کتابخانه‌های متعدد و کتابهای سودمند بسیار تالیف شده بوده است . یکی دیگر از اهمیت سلجوقیان و روزگاران آنها این بوده که " عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری " (وفات ۲۵ - ۵۱۷ هـ) ریاضی دان و فیلسوف و شاعر نامدار ایرانی که امروزه در بسیاری از شهرهای دنیا و بلکه در اغلب دهکده‌های اروپا رباعیات او را می‌خوانند و لذت می‌برند ، و حتی مردم با کمال آن سامان ایران را تنها با نام او می‌شناسند ، در این روزگار به وجود آمد . خواجه نظام الملک از وی خواست حتی ، تاریخ را هم اصلاح کند . به این معنی که : تاریخ بزدگردی مخصوص فارسیان ، بی کیسه و بهیزک حساب می‌شد ، و از این رو نوروز در یک جا ثابت نه می‌ماند و همیشه با اول بهار که آغاز سال طبیعی است مطابقت نمی‌کرد ، چنانکه در عهد ملکشاه سلجوقی تقریبا " به اواسط حوت افتاده بود .

(۸) . نخجوانی ، هندوشاه تجارب السلف ، ص ۲۶۷ ، چاپ اقبال آشتیانی .

از این رو ، خواجه نظام الملک وزیر ، و سلطان ملکشاه در صدد اصلاح تاریخ و بناء رصدی جدید برآمدند ، و برای اینکار جمعی از منجمان و ریاضی دانان معروف آن عصر را از قبیل : " حکیم عمر بن ابراهیم خیام " شاعر بلند آوازه ایران ، و " ابوالمظفر اسفزاری " و " میمون بن نجیب واسطی " و خواجه عبدالرحمن خازنی " و برخی دیگر از عالمان آن عهد را که سردرسته آنان و مشهورترینشان همان عمر-خیام است ، دعوت کردند و به مدد فکر آنان تاریخ جلالی را وضع و رصدی احداث کردند که بنابر قول " ابن اثیر " تا سال ۴۸۵ هـ یعنی سال قتل خواجه نظام الملک و مرگ ملکشاه دایر بوده است . (۹) * * *

با حمله مغولان ، باز هم جنایت نازیبان بر فرهنگ و دانش این مرز و بوم تکرار شد . اینان با جهل و خونخواری خود نه تنها مردم بیگناه را کشتند ، بلکه هر چه از مظاهر فرهنگی و معنوی مردم ایران را یافتند با خاک یکسان کردند ، کتابخانه‌ها را یاسوختند ، یا آنها را در اصطبل‌ها ریخته در زیر لگدکوب اسبان و استران همه را پایمال کردند . این واقعه جانگاہ را به ویژه عظاملک جوینی در " تاریخ جهانگشا به تفصیل آورده است .

دسون (۱۰) که بزرگترین تاریخ را درباره قوم مغول تالیف کرده ، می‌گوید : " اگر اسناد همه ملت‌های عالم بر بیرحمی و خونخواری مغول متفق الکلمه نبود ، پذیرش مطالبی که مورخان شرقی در این خصوص نوشته‌اند ، مشکل بود . ولی شهادتی که مورخان مغرب زمین از سفاکی مغول داده‌اند و شرحی که در این باب از آن قوم نقل کرده‌اند کاملاً " با نوشته‌های شرقی و مدارک تازی مطابقت دارد . (۱۱)

" ابن اثیر " و " سبکی " در ذکر واقعه استیلای مغول چنین می‌نویسند :
 "... اگر کسی بگوید که از آغاز آفرینش تا کنون ، جهان به نظیر چنین واقعه‌ای ترسناک و مرگبار گرفتار نیامده ، راه خلاف نرفته است . یکی از بزرگترین واقعه‌های تاریخی که نام آن در زبانهاست رفتار بختنصر است با بنی اسرائیل و کشتار او از ایشان ، و ویران کردن بیت المقدس . ولی بیت المقدس در مقابل شهرهایی که این گروه خراب کرده و هر کدام چندین برابر بیت المقدس بوده چه عظمتی دارد ، و بنی اسرائیل در جنب کسانی که در این واقعه به قتل رسیده‌اند چه اهمیتی دارند زیرا که کشتگان یک شهر تنها بر بنی اسرائیل فزونی داشته است ... اینان

(۹) . ابن اثیر : الکامل فی التاریخ ، ص ۹۸ ، ج ۱۰ ، چاپ سال ۴۸۵ ، چ بیروت .

(10) D'Ohssom

(۱۱) اقبال ، عباس : تاریخ مغول ، ص ۱۰۰ ، چاپ امیرکبیر .

زنان و مردان و کودکان را کشتند و شکم های زنان باردار را در پند و اطفال جنین را گشتند. (۱۲)
همو می گوید : " آورده اند که اگر مغولی به قریه یا دربندی که مردمی زیاد داشته وارد می شد و یکی یکی ایشان را می کشت ، احدی جرأت اینکه دست به سوی او دراز کند نداشت .

و گویند : یکی از این قوم ، مردی را گرفت و چون برای کشتن او حربه بی نداشت به او گفت : سر خود را بر زمین نه و از جای خویش مجنب ، مرد چنین کرد و مغولی رفت و شمشیری به کف آورد و او را با آن کشت " (۱۳)

یک نظراجمالی به میزان کشتاری که مغول از مردم ماوراءالنهر و نقاط گوناگون ایران کرده اند ، و دیدن فهرست خرابی های ایشان کافیسست که حال زار ممالک اسلامی را در آن سانحه شوم آشکار سازد و خلاصه آن اینست که جوینی در چند سطر بیان کرده است که " هنوز تارستاخیزاگر توالد و تناسلی باشد ، غلبه مردم به عشرآنچه بوده است نخواهد رسید ، و آن اخبار از آثار اطلال و دمن توان شناخت که روزگار عمل خود بر ایوان ها چگونه نگاشته است " ، (۱۴) آری ، این غارت پهبشگان بیرحم ایران را سوختند ، کتابخانه هایش را خراب و پایمال کردند ، مردمش را قتل عام کردند و هر چه داشتند بردند

با همه این اوصاف ، شگفت است اگر بگوییم که همین سدهء تاریک ایران یکی از بهترین ایامی است که نوابغ و بزرگان علم و حکمت و تاریخ و نقاشی و خطاطی و شاعری میهن ما در این دوره به عرصهء ظهور رسیده اند ، و باز استعداد ذاتی و نیروی فرهنگ ایرانی از زیر بار این همه رنج و شوربختی و بلا های جانکاه سربدر آورده و بزرگانی چون مولوی بلخی و شیخ سعدی شیرازی و خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی و عظاملک جوینی و حمدالله مستوفی و قطب الدین رازی و قطب الدین شیرازی و صدها تن دیگر را به جامعه بشری تحویل داد ، اما بدون شک بزرگترین نمایندهء حکمت و ریاضی و اخلاق در این روزگار خواجه نصیرالدین محمد بن حسن طوسی (وفات ۶۷۲ هـ) ملقب به استاد بشر بوده است . یکی از دانشمندان دربارهء این مرد بزرگوار ایرانی چنین گفته است " علم و حکمت به دست این ایرانی در دورترین

(۱۲) . ابن اثیر الکامل فی التاریخ ، ج ۱۲ ، ص ۳۵۹ ، چاپ بیروت ، سبکی ؛ طبقات الشافعیه ، ج ۱ ، ص ۱۲ - ۵۱۰ ، چاپ مصر .

(۱۳) . ایضا " مآخذ بالا

(۱۴) عظاملک جوینی : جهانگشا ، ج ۱ ، ص ۹ - ۳۸ ، چاپ علامهء محمد قزوینی .

نقطه‌های بلاد مغول رفت ، تو گوئی نور تابانی بود در شامی تیره ا " (۱۵)

خواجه با سیاست و کاردانی خود چنان نفوذ در روح هولاکو کرده بود که آن ترک‌خون‌خوارستمکار را به مردی دانش دوست‌مبدل ساخت و آن خون آشام بدکردار را واداشت که به جای خرابکاری و کشتار خلق خدا به اصلاح امور اجتماعی و پیشبرد فرهنگ و فنون بپردازد و توانست از کسی که مظاهر تمدن را خراب می‌کرد شخصی بسازد که کاخ تمدن را برافرازد و در پیشبرد و ترقی دادن علم سر از پا نشناسد. البته درست روشن نیست که خواجه وزارت هولاکو را داشته یا نه ، ولی در عمل از هر وزیری با نفوذتر بوده ، زیرا بدون آنکه دخالتی در اموال دولتی بکند ، چنان عقل هولاکو را ربوده بود که " هولاکو سوار نمی‌شد و سفر نمی‌رفت و دست‌به‌کاری نمی‌زد مگر وقتی که خواجه معین می‌کرد ا ... " (۱۶)

خواجه سرانجام کار را بجایی رسانید که هولاکو را برانگیخت تا شخصی به‌بلاد عربی بفرستد و دانشمندانی را که از ترس مغول و حمله خرابکارانه آنها فرار کرده و به اربل و موصل و جزیره و شام رفته بودند ، تشویق کند و آنها را به ایران باز گرداند و برای این منظور فخرالدین لقمان بن عبدالله مراغی را نامزد کرد ، و این مرد که شخص هوشمند و دانش دوستی بود توانست با حسن تدبیر مبلغی خلق را که به بلاد عربی رفته بودند به ایران باز گرداند و بدینوسیله کار خود را نیک انجام دهد و بر گردن دانش و معرفت حقی داشته باشد . (۱۷)

مهم‌تراز این کارها ، خواجه نصیر در روزگار خود دو خدمت بزرگ به فرهنگ ایرانی انجام داد : نخست ایجاد رصدخانه مراغه است . و در این راه پانزده سال کوشید ، و بنای رصد سالی تمام شد که خواجه نیز در آن سال وفات یافت . در این رصدخانه گروهی از دانشمندان بزرگ ایرانی ، با خواجه طوسی همکاری داشته‌اند . که از آنجمله : کاتبی قزوینی ، رکن الدین استرابادی ، محیی‌الدین مغربی ، قطب الدین شیرازی ، شمس‌الدین شیروانی ، کمال‌الدین ایچی ، نجم‌الدین اسطرابلی ،

(۱۵) . زیدان ، جرجی : آداب اللغة العربیه ، ج ۳ ، ص ۲۳۴ ، فزها العلم فی

بلاد المغول علی یدهذا الفارسی کانه قبس منیر فی ظلمه مدلهمه . "

(۱۶) کنسی ، ابن‌شاکر : فوات الوفيات ، ج ۲ ، ص ۱۵۱ ، چاپ مصر : "او کان یعمل الوزاره

لسو لاکومن غیران یدخل یده فی الاموال و احتوی علی عقله حتی انه لایرکب

ولایسافر الا فی وقت یأمره ا "

(۱۷) . ابن الفوطی : مجمع الاداب ، ص ۲۵۶ ، چاپ هند .

قومنجی (تومه جه) چینی ملقب به سینک سینک . (۱۸) که خواجه رشیدالدین آن را به " عارف شناسا " تفسیر کرده است و چند تن دیگر . (۱۹)

اما بزرگترین کار خواجه این بوده که در محل رصد مراغه کتابخانه بزرگی - احداث کرد و بنا به فرمان هولاکو کتابهای نفیس و سودمند بسیاری که از بغداد و دمشق و موصل و خراسان غارت شده بود ، و در کار رصد خواجه هم لازم بود به آن کتابخانه آورده شد . خود خواجه مأمورانی به اطراف کشورها می فرستاد که هر جا کتابهای علمی سراغ بگیرند و بیابند ، خریداری کنند و برای او بفرستند . و خود هر جا به کتاب مفید و نفیسی بر می خورد و یا در سفرها به نظرش می رسید همه را می خرید ، و در این راه چنان کوشش داشت که به عقیده بیشتر مورخان چهار صد هزار جلد کتاب در کتابخانه مراغه گرد آمده بود ! (۲۰) این بود مختصری درباره مقام کتاب و ارجمندی آن در نزد ایرانیان پیش از اسلام ، و ایرانیان دوره اسلامی بحث در باره کتابهایی که دوره حکومت تیموریان و صفویان و خاندانهای دیگر ایرانی نوشته شده و کتابخانههایی که تشکیل یافته از حوصله این مقال بیرون است اکنون باید اندکی در باره تأثیر کتابهای بزرگ ایرانی در تمدن جهانی و اهمیت آنها سخن بگوییم .

در این قسمت نیز سخن بسیار می توان گفت و برای نمونه از کتابهای یک یک دانشمندان بزرگ ایرانی می توان نام برد ، ولی ما از چند کتاب بسیار معتبر سخن می گوئیم ، و تفصیل را به کتابهای تاریخ فلسفه و علم واگذار می کنیم و بر این عقیده ایم که همین کتابها که ما نام می بریم و اندکی در باب اهمیت آنها سخن می گوئیم ، نمایانگر مقام و تاثیر کتابهای دیگر نیز هست زیرا به قول مولوی " چونکه صد آمد نود هم پیش ماست ! "

یکی از بزرگترین کتابها که در تاریخ علم تاثیر فوق العاده داشته ، و به ویژه از نظرگاه تجربی همواره شایان دقت بوده کتاب " الحاوی " امام محمد زکریای رازی (وفات ۳۱۱ هـ) است " حاوی " که آن را " الجامع الحاضر " نیز گفته اند ، یکی از

(18) Sink Sink

(۱۹) . تاریخ علم الفلک فی العراق ، ص ۹ - ۱۳۲ .

(۲۰) . کتبی ، ابن شاکر : فوات الوفيات ، ص ۱۴۹ ، "وابتني نصیرالدین الطوسی به مراغه قبه عظیمه و رصداً . و اتخذنی ذلک خزانه عظیمه فسیحه الاجراء و ملاء هامن الکتب التي نهبت من بغداد والشام والجزیره ، حتی تجمع فیها زیاده علم اربعمائه الف مجلدا " .

بزرگترین کتابهای طبی اسلام است ، و حتی گروهی آن را از " قانون " ابن سینا نیز مهم‌تر دانسته‌اند . این کتاب در سال ۱۴۸۹ میلادی در " برسیا " (۲۱) به زبان لاتین ترجمه شد و انتشار یافت و بار دیگر در سال ۱۵۴۲ میلادی در ونیز ترجمه و منتشر شد ، و مدتها از کتابهای درسی دانشگاه‌های قدیم اروپا به‌شمار می‌رفته است . البته کتاب " حاوی " یکدست و مرتب نیست و سبب آن اینست که پس از مرگ رازی توسط شاگردان او از مسوده‌ها و یادداشت‌های تکمیل نشده او گردآوری شده ، بر خلاف کتاب " قانون " که هم پرداخته دست و قلم خود این سیناست و هم اینکه به واسطه نفوذ او در دربارهای بزرگان پیوسته کتاب درسی طالبان پزشکی بود . و از اینجاست که تا حدودی کتاب " الحاوی " رازی را تحت الشعاع قرار داده است . از این‌ها گذشته ، چون " حاوی " کتاب حجیم و کلانی بوده و مطالب آن مشکل ، بیشتر نسخه برداران را به وحشت می‌انداخت ، و به جز عده کمی توانگر - که همیشه اشیاء و کتب نفیس از آن آنهاست و قیمت آنها را نمی‌دانند و نیروی شناخت آنها را ندارند - دیگران از داشتن متن کاملی از این کتاب محروم بوده‌اند . چنانکه صاحب کتاب طبی " کامل الصناعه " معروف به " طب ملکی " علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی ، در مقدمه کتاب خود می‌گوید که : در زمان خود ، فقط از دو نسخه کامل از کتاب " الحاوی " سراغ داشته ، و صاحب کتاب " طبقات الاطباء " گوید که : " من متن کامل و نسخه تمام کتاب الحاوی را ندیده‌ام " ، ولی در بیان اهمیت آن می‌گوید : " کتاب حاوی ، بهترین و جامع‌ترین کتب طبی است ، زیرا در آن مولف همه بیماری‌های متقدمان و متأخران را تازمان خویش آورده است " (۲۲) نظامی عروضی سمرقندی و ابن القفطی و دیگران نیز سخنانی در باره اهمیت این کتاب گفته‌اند که همه دلالت بر بزرگی و عظمت آن دارد . این کتاب به سال ۱۷۶۶ میلادی در شهر لندن به انگلیسی ترجمه شده و سرانجام به ترجمه اگین هیل " (۲۳) و سرمایه " انجمن سیدنهام " (۲۴) انتشار یافت . " ماکس نوبورگر " (۲۵) در باره این کتاب می‌گوید : (۲۶)

(21) Berscia

(۲۲) ابن ابی اصیبعه : طبقات الاطباء ، ص ۴۲۵ ، چاپ بیروت .

(23) Green Hill

(24) Society Ydenham

(25) Max Neulurger

(۲۶) . ادوارد براون : طب اسلامی ، ص ۶۳ .

" از هر لحاظ، و از روی انصاف، این کتاب زینتی است بر همه آثار طبی‌روزگار
اسلامی. "

* * *

کتاب دیگری که باید اینجا از آن یاد کنیم، "قانون" ابن سیناست. این کتاب مشروح‌ترین و مهمترین کتابهای طبی‌شیخ رئیس است و از جمله کتابهایی است که مدتها مورد نظر متطببان و طالبان پزشکی بوده است. از این کتاب نسخه‌های گوناگون به زبانهای مختلف در دنیا وجود دارد و شروح و حواشی بسیار بر آن نوشته‌اند و به سال ۱۹۵۳ در رم چاپ شد و البته پیش از آن چاپهای متعددی بالسنه گوناگون از این کتاب انجام شده است.

ابن سینا این کتاب را در جرجان و همدان تالیف کرده و میانه سالهای ۴۰۵ - ۴۱۴ هجری به پایان آورده است، و گویا این کتاب را به شاگردان خود تدریس می‌کرده است. در این کتاب ابن سینا همه امراض انسانی را از سر تا به قدم می‌شمارد و یک به یک مورد بحث قرار می‌دهد. این کتاب به پنج قسم منقسم می‌شود: کتاب اول در امور کلی علم طب، کتاب دوم: در ادویه مفرده، کتاب سوم: در امراض جزئی از سر تا به قدم، کتاب چهارم: در امراضی که عارض می‌شود و مخصوص به عضوی نیست، پنجم: در ترکیب ادویه. قانون به زبانهای لاتین و انگلیسی و فرانسه و آلمانی ترجمه شده و بر آن شروح گوناگون نوشته‌اند که حاجی خلیفه متجاوز از پنجاه شرح و تلخیص آن را یاد می‌کند. (۲۷) کتابهای "ابوریحان بیرونی به ویژه "الاثار الباقیه عن القرون الخالیه" و کتاب "ماللهند" اونیز بسیار اهمیت دارد و سالها مورد توجه و دقت خاورشناسان قرار گرفته، و بطوریکه می‌دانید نخستین چاپ علمی و انتقادی این دو کتاب بسیار نفیس را ساخاؤو نخست به تازی و آنگاه به انگلیسی انتشار داده است.

اینجا باید از خیام نیز نام ببریم، اما نه از خیام ریاضی‌دان و فیلسوف بلکه از خیام سراینده "رباعیات" که امروزه در همه دنیا خوانندگان به‌شمار می‌آورد. آن نیز به همت ادوارد فیتز جرال (۲۸) به انگلیسی ترجمه شد و مایه شهرت سراینده و مترجم هر دو گشت و نام ایران را بلند آوازه کرد و به جهانیان نشان داد که ایرانی از دریای اندیشه و خیال خود چه گوهرهای تابناکی بیرون ریخته است.

(۲۷). کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۹ - ۲۱۷

(28) Edward Fitz Gerlad

نظر دکتر محمد امین ریاحی در باره کتاب

— محمد امین ریاحی ، ضمن سالها روزنامه نگاری و سردبیری چند نشریه معتبر ، چندین کتاب در زمینه های ادب کهن ایران تالیف و تدوین کرده است . دیوان "رشید یاسمی" جهان نامه ، "مفتاح المعاملات" " نفوذ زبان فارسی در عثمانی" و مرصادالعباد از جمله آثار پر ارزشی است که باهتمام و تحقیق دکتر ریاحی تالیف و منتشر شده است . کتاب " مرصادالعباد " نجم الدین رازی که در سال ۲۵۳۱ به اهتمام دکتر ریاحی تدوین و منتشر گردید ، برنده جایزه سلطنتی بهترین کتاب سال ۲۵۳۲ بود . ریاحی که سوابق ممتدی نیز در مدیریت امور انتشاراتی کشور دارد ، و اصلاح کتب درسی و تاسیس " سازمان کتابهای درسی ایران " ، مرهون مساعی اوست ، و افکار و اقدامات خود را در آن مورد به صورت کتابی به نام " داستانی به نام کتابهای درسی " منتشر کرده است .

در زمینه کتاب می گوید : تالیف و نشر کتاب در ایران متناسب با پیشرفتهای کشور ما در سایر شئون نیست ، برای ایجاد این تناسب ، باید کتاب خواندن را از کودکی آموخت و به صورت عادت در آورد ... اکنون مصاحبه ای که با امین ریاحی صورت گرفته نقل می شود .

— شماکه سالیان دراز با کتاب زندگی کرده‌اید و با تحقیق و کاوش در متون بزرگ ادبی ، آثار برگزیده‌های ادبیات کهن ایران را حیات دوباره داده‌اید ، کتاب را چطور دریافتید و چطور توجیه می‌کنید؟

دکتر ریاحی : می‌دانید که میزان پیشرفت تمدن هر جامعه را ، گاهی از میزان کاغذی که مصرف می‌شود یعنی کتاب و نشریاتی که چاپ و منتشر می‌شود ، اندازه‌گیری می‌کنند . ملت ما در تالیف کتاب ، در عشق به کتاب و کتاب‌خوانی ، سابقه طولانی و درخشانی دارد . از کتابهای دوره قبل از اسلام که نزدیک به ۸۰ تا ۱۰۰ جلد آن مانده است بگذریم ، قدیمترین کتاب فارسی که از دوره اسلام در دست است ، در سال ۳۴۶ هجری تالیف شده است . البته منظوم این نیست که پیش از آن تاریخ کتابی به فارسی نوشته نشده است — بلکه بدون شک با ایجاد سلسله‌های مستقل ایرانی ، از قبیل صفاریان و سامانیان نوشتن کتاب به فارسی دری هم شروع شده بود ولی آنچه مانده و در دست است دهباجه قدیمترین شاهنامه یعنی شاهنامه ابومنصوری است که فردوسی نیز شاهنامه خود را از روی آن به نظم درآورده است . البته خود کتاب شاهنامه ابومنصوری از بین رفته ولی مقدمه‌های آن باقی است که در بعضی از نسخه‌های خطی شاهنامه موجود است . به هر تقدیر کتابهایی که از آن تاریخ و بعد از آن به زبان فارسی نوشته شده است به بیست هزار جلد می‌رسد .

— اینکه می‌گوئید بیست هزار جلد ، کتاب فارسی نوشته شده ، بر اساس فهرستی است که در دست است یا تخمیناً چنین گفته می‌شود . از این همه کتاب چه تعدادی باقی مانده است ؟

دکتر ریاحی : خود من از همان سالهایی که جوان بودم ، اقدام به تهیه فهرستی از آثار فارسی کردم که هنوز هم مشغول تکمیل آن هستم و با توجه به یادداشتهایی که تهیه کرده‌ام تخمین من اینست : کتابهایی که در طول یازده قرن نوشته شده از بیست هزار جلد نیز بیشتر است . البته تعدادی که چاپ شده است و در دست مردم قرار گرفته و مردم می‌شناسند ، بیش از سه یا چهار هزار جلد نیست باقی ، به صورت نسخ خطی است و در کتابخانه‌ها ، مخصوصاً کتابخانه‌های خارج از ایران محفوظ است .

— چرا کتابخانه‌های خارج؟ اینها که برای ما واقعا " ارزش دارند
و یادگاری ارزنده‌ای از گذشته پر افتخار ما هستند . چرا در
کتابخانه‌های خارجی نگهداری می‌شوند ؟

دکتر ریاحی : باید توجه داشت که فرنگی‌ها پیش از ما به ارزش کتاب پی برده‌اند و
مخصوصا " در آن چند قرنی که ملت ما در خواب بود ، یعنی دوران صفویه و بعد
از آن تا انقلاب مشروطیت هر بار که به هر بهانه‌ای به ایران آمدند ، تعدادی از
کتابهای ما را خریدند و با خود بردند ، در آن سالها رنسانس اروپا را بیدار کرده
بود ولسی ملت ما دور از این تحول بزرگ فکری و فرهنگی سرگرم مسائل خودبود ،
حکومتها ضعیف بودند و در گیر جنگهای داخلی و خارجی و مجال پرداختن به مسائل
اساسی را نداشتند . در این موقعیت ، گروههای مذهبی ، مبلغین و کشیش‌ها و
همینطور جهانگردان زیادی به خاطر علاقه خودشان به ایران آمدند و هر بار کتابهای
پر ارزش را به بهای کم خریدند و صاحب شدند و از ایران بردند .

در جنگهای ۱۲۴۳ ایران با روسیه که ایران شکست خورد و ناگزیر از پذیرش پیمان
شوم ترکمانچای گردید ، فرمانده سپاه روس " پاسکویچ " کتابخانه نفیس آرامگاه شیخ
صفی الدین اردبیلی را از اردبیل بار کرد و برد و همین کتابخانه در حال حاضر در
لنینگراد است و ما فقط فهرست کتابهای آن را داریم و این فهرست را هم یک‌خاور
شناس روسی ، تهیه و چاپ کرده است . انگلیسها از همان آغاز استعمار هند ،
مجموعه‌های عظیمی از کتابهای فارسی را از ایران و هند بردند که امروز در موزه
بریتانیا و دیوان هند نگهداری می‌شود . قبل از همه اینها هلندیها در دوره صفویه
کتابهایی بردند . اتریشیها هزاران نسخه خطی از متصرفات عثمانی برده‌اند که امروز
کتابخانه ملی وین گنج بیکرانی از این نفائس است . که اتفاقا " قدیم‌ترین نسخه
خطی فارسی مربوط به نهمصد و پنجاه سال پیش جزو آنهاست .

— در تاریخ اشاره‌هایی شده است به کتابسوزی اعراب و اینکه
بسیاری از ذخائر فرهنگی و ادبی ما در این آتش سوزیها از بین
رفته است ، این مسئله چقدر صحت دارد ؟

دکتر ریاحی : روایتی هست که وقتی دولت ساسانی از اعراب شکست خورد به خلیفه
دوم گزارش دادند ، در ایران کتابخانه‌های بزرگی هست و خلیفه دستور داد آنها را
آتش بزنند و دلش هم این بود که محتویات این کتابها ، یا در قرآن هست یا

نیست اگر باشد که وقتی قرآن را داریم دیگر به آنها نیازی نیست ، و اگر نباشد پس مورد نیاز مردم هم نیست و گر نه خداوند ، در قرآن به آنها اشاره‌ای می‌فرمود البته این مطالب و روایت‌ها تا چه اندازه‌ای صحت دارد ، نمی‌دانم ولی بطور کلی باید توجه داشت ، وقتی دین ایران عوض شد و همینطور وقتی خط قدیم ایران به الفبای عربی تبدیل یافت ، طبعاً " یک تغییر در فرهنگ ایران پدید آمد و خودبه خود ، دیگر این کتابها برای مردم مفهومی نداشتند و از بین رفتند . خیال می‌کنم اصل قضیه اینست ، کما اینکه در قرن دهم وقتی دولت صفویه در ایران تشکیل شد ، قسمتی از کتابهای قبل از صفویه که مربوط به مذهب قبل از صفویه نیز بود و به مذاق اهل سنت نوشته شده بود مهجور ماند و کم کم از بین رفت ، ولی با اینحال باید توجه داشته باشیم که تا وقتی صنعت چاپ نبود و کتابها دست نویسی می‌شد و برای رونویسی هر کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای حداقل یکسال بایستی وقت صرف می‌شد ، تعداد نسخ کتاب هم فراوان نبود و به آسانی از بین می‌رفت .

— صنعت خط و خوشنویسی و تذهیب که از دوره صفویه به کار آمد ، چه تأثیری در این زمینه است ؟

دکتر ریاحی : خوشنویسی و تذهیب ، همینطور مینیاتور و جلدسازی در کار کتاب ، ضمن آنکه رونقی به کتاب داد ، سبب شد کتابهای قبلی که با خط نامرغوب نوشته شده بود ، در دید مردم ارزشی نداشته باشد . چنانچه الان هم می‌بینیم قدیمترین کتابهای فارسی موجود که خیلی هم گرانبه‌قیمت است با خط بسیار بدی نوشته شده است ، اشاره کنم به کتاب "الابنه عن الحقایق الادویه" تالیف ابومنصور هروی که در داروشناسی و طب است و در سال ۴۴۷ هجری یعنی قریب ۹۵۰ سال پیش بدست اسدی طوسی شاعر رونویسی شده و اصل آن در کتابخانه ملی وین - اتریش نگهداری می‌شود و یکنفر خاورشناس اتریشی به نام "زلیگمان" آن را در سال ۱۸۵۹ در وین چاپ کرده است . همین کتاب پر ارزش ، اگر در حال حاضر که خواندن نسخ قدیمی معمول نیست در دست یک ایرانی بود و در کنارش یک شاهنامه مینیاتور تذهیب شده طبعاً " این ایرانی آن شاهنامه مذهب را بر آن ترجیح می‌داد . منظورم اینست که بطور قطعی می‌شود گفت این کتابها روی تعمق و تأمل و تعمد از بین نرفته است .

— آنچه گفتید مربوط می‌شد به بعد از اسلام تا عهد صفویه و کمی بعد از آن ، بفرمائید در دوره بازگشت ادب ، کتاب در ایران

چه سیری را پیمود ؟

دکتر رباحی : می دانید که در عالم کتاب ، مهمترین نقطه عطف و تنها عاملی که کتاب را عمومی کرده و از یک کالای تجملی گرانبیست مخصوص توانگران درآورد و وضعی ایجاد کرد که مردم عادی هم بتوانند کتاب بخرند و بخوانند ، اختراع صنعت چاپ است در سال ۱۴۵۰ . البته صنعت چاپ خیلی دیر به شرق رسید ، قریب سیصدسال بعد از اختراع " گوتنبرگ " اولین چاپخانه در استانبول تاسیس شد یعنی در سال ۱۷۲۹ ، در آن دوره زبان فارسی دومین زبان امپراطوری عثمانی بود ، بنابراین ، تعدادی از کتابهای فارسی در همان چاپخانه چاپ و منتشر شد . کتابهایی مثل فرهنگ بزرگ فارسی به نام "السان العجم شعوری " یا دیوان حافظ که در پنجاه ساله ۱۲۵۵ تا ۱۳۰۴ قمری ۹ بار چاپ شده است .

— چاپ این کتابها که نام بردید سنگی بود یا حروفی ؟

دکتر رباحی : از عجایب آنکه به خلاف آنچه در وهله اول به تصور می آید چاپ حروفی یا سربی زودتر از چاپ سنگی شروع شده است . کتابهایی هم که در چاپخانه ابراهیم متفرقه ، در استانبول چاپ می شد ، حروفی بود . البته بعد از آن درهند هم چاپخانههایی دایر شد و با توجه به اینکه تا قبل از استقرار قطعی استعمار در آن منطقه ، زبان فارسی رسمی ومورد علاقه و عشق صاحبان و صاحبانظران هندی بود . در هند هم هزاران کتاب فارسی چاپ شد .

— اولین چاپخانه چه وقت به ایران آمد ؟ و چه تغییرات و تحولاتی را به دنبال داشت ؟

دکتر رباحی : اولین چاپخانه در زمان عباس میرزا به ایران آمد ، یعنی اصولاً آغاز ورود ایران به تمدن اروپایی را بایستی دوره عباس میرزا بدانیم چون در این دوره مخصوصاً در نتیجه جنگهای ایران و روس ، رجال آن روز ایران و شخص عباس میرزا فرمانده قوای مدافع ایران پی بردند که برای مقاومت در برابر دشمن و کسب پیروزی ، تنها تجهیز سلاح جنگی کافی نیست بلکه بایستی به سلاح فکری عصرمجهز بود . با این فکر اقداماتی شروع شد و برخی از جنبه های تمدن و صنعت از جمله صنعت چاپ و چاپخانه ، به ایران آمد . اولین چاپخانه ظاهراً در ۱۲۳۳ به تبریز آمد

که چاپ سربی بود . هفت سال بعد نخستین چاپخانه در تهران در ۱۲۴۰ دایر شد در کنار آن چاپ سنگی هم از سال ۱۲۵۰ قمری رواج یافت و چاپ سنگی در آن روزها مرغوبتر و ارزانتر به نظر می‌رسید . البته دوپست سال پیش از آنها یک چاپخانه با حروف ارمنی به جلفای اصفهان رسید ، بود که هنوز در موزه جلفا نگهداری می‌شود .

— با توجه به اینکه معمولا " بایک سنگ ، در چاپ سنگی ، پیش از هفتصد یا هفتصد و پنجاه چاپ به دست نمی‌آید ، کتابهای آن دوره معمولا " چه تیراژی داشتند ؟ و مسئله عرضه و تقاضای کتاب در چه وضعی بود ؟

دکتر ریاحی : کتابهای اولیه معمولا " بین سیمصد تا هفتصد جلد تیراژ داشتند و البته این تعداد به نوع کتاب هم بستگی داشت مثلا " دیوان حافظ بیشتر چاپ می‌شد و به کرات ، همینطور کتابهایی که حاوی مسائل و روایات مذهبی بود ، اما مهمترین حرکت در زمینه کتاب ، در دوره ناصرالدین شاه ، پیش آمد ، وقتی که امیرکبیر " دارالفنون " را تاسیس کرد ، هر چند که بهره برداری از دارالفنون به حیات او نپایید ولی ایجاد این مدرسه مسئله نیاز به کتابهای درسی و افزایش تعداد باسوادان را در ایران مطرح کرد این بود که یک حرکت علمی ایجاد شد . ابتدا معلمین دارالفنون کتابهایی در زمینه جغرافیا ، و تاریخ جهان و ریاضی و هندسه تالیف کردند که بعضی از آنها چاپ شده و برخی به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها ، مخصوصا " کتابخانه سلطنتی در کاخ گلستان و کتابخانه ملی موجود است . علاوه بر اینها ناصرالدینشاه دستگاهی به نام " دارالترجمه همایونی " ایجاد نمود که ریاست و مسئولیت اداره آن را " اعتماد السلطنه " به عهده داشت . در این دارالترجمه کتابهایی که در زمینه ادبیات بود و برخی از سفرنامه‌های خارجی ، ترجمه و برای مطالعه شخص ناصرالدینشاه ارائه می‌شد ، بعدها تحت نظارت ، " اعتماد السلطنه " ، یک سری رساله‌های مختلف در باره تاریخ و جغرافیای شهرها تهیه گردید که نمونه‌هایی از این رساله‌ها هم چاپی و خطی در کتابخانه‌ها موجود است و البته از نظر جغرافیای ایران در آن روز و شناخت مردم آن دوران بسیار مفید و جالب بود . حرکتی که به این گونه شروع شده بود تا انقلاب مشروطیت با نشیب و فرازهای زیادی ادامه داشت بعد از انقلاب مشروطیت ، پیشرفت آموزش و تاسیس بی در پی مدارس و افزایش تعداد باسوادان ، خود به خود ، بر تعداد کتابخوانها و علاقه‌مندان به کتاب

افزوده و کتاب طبعاً " توسعه و انتشار بیشتری پیدا کرد .

— خود شما تحت چه شرایطی با کتاب آشنا شدید ، و به اینجا که هستید راه بردید ؟

دکتر ریاحی : پدر من مرد دانشمندی نبود اما به کتاب علاقه داشت به سبب همین علاقه ، در خانه ما ، تعداد زیادی کتاب خطی یا چاپهای دوره ناصرالدینشاه موجود بود برای بچه‌ها هم آن روز اسباب بازی و سرگرمی خاصی نبود ، از این رو توجه من بیش از هر چیز به کتاب جلب شد و چون کتاب مخصوص کودکان هم وجود نداشت ، کتابهایی مثل دیوان سعدی ، موش و گربه عبید زاکانی که در برلن در چاپخانه گاوچاپ شده بود و بعدقصه‌هایی مثل نوش آفرین ، رستم نامه ، حسین کرد امیرارسلان ، اسکندر نامه و هزار و یکشب نخستین کتابهایی بودند که من شناختم و خواندم ، وقتی دبیرستان می‌رفتم کتابدار افتخاری مدرسه شدم و از بین ششصد جلد کتاب موجود در کتابخانه مدرسه ، اکثر آنها را خواندم و به تدریج راغب و شائق کتاب شدم .

— کی برای اولین بار چیزی نوشتید ، یا به تالیف کتابی دست زدید ؟

دکتر ریاحی : در سال ۲۴۹۸ که دانش آموز سال دوم دبیرستان بودم مقاله‌ای در باره شرح حال شاطر عباس صبحی نوشتم با این بیان که شعرهایی که باین شاعر نسبت داده‌اند ، از او نیست و نام شاعران اصلی آنها را که از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه پدری پیدا کرده بودم ، ذکر کردم .
این نخستین کار قلمی من بود که در مجله ارمغان مجله علمی مهم آن روز چاپ شد و مراتبشویق کرد و البته کارهای تازه دیگری را هم به دنبال داشت ، بعد از آن طی یک دوره بیست ساله ، یعنی از سال ۲۵۰۰ تا ۲۵۲۰ ، در بیشتر روزنامه‌های آن روز مخصوصاً " اختر شمال تبریز و شفق و مهرگان و کیهان در تهران و مجله‌های آن روز مقالاتی نوشتم ، کیهان فرهنگی هم به سردبیری من و سرمایه موسسه کیهان منتشر شد . و چندی سردبیری روزنامه ها و مجلات دیگری را به عهده داشتم ...

— در زمینه کتاب ، و تالیف کتاب چه کارهایی کردید ؟

دکتر ریاحی : نخستین کتاب مستقل از من در ۲۵۰۵ منتشر شد که مجموعه ای از اشعار من بود . بعدها " دیوان رشید یاسمی ، " با مقدمه ای در زمینه تجدد شعر و ادبیات ایران ، یک متن جغرافیایی به نام " جهان نامه " که از قدیمترین کتابهای جغرافیای فارسی بود ، یک متن قدیمی ریاضی از نهمصد سال پیش که قدیمترین متن فارسی در زمینه ریاضیات بود به عنوان " مفتاح المعاملات " با عکس برداری از نسخه اصلی که در کتابخانه ایاصوفیه ترکیه است ، همراه با مقدمه و توضیحات و تعلیقات ، و کتابی به نام " نفوذ زبان فارسی در قلمرو عثمانی " ، و بالاخره " مرصاد العباد " نجم الدین رازی انتشار یافته است .

— چه کتاب تازه ای در دست تالیف دارید ؟

دکتر ریاحی : تاریخ روابط ایران با عثمانی و تاریخ خوی ، دو کتابی هستند که برای چاپ آماده کرده ام کتاب تاریخ خوی ، بیش از سه چهارم عمر مرا به خود مشغول کرده است و برای تهیه آن از ۸۰۰ تا ۹۰۰ منبع شرقی و غربی استفاده برده ام و خیال می کنم به عنوان جغرافیای تاریخی یک ناحیه کتاب خوبی باشد و گامش برای هر منطقه از کشور ما چنین تحقیقی بشود چرا که تاریخ یک ملت را تاریخ جزء جزء شهرها و مناطق تشکیل می دهد

— سیر کتاب را تا مشروطیت بیان کردید . در پنجاه سال اخیر این تحول چگونه جریان یافت و به کجا رسید ؟

دکتر ریاحی : افزایش تعداد با سوادان ، با آرامش و ثبات کشور ، و تاسیس مدارس بیشتر ، سیر صعودی را پیموده و طبعاً " نیاز فراوان به انواع کتابها احساس شد . و دولت نیز در این زمینه اقدامات وسیعی را آغاز کرد .

اول کمیسیون معارف با شرکت عده ای از رجال وطن پرست و عاشق فرهنگ تشکیل شد ، رجالی که پیشرفت کشور را از راه توسعه کتاب عملی تر می دانستند . زیر نظر کمیسیون معارف کتابهای با ارزشی ترجمه و تالیف شد ، از آن جمله " ایران باستان " تالیف مرحوم مشیرالدوله بود که هنوز هم بعد از ۵۰ سال کتابی بهتر از آن یا حتی برابر آن تالیف و منتشر نشده است ، یا ترجمه تاریخ البرماله " که از نظر شناخت تاریخ جهان کتاب با ارزشی است .

بعد از آن وزارت فرهنگ با تعدادی از استادان و دانشمندان ، از جمله ملک الشعرا

بهار ، محمد قزوینی ، عباس اقبال و مرحوم فروزانفر و عده‌ای دیگر از مولفین و محققین برای تالیف و ترجمه چند کتاب تازه یا نقد و تصحیح متون کهن قراردادهایی بست و این شروع خوبی بود برای اینکه کتاب نضج بگیرد و گرفت . بعدها موسسات انتشاراتی بخش خصوصی هم پا در میان گذاشتند و بکار نشر کتاب پرداختند . وقایع سوم شهریور و اشغال ایران از جنبه اقتصادی به اینکار لطمه‌ای زد ولی از نظر محتوا تنوعی در کار کتاب به وجود آورد ، به این معنی که علاوه بر صاحبان فکرای مختلف که کتابهایی نوشتند موسساتی نیز برای چاپ و انتشار کتاب به وجود آمد ، موسساتی مثل ، انتشارات دانشگاه که ظرف این سالها قریب ۱۵۰۰ جلد کتاب منتشر کرده است .

— غیر از این موسسه چه سازمانهایی در این زمینه فعالیت داشت
و احیاناً " در جهت نضج کتاب کوشش می‌کرد ؟

دکتر ریاحی : موسسه های غیرانتفاعی مثل ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، بنیاد فرهنگ ایران و انجمن آثار ملی و بعد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که این یکی در زمینه کتابهای کودکان نقطه عطف جالب توجهی به وجود آورده است . مسئله اینست که در دوره ما ، چندین عامل ضروری برای رواج کتاب فراهم شده ، یعنی ضمن اجرای تعلیمات عمومی و گشایش مدارس و افزایش سریع تعداد با سوادان . وضع مالی خانواده‌ها هم به صورتی هست که امکان خرید کتاب دارند ، اضافه بر آن کتابخانه‌های عمده هم به نسبت افزایش پیدا کرده‌اند . البته در مقابل ، عوامل باز دارنده‌ای مثل رادیو ، تلویزیون ، سینما و وسایل تفریحات مختلف هم به وجود آمده است ، شاید اگر اینها نبود رواج کتاب بیشتر می‌شد .

— مگر این وسایل در اروپا که به نسبت کتابخوان هم زیاد است
وجود ندارد ؟ چطور اینجا به عنوان عامل بازدارنده است در
حالیکه می‌تواند عامل پاری دهنده باشد .

دکتر ریاحی : باید توجه داشت که در اروپا باحتی آمریکا ، کتاب خواندن یک موضوع طبیعی و جا افتاده است و برایشان به صورت عادت درآمد و عادت خوبی هم هست ولی ما تازه داشتیم با سواد می‌شدیم که برخورداریم به این عوامل و خودمان را بستیم به اینها ، و نتیجه این شد که وقتی داستانهای تلویزیون و رادیو را می‌بینیم و می‌شنویم

حتما "مسائل تاریخی و ادبی را به وسیله این دو ، شسته رفته‌تر و گیراتر می‌بینیم ، دیگر سراغ کتاب نمی‌رویم . این شده است که با کتاب بیگانه‌ایم و یا چندان‌الفتی نداریم .

– به هر حال هدف با فرهنگ شدن است و می‌شود این فرهنگ را از رادیو و تلویزیون هم منتقل کرد والبته در سطحی به مراتب وسیع‌تر ، در این صورت آیا خواندن کتاب باز هم ضرورتی دارد؟

دکتر رباحی : فرهنگی که به وسیله رادیو و تلویزیون و همینطور مطبوعات انتقال داده می‌شود بیشتر اوقات سطحی است ، گذر است . مخصوصا " اینکه در رادیو و تلویزیون حق انتخاب با ما نیست هر چه ارائه می‌شود باید بشنویم و ببینیم ولی در زمینه کتاب ، این انتخاب با خود ماست که با توجه به ذوق یا احتیاجی که داریم و با توجه به ضرورت زمان و موقعیت اجتماعی خود هر کتابی را که می‌خواهیم بخوانیم و در عین حال آسان پسند نباشیم .

– فکر نمی‌کنید وقتی همه چیز آسان و به قول شما سطحی ارائه می‌شود ، خود به خود مردم هم کمتر به عمق توجه کنند و به کیفیت مسائل و زمینه‌ها کمتر اهمیت بدهند ؟

دکتر رباحی : نگرانی در همین است ، و باید قبول کرد که این از مقتضیات زندگی ماشینی است که همه چیز سریع و گذرا باشد . با این همه فکر نمی‌کنم میزان فرهنگ و سواد مردم پائین آمده باشد . بلکه استنباطم اینست که فرهنگ و سواد توسعه پیدا کرده است ، ولی گسترده‌تر و سطحی‌تر و کم عمق‌تر ، مثلا " اگر صد سال پیش کسی تاریخ می‌دانست در حدود فرهنگ آن دوره عمیق بود ، یا در زمینه ادبیات ، ادیب صد سال پیش ، متون ادبی معمول آن دوره مثلا " دیوان انوری یا خاقانی را خوب می‌فهمید ولی جوان تحصیل کرده امروز ، یا حتی لیسانس‌های ادبیات امروز چنین متنی را نمی‌فهمند در مقابل معلومات متنوع تر و وسیعتری دارند ، هم مقداری ادبیات دنیا را می‌دانند ، هم قسمتی از فرهنگ ایوان را هم اطلاعاتی از علوم و فنون و مسائل زندگی جدید به عبارت دیگر با سوادان صد سال پیش اگر در مجموع ۵۰ هزار نفر بودند ، اکثر این عده مجموع معلومات آن روز فرهنگ ایرانی را می‌دانستند ولی الان تعداد با سوادان ما به چند میلیون رسیده ولی عمق سواد کم و

— در جایی اشاره کردید که در روزگار کودکی شما کتاب کودکان نبود ولی حالا هست و زیاد هم هست ، آیا وجود این کتابها و جلب علاقه کودکان و نوجوانان به کتاب می تواند امیدی باشد برای آینده که عادت کتاب خواندن و طبعاً " عمیق بودن رادر نسل جدید بیشتر داشته باشیم ؟

دکتر ریاحی : در جوامع متمدن کتاب خواندن یکی از احتیاجات روزانه مردم است ، یعنی هر آدم با سوادى خود را موظف و مقید می داند که ساعتی یا ساعاتی از روزش را برای مطالعه اختصاص دهد . ما هم باید به آنجا برسیم و مقدمه اینکار باید از کودکی فراهم آمده باشد ، تمام آن کسانی که الان کتاب خوان و کتاب دوست هستند از کودکی شروع کرده اند ولو اینکه تعداد کتاب محدود بوده است .

عکس این قضیه هم صادق است . شما فلان استاد دانشگاه را می بینید که حتی کتابی را که تدریس می کند در خانه ندارد و از این و آن به امانت می گیرد . بنابراین اساس کار از کودکی شروع می شود و هر چه برای کودکان امروز بشود کافی نیست و البته وظیفه عمده در این زمینه با وزارت آموزش و پرورش است که باید ترتیبی بدهد در همه کودکستانها ، دبستانها و دبیرستانها کتابخانه کوچکی باشد و بچه ها را موظف سازد که علاوه بر کتابهای درسی شان چند کتاب غیر درسی هم بخوانند و کنترل کنند که این کتابها را خوانده باشند .

متأسفانه چند سال پیش از یکی از مقامات وزارت آموزش و پرورش شنیدم که می گفت " ما نتیجه گرفته ایم که ایجاد کتابخانه مقرون به صرفه نیست بجایش یک کتابخانه سیار درست کرده ایم پانصد جلد کتاب می ریزیم و به دبستانهای مختلف می بریم . . . " من دریافتم که آموزش و پرورش هنوز امر کتاب کودکان را جدی نگرفته است و فکر می کنم برای آینده کتاب یک کار مهم یعنی توجه به کودکان است .

— برای بهبود وضع کتاب و رواج کتاب دیگر چه کارهای مهمی انجام گرفته است ؟

دکتر ریاحی : ابتدا توجه کنیم چه کارهایی شده و چه عواملی موجود است . تاسیس دستگاههای انتشارات دولتی . افزایش تعداد ناشران و ایجاد کتابخانه های عمده تا

جائیکه تعداد کتابخانه‌های عمومی وزارت فرهنگ و هنر به ۳۴۰ رسیده است . علاوه بر اینها کتابخانه‌های دانشگاهها ، مدارس عالی، بعضی مدارس مهم ، و موسساتی مثل سازمان برنامه ، بانک ملی و وزارتخانه‌ها هم هست .

بگذریم از کتابخانه‌های معتبر و عظیم مجلس شورای ملی و مجلس سنا و ملی و ملک که مخصوص متخصصین است ضمناً "اجرای طرح تشویق ناشران و مولفین هم در هیئت امنای کتابخانه‌ها در این مهم بی تاثیر نبوده و می‌دانید که بر اساس این طرح ، تحت نظر استادان ، بهترین کتابها ، تا پانصد نسخه برای توزیع در کتابخانه‌ها خریداری می‌شود ، این کار ضمن آنکه تشویقی است برای ناشر و مولف سبب می‌شود که هر کتابی که منتشر می‌شود ظرف یکماه در کتابخانه‌های عمومی در دسترس مردم قرار گیرد اما باید اضافه کنم آنچه شده و آنچه هست کافی نیست ، متأسفانه در ایران تالیف و ترجمه و نشر و خرد کتاب و کتاب خواندن متناسب با پیشرفتهای مملکت در سایر شئون نیست .

— چه مقیاس مطلوبی را در نظر داشتید و فکر می‌کنید این امر در چه وضعی باشد با سایر شئون متناسب است ؟

دکتر ریاحی : چند مقایسه می‌توانیم بکنیم ، تعداد دانش‌آموزان ایران در ۵۰ سال پیش به ده هزار نمی‌رسید ، الان هفت میلیون محصل داریم . یعنی تعداد هفتصد برابر شده است آیا تیراژ کتاب به هفتصد برابر رسیده است ؟ یا تعداد عنوان‌های کتاب به هفتصد برابر رسیده است ؟ از جنبه اقتصادی بودجه و وضع مالی و اقتصادی کشور ، دولت و مردم ۵۰ سال پیش بر چه پایهای بوده و الان بر چه پایه‌ایست آیا به نسبت افزایش بودجه و بهبود وضع مالی دولت و مردم تالیف و ترجمه و نشر و خرید کتاب هم بیشتر شده است ؟ نه ، بنظر من هر کسی که به ایران و به ملت ایران علاقه دارد و پیشرفت و بهروزی ملت ایران را از راه توسعه کتاب می‌داند باید در این زمینه بیندیشد و راه‌حلهایی ارائه نماید .

— چه مشکلاتی در راه کتاب هست و برای رفعشان چه باید کرد ؟

دکتر ریاحی : در امر کتاب چند مسئله است که مثل زنجیر بهم پیوسته‌اند . ضعف یکی یا قوت دیگری در کار کتاب اثر می‌گذارد . این مسائل ، عبارتند از تالیف و ترجمه ، چاپ و صحافی ، توزیع کتاب و علاقه مردم به کتاب خواندن . می‌بینید که در این کار عوامل و طبقات مختلفی دست اندر کارند . کار ترجمه و تالیف مربوط می‌شود به

مترجم ، محقق و نویسنده ، کار چاپ و صحافی به ناشر ، همینطور توزیع کتاب ، و بعد خریدن و خواندن کتاب که به مردم مربوط است .

به وضع مؤلف و مترجم نگاه کنیم . در پنجاه سال پیش یک مؤلف و یا مترجم توقع مادی از کار کتاب نداشت مثل میرزا حسن خان مشیرالدوله (پیرنیا) مؤلف کتاب " ایران باستان " که ثروتمند بود . مرفه بود - نخست وزیر سابق بود و خلاصه احتیاج به حق التالیف نداشت و اگر می نوشت و تالیف می کرد از روی عشق بود . عاشق بود و می خواست در این راه خدمتی بکند و این خدمت را از راه کتاب می کرد .

البته بودند کسان دیگری که برای شهرت طلبی و اینکه اسمی داشته باشند و موقعیتی کسب کنند ، دست اند کار کتاب بودند . ولی امروز وضع اجتماعی ایران عوض شده و آن نوع اختلاف طبقاتی نیست . یعنی یک فرزند کارگر ، یک دهقان هم با سواد شده اند و می نویسند و طبعاً با این تغییر اجتماعی وضع اهل قلم هم عوض شده است باین معنی که تالیف و ترجمه کتاب بایستی به تاهمین زندگی مرفهی برای مؤلف ، محقق و مترجم کمک کند و اگر این نباشد و ما یک طبقه نویسندگان حرفه ای نداشته باشیم ، انتظار داشتن کتاب خوب هم به جایی نمی رسد در دنیا مخصوصاً " در اروپا و امریکا ، یک نویسنده با نشریک کتاب ، به ثروت می رسد . چون تیراژ کتاب بالای صد هزار ، پانصد هزار و تا یک میلیون نسخه است اما در مملکت ما اگر یک نویسنده سه سال زحمت تالیف کتابی را بکشد و کتاب هم مورد توجه مردم قرار بگیرد و احیاناً سه بار تجدید چاپ شود می رسد به ده هزار جلد که اگر ناشر هر جلد را به بیست تومان بفروشد و ده درصد به مؤلف بدهد برای سه سال زحمت مبلغی بالغ بر بیست هزار تومان به مؤلف می رسد . آیا این مبلغ با درآمد سرانه ما مطابق است ؟ در مقابل یک کارگر ساده را در نظر بگیرید . در کشور ما یک کارگر ۵۰ تا ۶۰ تومان حقوق روزانه دارد این رقم در سال و در سه سال چقدر می شود رقمی در حدود شصت هزار تومان ، آیا می توان توقع داشت که یک نویسنده بزرگ و مشهور طرف سه سال بیست هزار تومان بگیرد و یک کارگر ساده شصت هزار تومان ؟ حاصل کار این شده که اولاً نویسندگان خوب جذب دستگاههای دولتی ، یا حداکثر دستگاههایی که کم و بیش سر و کاری با قلم دارند ، مثل رادیو و تلویزیون یا حتی ادارات و شرکت های خصوصی می شوند و یا دست به تجارت بزنند . سی سال پیش ، " علی جلالی " ، فرخ کیوانی ، بودند که هر دو روزنامه نویس و نویسنده بودند و کتاب هم می نوشتند ولی این کار را رها کردند " دنبال کارهای اقتصادی را گرفتند و سرمایه دار هم شدند ولی من اعتقاد دارم که دلشان می خواست در راه قلم یک دهم این ثروت را به دست می آوردند و به آن کار ادامه می دادند .

— اشاره به نکته حساس و مهمی کردید و مشکلی را مطرح کردید که قاعدتا "بزرگترین مشکلت... برای رفع این مشکل چه باید کرد؟"

دکتر ریاحی : به نظر من کتابفروش بخش خصوصی نمی‌تواند زندگی مولف را تامین کند، چون در حال حاضر درآمد زیادی ندارد و چه بسا که خودش هم در این زمینه با مشکلاتی روبروست. پس باید دولت در این مورد اقدام کند یعنی در مورد کتابهای خوب و مورد نیاز جامعه، حقوق مولف یا مترجم را از اعتبار عمومی بدهد و چاپ و نشر کتاب را به بخش خصوصی واگذار نماید. البته این کاریست که دولت در زمینه‌های دیگر می‌کند چنانکه از اعتبار عمومی زیان، گوشت، نان و قند و شکر مردم داده می‌شود، پس چرا در مورد این غذای روحی سرمایه گذاری نشود. بهر حال این وظیفه دولت و ملت است که کار را کمی جدی‌تر بگیرند.

— به مشکلات دیگری هم اشاره کردید، مثل چاپ، صحافی و توزیع، آنها را چطور توجیه می‌کنید؟

دکتر ریاحی : این هر سه مسئله مربوط می‌شود به ناشر، که متأسفانه ما ناشر واقف به تکنیک کار کم داریم معمول این شده که هر شاگرد کتابفروشی بعد از دو سه سال کار در کتابفروشی، بساطی در کنار خیابان پهن می‌کند و می‌شود ناشر... چنین ناشری سواد کافی ندارد، حس تشخیص ندارد، و نمی‌داند چه کتابی را باید انتخاب کند و در نشر کتاب چه مسائلی را در نظر داشته باشد. البته هستند ناشرانی هم که در کار نشر کتاب مشاورانی دارند ولی تعدادشان انگشت شمار است و بقیه از آن گروه هستند که اشاره شد، در نتیجه اگر در سال ۱۰۰۰ عنوان کتاب منتشر شود از میان آنها فقط ۵۰ جلد کتاب است که می‌شود گفت کتاب است و کتاب خوبی است. و سرمایه ای که صرفش شده هدر نرفته و پولی که خریدار برای خریدش می‌دهد، هدر نمی‌رود.

— در مورد مسئله توزیع چه نظری دارید فکر می‌کنید توزیع خوب در گسترش کتاب تاثیر قابل توجهی دارد؟

دکتر ریاحی : توزیع کتاب در ایران با سیستم صحیحی انجام نمی‌شود، پخش جراید

هم پیش از این همینطور بود ، ولی از قرار معلوم مطبوعات دارند برای خودشان کارهایی می‌کنند ولی برای کتاب هنوز قدمی برداشته نشده است ، و در حالیکه مسئله توزیع در کار نشر کتاب ، کم از مسئله چاپ ، یا احیانا " تالیف و ترجمه آن نیست . با توجه به این اهمیت بایستی همانطور که در دنیا معمول است مرکز پخش کتاب تشکیل شود با وسایل کافی و شبکه‌های گسترده توزیع در سراسر کشور ، با وجود این مرکز ، ناشر کتابی را که چاپ می‌کند برای توزیع آن نگرانی ندارد در ضمن کتاب به آسانی در دسترس مردم قرار می‌گیرد توزیع خوب تیراژ خوب می‌آورد و تیراژ خوب ، قیمت تمام شده کتاب را پائین می‌آورد و در نتیجه هم ناشر و هم مولف می‌توانند استفاده بیشتری بکنند ، هم کتاب ارزان به دست مردم می‌افتد .

— ولی مردم باید به کتاب علاقه‌مند باشند و خودشان را به کتاب خواندن عادت بدهند ، برای ایجاد این عادت ، و علاقه‌چه باید کرد؟

دکتر ریاحی : در سالهای اخیر برای اینکار اقداماتی انجام گرفته و قدمهایی برداشته شده است ، برگزاری هفته کتاب و طرح مسائل مربوط به آن در مطبوعات و رادیو و تلویزیون و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی که به معرفی کتابها اختصاص دارد همینطور مطالب انتقادی مطبوعات در زمینه کتابهای مختلف ، هر کدام به نوبه خود در توسعه و گسترش کتاب تأثیر دارند ، اما کافی نیست ، باید مسئله کتاب و کتابخوانی جدی‌تر تلقی گردد و مخصوصاً ، وزارت آموزش و پرورش و کودکانها ، دبستانها و دبیرستانها که در این زمینه وظیفه اصلی را عهده دارند باید برنامه‌هایی داشته باشند و ذوق کتاب خواندن را در کودکان و نوجوانان برانگیزند .

— به آموزش و پرورش اشاره کردید و وظیفه مهمی که در این زمینه به عهده دارد ، در مورد کتابهای درسی چه نقش و وظیفه‌ای می‌تواند داشته باشد و اصلاً کتابهای درسی در چه درجه‌ای از کیفیت و کمیت قرار دارند ؟

دکتر ریاحی : در زمینه کتابهای درسی ، می‌دانید که پیش از این توجه چندانی به این مهم نبود و کمتر دانشمندی به نفسانیات خردسالان توجه داشت . در مدارس قدیم ایران تعلیم و تربیت را از قرآن شروع می‌کردند و وقتی بچه از خواندن قرآن فارغ

التحصیل می‌شد نوبت دیوان حافظ و گلستان و تاریخ معجم بود ، کتابهای مشکلی که خواندن و درک آنها حتی برای دانشجویان ادبیات امروز ما هم آسان نیست بعد از مشروطیت با آشنایی که ایرانیان با تمدن اروپائی پیدا کردند ، این مسئله پیش آمد که برای بچه‌ها بایستی کتاب درسی مناسب فهم و ذهن آنها نوشت ، مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب " که معلم فارسی مدرسه آلمانی‌ها بود اولین بار به تقلید دستور زبانی که در مدارس عثمانی تدریس می‌شد ، برای مدارس ایران دستور زبان نوشت مرحوم مخبر السلطنه هدایت هم که از رجال صدر مشروطیت و از نخستین نخست وزیران دوره رضا شاه کبیر بود ، برای کودکان کتابهای درسی می‌نوشت و شعرهایی را هم که خودش می‌سرود ضمن آن می‌گنجانید . اولین بار میرزا یحیی خان قراگوزلو و بعد مرحوم اسماعیل مرات وزیران آن زمان به مسئله لزوم کتابهای درسی دبستانی و دبیرستانی توجه کردند و به دستور همین‌ها عده‌ای از اساتید کتبی به این منظور تالیف کردند که معروف به کتابهای وزارتی شد .

کتابهایی که قبلا " فارسی " ملک الشعرا بهار ، فرزوانفر ورشید یاسمی ، عربی مرحوم بهمنیار و عبدالرحمن فرامرزی و تاریخ ، عباس اقبال و " فلسفی " که هر کدام در نوع خود بهترین کتابها بود و تنها ایرادی که داشت ، چون استادان در سطح بالای دانش بودند و ذهن بچه‌ها را در نظر نگرفته بودند هضم و درک آنها مشکل می‌نمود به هر حال این کتابها تا بعد از وقایع شهریور مورد استفاده بود .

— بعد از وقایع شهریور ، چه تغییراتی در کتابهای درسی داده شد؟

دکتر ریاحی : دولت تالیف و نشر کتابهای درسی را آزاد کرد ، به این امید که رقابت به کار بیاید و معلمین و مولفین کتب بهتری بنویسند ، اما اینکار هم مثل خیلی از کارهای ما مطابق با آرزویمان نبود یعنی به جای رقابت علمی ، کار به رقابت تجارتي کشید و کم کم کار به فساد انجامید باین ترتیب که هر مولفی برای اینکه کتاب خود را مهم جلوه بدهد ، و یا فروش بیشتری داشته باشد — همراه اسم خود اسامی چند تن از رجال آن روز و یا معلمین مشهور را هم روی کتاب می‌گذاشت و خلاصه آنچه مطرح نبود ، محتوی و کیفیت آموزشی کتاب بود و حاصل کار هم بالا رفتن سرسام آور قیمت کتاب و نا رضایتی مردم بود .

در سال ۱۳۴۰ وزارت فرهنگ برای پائین آوردن قیمت کتابها و رفع گرفتاریها ، طرحی تهیه کرد و بر اساس آن شورایی برای تطبیق و تعیین کتاب تشکیل شد ، و در این شورا با بررسی زیاد کتابها ، که هر یک چندین نوع بودند ، به صورت واحد

درآمدند و قیمت کتاب ۵۰ ریالی به ۴/۵ زیال کاهش یافت .
مثلاً " یک محصل کلاس ششم دبیرستان که برای کتابهای خود ناگزیر از پرداخت یکصد و بیست تومان بود با این تغییر فقط ۲۵ تومان می‌پرداخت . چنین کاری این نگرانی را پیش آورد که رقابت علمی از بین برود و کتابها به صورت مرده و با محتویات نامناسب باقی بماند ، برای رفع این نگرانی نیز بر اساس تصویبنامه‌ای سازمان کتابهای درسی تشکیل شد اما این سازمان نیز آنطور که بانیان آن آرزو داشتند ، نتوانست به برنامه‌ها جامه عمل بپوشاند یا لاقلاً در همه برنامه‌های خود موفق شود . به عنوان مثال در آن تصویبنامه گفته شده بود کتابهایی که از بین کتابهای موجود انتخاب می‌شود ، فقط برای دو سال تدریس شود و ظرف این مدت سازمان کتابهای درسی همه کتابهای همه کلاسها را به وسیله مولفین و مترجمین و نویسندگان با صلاحیت تهیه نماید . متأسفانه امروز هم که ۱۲ سال از تاسیس این سازمان می‌گذرد ، همه کتابها فراهم نشده است .

فصل سوم

تاریخچه نشر کتاب در ایران

غلطنامه فصل سوم

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۲۲	۱۱	بلکه دیگر از	بلکه از دیگر
۱۳۱	۴	کتاب رابدست	کتاب بدست
۱۴۰	۲۵	اصلاح	صلاح

نشر کتاب در ایران سابقه‌ای کهن دارد و اگر از تاریخچه مفصل کتاب و انتشار کتاب در ایران بگذریم، بطور اجمال می‌توان گفت که سابقه این کار به دوران قرون وسطی مربوط می‌شود. (۱) که امر کتابت و انتشار کتب مختلف در زمینه‌های گوناگون نه تنها در ایران بلکه در همه کشورهای اسلامی رواج کامل داشت و علیرغم آنکه در آن روزگاران فن چاپ هنوز وجود نداشت مع‌هذا تجارت کتاب در ایران رونقی به سزا داشت و بازار خرید و فروش کتب دست نویس از رواج کامل برخوردار بود منتها، خریداران و گردآورندگان کتاب در آن زمان را تنها سلاطین، وزرا، رجال علمی و ادبی و در سطح پائین تر گروه متمکنین تشکیل می‌دادند و چون هنوز سواد عمومی نبود، لاجرم، توده مردم (جز علاقه مندانی معدود) با کتاب و کتابخانه‌آشنائی نداشتند و یا به علت بالا بودن سطح بهای کتاب، قدرت خرید آن را نداشتند.

وقتی، بر اثر ایجاد ارتباطات سیاسی میان ایران و ممالک بیگانه (مخصوصاً اروپائیان) کتابهای نویسندگان خارجی به ایران رسید، با توجه به نیازی که اجتماع آن روز ایران (بیشتر در زمان قاجاریه) به آگاهی از طرز فکر جوامع اروپائی داشت، رفته رفته مقدمات توسعه نشر کتاب در ایران نیز فراهم آمد، و بدنبال ایجاد نخستین چاپخانه‌ها در ایران که قادر به تکثیر نسخ کتب در کوتاه ترین مدت بود به تدریج بر تعداد کتاب خوانها اضافه شد و این اقبال همگانی، افزایش تعداد کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها را سبب گردید. و در زمان عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه بود که چند دوره دانشجویی به اروپا اعزام شدند تا ضمن تحصیل در رشته‌های مختلف، مطالعاتی در زمینه پیشرفت‌های فرهنگی از راه کتاب در ایران به عمل آورند و بعد از آنکه اولین ماشین چاپ سربی توسط (منوچهر خان گرجی) به تهران وارد شد، چاپ و نشر کتاب در ایران نیز آغاز شد. (۲)

(۱) - کتاب در ایران - نوشته محمود مصاحب ص ۲۴

(۲) همان ماخذ - ص ۳۹

مرحوم سعید نفیسی در کتاب تاریخ معاصر ایران و در بیان اوضاع ایران به دوران سلطنت رضا شاه کبیر، در آنجا که صحبت از اصلاحات فرهنگی است، بطور مقدمه می‌نویسد: (. . . تنها در اواخر دوره قاجارها ، تقریباً " از صدسال پیش در برخی از ادوار اندک توجهی به علوم جدید داشته‌اند و برخی کوشش‌ها ، جسته جسته برای انتشار علم و معرفت کرده‌اند اما آن اقدامات ، متوالی و پیوسته نبوده و دامنه آن

همیشه امتداد نداشته است ...

ده سال قبل از مشروطیت ، عده‌ای از دانش پروران انجمنی در تهران به نام " انجمن معارف " تاسیس کردند و هفت تن از اعضای انجمن بر عهده گرفتند که هر یک مدرسه‌ای به وسایل شخصی و با اعانه‌ای که از دانش پروران می‌گرفتند تاسیس کنند ... این انجمن یک کتابخانه‌ی عمومی نیز تاسیس کرد که کتابهای آن پس از چندی به غارت رفت ...) (۳)

که می‌بینیم همه فعالیت‌های مربوط به کتاب در دوره‌ی قاجاریه به همین کتابخانه‌ی " انجمن معارف " و یا حداکثر به چند کتابخانه‌ی دیگر از همین قبیل محدود می‌شود ولی وقتی نوبت به سلسله پهلوی می‌رسد ، متوجه می‌شویم که :

(... نیز جنبش مهمی در چاپ کتاب‌های علوم و ادبیات ایران و ترجمه‌ی کتابهای سودمند در رشته‌های مختلف از زبانهای بیگانه و تالیف کتابهای نو در فنون مختلف پیش‌آمد و از این حیث یادگارهای بسیار جالب از این دوره ماند و اینکار ، چه به راهنمایی دولت انجام گرفت و چه به واسطه‌ی آنکه هر سال منظمًا " بر عده مردم تحصیل کرده و کتاب خوان افزوده می‌شد ...) (۴)

و این البته طبیعی است که از دیاد کتاب و کتابخوان ، تاسیس و ازدیاد کتابخانه‌ها را سبب می‌شود و این کتابخانه‌ها بیشتر در شهرهای بزرگ و مخصوصًا " مراکز استان ایجاد شد . مرحوم محمد تقی بهار (ملک الشعراء) در مقدمه کتاب تحقیقی خود (سبک شناسی) می‌نویسد :

" هر چه آبادی و پیشرفت زیاد شود ، کتاب و کتاب خوان زیادتر می‌شود و هر چه کتاب خوان زیاد شود ، نویسنده و مولف و مصنف زیاد می‌شود و از مجموع این پیشرفت‌ها ، علوم ترقی می‌کند و هر علمی بر وسعت خود می‌افزاید و ابتکارات و الهامات از طرف اهل مطالعه و تحقیق موجب توسعه دامنه علوم و فنون می‌گردد و روز بروز بر معلومات بشر افزوده می‌شود به حدی که هر چند سال یکمرتبه کتابهای علمی را عوض می‌کنند ...) (۵)

ملک الشعراء در قسمتی دیگر از این مقدمه آورده است :

" ... در کشور ما نیز این حرکت و پیشرفت ، قهری است چه ، دنیای امروز طوری بهم پیوسته است که حرکت یک طرف ناچار موجب می‌شود که اطراف دیگر نیز به حرکت بیاید و بنابراین می‌بینیم که در ایران نیز حرکت و پیشرفت علمی و ادبی

(۳) - تاریخ معاصر ایران : نوشته سعید نفیسی ص ۱۴۱

(۴) - تاریخ معاصر ایران - سعید نفیسی - ص ۱۴۵

(۵) - سبک شناسی بهار - جلد اول (مقدمه مصنف)

غیر محسوس نیست. . . . "

منتهی ، این حرکت و پیشرفت محسوس علمی و ادبی ، تحت شرایط زمان و مکان و موقعیت‌های مختلف ناشی از نوسانات سیاسی تغییر پذیر است و به این جهت است که می‌بینیم این پیشرفت در دوران سلطنت پهلوی بارزتر و بیشتر است و از نشانه‌های این پیشرفت بروز افزایش تعداد کتاب‌فروشی‌ها بود .

کتابفروشان تهران که رفته رفته بر تعدادشان اضافه می‌شد ، بعد از آنکه موجودیت خود را به صورت یک صنف از کسبه در میان اصناف آن عهد مسجل کردند ، برای خود مرکز کار معینی ترتیب دادند و در بازار بسین الحرمین و تیمچه کتابفروشان (در تهران) متمرکز شدند . (۶) و در حقیقت راسته بازار برای کسب و کار خویش تهیه دیدند که خیلی زود شناخته شد و جای خود را باز کرد و تصادفاً این ایجاد مرکزیت سبب رواج بیشتر کار نشر کتاب گردید خاصه اینکه کتابفروشان آن روزگار ، هر یک نوعی کتاب را چاپ و منتشر می‌کردند و تنها چند کتاب فروشی بود که چون وسیله‌ی چاپ نداشتند ، کتابهای سایر ناشرین را بطور امانت ، به دکان خویش می‌آوردند و دیوان حافظ و موش و گربه و مفاتیح الجنان و رستم نامه و ترجمه رمانهای خارجی را در کنار هم می‌فروختند .

وقتی ، جای کسب در (راسته بازار) کتابفروشان تنگ شد ، در سال ۲۴۷۲ ، بعضی از کتابفروشان در صدد ایجاد مراکزی دیگر در سایر نقاط تهران برآمدند و اولین خیابانی که در تهران دارای کتابفروشی شد ناصریه یا ناصر خسرو امروزی بود و بعد به تدریج از سال ۲۴۸۸ به بعد در کلیه خیابانهای اصلی تهران کتابفروشی‌های متعدد باز شد بطوریکه امروزه علاوه بر بازار تهران (که هنوز هم مرکز عمده‌ای برای انتشار کتابهای مختلف مخصوصاً کتابهای دینی و داستانی است) در خیابانهای ناصر خسرو شاه آباد ، شاهرضا و نادری نیز تعداد زیادی کتابفروشی وجود دارد به اضافه اینکه در هر خیابان دیگر نیز حداقل یک کتاب فروشی برای رفع احتیاجات فرهنگی مردم آن ، وجود دارد .

در سال ۲۵۰۵ کتابفروشان تهران برای حفظ حقوق خود به تاسیس اتحادیه صنعتی اقدام کردند ، و این اقدام زمانی صورت گرفت که تعداد کتابفروشی‌های عمده تهران از (۵۰) تجاوز نمی‌کرد و حال آنکه امروز ، تعداد کتابفروشی‌های معتبر از رقم ۲۰۰ نیز تجاوز کرده است .

قدیمی ترین کتابفروشی تهران (خیام) نام داشت که در حدود سال ۲۴۶۰

شاهنشاهی تاسیس شد و بعد از آن کتابفروشی‌های دیگر چون مرکزی ، گنج دانش ، سعادت ، اقبال ، بارانی و ابن سینا به وجود آمدند که اگر چه بعضی از آنان به لحاظ استقبال مردم ، در بعضی شهرستانها نیز شعباتی باز کردند ولی بعد از اینکه در خود شهرستانها نیز ، کتابفروشی‌های بومی به وجود آمد این شعبات به تدریج به کار خود پایان دادند و بازار کتاب را یکسره در اختیار شهرستانها گذاردند تا آنجا که امروزه از حیث تعداد کتابفروشی‌ها ، شهرستانهای اصفهان ، شیراز ، تبریز ، مشهد و رشت در درجه اول اهمیت قرار گرفته‌اند .

وجود بعضی از رجال روشنفکر مثل میرزاتقی خان فراهانی (امیر کبیر) خود یکی از علل اصلی انتشار کتاب در ایران به دوران قاجاریه بود زیرا وی چه آن زمان که هنوز به مقام صدارت نرسیده بود و چه بعد از امیر کبیر شدن سعی بسیار در رسوخ کتاب به میان توده مردم داشت و می‌خواست مردم هر چه بیشتر کتاب‌خوان شوند تا بهتر و بیشتر به حقوق و وظائف خود آشنا شوند و از جمله هنگامی که مأمور سفارت ارزنة الروم (ترکیه - عثمانی) شده بود ، شخصی به نام (ژان - داود) را که مسیحی بود و ادار به ترجمه یکی از کتب تازه‌ی جغرافیای خارجه به زبان ترکی کرده و بعد که به ایران برگشت دستور داد تا میرزا محمد حسین فراهانی (دبیرالملک) آن را از ترکی به فارسی برگرداند .

اسم این کتاب جغرافیا " جغرافیای جهان نمای جدید - یا - جغرافیای کره " بود و اولین کتاب جغرافیاست که با اصول و اسلوب جدید به فارسی نوشته شده و نسخه آن در کتابخانه ملی موجود بود و جالب اینکه دومین کتاب ترجمه شده نیز باز جغرافیائی بود که در سال ۱۲۶۷ هجری در تبریز به چاپ رسید و علاوه بر کلیات جغرافیائی و ممالک عالم در باره ایران نیز اطلاعاتی دست اول (در آن زمان) در آن بود (۷) افزایش کتاب و اقبال مردم به خواندن کتاب ، سبب افزایش کتابخانه‌ها نیز شد منتها هنوز بسیاری از کتابخانه‌ها اختصاصی بود به اضافه اینکه کتابفروشان نیز برنامه‌ای برای انتشارات خود نداشتند و بیشتر یا به کتابهای دینی و یا به داستانها می‌پرداختند ، و یا به چاپ جزوه‌هایی دست می‌زدند که بازار فروش خوبی داشت (و هنوز هم دارد) از قبیل عاق والدین ، سنگتراش کوه طور ، رباعیات فائز دشتستانی ، بهرام و گلندام ، موش و گربه ، دو بیتی‌های کفاح خراسانی ، چهارده معصوم و این کتب و جزوات که در چاپ آنها کوچکترین سلیقه‌ای از لحاظ زیبایی و جلب توجه به کار نمی‌رفت نشریاتی نبودند که آگاه کننده و بیداری دهنده و آموزنده

باشند و تنها برای سرگرمی منتشر می‌شدند .

گذشته از کتابفروشان ثابت ، تا قبل از ۲۴۸۴ تعدادی کتابفروش سیار نیز وجود داشتند که کتابهای منتشره را در خورجین ، یا کیسه‌ای می‌ریختند و به دوش می‌کشیدند و در کوی و برزن و محله و خیابان اسامی کتابهای موجود را به صدای بلند آگهی می‌دادند . این کتابفروشان سیار که تعدادشان به ۴۰ نفر می‌رسید (۸) و تا سال ۲۵۱۶ هنوز هم فعالیت داشتند ، نقش عمده‌ای در انتشار کتاب بازی می‌کردند و چه بسا که میزان فروش هر یک از آنها در روز به مراتب از میزان فروش یک کتابفروش ثابت بیشتر بود و جالب اینکه اکثر آنان خود بی سواد بودند و با اینوصف کالای خود را چنان ماهرانه تبلیغ می‌کردند و فی‌المثل دو بهتی‌های فایز را چنان خوش‌می‌خواندند که کمتر با سواد علاقه‌مندی ممکن بود آنها را بشنود و جلدی از آن نبرد .

اقدامات دوران پهلوی به کتابهای متفرقه محدود نمی‌شود ، بلکه دیگر از کارهای مهم این دوره اصلاح کتابهای درسی بود که وزارت فرهنگ خود مستقیماً در این کار وارد شد و یک سلسله کتابهای بسیار خوب و پاکیزه و خوش چاپ برای دبستانها و دبیرستانها که آگاهان هر فن تالیف کرده بودند چاپ شد و به بهای ارزان در سراسر کشور انتشار یافت . . . کسانی که نمونه‌ای از کتابهای درسی پیش از دوره پهلوی را به دست بیاورند و نظری بر آنها بیفکنند می‌بینند که با این کار وزارت فرهنگ چگونه نوآموزان این کشور از کتابهای بد چاپ و پر غلط تنها کسانی برای سودجویی خود چاپ می‌کردند و چندین برابر بهائی که داشت از مردم می‌گرفتند نجات یافتند (۹) .

تاریخچه چاپ در ایران

مهندس میرزا صالح ، بدون تردید نخستین ایرانی است که چاپ و انتشار روزنامه و چاپخانه را در ایران رواج داد . او هنگام اقامت در انگلستان ، ساختن مرکب چاپ تهیه حروف چاپخانه و حکاکی را آموخت و مدتی نیز در روزنامه‌های لندن کار کرد . خود او در سفر نامه‌اش می‌نویسد (. . . مدتها بود که خیال بردن چاپ و صنعت باسمه در سر من افتاده بود چند روزی بعد از آن به لندن رفته و عالیجاه قولونل خان (۱۰) را دیده کیفیت را به او حالی کردم . این مطلب را پسندیده و از آن پس مسترراتس نامی که استاد چاپ است یعنی مختص به آن است که انجیل

(۸) کتاب در ایران . نوشته محمود مصاحب ص ۲۵

(۹) تاریخ معاصر ایران - نوشته سعید نفیسی ص ۱۴۹

(۱۰) مقصود از این شخص کلنل داریسی تود (Col. Darcitood) بود .

را در زبان فارسی و هندی و سریانی و عربی و سایر زبانهای غریبه چاپ می‌زدند دیده که روزی دو ساعت بنده در کارخانه اورفته من البدایه الی النهایه چاپ را آزموده...)
میرزا صالح در جای دیگر می‌نویسد (... الحق از ابتدا الی انتهای کاراز او آموخته و مشارالیه از راه خیر خواهی و نیک ذاتی و صداقت و راستی و درستی ، کار خود را به من نموده و مرکب بازی را با وجود اینکه خلاف قاعده کسبه آن ولایت است که مرکب چاپ را مخفی داشته و به هیچکس نشان نمی‌دهند معذرا به بنده نشان داده است ...)

میرزا صالح پس از مراجعت به ایران ، با وجود اشتغالات اداری فراوانی که داشت به فکر تاسیس چاپخانه و انتشار روزنامه افتاد . او که همه جا روزنامه را کاغذ اخبار (۱۱) و چاپخانه‌ها با سسه‌خانه نامیده است با ابزاری که همراه خود از انگلستان آورده بود و تحصیلاتی که در این فنون کرده بود ، خیلی زود موفق شد .
میرزا صالح برای اینکه صنعت چاپ را در ایران رواج دهد ، میرزا اسدالله‌نامی را که از اهالی فارس و همشهری او بود با مخارج فراوان برای یاد گرفتن صنعت چاپ به پترزبورگ فرستاد و پس از مراجعت وی را مامور تاسیس چاپخانه‌ای در تبریز کرد...)
اسماعیل‌رائین به نقل از مرحوم سید حسن تقی زاده در کتاب سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی نوشته است (... اولین کتابی که در آن مطبعه چاپ شد ، قرآن مجید بود (۱۲) .

نقل این روایت ، علاقه فراوان میرزا صالح را به ترویج صنعت چاپ در ایران می‌رساند و بهمین جهت باید او را از پیشقدمان صنعت چاپ و روزنامه در ایران دانست اما ، روایت دیگری نیز هست . در این مسئله که چاپخانه در زمان قاجاریه به ایران آمده است (۱۳) شکی نیست منتها چاپخانه نام تازه‌ای است که به این موسسات داده شده است ، و حال آنکه تا مدتی قبل چاپخانه را مطبعه می‌گفتند و در اوایل ورود چاپخانه به ایران (با سسه‌خانه - یا بصمه‌خانه) نام داشت و ظاهراً " اولین مطبعه‌ای که در ایران شروع بکار کرد در حدود سال ۱۰۳۲ هجری قمری بود " و آنژدوسن ژوزف " (۱۴) یکی از تبلیغ‌کنندگان مسیحی شهر تولوز فرانسه در کتاب لغت " فرنگی "

(۱۱) . کاغذ اخبار ترجمه‌ای تحت اللفظی از عنوان Newspaper انگلیسی است .

(۱۲) . نقل از روزنامه کاوه ، دوره جدید شماره ۵

(۱۳) . عباس پرویز ، تاریخ تمدن ایران .

(14) Ange de Saint Joseph

و فارسی خود که در سال ۱۰۹۶ هجری به چاپ رسانیده در این مورد نوشته است .
 (مبلغین فرقه نصارا ، بسمه خانه عربی و فارسی در عبادت خانه خودشان
 در اصفهان دایر کرده بودند که هنوز هم دایراست ، و ارامنه در جلفا ، بسمه
 خانه ارمنی دارند) آنژدوسن ژوزف همچنین نوشته است که (... اما هیچکدام
 از مطبعه‌ها پیشرفت نکرده است و این مسئله بعلت خشکی مفرط هواست ...) نکته
 جالب اینکه دو تن دیگر از کسانی که در پاره ایران مطالعات و نظریات و نوشته‌هایی
 دارند (لانگلس و شاردن) به همین نکته تبلیغ کننده مسیحی اشاره کرده‌اند و
 این موضوع می‌رساند که ورود اولین چاپخانه را به ایران باید بین سنوات ۱۰۲۰ تا
 ۱۰۳۰ هجری و به توسط مبلغین مذهبی مسیحی دانست و اولین آثاری نیز که در این
 بسمه خانه چاپ شد بعضی اوراق ادعیه و اذکار به زبانهای عربی و فارسی بود .
 در جلفای اصفهان نیز ارامنه از قدیم الایام یک چاپخانه ارمنی دایر کرده بودند
 که به قول " هوتوم شیندلر (۱۵) این چاپخانه تقریباً سی سال بعد از آنکه شاه
 عباس در سال ۲۱۹۳ چند هزار خانواده‌ی ارمنی را از جلفای قفقاز به جلفای اصفهان
 کوچ داد و ساکن کرد کتب متعددی به زبان ارمنی چاپ کردند که تاریخ چاپ آنها
 مربوط به سال ۱۰۵۰ هجری مربوط می‌شود و البته چون این چاپخانه فقط به زبان
 ارمنی کتاب و جزوه چاپ می‌کرد نمی‌توان آنرا اولین چاپخانه‌ی فارسی دانست .
 " شیندلر در یادداشت‌های خود در مورد اولین چاپخانه‌ی فارسی در ایران می‌نویسد:
 در سال ۲۴۱۳ شخصی موسوم به آقازین العابدین تبریزی اسباب و آلات مختصری بسمه
 خانه را به تبریز آورد و تحت حمایت عباس میرزا نایب السلطنه که در آن زمان
 حکمران آذربایجان بود ، مطبعه‌ی کوچک سربی را برقرار ساخت و بعد از مدتی کتابی
 را موسوم به " فتح نامه " به چاپ رسانید . مولف این کتاب میرزا ابوالقاسم قائم
 مقام بود و شرح جنگهایی بود که در سال ۲۴۰۷ میان دولتین روس و ایران به وقوع
 پیوسته و از مهمترین رویدادهای تاریخ ایران محسوب می‌شود .
 وقتی کتاب " فتح نامه " میرزا ابوالقاسم قائم مقام به نظر فتحعلی شاه رسید
 دستور داد تا آقا زین العابدین تبریزی به تهران احضار شود و سپس به او فرمان
 داد تا قرآن مجید را که خط آن از یکی از خوشنویسان معروف آن عهد (میرزای
 تبریزی) بود چاپ کند و این اولین قرآنی بود که در ایران چاپ شد زیرا تا آن
 زمان قرآن‌ها یا از هندوستان و یا از سرزمینهای عربی به ایران می‌آمد .
 قرآن چاپ شده توسط آقا زین العابدین به نام قرآن معتمدی معروف است زیرا

از سوی فتحعلی شاه ، یکی از رجال آن عهد (منوچهرخان معتمد الدوله) سر-پرستی چاپ را عهده داشت و همین شخص است که به آقا زین العابدین تبریزی تکلیف کرد تا برای آموختن فن چاپ عده‌ای را تعلیم دهد و برای خود جانشینانی شایسته تربیت کند .

یکی از این شاگردان که توانست بعدها جای استاد را پر کند (میرباقر) نام داشت که بعدها نسخه "ناسخ التواریخ" ، تالیف لسان الملک سپهر را چاپ کرد و برای چاپ کتابهای بعدی برنامه مفصلی ترتیب یافته بود که به علت مرگ عباس میرزا در سال ۲۴۲۹ و عدم پشتیبانی قاطعی چون نایب السلطنه بساط مطبعه تبریزی برچیده شد اما ، در سال ۲۴۲۶ ، سه سال قبل از تعطیل چاپخانه تبریز یک روسی مطبعه سنگی کوچکی را به تبریز آورده بود که به سبب رواج کار مطبعه آقا زین العابدین مطبعه روسی رواجی نداشت و بعد از تعطیل چاپخانه او ، مطبعه روسی بکار آغاز کرد و باز یک چاپخانه دیگر در سال ۲۴۳۹ توسط آقا عبدالعلی‌نامی در تهران تاسیس شد و اولین کتابی که چاپ کرد " المعجم فی آثار ملوک العجم " اثر میرزا عبدالله ابن نصرالله بود و بعد ، تاریخ پطر کبیر امپراطور روسیه چاپ شد و از این به بعد تاسیس چاپخانه در سایر شهرستانهای ایران کم کم باب شد از جمله در سال ۲۴۳۴ در شیراز یک مطبعه سنگی و در سال ۲۴۴۰ یکی دیگر در اصفهان تاسیس شد .

این چاپخانه‌ها همه کوچک و ساده و اکثرا " چاپ سنگی بودند و به لحاظ اشکالات فنی که در کار بود کاغذی که برای چاپ به کار می‌رفت می‌بایست گاهی و ضخیم باشد و باین سبب اکثر کتابهایی که با چاپ سنگی چاپ می‌شد قطور از کار در می‌آمد و با قطع بزرگ و این نوع کتاب نیز کمتر مورد قبول ایرانیان که پیرو زین‌الپرستی و نفاست کتاب بودند واقع می‌شد . ایرانیان خوش ذوق به هیچ وجه حاضر نبودند از نسخه‌های زیبا و نفیس کتب دست نویس که به انواع هنرها از قبیل خوش نویسی و تذهیب و مینیاتور و جلدهای چرمی و سوخته کاری مزین و آراسته بود دست بردارند و همین دل‌بستگی به هنرهای ظریفه سبب شد تا صنعت چاپ از ابتدای ورود به ایران تا مدتی نزدیک به ۱۵۰ سال ، آنچنان که در سایر ممالک جهان ، اروپا که سهل است حتی ممالک آسیا ، رواج داشت ، رواج نیابد . (۱۶)

قبل از اینکه ماشین چاپ به ایران وارد شود ، کتابها در هندوستان و کشور عثمانی با چاپ سنگی و به زبان فارسی چاپ می‌شدند و شاید قدیمی‌ترین کتاب چاپ فارسی را در جهان می‌توان (داستان مسیح و سن پدرو) دانست که در سال ۱۰۹۴

هجری در لندن با چاپ سربی به طبع رسید و در سال ۲۳۳۵ در کشور عثمانی، یک کتاب فارسی به نام " فرهنگ شعوری " چاپ شد که نسخه‌هایی از آن باقی است (۱۷)

(در کتاب شناسی شرقی) تالیف " زینکرو " در (کتاب شناسی ایران) تالیف " شوآب " و یک کتاب دیگر به نام (فهرست کتب عربیه و فارسیه و ترکیه) چاپ اسلامبول تالیف " برنارد درن " اسامی تعداد زیادی از قدیمی‌ترین کتابهای چاپ شده به زبان فارسی نقل شده است که از آن جمله " رساله حسینیه " در ۲۴۲۴... " محرق القلوب " نراقی در ۲۴۱۹ " جلاء العیون " در ۲۴۲۰ " نخبه کلباسی " در ۲۴۲۶ و " گنجینهی معتمدالدوله " میرزا عبدالوهاب متخلص به نشاط در سال ۲۴۴۶ را باید نام برد (۱۸)

در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر ، به علت توسعه سواد از یکسو و افزایش مدارس و دانش آموزان و احتیاج آنان به کتابهای بیشتر و متنوع‌تر از سوی دیگر ، بر تعداد چاپخانه‌ها افزوده شد و نه تنها چاپخانه‌های بخش خصوصی بلکه چند چاپخانه دولتی نیز بکار مشغول شد و این سیر تصاعدی افزایش چاپخانه‌ها در تمام مدت سلطنت رضا شاه کبیر ادامه یافت و ادامه افزایش شامل دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر نیز شد و همچنانکه از سال ۲۵۱۲ به بعد تحولی اساسی و دامنه‌دار در همه شئون زندگی اجتماعی ایران پدید آمد ، با استفاده از امکانات وسیعی که دولت به فرمان شاهنشاه در اختیار علاقه‌مندان به فن چاپ و گسترش آن گذاشت به سرعت بر تعداد چاپخانه‌ها افزوده شد بطوریکه امروزه علاوه بر شرکت‌ها و موسسات چاپ ، بسیاری از وزارتخانه‌ها و ادارات نیز دارای چاپخانه هستند مثل چاپخانه‌های وزارت فرهنگ و هنر ، بانک ملی ، سازمان برنامه ، ستاد ارتش ، شرکت سهامی بیمه ایران ، مجلس شورای ملی ، وزارت راه و دانشگاه تهران .

افزایش چاپخانه‌ها که بالمآل افزایش کتابها را در برداشت تنها شامل تهران نبوده ، بلکه در همه شهرهای ایران حتی شهرهای کوچکتر نیز چاپخانه دایر شد منتها بعضی از این چاپخانه‌ها بکار چاپ کتاب نمی‌پرداختند بلکه مخصوص طبع روزنامه‌های شهرستانی بودند و آخرین نکته اینکه به موازات افزایش تدریجی چاپخانه‌ها از ۲۴۸۴ تا ۲۵۱۲ و افزایش سریع آنها از (۲۵۱۲) تا کنون ، به نحو تحسین انگیزی ، ماشینهای چاپ مدرن‌تر و مجهزتر شدند و در حال حاضر چاپ افست و مسطح و رتاتیو در چاپخانه‌های مختلف جای چاپ سنگی را گرفته است .

(۱۷) . کتاب و کتابخانه در ایران - از انتشارات وزارت اطلاعات .

(۱۸) . تاریخ تمدن ایران ، عباس - پرویز .

تاریخچه نشر در ایران

تاسیس کتابفروشی خیام در سال ۲۴۶۰ را در حقیقت آغاز تاسیس و ایجاد شغل نشر کتاب باید دانست زیرا به دنبال این کتابفروشی به تدریج ، کسان دیگری نیز پیدا شدند که حاضر به سرمایه گذاری در این راه شدند و گر چه عده‌ای از این سرمایه‌گذاران ، یا بر اثر عدم ایمان و علاقه به کار انتشار کتاب و یا بر اثر دچار شدن به رقابت‌های صنفی و یا به علل دیگر در میانه راه ، واماندند و از گردونه فعالیت انتشار کتاب خارج شدند ولی در عوض ناشرین دیگری نیز بودند که با یک حجره کوچک در بازار بین الحرمین تهران آغاز کردند و در اثر فعالیت و پشتکار و استفاده از کلیه عوامل پیشرفت و ترقی ، خود را تا مرحله بزرگترین سرمایه‌گذاران و ناشران کتاب در ایران و حتی کشورهای همجوار و آسیا رساندند .

به درستی می‌توان گفت ، توسعه کار ناشران (چه در تهران و چه در سایر شهرستان‌ها) از زمانی شروع شد که ناشران در صدد برآمدند ، کار خود را با خواسته‌های مردم منطبق کنند . از رکود و یکنواختی در کار انتشار کتب دوری جویند و به اصطلاح خویش جنس خود را جور کنند و این امر تنها هنگامی امکان پذیر بود که بر تعداد با سوادان و طبقه کتاب خوان افزوده شود .

بعد از طلوع دولت پهلوی و سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر ، که برنامه‌هایی در جهت تعمیم سواد میان طبقات مختلف مردم طرح و اجرا شد ، به تدریج بر میزان علاقه‌مندی مردم نیز به کتاب‌های مختلف که در هر مورد بر آگاهی آنان بیفزاید بیشتر شد و این ازدیاد علاقه ، دست ناشران را در تهیه و چاپ کتابهای مختلف باز کرد ... رفته رفته طبقه کتاب‌خوان تعداد بیشتری عضو پیدا کرد ... کتابهای جزوه‌ای سرگرم کننده جای خود را به کتابهای آموزنده داد ... تاریخ و جغرافیا و فلسفه و ادبیات و مخصوصاً " ترجمه آثار مهم خارجی رواج پیدا کرد و با رواج این کتابها ، بر تعداد ناشران نیز افزوده شد و کتابفروشیهای معتبری مثل (ابن سینا ، اسلامیه ، بروخیم ، علمی ، اقبال ، معرفت) به وجود آمدند که خود ناشر نیز بودند و حتی بعضی از خویش چاپخانه نیز داشتند .

به دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر که عصر دیگری در همه شئون زندگی اجتماعی ملت ایران پدید آمد ، از توجه به کتاب و انتشار کتب جالب نه تنها کاسته نشد بلکه با توجهات خاص شاهنشاه معارف پرور روز به روز بر آن اضافه‌تر نیز گردید و علاوه بر ناشران قدیمی ، ناشران دیگری نیز پدید آمدند و هر یک در انتشار کتب علمی بسته به توانایی خویش نقشی به عهده گرفتند مثل (افشاری ، امیر کبیر ،

بارانثی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، موسسه انتشارات فرانکلین ، فروغی ، چهر ، دهخدا ، دانش ، سردار سخن ، سعادت ، صفی علیشاه ، طبع کتاب ، طهوری ، فرهومند ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ، گنج دانش ، زوار ، گوتنبرگ مرکزی ، مروج ، بنیاد ، شرق ، نیل)

این کتابفروشان و ناشران همگی در تهران فعالیت دارند ولی در شهرستانهایی به تدریج ناشرانی بومی قدم به عرصه فعالیت گذاشتند مثل کتابخانه‌های تأیید و ثقفی در اصفهان ، تربیت و تهران و چهر و سروش در تبریز ، باستان و زوار در مشهد و کتابخانه‌های دیگر در قم و شیراز که این ناشران همه ملی و در شمار بخش خصوصی بودند و حال آنکه در همین دوران ، ناشران دیگری به فعالیت آغاز کردند که از مهمترین آنها انتشارات دانشگاه‌ها را باید نام برد و سر آغاز اینگونه فعالیت‌ها از دانشگاه تهران بود که به کار انتشار کتابهایی پرداخت که نتیجه تحقیقات استادان آن دانشگاه بود و بعد که در سایر شهرستان‌های درجه اول مثل مشهد و اصفهان و شیراز و تبریز دانشگاه‌هایی تاسیس شد ، موسساتی برای انتشار تحقیقات استادان همان دانشگاه‌ها نیز به وجود آمد .

در حقیقت عصر درخشان پهلوی را می‌توان سر آغاز تحولات چشمگیر و همه جانبه در کلیه شئون اجتماعی کشور دانست . با آغاز سلطنت رضا شاه کبیر ، با توجه به درک نیازهای حیاتی اجتماع ما و تاثیر فرهنگ در اعتلای جامعه به گسترش مدارس و حوزه‌های علمی و مراکز پژوهشی و کتابخانه‌ها همت گماشته شد .

توجه خاص رضا شاه کبیر به امر کتاب و توسعه فرهنگ موجب شد تا چاپخانه‌های زیادتری به کار افتند و انتشار کتاب در زمینه‌های مختلف با بهای مناسب توسط ناشران مطلع‌تری آغاز شود و مخصوصاً " دقت دائم در امر نرخ‌های عادلانه‌ی کتاب سبب استقبال بی‌شائبه و گرم ملت شد .

دایره نشر و توزیع کتاب آن چنان گسترش یافت که علیرغم اقداماتی که در جهت سازندگی ایران نو توسط سر سلسله پهلوی بطور همه جانبه صورت می‌گرفت ، معیذا ، تعداد کتابهایی که در همین زمان در ایران انتشار یافت چندین برابر بیشتر از همه کتابهایی بود که در تمام طول مدت حکمرانی قاجاریه در ایران منتشر شده بود . پیشرفت و تکامل فن چاپ در ایران ، انتخاب تصاویر و طرز صحافی و چاپ انتشار کتاب را ، به صورتی نوین در آورد و به همین سبب بود که علاوه بر کتابفروشی‌ها و ناشران سابق ، به دوران سلطنت پهلوی دوم ، بنگاهها و موسسات بزرگی برای چاپ و انتشار کتاب تاسیس گردید . و رفته رفته کار به جایی رسید که امروزه در ایران همه نوع کتاب و از جمله ترجمه شاهکارهای نویسندگان بزرگ جهانی بوسیله

این ناشران چاپ و منتشر می‌شود .

در سالهای اخیر کوششهای بسیار زیادی برای احداث کتابخانه‌ها و موسسات انتشاری جهت چاپ کتابهای مختلف که مورد نیاز جامعه‌ی در حال سازندگی بود اعمال شد و با توجه خاص شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو از یکسو و دولت‌از سوی دیگر به تدریج تا آنجا بر قدرت عمل و نفوذ معنوی این تاسیسات انتشاری اضافه شد که بعضی از آنها شهرت‌شان از مرزهای ایران نیز گذشت و در بعضی از ممالک جهان ، شناخته شدند که این خود باعث کسب اعتبار بیشتری برای ایران گردید . در مورد مهمترین ناشران ایران گذشته از ناشران قدیمی که همان کتابفروشان خیابانی محسوب‌شان باید داشت به ناشران دیگری می‌توان اشاره کرد که سازمانهای وسیع‌تر و پیشرفته‌تری پیدا کرده‌اند و با میدان عمل بزرگتر به اقدامات قابل‌ملاحظه‌تری دست زده و می‌زنند که از جمله این سازمانها ، سازمان انتشارات دانشگاه ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سازمان انتشارات کتابهای جیبی ، موسسه انتشارات فرانکلین (وابسته به انتشارات فرانکلین آمریکا) را باید نام برد که برای انتشار کتابهای خود سرمایه‌های بیشتر و کادری فنی و علمی‌و ادبی بیشتری در اختیار دارند .

بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، بنگاهی است که در فروردین ۲۵۱۳ به امر شاهنشاه آریامهر ایجاد شد تا به کار ترجمه و انتشار منظم برگزیده‌ترین آثار خارجی بپردازد و پس از آنکه در ترجمه آثار کلاسیک جهان پیشرفتی نسبی به دست آورد به کار تدوین و تنقیح و تصحیح متون قدیمی ادبیات ایران از یکسو (تحت عنوان مجموعه‌ی ایران شناسی) و مجموعه‌ی کتابهایی برای جوانان و نوجوانان از سوی دیگر پرداخت . کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز که تحت توجهات خاص علیاحضرت شهبانوبه کار خود آغاز کرده است ، تنها به کار تالیف و انتشار آثاری که کودکان قادر به درک آن باشند می‌پردازد و نکته جالب اینکه این سازمان انتشاراتی به کار کشف استعدادهای خام در میان خوانندگان جوان و نوجوان خویش نیز اهمیت خاصی قائل است و تا بحال تعداد زیادی از کتابها و دیگر آثار منتشره ، توسط این سازمان در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی برنده جوایز مختلفی شده‌اند که سبب اعتبار بیشتری برای ادبیات ایران شده است .

انتشارات فرانکلین نیز که از جمله ناشران دوره جدید محسوب می‌شود از ۱۵ اسفند ۲۵۱۲ تاسیس شده است و فعالیت آن بیشتر در زمینه ترجمه آثار نویسندگان برجسته خارجی است و در میان انتشارات بنگاه فرانکلین از همه نوع آثار قلمی از فلسفه و روانشناسی گرفته تا تاریخ و جغرافیا و داستان وجود دارد .

ناشران و تنوع کتابها

می‌توان گفت که در سالهای آغاز نشر و چاپ در ایران ، آنچه که مد نظر ناشران فعال نبود مسئله طبقه‌بندی و تقسیم کتابهای منتشره به موضوعات خاص مورد توجه و علاقه و خواست طبقه‌ی کتاب خوان به شمار می‌رفت .

در آغاز با همه اقداماتی که به موازات سایر اقداماتی که برای رسانیدن ایران به پایه‌سایر ممالک مترقی معمول بود فقط چند قدم اساسی برای توسعه نشر کتاب در ایران برداشته شد . و این چند قدم نیز در درجه اول در زمینه کتابهای درسی و فرهنگی بود زیرا همه رجال فرهنگی دست اندر کار معارف مملکت سعی داشتند که تا سرحد امکان پایه را قوی کنند و از هر راه که ممکن است ، جبران تسامح و غفلت‌های حکومت‌های قبلی را که از ادبیات تنها به شعر و احیانا " به تاریخ توجه داشتند بنمایند .

روی این اصل اکثر کتابهای منتشره اغلب کتب کلاسیک درسی بود و کتابهای دیگری نیز که احیانا " منتشر می‌شد ، در همین زمینه بود و مثلا " اگر به انتشار دیوان مسعود سعد سلمان اقدام می‌شد ، اولاً " این کتاب خلاصه‌ای از دیوان شاعر بود و ثانياً " روی جلد آن حتماً " قید می‌شد که برای استفاده دانش آموزان مدارس متوسطه است و بر همین قیاس ، سایر کتب غیر درسی مثل کلیله و دمنه و نظایر آن . و از این نوع کتب گذشته ، کتابهای دیگر دوره اول سلطنت پهلوی یا داستان بود (بیشتر ترجمه) بدون در نظر گرفتن نقش آموزنده‌ی کتاب و فقط کتابهای مشغول کننده ، یا دیوان اشعار شعرای شناخته شده قدیمی که این کتابهای آخر به همت و پایمردی تنی چند از عاشقان ادبیات ایران که روزگار را در تنبلی و تحقیق در متون قدیمی و مقابله دو اوین مختلف شعرا می‌گذرانند تدوین و با کمک وزارت معارف منتشر شد و بالاخره بعضی کتاب‌های ترجمه شده از آثار نویسندگان و محققان اروپائی مثل ترجمه تاریخ آلبرماله که هر جلد آنرا یکی از ادبای علاقه‌مند که اکثر کارهای سیاسی نیز داشتند (۱۹) ترجمه کردند .

بعد از شهریور ۲۵۰۰ نیز که دوران سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه آرمهر آغاز شد به علل مختلفه سیاسی از جمله درگیر شدن ایران در ماجراهای جنگ دوم بین المللی و بعد ماجراهای سیاسی داخلی گر چه به انتشار کتابهای مختلف توجه زیاد می‌شد اما هنوز ناشران به برنامه‌های گسترده مختلف و متنوع انتشاراتی توجهی نداشتند

(۱۹) . تاریخ آلبرماله - و - ژول ایزاک ، ترجمه‌ی : ... فلسفی - رشید یاسمی

عبدالحسین هزیر - دکتر شادمان - غلامحسین زیرک زاده .

و پس از ایجاد ثبات سیاسی در ایران رفته رفته مسئله طبقه بندی انتشاراتی مورد توجه قرار گرفت و ناشران دریافته‌اند که هم برای انجام رسالتی که اجتماع از آنان انتظار داشت و هم برای اینکه بازار فروش کالاهای خود را رواج دهند و سود کافی از سرمایه‌گذاری در امر انتشار کتاب را بدست آورند ، می‌بایست کالای ادبی خود را باب طبع و بر اساس سلیقه مشتریان تهیه کنند و آنوقت به تدریج قفسه‌های کتابخانه‌ها و ناشران که تنها به کتابهای درسی و کمک درسی و دیوان شعر و داستان اختصاص داشت پر از کتابهای مختلف در رشته‌های مختلف شد .

از جمله مهمترین موضوعاتی که مورد توجه قرار گرفت و خیلی زود جای خود را باز کرد مسئله ادبیات کودکان بود و آثاری که به درد بچه‌ها بخورد و آنانرا از سنین پائین به امر مطالعه علاقه‌مند کند امری که پیش از آن کمتر مورد توجه قرار گرفته بود در حالیکه امروزه ادبیات کودکان از مهمترین رشته‌های ادبیات محسوب می‌شود و سازمان‌های مقتدر و وسیعی در این راه سرمایه‌گذاری کرده و کتابهای خاص کودکان را با زیباترین عکسها و دلنشین‌ترین سوزها تهیه و چاپ می‌کنند .

موضوع دیگری که علاقه‌مندان زیاد داشت مسائل روانشناسی در زمینه‌های مختلف بود که در همه مدت ۲۸ ساله جز چند کتاب که بیشتر بدرد تدریس مخصوصاً " در سال های آخر تحصیل دبیرستانی و دانشکده‌ها می‌خورد اثر دیگری در این مورد نوشته و منتشر نشد و حال آنکه امروزه نه تنها مترجمین ورزیده بلکه نویسندگان و محققان معتبری در اینمورد داریم که کتابها نوشته‌اند و اکثر این کتابها حتی به چاپهای دوم و سوم نیز رسیده‌اند . . . و باز از موضوعات مهم انتشاراتی در سالهای اخیر ، کتابهای سیاسی است که در جهت روشن شدن افکار مردم در باره سیاست و انواع مکاتب سیاسی و علل و جهات ایجاد این مکاتب و تاریخچه آنها و نتایجی که بر ایجاد آنها در جوامع مختلف ، مترتب بوده است انتشار یافته است با آنکه گاه قسمت عمده‌ای از این آثار سیاسی ترجمه‌هایی بوده (وهست) که مترجم و یا مولف ، برداشت‌ها و مطالعات خود را نیز در آنها تاثیر داده است ولی به هر حال این کتابها نیز در طبقه‌بندی موضوعات انتشاراتی حائز اهمیت بوده و هست .

بحث در مورد چگونگی توجه ناشران به موضوعات خاص در کتاب ، می‌تواند خود کتابی جداگانه باشد اما بطور خلاصه و فهرست وار می‌توان گفت که مهمترین موضوعاتی که مورد توجه ناشران قرار گرفته است عبارتند از :

ادبیات کودکان ، مسائل روانشناسی ، - کتابهای شعر از شعرای جدید و تازه در درجه اول و کتابهای شعر از شعرای قدیم در درجه دوم ، کتابهای سیاسی ، کتابهای آموزنده اطلاعاتی مثل انواع دائره‌المعارفها و فرهنگها ، کتابهای آموزش

زبانهای بیگانه کتابهای بیوگرافی بزرگان (چه ترجمه و چه تالیف) کتب تاریخی کتابهای سفرنامه، کتابهای تربیتی ، داستان یا ترجمه از نویسندگان خارجی و چه نوشته نویسندگان ایرانی کتب مذهبی (که ناشران جداگانه و خاص دارد) کتب جغرافیائی ، کتب ادبی و سرانجام کتب داستان پلیسی که گر چه نوعی داستان محسوب می شود ولی بیشتر ناشران آن را به علت فراوانی هوا خواه جداگانه در فهرست های خود نام برده اند .

بعد از مسئله توجه ناشران مختلف به موضوعات خاص در انتشار کتاب به مسئله همگامی موسسات انتشاراتی با حوادث میهنی باید اشاره داشت که وقتی مسئله جشنهای با شکوه و خاطره آفرین تاجگذاری یا واقعه غرور انگیز جشنهای دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی در ایران برگزار می شود . برنامه ی کار همه ناشران هر چه بیشتر تجلیل از تاریخ ایران بوده ... کتابهای تاریخی گذشته تجدید چاپ و کتابهای تاریخی تازه ای تالیف گردید و نکته ی جالب اینکه تقریباً " همه ی این کتابها نیز با استقبال طبقات مختلف روبرو شده که در راس آنها نوجوانان و جوانان بودند و این توجه همگانی به تنها یک رشته ی انتشاراتی تعیین تاریخ ، در حقیقت همان رسالتی است که در همه ی جوامع برای ناشران قائل هستند .

البته در این مورد نباید از نقش موثری که وسائل ارتباط جمعی (روزنامه ها و مجلات و رادیو و تلویزیون) به عهده دارند بی توجه گذشت زیرا کتاب هر چه باشد یک کالا است و یک کالا برای اینکه تولید شود باید به فروش رود و در این مورد اگر تبلیغات وسیع و دامنه دار مطبوعات و رادیو و تلویزیون نبود ، گر چه در ماهیت امر تغییری نمی داد ولی لامحاله از توجه عمومی می کاست ، زیرا تا طالب کتابی در رشته ای معین از انتشار آن مطلع نشود بآن روی نخواهد آورد و اگر در این مورد تبلیغاتی نشود هم خواننده کتاب ضرر کرده است و هم ناشر کتاب ...

در اجرای این اصل مهم در امر انتشارات است که امروزه بعضی از ناشران بزرگ هیات های بزرگ بازاریاب دارند که با مراجعه ی مستمر به جوامع مختلف ، درصد استقبال مردم را به موضوعات مختلف تعیین می کنند و بر اساس آمار حاصله از این مراجعات است که برنامه ی کار خود را تنظیم می کنند و مطابق سلیقه خوانندگان خود به انتشار کتب مختلف می پردازند .

توجه به غرب و توجه به شرق

در مقدمه رساله ای به نام (کتاب و کتابخانه در ایران) نوشته عذرا ارم تباہ که از انتشارات خبرگزاری پارس (وزارت اطلاعات) است آمده است که (... توجه

به امر کتابت و کتاب ، به عنوان یک عامل مهم و موثر توسعه و تعمیم فرهنگ تمدن و پیشبرد و افزایش سطح آگاهی انسانها در جامعه ایرانی از سابقه‌ای بس طولانی و احتمالا " به قدمت تاریخ این سرزمین بر خوردار است . این توجه و تمایل ، در سالهای اخیر ، همراه با پیشرفت‌ها و موفقیت‌های همه جانبه ملت ما به صورتی روز افزون نمایان بوده است که این امر خود مبین توسعه سریع علم و دانش در جامعه انقلابی ایران است . . .)

اگر این ادعا را بپذیریم (که پذیرفتنی است) می‌بایست به این نکته نیز توجه داشته باشیم که در قرون جدید ، به علل مختلف سیاسی که مهمترین آن را نبودن یک دولت مقتدر مرکزی در ایران باید محسوب دانست ، ادبیات ایران نقشی را که در قرون گذشته داشت از دست داد و کار بجایی رسید که جز در یکی دو مورد ، از هر لحاظ دیگر تابع و دنباله روی ادبیات و فرهنگ غربی شد و این تبعیت گاه تا آن حد پیش می‌رفت که شاعر ایرانی ، معشوق خود را از دریچه چشم یک عاشق بیگانه نگاه می‌کرد و مکتون دل خود را از زبان آن عاشق بیگانه می‌سرود یا می‌نوشت . . . نه تنها شاعر ، بلکه نویسندگان ایرانی ، محقق و مورخ و مولف ایرانی نیز همین احساسات توأم با نوعی تعصب را نسبت به ادبای و ادبیات غربی نشان می‌داد و این نبود مگر توسعه نفوذ همه جانبه بیگانگان غربی در ایران که یکی از شئون آن ادبیات بود و " سیاست غربی " نیک می‌دانست که اگر ایرانی ، احساسات و تعصب موجود نسبت به ادبیات و زبان و فرهنگ ایرانی را از دست بدهد ، آسانتر از احساسات و تعصب ناسیونالیستی خود دست بر خواهد داشت .

این یک سوی قضیه بوده اما سوی دیگر قضیه این بود که ، در قرون جدید ، و مخصوصا " در سالهای معاصر با قیام مشروطیت و سالهای پاگیری آن در جامعه ایرانی به این ادبیات نیازمند بودیم و از آنجا که ملل اروپایی بیش از ما در کار تحولات سیاسی و ایجاد آن تحولات بنفع مردم و مملکت سابقه و تجربه داشتند ، طبیعی بود که ، به ادبیات غربی متوجه شویم و از کارهای آنها سر مشق بگیریم .

پس از تاسیس دارالفنون و فرستادن شاگرد به اروپا و رفت و آمد تجار ایرانی در نقاط مختلف فرنگستان (اروپا) تا حدی پای علوم جدید غربی به مملکت ما باز شد و تالیف کتب تازه در علوم جدید غربی که ره آورد این رفت و آمدها بود مثل طب و فنون نظامی و روانشناسی و جغرافیا معمول و مرسوم گردید .

مردم به آموختن زبانهای خارجی توجه پیدا کردند تا در برگرداندن مطالب خارجی و استفاده از آن برای ایجاد تحولات گونه‌گون بکارشان بیاید و در این راه علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و فرهاد میرزا معتمدالدوله و یکی دو موسسه مثل مدرسه دارالفنون

اداره انطباعات و دارالترجمه و بعضی از ارمانه زبان دان و علاقه‌مند پیشقدم بودند که راهنمای دیگران شوند و کتب مهمی ترجمه و تالیف شد که اینکار در تمام طول سلطنت ناصرالدین شاه ادامه یافت و شاید بتوان همین اغماض ادبی را از سوی حکومت ناصری که با هر گونه اقدام روشنفکرانه در جهت آگاهی (عوام الناس) مخالف بود، یکی از قدم‌های مهم در راه مشروطیت دانست.

با آنکه از تاریخ مشروطیت به این سوی در نظم و نثر فارسی سبک و اسلوب قدیم حفظ شده است و شعر و انواع آن از یکسو و نثر و انواع آن از سوی دیگر علیرغم نهضت نوآوری در سالهای اخیر هنوز رنگ و بوی ادبیات قدیمی را دارد. معهذا با کمی دقت می‌توان دریافت که موضوعهای تازه‌ای در ادبیات و نثر فارسی پیدا شده است که در واقع آن را می‌توان جنبش و نهضت ادبی نامید.

این نهضت ادبی همان توجه به ادبیات و فرهنگ غربی است که در آغاز بسیار شدید بوده و اکنون به حد معقول، به اندازه نیاز یک کشور در حال سازندگی رسیده است.

حد معقول در اینمورد نه به آن معنی است که ایرانی بکسره بدور ادبیات و فرهنگ غربی خط کشیده و خود را از آن بی‌نیاز می‌داند بلکه بر عکس می‌توان گفت تعداد کتب ترجمه شده از آثار بیگانه به زبان فارسی فقط در یکسال، برابر با چند برابر کتب منتشره ترجمه از زبانهای دیگر به زبان فارسی در تمام دوران سلطنت قاجاریه است. منتهی به موازات این نوع فعالیت ادبی، خلق آثار ادبی و تحقیقی و علمی به زبان فارسی نیز از یک رواج کامل برخوردار است و به همین جهت است که می‌توان باور داشت که امروزه ایرانی از ادبیات غرب تنها به عنوان یک غذای کمکی استفاده می‌کند در حالی که غذای اصلی وی ادبیات و فرهنگ ملی است.

حقایق در قالب ارقام

اینک به آمار توجه کنیم از چگونگی توجه طبقات مختلف مردم نسبت به موضوعاتی که در باره آنها کتبی چاپ و منتشر شده است، با ذکر این نکته که در این بررسی و آمارگیری یکپهزار تن از طبقات مختلف جامعه از دانشجو و دانش آموز و کسبه گرفته تا کارمندان و کارگران و کشاورزان مورد سؤال قرار گرفتند و این بررسی در تهران صورت گرفته است. لیکن پاسخ دهندگان از متولدین اغلب شهرهای ایران بودند که به هر حال هر یک به دلیلی در تهران روزگار می‌گذرانند. به هر یک از آنان امکان داده شد تا هر موضوعی را که مورد توجه‌شان است برگزینند و اگر خواستند بیش از یک موضوع و به هر تعداد که خواستند انتخاب کنند و این است حاصل کار:

از هزار نفر	نفر	مورد توجه	
	۵۸۹		۱ - کتب درسی
"	" ۲۵۹	"	۲ - کتب درسی (سطح عالی)
"	" ۵۷۳	"	۳ - داستانهای عاشقانه
"	" ۳۶۰	"	۴ - کتب دینی
"	" ۴۹	"	۵ - قصه‌های کودکان
"	" ۲۷۲	"	۶ - دائرة المعارف
"	" ۳۵۱	"	۷ - اشعار (شعر نو)
"	" ۱۷۹	"	۸ - زبان آموزی
"	" ۳۲۹	"	۹ - مطالب فکاهی (طنزوهزل)
"	" ۳۲۲	"	۱۰ - داستانهای پلیسی
"	" ۲۴۶	"	۱۱ - داستانهای جنگی-جاسوسی
"	" ۲۷۸	"	۱۲ - بیوگرافی
"	" ۱۸۷	"	۱۳ - تحقیقات ادبی
"	" ۲۹۵	"	۱۴ - تاریخ
"	" ۹۷	"	۱۵ - روانشناسی
"	" ۴۲۱	"	۱۶ - ورزشی
"	" ۹۲	"	۱۷ - تربیتی
"	" ۵۹	"	۱۸ - خاطرات
"	" ۱۲۶	"	۱۹ - جغرافیا
"	" ۱۸۸	"	۲۰ - علمی
"	" ۸۴	"	۲۱ - متون قدیمی
"	" ۴۲	"	۲۲ - سفرنامه‌ها
"	" ۱۹۸	"	۲۳ - فرهنگ لغات
"	" ۲۱۶	"	۲۴ - هنری
"	" ۱۷۴	"	۲۵ - طبیعی
"	" ۴۱	"	۲۶ - فلسفی
"	" ۲۴۶	"	۲۷ - سیاسی
"	" ۱۸۷	"	۲۸ - صنعتی
"	" ۱۲	"	۲۹ - طبی
"	" ۱۱	"	۳۰ - اقتصادی

کتاب درسی را غیر از دانش‌آموزان مدارس ، سایر افراد طبقات نیز که در کلاسهای شبانه درس می‌خواندند مطالعه می‌کردند و پاره‌ای از دانشجویان نیز که به تدریس خصوصی و یا دولتی اشتغال داشتند ناگزیر از مطالعه این کتاب بودند .

قصه‌های کودکان گر چه برای کودکان تهیه می‌شود ولی گر چه هیچکدام از یکهزار نفری که مورد سؤال قرار گرفتند کودک نبودند و باز چهل و نه تن از آغاز کتابهای کودکان را جزو کتابهای مورد علاقه خود نام بردند اگر همه کودکان با سواد که مشتاق خواندن این گونه کتاب هستند مورد سؤال قرار می‌گرفتند قطعاً " فقط به این نوع کتاب اشاره می‌کردند . و حالا به نمودار دیگر که کتاب مورد علاقه هر یک از ۶ طبقه‌ی (دانشجوی ، دانش‌آموز ، کارمندان ، کسبه ، کارگران و کشاورزان) را معین می‌سازد توجه فرمائید :

ردیف	نوع کتاب	دانشجویان	دانش آموزان	کارمندان کسبه	کارگران	کشاورزان
۱	کتاب درسی	۵۱	۳۴۰	۹۱	۴۵	۵۷
۲	کتاب درسی (عالی)	۲۰۰	۳۲	۲۷	-	-
۳	داستانهای عشقی	۸۳	۲۵۰	۱۰۰	۳۴	۹۴
۴	کتاب دینی	۳۰	۷۴	۸۰	۵۴	۹۷
۵	قصه‌های کودکان	۱	۱۳	۲	۶	۲۷
۶	دایره‌المعارفها	۱۵۲	۹۴	۲۴	-	۲
۷	اشعار (شعرنو)	۱۰۷	۲۰۰	۲۰	۳	۲۱
۸	زبان آموزشی	۹۳	۵۷	۲۲	۲	۵
۹	فکاهی (طنز و هزل)	۲۴	۱۴۹	۴۸	۲۰	۸۱
۱۰	داستانهای پلیسی	۳۱	۱۸۳	۵۸	۱۷	۳۲
۱۱	جنگی و جاسوسی	۴۹	۸۱	۶۰	۷	۴۹
۱۲	بیوگرافی	۸۰	۱۵۰	۳۰	۳	۱۵
۱۳	تحقیقات ادبی	۱۱۵	۴۸	۲۴	-	-
۱۴	تاریخ	۱۳۷	۱۰۰	۲۷	۷	۲۲
۱۵	روانشناسی	۶۳	۱۲	۱۱	-	۱
۱۶	ورزشی	۱۰۵	۲۲۰	۷۰	۸	۱۷
۱۷	تربیتی	۵۹	۱۳	۲۰	-	-
۱۸	خاطرات	۲۸	۱۲	۱۵	۱	۳
۱۹	جغرافیا	۷۸	۳۲	۱۵	-	۱
۲۰	علمی	۶۶	۱۰۰	۵	-	۱۷
۲۱	متون قدیمی	۲۸	۲۳	۵	۲۵	-
۲۲	سفرنامه‌ها	۲۰	۱۰	۱۰	۱	۱
۲۳	فرهنگ لغات	۹۸	۷۵	۲۳	۱	۱
۲۴	هنری	۱۲۱	۵۹	۳۱	-	۵
۲۵	طبیعی	۸۵	۷۹	۹	-	۱
۲۶	فلسفی	۳۷	۲	۲	-	-
۲۷	سیاسی	۱۶۵	۴۴	۲۷	۳	۷
۲۸	صنعتی	۶۹	۸۴	۱۷	-	۱۷

-	-	-	-	-	۱۲	۲۹ پزشکی
-	-	-	۳	۱	۷	۳۰ اقتصادی

در این برآورد نسبت سئوال شوندگان عبارت بود از :

۳۴۰ نفر	- دانش آموزان کلاسهای متوسطه و راهنمایی
" ۲۰۰	- دانشجویان دانشگاه‌های تهران
" ۱۸۰	- کارمندان بخش عمومی و خصوصی
" ۱۵۰	- کارگران
" ۱۰۰	- کسبه و اصناف
" ۳۰	- کشاورزان

جمع ۱۰۰۰ نفر

فعالیت های شمر بخش در امر گسترش کتاب

گذشته از همه آنچه که ذکر شد ، در سالهای اخیر ، به منظور اشاعه دانش و فرهنگ کوششهای بسیاری برای احداث کتابخانه‌ها و چاپ کتابهای گوناگون صورت گرفته و موسساتی نیز به وجود آمدند که هر یک بنحوی از انحاء با برخورداری از تسهیلاتی که در مورد آنها منظور می‌شد و می‌شود در راه توسعه این امر فرهنگی که در حقیقت می‌بایست معیاری برای فرهنگ و ادبیات تازه‌ی ایران محسوبش دانست کوشیده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از :

الف - انجمن دوستداران کتاب که در سال ۲۵۱۳ تشکیل شد و در این انجمن برگزیده‌ء علما و فضلا و نویسندگان و مترجمین ایران داوطلبانه عضویت یافتند و هدف از ایجاد آن ، چاپ کتابهای نفیس و ایجاد نمایشگاههایی برای عرضه و نمایش کتابهای برگزیده است .

ب - گروه ملی کتاب شناسی ایران که به لحاظ اهمیتی که کار این گروه دارد ، کمیسیون ملی بیونسکو نیز آن را به رسمیت شناخته و فعالیت‌های آن را یاری و تأیید کرده و می‌کند .

ج - مرکز تحقیقات کتاب شناسی که در سال ۲۵۲۲ در دانشگاه تهران تاسیس شد و جمعی از استادان و محققان دانشگاه آن را اداره می‌کنند .

د - برای ازدیاد فعالیت‌های موسسات دولتی و ملی و مردم ، برای ایجاد کتابخانه در ایران قانون تاسیس کتابخانه‌های عمومی در تمام شهرها به مرحله‌ی اجراء گذاشته شد و در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر و با توجه به قانون تاسیس کتابخانه‌های عمومی ، در تمام شهرهای ایران انجمنهای کتابخانه‌های عمومی شهرها تشکیل شد (۲۰)

یکی دیگر از فعالیت‌های انجام شده برای جلب مردم به کتاب خواندن ، ایجاد نمایشگاه‌های کتاب است و گر چه به دوران سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر چندبار به مناسبت‌هایی (از جمله برگزاری مراسم هزاره‌ی استاد طوس حکیم ابوالقاسم فردوسی) نمایشگاه‌هایی از این قبیل به وجود آمد و سخت نیز مورد توجه قرار گرفت ولی در حقیقت اولین نمایشگاه " کتاب در ایران " با هدف مشخص عرضه کتاب در سطح کشور و به طور عمومی برای جلب مردم در سال ۲۵۲۶ به مناسبت جشنهای فرخنده‌ی تاجگذاری شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح پهلوی برگزار شد و این نمایشگاه بزرگ و جالب در تالار نوین یاد موزه‌ی ایران باستان بود که در آن ۲۲۱۹ جلد کتابهای چاپ شده در طول سالهای قبل از آن نمایش داده شد .

نمایشگاه سال ۲۵۲۶ کتاب ، در حقیقت مظهر ۲۵ سال سیر تکامل و ترقی چاپ و نشر کتاب در ایران بوده و استقبالی که مردم در سراسر مدت برگزاری نمایشگاه از آن کردند به خوبی مبین آن بود که تا چه حد طبقات مختلف و مخصوصاً دانشجویان و دانش آموزان و با سوادان به کتاب علاقه مند شده‌اند .

در سال ۲۵۲۷ نمایشگاه دیگری از کتابهای چاپی منتشره در طول سال ۲۵۲۶ و نیمه اول سال ۲۵۲۷ برپا شد که در آن ۱۳۸۰ جلد کتاب در رشته‌ها و موضوع‌های گوناگون به تماشای عام درآمد و باز سال بعد در ۲۵۲۸ تعداد ۱۲۶۴ جلد کتاب دیگر که در نیمه دوم سال ۲۵۲۷ و نیمه اول سال ۲۵۲۸ منتشر شده بود در تالار نوین یاد موزه ایران باستان در یک نمایشگاه کتاب گردآوری و عرضه شد و با ادامه‌ی رقم ۲۲۰۰ جلد کتاب که در سال ۲۵۲۹ در نمایشگاه چهارم کتاب به نمایش گذارده شد ، به خوبی این نکته روشن شد که استقبال مردم از کتاب سبب شد که رقم ۲۲۱۹ جلد کتاب در مدت ۲۵ سال به رقم ۲۲۰۰ جلد فقط برای یکسال برسد ، و به عبارت بهتر تعداد کتابهای منتشره طول ۲۵ سال نزدیکه به کتابهای منتشره در یکسال شود .

با تأسیس وزارت فرهنگ و هنر در سال ۲۵۲۳ (و در کابینه ۱۱۶) مشروطیت به ریاست مرحوم حسنعلی منصور کتاب و کتابخانه در ایران دارای یک حامی قانونی شد زیرا اگر چه این وزارتخانه تا قبل از اینکه به صورت (وزارت) درآمد ، بر-

(۲۰) - به فصل پنجم همین کتاب مراجعه شود .

اساس یک برنامه‌ی معین به کتابخانه‌های سراسر کشور کمک می‌کرد ولی وقتی اداره کل هنرهای زیبای کشور به صورت وزارت فرهنگ و هنر در آمد ، کمک‌های وزارتخانه به کتابخانه‌های عمومی بطور رسمی از محل اعتبارات دبیرخانه هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور انجام گرفت . این کمک‌ها از چند طریق صورت می‌گیرد .

اول - تهیه و ارسال کتابها ، رسالات و نشریات اداری به کتابخانه‌های عمومی .

دوم - تهیه و ارسال آنچه که کتابخانه‌ها (غیر از کتاب) احتیاج دارند .

سوم - ایجاد و تجهیز و اداره کتابخانه‌های عمومی .

در زمره فعالیت‌های بسیار مثبت و سازنده دیگری که در سالهای اخیر در جهت توسعه کتاب و کتابخانه و تشویق کتاب خوان انجام شده است ، تشویق کودکان به امر کتاب خوانی است ، و این مهم را کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انجام داده و می‌دهد ، که برای اینکار فعالیت‌همه جانبه‌ای دارد و با دایر کردن کتابخانه‌های کودک و انتشار کتابهای مخصوص کودکان ، گام‌های موثری در جهت تشویق و ترغیب فرزندان این کشور که در حقیقت مردان و زنان سازنده‌ی فردای ایران هستند برای آشنا شدن با کتاب و استفاده از کتاب برداشته است .

از جمله اقدامات مهم در همین زمینه الحاق تبصره‌ای به ماده اول قانون تاسیس کتابخانه‌های عمومی در تمام شهرهاست و از روز ۱۵ بهمن سال ۲۵۲۸ تا سال ۲۵۳۰ مبلغ ۷۴۶۰۰۰ ریال در تهران و مبلغ ۱۸۰۰۰۰۰ ریال در شهرستانها به کتابخانه‌های کودک کمک مالی شده است .

شاهنشاه آریامهر که همواره نویسندگان و هنرمندان را مشمول مراحم خاص خود قرار داده و در هر موقعیتی از زحمت و کوشش آنها تشویق و قدردانی فرموده‌اند در سال ۲۵۱۲ مقرر فرمودند تا ترتیبی داده شود که بهترین نویسندگان و مترجمانی که آثاری با ارزش به جامعه هدیه می‌کنند ، مورد مرحمت خاص قرار گرفته و جوایزی به آنها داده شود تا باین ترتیب از زحمات و خدمات مفید آنها قدردانی شده باشد . اداره املاک و مستغلات پهلوی در اجرای فرمان ملوکانه به دانشگاه تهران مراجعه نموده و با اصلاح و صوابدید شورای عالی دانشگاه کمیسیونی مرکب از استادان دانشمند و صاحب نظر انتخاب شدند تا کتب منتشره سال را در رشته‌های مختلف مورد مطالعه قرار دهند و بهترین کتب سال را تعیین و معرفی کنند .

این مراسم فرهنگی که قدم‌های بسیار موثر در امر تشویق به تالیف و ترجمه و ارائه بهترین کتابها در زمینه‌های مختلف محسوب می‌شود ، در نهایت بی‌طرفی انجام می‌شود و هر سال روز اول فروردین برندگان جوایز سلطنتی کتاب در مراسم سلام نوروز به پیشگاه همایونی شرفیاب شده و جوایز خود را دریافت می‌دارند .

به موجب آیین‌نامه‌ای که در بدو امر کمیسیون مربوطه تهیه کرده و مورد موافقت شاهنشاه قرار گرفت ، هر سال به بهترین مولف ، بهترین مصنف و بهترین مترجم سال در چهار رشته (ادبی) و (علمی) و (تاریخ و جغرافیا) و (اخلاقی و تربیتی) جایزه داده می‌شود که این مقدار جوایز برای بهترین مصنف ۵۰ هزارریال برای بهترین مولف ۳۰ هزار ریال و برای بهترین مترجم ۲۰ هزار ریال در سال اول بود . بر اساس یک آمار ، از سال ۲۵۲۰ تا پایان سال ۲۵۳۱ مجموعاً ۱۵۵۴ جلد کتاب در رشته‌های علوم و فنون ، ادبی و تحقیقی ، علوم انسانی و اجتماعی ، ادبیات کودکان و نوجوانان مورد رسیدگی قرار گرفته و جمعاً ۱۵۹ نفر از دانشمندان و نویسندگان و مترجمان برنده مسابقات شاهنشاهی بهترین کتاب سال بوده‌اند که به پیشگاه مبارک ملوکانه بار یافته و به اخذ فرمان همایونی مفتخر گردیده‌اند .

از سال تحصیلی ۲۵۱۷ - ۲۵۱۶ به بعد ، همه ساله طبق تقاضای وزارت آموزش و پرورش ، کلیه کتابهای ابتدائی دبستانهای سراسر کشور از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و به کمک این وزارتخانه و سازمان برنامه تهیه و در اختیار وزارت آموزش و پرورش گذاشته شده و بین دانش‌آموزان سراسر کشور توزیع گردیده است . . . در سال ۲۵۱۳ به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به منظور ایجاد جنبشی در امر کتاب و انتشار یک سلسله آثار سودمند ، در رشته‌های مختلف علمی و ادبی که در تربیت ذهنی و فرهنگی افراد موثر باشد بنگاهی به نام بنگاه ترجمه و نشر کتاب با سرمایه اولیه مبلغ پنج میلیون ریال اعطائی شاهنشاه آریامهر تاسیس گردید . این بنگاه تا پایان سال ۲۵۳۱ با نشر ۴۰۰ جلد کتاب‌های مفید موفق شده است که قدمهای بلند و موثری در طریق مقصود خویش بردارد به طوری که از حیث کیفیت مهمترین مؤسسه ناشر ایران به شمار رفته و موفق شده است انتشارات ایران را با مقتضیات دنیای نوین هماهنگ سازد .

برنامه‌های بنگاه ترجمه و نشر کتاب در طی مجموعه‌های مختلفی که انتشار داده است طی دو عنوان جداگانه عمل شده است که یکی برنامه‌ی انتشارات به زبانهای دیگر و یکی برنامه‌ی انتشارات به زبان فارسی است .

انتشارات فارسی بنگاه در طی مجموعه‌های مختلفی که به مقتضای احتیاجات فرهنگی کشور در نظر گرفته شده است به شرح زیر است :

- ۱ - مجموعه ادبیات خارجی
- ۲ - مجموعه آثار فلسفی
- ۳ - مجموعه ایران شناسی
- ۴ - مجموعه معارف عمومی

- ۵ - مجموعه متون فارسی
- ۶ - مجموعه چهره‌ی ملل
- ۷ - مجموعه آیین‌ها ایران
- ۸ - مجموعه ادبیات برای نوجوانان
- ۹ - مجموعه‌ی مراکز تمدن و فرهنگ
- ۱۰ - مجموعه ادبیات برای جوانان
- ۱۱ - مجموعه سرگذشت بزرگان
- ۱۲ - مجموعه کتب علمی
- ۱۳ - مجموعه داستان‌های ملل
- ۱۴ - مجموعه هنر و هنرمندان
- ۱۵ - مجموعه ادبیات برای کودکان
- ۱۶ - مجموعه کتب درسی

دقت در انتخاب کتاب و صحت ترجمه و مراقبت در زیبایی چاپ و مراقبت در تناسب مطالب با احتیاجات فرهنگی مختلف موجب استقبال از انتشارات بهنگاه شده است ، بطوریکه تا کنون بیش از یک ثلث از انتشارات مزبور که کمیاب بوده تجدید چاپ شده است .

به موجب فرمان دیگری شاهنشاه آریامهر برنامه‌ای برای انتشارات به زبان‌های دیگر نیز برای ترجمه آثار برگزیده زبان فارسی بنیان یافت ، که مقصود از تاسیس آن ، ترویج فرهنگ و ادبیات و تمدن ایران و آسان کردن آشنایی خوانندگان دنیای متمدن با سهم ایران در پیشرفت تمدن جهان و انتشار و اشاعه آثار نویسندگان و دانشمندان ایرانی است .

ترجمه آثار ایرانی به زبان‌های دیگر در حال حاضر به زبان‌های انگلیسی و فرانسه ، آلمانی و ایتالیایی صورت می‌گیرد و امید می‌رود که به زودی زبان‌های دیگری برای ترجمه آثار برجسته ایرانی به صورت زبان‌های مزبور اضافه شود و طبق برنامه خاصی برنامه انتشارات به زبان‌های دیگر استحکام بیشتر بیابد .

یک هیات بین المللی که از خاور شناسان بنام معاصر تشکیل شده است بهنگاه را در این امر یاری می‌دهد و تا کنون مجموعاً " پانزده اثر در این برنامه به سه زبان انگلیسی و فرانسه و ایتالیایی انتشار یافته و ترجمه کتابهایی به آلمانی در دستور کار قرار دارد .

در ۲۵ مهرماه ۲۵۲۴ بر اساس فرمان شاهنشاه آریامهر ، کتابخانه‌ی پهلوی به عنوان نخستین کتابخانه و تنها کتابخانه اختصاصی ایران شناسی در سراسر جهان

تاسیس شد . وظیفه‌ای که طبق فرمان ملوکانه به کتابخانه پهلوی محول شد ، گردآوری کلیه کتابها و مدارک مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران اعم از کتابها و نشریات فارسی و کتابها و مقالات خارجی به کلیه زبانهای جهان ، تهیه ، فتو کپی آثار خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های مختلف دنیا و گردآوری اصل کتابهای خطی فارسی در موارد ممکن و انجام پژوهشهای علمی در عموم زمینه‌های ایرانشناسی بود .

به موجب فرمان دیگری که در سال ۲۵۳۵ شرفصدور یافت ، کتابخانه پهلوی مأمور تهیه تاریخ جامع و کامل ایران بر اساس کتب و مدارک گردآوری شده در کتابخانه گردید . کتابخانه پهلوی از بدو تاسیس خود فعالیت وسیعی در زمینه انتشارات داشته که مهمترین آنها چاپ و انتشار مجموعه کامل تالیفات و نطقها و پیامها و مصاحبه‌ها و بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در هشت جلد و ۸۰۰۰ صفحه و چاپ و انتشار کتاب انقلاب سفید به ۱۴ زبان مختلف بوده است که تنها متن فارسی آن تا کنون در بیش از ۱/۵ میلیون نسخه منتشر شده است این کتاب تاکنون ، به زبانهای انگلیسی ، فرانسه ، آلمانی ، ایتالیایی ، روسی ، اسپانیایی ، پرتغالی ، یونانی ، دانمارکی ، عربی ، اردو ، هندی و ترکی ترجمه و منتشر شده است .

سایر آثار منتشر شده توسط کتابخانه پهلوی عبارتند از :

— برگزیده نوشته‌ها و سخنان شاهنشاه آریامهر در بیش از یک میلیون نسخه .
— ایران جاوید شامل منتخبی از سخنان شاهنشاه آریامهر در باره تاریخ شاهنشاهی و تمدن ایران .

— دوازده نطق شاهنشاه آریامهر در دانشگاه‌ها و مجامع بین المللی .
— شاهنامه فردوسی از روی متن‌های انتقادی آن ، تهیه شده توسط ایران شناسان روسی .
— بوستان سعدی از روی متن روسی آن توسط دانشمندان ایران شناس روسی .
— مجله ایران شناسی .

— ۲۴ جلد آثار دیگر به زبانهای فرانسه ، انگلیسی ، عربی ، روسی ، اسپانیایی و فارسی .
اما مهمترین و سنگین‌ترین کار علمی کتابخانه پهلوی ، تدوین و انتشار مجموعه (جهان ایران شناسی) است که جلد اول آن در ۱۵۰۰ صفحه منتشر شده و تا به حال چندین بار تجدید چاپ شده است . مجموعه جهان ایران شناسی دارای یک دوره کامل در حداقل ۲۰ جلد و ۳۰ هزار صفحه خواهد بود و شامل کلیه اطلاعات مربوط به تاریخ ایران ، تاریخ روابط فرهنگی ایران با یکایک کشورها ، سوابق نفوذ فرهنگ و هنر ایران در هر کشور و وضع کنونی ایران شناسی در آن مملکت ، آثار مختلف فرهنگی و هنری ایران و فهرست کلیه کتابها و مقالات علمی منتشره در هر

کشور در باره ایران از آغاز تا به امروز است .

از آغاز سال ۲۵۳۲ ، به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ، کتابخانه پهلوی مأمور تجدید سازمان خود به صورت بزرگترین کتابخانه آینده ایران و یکی از پیشرفته‌ترین و مجهزترین کتابخانه‌های سراسر جهان شد .
طبق برنامه‌های تنظیمی کتابخانه بزرگ پهلوی دارای چهار بخش اصلی به اضافه مرکز اجتماعات و کنفرانسها و مراکز مختلف انتشارات و تحقیقات و امور کامپیوتری و فنی و اداری و غیره خواهد بود و از جمله یک کتابخانه ...

کتابخانه مزبور شامل کلیه کتابها و نشریات و مطبوعات چاپ ایران در گذشته و حال ، کتابها و نشریات فارسی چاپ شده در سایر کشورها ، کتابها و نشریات مطبوعات مربوط به ایران به زبانهای خارجی ، نقشه‌های جغرافیائی مربوط به ایران ، خطوط و مرقعات و کتابهای خطی فارسی به صورت اصل یا فتوکپی آنها .

غیر از کتابخانه مذکور ، یک کتابخانه بین‌المللی و مرکز اطلاعات وابسته بدان شامل مجموعه‌های برگزیده از آثار فرهنگ‌های مختلف جهان با توجه یکسان به همه آنها (فرهنگ‌های اسلامی و عربی ، فرهنگ هند و فرهنگهای وابسته بآن ، فرهنگ‌های چین و ژاپن و سایر مناطق خاور دور ، فرهنگ‌های ترکیه و آسیای مرکزی و آفریقا و ملل اسلاو ، فرهنگ‌های اروپائی و فرهنگهای آمریکائی ...)

در پایان این مقال می‌بایست به این نکته اشاره کرد که کتابخانه پهلوی از آغاز کار به تهیه فهرست‌های جامعی از کتابها و مقالات چاپ شده مربوط به تمدن و فرهنگ ایران از دوره‌های مختلف کشورهای گوناگون که تعدادشان به سیصد هزارجلد می‌رسد ، و تهیه اصل یا فتوکپی آن اقدام کرده است .

* * *

در مهرماه سال ۲۵۳۴ یک گروه ۵ نفری از دانشجویان فوق‌لیسانس کتابداری دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران ، بررسی کوتاهی در نوع رغبت‌های مطالعه‌ی نو جوانان انجام دادند و در این بررسی ۵۰۰ نوجوان دختر و پسر در مدارس نواحی مختلف مورد مطالعه قرار گرفتند و علائق و خواسته‌ها و نوع مطالعه آنها مورد بررسی قرار گرفت و البته سئوالات پرسیده شده در سطح کلی بوده و به جزئیات پرداخته نشده بود .

یک نگاه اجمالی به نتیجه به دست آمده از تحقیقات این گروه پنج نفری که عبارت بودند از : (شهین ترکمانی ، سوسن میر دامادی ، شیرین صدر الحافظی ، صادق سلطان القرائی و حاتم قائم مقامی) این مسئله را ثابت می‌کند که اغلب این عده به مطالعه کتاب و مجلات علاقه‌مند هستند و مخصوصاً " نو جوانان به مطالعه "

کتابهایی که مسائل انسانی و داستانهای واقعی را مطرح می‌کنند علاقه خاصی نشان داده‌اند.
در صد رغبت مطالعه کتب در نو جوانان ایران

نوع کتاب یا مجلات	تعداد پاسخ		درصد	
	پسر	دختر	پسر	دختر
کتابهای افسانه	۱۸۵	۳۷	۳۵	۷
سرگذشت دانشمندان	۱۵۵	۳۱	۲۲۵	۴۵
سرگذشت هنرمندان	۲۱۵	۴۳	۱۹۵	۳۹
کتابهای مذهبی	۱۷۵	۳۵	۱۳۵	۲۷
مجلات مختلف	۲۰۰	۴۰	۱۸۰	۳۶
کتابهای فنی	۲۱۰	۴۲	۲۲۵	۴۵
کتابهای علمی	۱۲۰	۲۴	۲۳۵	۴۷

دختران به کتابهای افسانه‌ای و قصه و سرگذشت هنرمندان (بعد از مجلات) بیشتر از هر نوع خواندنی دیگری روی می‌آورند در حالی که پسرها از کتاب قصه استقبال چندانی نمی‌کنند و در عوض وقتی ۲۲۵ پسر به سرگذشت دانشمندان علاقه دارند دختران کمترین تعداد را در این مورد دارند (۱۵۵ تن) و یا وقتی ۲۳۵ پسر علاقه‌مند به خواندن کتابهای علمی هستند از دختران فقط ۱۲۰ نفر به این نوع کتب علاقه نشان می‌دهند . (۲۱) .

نظر عباس زریاب خوبی در باره "کتاب"

عباس زریاب خوبی استاد تاریخ ، فلسفه تاریخ و ادبیات دانشگاه تهران ، کتاب شناس و صاحب چند تالیف و ترجمه در زمینه تاریخ و فلسفه می باشد . استاد زریاب قریب ۱۵ سال در کتابخانه مجلس شورای ملی و مجلس سنا ، عهده دار مشاغل عمدتاً بوده و سالیانی از عمر خود را با کتاب گذرانده و با این دوست ساکت آشنائی و الفت داشته است .

استاد زریاب می گوید : ما در مرحله انتقال هستیم ، در دوره صنعتی شدن و ثروتمند شدن . هرگاه به ثروت و قدرت و زندگی رفاهی مادی قابل ملاحظه ای رسیدیم ، فرصت پرداختن به کتاب را هم بیشتر خواهیم داشت . اکنون مصاحبه ای که با عباس زریاب خوبی صورت گرفته نقل می شود .

— حرف ، حرف کتاب است و هدف بررسی وضع کتاب ، در گذشته حال و احوالنا "بینشی برای آینده ... و شما در خلال سالهای زیادی که با کتاب سر و کار داشته‌اید ، چه از لحاظ تحصیل و چه از جهت مطالعه و تحقیق بی شک با مسائلی در زمینه کتاب مواجه بوده‌اید . که می‌تواند ، در این زمینه ما را یاری کند ، بگوئید نخستین بار کی ، و تحت چه شرایطی با کتاب آشنا شدید ، چه کتابهایی خواندید و چه دریافت هایی داشتید ؟

استاد زریاب :

در خانواده من آدم با سواد نبود ، پدرم و مادرم هم از سواد کافی بهره‌ای نداشتند ولی بی میل نبودند که من چیزی بیاموزم که لااقل کمک و یار من ، درگذران زندگی و معیشت من باشد در آن ایام در شهر ما محدود کتابهایی بود ، پاره‌ای کتابهای مذهبی و برخی قصه و افسانه ... و فارسی زبان دوم ما بود و من شاید از یازده ، دوازده سالگی بود که توانستم کتابهای فارسی بخوانم و در آغاز بیشتر کتابهای قصه گونه منتهی قصه‌های مذهبی مثل ، مختار نامه ، " مصیبت‌نامه ، " می‌خواندم قهرمان این کتابها ، کسانی بودند که به خونخواهی امام حسین بن علی (ع) قیام کرده بودند ... خلاصه زندگی معنوی من در این محدوده‌ها کتاب خواندن آغاز شد و با خواندن کتابهایی مثل هزار و یکشب و شاهنامه ، ادامه یافت .

هر چند که گاهی مورد شماتت و طعن و لعن افراد خانواده بودم که چرا اسیر کتاب شده‌ام چرا همه چیزم را سر کتاب داده‌ام ، چرا شغل پدرم را دنبال نکرده‌ام و همین لعن و طعن‌ها و شماتت‌ها ، مانع ادامه تحصیل من در دوره دوم دبیرستان بود . ولی به هر حال از کتاب دور نماندم و تحصیلات قدیمی ، خواندن زبان و ادب عرب را دنبال کردم . مدتی هم در قم به مطالعه مسائل و زمینه‌های مذهبی پرداختم و در ضمن زبان فرانسه را تا حدیکه بتوانم بخوانم و ترجمه کنم آموختم و سرانجام راه به کتابخانه معتبر مجلس شورای ملی و بعد کتابخانه سنا بردم ، حتی جزو بانیان و مؤسسین کتابخانه مجلس سنا بودم و پانزده سالی باین ترتیب مانند ماهی در دریا ، در میان انبوهی از کتابهای مختلف شناسی کردم ، می‌خواندم می‌خواندم ...

— در این سالها که اشاره کردید ، کتاب در مجموع چه صورتی داشت ؟

استاد زریاب :

مسئله‌ای که شاید خود شما هم متوجه آن بوده‌اید ، اینست که آن زمان ، کتاب برای کودک و اصلاً "زمینه" ذهنی مناسب برای کودک وجود نداشت و اگر بود ، محدود به مطالعه کتابهایی بود بالاتر از حد فکر و درک کودکان ولی می‌بینید که حالا کتابهایی در زمینه تاریخ ، جغرافیا ، جهان‌شناسی ، حیوان‌شناسی و الکترونیک ، علوم طبیعی و انسانی ، به زبان ساده و قابل فهم برای کودکان و نوجوانان فراهم است ، و فکر می‌کنم ، نوجوانان امروز ، در سنین ما ذهنی بازتر ، اندیشه‌ای والاتر و اطلاعاتی وسیع‌تر خواهند داشت .

— در دانشگاه نیز در کار کتابداری بودید یا فقط تدریس می‌کردید؟

استاد زریاب : کار من تدریس است ، البته کار تدریس هم جدا از کتاب نیست ، همانطور که کار تحصیل از کتاب جدا نیست ... یادم می‌آید وقتی در خارج تحصیل می‌کردم دانشجوی موظف بود ، پیش از کلاس درسها را بخواند و اشکالاتی را مشخص کند و در حضور استاد فقط به رفع مشکلات بپردازد و راهنمایی بخواند .

— در ایران هم همینطور است یا شیوه و رویه دیگری است ؟

استاد زریاب : متأسفانه در کار تحصیل دانشگاهی هنوز به آن حد نرسیده‌ایم ، و البته بسیاری از اساتید ، شیوه‌هایی از اینگونه دارند و خودشان هم عمیقاً مطالعه می‌کنند ولی بعضی از استادان اهل مطالعه نیستند و بعضی از دانشجویان نیز ، کافی است یاد داشت یا پللی‌کپی به دست دانشجوی برسد و برود دنبال کارش تا موعد امتحان ..

— خود شما چه درسی را تدریس می‌کنید ؟

استاد زریاب : چون در دو سه رشته مختلف درس خوانده‌ام ، سوای درس اختصاصی‌ام که تاریخ است ، ادبیات ، فلسفه تاریخ هم درس می‌دهم .

— تألیفاتی هم در خلال این سالها داشته‌اید ؟

استاد زویاب :

یک کتاب در فلسفه از ویل دورانت ، ترجمه کرده‌ام و یک کتاب در تاریخ ساسانیان ، که این دومی هنوز منتشر نشده است ، مطالبی را هم در کلاسهای درسم گفته‌ام ، جمع آوری کرده‌ام که احیانا" به صورت کتابی منتشر خواهد شد .

— اشاره به تاریخ کردید ، فکر می‌کنید ، کتابهای تاریخی که در مدارس دبیرستانها و حتی دانشگاه تدریس می‌شود از نظر شناخت تاریخ کهنسال کشور ما و فرهنگ غنی و گسترده‌ای که داریم ، چیز مطلوبی است ؟

استاد زویاب :

پیش از این هم یکبار در جایی گفته‌ام ، اگر تاریخ ما این بوده و هست که شما می‌گوئید ، یعنی شرح کشت و کشتارها ، و خصومت‌ها و خونخواهی‌ها... اصلا" نیازی به درس تاریخ نیست ، رمان و قصه‌ها پر از اینگونه وقایع و صحنه‌هاست حال آنکه تاریخ در درجه اول تاریخ ملت‌هاست تاریخ فرهنگ و قومیت یک ملت است نه تاریخ اشخاص و تاریخ باید بیشتر جریان تلاش ملت‌ها را برای ایجاد تمدن و فرهنگ بازگو کند یعنی بایستی بگوید ، یک ملت چگونه از دوران بدوی به دوران تمدن رسیده چه تازه‌هایی در حیات خود پدید آورده و چه ارمغانهایی به بشریت عرضه کرده و در راه پیشبرد هدفهای انسانی و تمدن بشری چه اندازه سهم بوده است ، البته ضمن شرح این مسائل زندگی اشخاص بزرگ و پادشاهانی که بانی این کوششها بوده‌اند ، یاد می‌شود .

— فکر می‌کنید کتابهای درسی قدیم بیشتر محتوی داشتند یا کتابهای جدید ؟

استاد زویاب :

البته کتابهای قدیم محتوی بیشتر داشت ، علت هم اینست که مدرسه کم بود ، دانش آموز کم بود و کسانی که احیانا" کتاب درسی می‌نوشتند ، گروه خاصی و از طبقه با سواد بودند و شتاب و عجله‌ای هم در کارشان نبود و در انتخاب مطالب دقت و حوصله بیشتری به خرج می‌دادند . اینست که بیشتر کتابهای درسی قدیم از نظر کیفی بهترند و غلط و اشتباه هم کمتر دارند . در حالیکه در سی چهل سال اخیر به نسبت افزایش تعداد دانش آموزان و مدارس و لزوم وجود کتابهای بیشتر ، این دقت و حوصله از بین رفته و آنچه مطرح هست پاسخگویی به موقع به

نیاز دانش‌آموزان مدارس و تامین سریع کتاب درسی آنان است در این سرعت و شتاب خود به خود سطح کتاب درسی پایین آمده است .

— گفتید خودتان دو سه جلد کتاب ترجمه کرده‌اید، نظرتان راجع به ترجمه کتب خارجی چیست؟ آیا در پیشبرد فرهنگ ما و توسعه کتاب تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد؟

استاد زریاب : کار ترجمه می‌تواند راه گشای مناسبی برای فرهنگهای گسترده جهان باشد و طبعاً "موجبات توسعه" بیشتری را در کار کتاب و فرهنگ کشور ما فراهم آورد . به هر حال فرنگی‌ها از این نظر از ما جلوترند ، یعنی هم تجربیاتشان در زمینه علم و دانش امروز بیشتر است هم اطلاعاتشان وسیع تر و ما می‌توانیم از آنها بهره‌گیری مثبت و مؤثری داشته باشیم .

— شما بهترین سالهای زندگیتان را با کتاب گذراندید و در این زمینه تجربه زیادی دارید . تا اینجا صحبت ما حرف مدرسه ، و کتاب درس بود ولی خارج از مدرسه خارج از کلاس درس هم باید کسانی باشند که راغب کتاب و عاشق کتاب باشند و به کتاب خواندن عادت کنند فکر نمی‌کنید توجه عمومی و بخصوص توجه نسل جوان به کتاب آن قدر نیست که باید باشد ، برای ایجاد توجه و عشق در این زمینه چه باید کرد؟

استاد زریاب : البته به تناسب افزایش دانشجوی با سواد در مملکت ما در قیاس با ۵۰ سال پیش علاقه و توجه به کتاب زیاد شده است ولی اگر بدانیم تعداد باسوادان پنجاه برابر ۵۰ سال پیش است تعداد کتاب خوان پنجاه برابر نیست شاید علتش این باشد که کشور ما در حال صنعتی شدن است و مردم سخت درگیر کار و فعالیت برنامه‌های سازندگی زندگی خودشان هستند ، آنها که درس می‌خوانند دنبال درس ، آنها که کار می‌کنند دنبال کار و تامین زندگی مادی خود در تلاشند و وسائل مادی به حدی در دسترس مردم گذاشته شده و چشم‌گیر است که همه ذهن مردم را به خود مشغول کرده است . از طرف دیگر وسائل و تنوع زندگی نیز زیاد شده که پرداختن و استفاده از این وسائل نیز قسمت دیگری از نیروی جامعه و مخصوصاً نسل جوان را به خود جذب می‌کند و دیگر فرصتی برای پرداختن به کتاب و احیانا "آشنایی با

علوم و ادبیات نمی‌ماند ، اگر وضع طوری بشود که هر کسی با ۸ ساعت کار و ۵- روز در هفته بتواند زندگی خودش را تامین کند و به بعضی از آرزوهایش جامعه عمل بپوشاند آن وقت ساعات فراغت بیشتری برای مطالعه می‌ماند و مردم طبعاً " بیشتر به دنبال کتاب می‌روند .

— منظورتان اینست که خواه ناخواه باید اول زمینه‌مادی‌تأمین بشود ، رفاه مادی برای مردم فراهم گردد آن وقت به مسئله کتاب توجه شود ؟

استاد زریاب : البته این یک نظریه است ، و من فکر می‌کنم از کسی که روزی ۱۲ ساعت دنبال کار و زندگیش باشد ، توقع کتاب خواندن ، توقع بجائی نیست .

— ولی به هر حال ما یک گنجینه بزرگ و گرانبه‌ای از ادب و هنر کشور خودمان داریم که خیلی از جوانهای ما حتی از وجود آنها بی‌خبرند فکر نمی‌کنید با ارائه نمونه‌هایی از این آثار ، ضمن شناخت فرهنگ خودمان ، علاقه و توجه بیشتر مردم را به این گنجینه‌ها جلب کنیم ؟

استاد زریاب : حقیقت اینست که در شرایط حاضر نه گنجینه‌های ادبی و هنری و فلسفی ، نه آثار ارزندهٔ نقاشی و شعر ، هیچ یک به اندازه یک اتومبیل برای دانشجوی امروزی جالب نیست و اینکه دانشجوی رشتهٔ ادبیات فارسی باشد یا در رشته فلسفه و تاریخ ... و یا رشته‌هایی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود هیچکدام به اندازه یک ضبط صوت عالی دانمارکی یا نروژی یا یک لباس شیک مد روز علاقه و هیجان در دانشجوی امروز بر نمی‌انگیزد . یعنی دانشجوی امروز ابتدا باید به این عوامل و زمینه‌ها دست پیدا کند چون عطش داشتن و خواستن اینها را بیشتر دارد ، اگر می‌خواهیم غیر از این باشد باید اینها را از دسترس و دید جوانان و سایر مردم دور کنیم و اگر گذاشته‌ایم که ببینند و بخواهند و برای به دست آوردنش کوشش کنند ، دیگر هیچ جاذبه‌ای جای آنها را نخواهد گرفت ، اما اگر این وسائل چشمگیر بودو جوان امروزی هم به آنها دست یافت و توانست داشته باشد و به اصطلاح ذهنی آسوده یافت ، آن وقت می‌شود به طرف کتاب هم توجهش را جلب کرد ، یعنی گفت اوقات فراغتت را با کتاب سر کن ... و با ذخائر گذشته ادبی و فرهنگی آشنا باش ، در

این حال خیلی‌ها به این ندا و دعوت و تشویق پاسخ خواهند گفت و به کتاب و کتاب خوانی گرایش خواهند داشت . در غیر این صورت به هیچ وسیله‌ای نمی‌توانیم نظر آنان را به تمدن و فرهنگ گذشته و جنبه‌های مادی و معنوی آن جلب کنیم .

— به این ترتیب آینده کتاب را در ایران چگونه می‌بینید ؟

استاد زریاب : من بدبین نیستم ، ما در راه پیشرفت و ترقی و تعالی هستیم و می‌کشیم صنعتی و ثروتمند باشیم و اینطور که پیش می‌رویم در آینده نزدیک ، جوانان ما خواهند توانست با حداقل کار حداکثر و سائل رفاه را در زندگی خود داشته‌باشند ، در آنصورت به کتاب هم اعتقاد خواهند داشت .

— یعنی باز فرصت پرداختن به معنویت و کتاب خواهد بود ، در حالیکه رفاه مادی داشته باشیم ؟

استاد زریاب : ما در یک دوره انتقال هستیم ، جوان امروزی هم کار می‌کند ، هم درس می‌خواند ، هم زندگی خودش و خانواده‌اش را می‌چرخاند ، این وضع را استادان دانشگاه هم دارند و گاهی با وجود کهولت برای اینکه حداقل زندگی خود را تأمین کنند مجبورند در دو یا سه دانشگاه و مؤسسه آموزشی کار تدریس داشته‌باشند ، اینها به کتاب نمی‌رسند مطالعه نمی‌کنند ، اگر این دوره انتقال به سر آید و ما به حد کافی ثروتمند باشیم با حداقل کار دستمزد خوب به دست خواهد آمد و احتیاجات ما کمتر خواهد شد فراغت خاطر می‌خواهیم داشت ، آن وقت به مطالعه هم می‌پردازیم . همین الان در معالک خارج یک استاد دانشگاه فقط هفته‌ای چهار ساعت درس می‌دهد ولی بقیه وقتش را برای بالا بردن کیفیت کارش مطالعه می‌کند صد البته با همان چهار ساعت یا شش ساعت کار زندگیش تأمین است باید ما هم به این مرحله از قدرت و ثروت برسیم تا بتوانیم فرصت پرداختن به معنویت بیشتری داشته باشیم .

— برای نسل آتی چه باید کرد ؟ آیا این زمینه‌سازیهایی که شده کافی است یا باز هم تلاش لازم است ؟

استاد زریاب : عرض کردم دو راه موجود است . یکی اینکه وسائل مادی از چشم مردم دور شود مثل بعضی از کشورها که مردم کمتر وسائل لوکس در زندگی خود دارند

و بیشتر به معنویت می پردازند یا اگر در وضع فعلی هستیم و می خواهیم باشیم ، یعنی می خواهیم از زندگی مادی بهتری برخوردار شویم و جامعه مصرف باشیم باید صبرکنیم تا به آن مرحله از ثروت و قدرت و تامین رفاهی برسیم که مجال پرداختن به مسائل معنوی و از جمله کتاب را به دست بیاوریم - به هر حال من بسیار به آینده خوشبین هستم ، چون معتقدم در کشور ما زمینه فراهم است و استعدادی که در مردم مملکت ما هست به هیچوجه کمتر از استعداد مردم دیگر نقاط جهان نیست ، چیزی که هست ، محرومیت های گذشته است و شتاب برای پیوستن به آینده .

ما به هر حال همان دوران شکوفای گذشته را از سر خواهیم گرفت .

فصل چهارم

کتابخانه‌های مهم

در این فصل، هر اندازه هم به اختصار بکشیم باز نمی توان صد یک گفتنی‌های لازم را گفت زیرا در این باره کتابهای کلان و گوناگون نوشته اند که تنها یکی از آنها از ده جلد بزرگ افزون است و از این رو، ماهر چه در اینجا بنویسیم به مانند آن است که "دریارا در کوزه‌یی بریزیم، و یا مثنوی هفتاد من را در یک صفحه بگنجانیم.

پدران قدیم ما اعتقاد داشتند: انسان تا زمانی که زنده است می تواند برای پس از مرگ خود توشه‌یی ببندد. اما پس از مرگ تنها چیزی که عایدش می شود همان است که در زنده بودن خویش اندوخته است. چنانکه شیخ سعدی می گوید:

برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد ز پس ز پیش فرست

و تنها در چهار مورد بوده که پس از مرگ هم ثواب و خیر و یا دست کم خوشنامی یا "نام نیک" عاید شخص می گردد:

۱. اینکه فرزندی صالح تربیت کرده باشد که پس از مرگ پدر را به نیکی یاد کند.
۲. صدقه جاریه بدهد یعنی، بخشی از مال و خواسته خود را برای بهبود حال مردم و به اصطلاح "مصلح عمومی" مردم تخصیص دهد یا "وقف کند"، برای نمونه بیمارستانی بسازد یا پلی پدید آورد، یا مدرسه بی یا کتابخانه بی بنا کند و به دست مردمان بسپارد.
۳. اثری علمی از خود باقی گذارد یا کتابی تالیف کند که در پیشرفت تمدن و دانش موثر باشد.

۴. فنانی جاری کرده یا درختی نشانده باشد که مردم پس از مرگ او، از آب آن قنات یا از میوه آن درخت بهره مند شوند. (۱) بیشتر آثار علمی و نسخه های خطی نفیس بازمانده کهن بر اثر همین اعتقاد بوده است.

این اعتقاد آنها بود و امروز هم برخی از مردم کم و بیش به همین اعتقاد هستند و اگر کسانی هستند که اصلاً به جهان دیگری باور ندارند تا کار خیری بکنند و برای روز "مبادا" ببندوند آن مقوله دیگری است و بکار ما مربوط نیست.

یکی از این کارهای خیر وقف کردن کتابهای کتابخانه های خصوصی به کتابخانه های بزرگ مانند زیارتگاه ها یا مدرسه های علمی قدیم بوده است، چنانکه امروزه نیز گرانبها ترین و دل آویزترین نمونه های کتابها و نوشته های نیاکان خود را بجز آنها که فرنگیان خریده

(۱) - صدوق: من لایحضره الفقیه، ص ۳۱۹، ج ۱، اسلامیه، عاشور، احمد عیسی: الفقه المیسر

ص ۶۶، چ بیروت "اذا مات العبد انقطع عمله الا من ثلاث اشياء من صدقه جاریه،

او علم بینتفع به او ولد صالح ید عوله"

و با بنگام کرده و به کتابخانه های خود برده اند - در همین بقعه های متروک و زیارتگاه های بزرگ و دانشگاه های قدیم و جدید می توان یافت .

در فصل اول و دوم این کتاب ، چند کتابخانه مهم را یاد کردیم از قبیل کتابخانه عظیمی که دودمان سامانی داشته اند ، و ابن سینا (درگذشته ۴۲۸ ه.ق) از وجود چنان کتابخانه یی عظیم اظهار حیرت کرده و بر بسیاری از کتابهای مهم که در هیچ جا گمان نمی برده در آنجا دست یافته و خوانده است .

در روزگار اسلامی ، و پیش از پیدا شدن دودمان سامانی و به هم رسیدن ابن سینا ، مامون خلیفه عباسی (درگذشته ۲۱۸ ه.ق) نیز با استفاده از دانشمندان ایرانی و رومی و به پایمردی ایشان " بیت الحکمه " را بنیاد نهاده و کتابخانه بسیار بزرگی در کنار آن ایجاد کرده و سهل بن هارون (درگذشته ۲۱۵ ه.ق) نویسنده نامدار شعوبی ایرانی را به ریاست آن گماشته است .

ابو علی بن مسکویه (درگذشته ۴۲۱ ه.ق) نیز خازن و کتابدار ابن العمیدوزیر و نویسنده بزرگ بوده است . در زمان خواجه نصیر الدین طوسی (درگذشته ۶۷۲ ه.ق) نیز به همت همو کتابخانه عظیمی در مراغه دایر گردیده که متجاوز از ۴۰۰/۰۰۰ جلد کتاب داشته است .

مختصری از این مطالب را به ویژه در فصل دوم این کتاب بیان کردیم و نیازی به تکرار آنها نیست .

اما تقریباً " می توان گفت : اگر چه کتابخانه های بزرگ در گوشه و کنار مملکت ما فراوان بوده ، اما وقتی به وجود و اهمیت آنها پی برده شد که روش تحقیق به سبک اروپاییان و نقل و ترجمه آثار آنان در میان روشنفکران ما رواج گرفت و پژوهشگران نام آوری همچون میرزا محمدخان قزوینی (درگذشته ۱۳۲۸ ش) و سید حسن تقی زاده (درگذشته ۱۳۵ ه.ش) به ظهور رسیدند و پس از سالها تحصیل و اقامت در فرنگ دریافتند که هیچ پژوهشی علمی و ادبی و فلسفی و هنری بدون تکیه بر آثار گذشتگان مرز و بوم درست و استوار نیست و وزنی نخواهد داشت . با تشویق و راهنمایی این دو مرد و چند تن دیگر ، کار کتابشناسی در ایران رواجی گرفت و اهمیت کار شناخته آمد و امروز از برکت همین جنبش علمی ، فهرست بسیاری از همین گنجینه های شایگان ، ولی گمنام ، فراهم گشته و امید می رود در آینده کامل تر و علمی تر از امروز دنبال شود .

اینک فهرستی از کتابخانه های بقاع مقبره مشهور به دست می دهیم :

۱ . کتابخانه آستانه امام زاده عبدالعظیم - این امام زاده که ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب حسنی علوی نام داشته از ترس پادشاه طبرستان به ری آمده و در همانجا گویا اندکی پس از (۲۵۰ ه.ق)

درگذشته است و در مسجد " الشجره " بخاک سپرده شده است ، و امروزه گور او مزار شیعیان است . (۲)

بسیاری از پادشاهان ایران از شاه طهماسب صفوی گرفته تا مظفرالدین شاه قاجار وقف های زیادی به این مزار اختصاص داده اند و بزرگان و ثروتمندان نیز کتابخانه های گرانقیمتی تقدیم کرده اند ، بطوریکه امروزه متجاوز از صد کتاب یا رساله یا مجموعه بسیار گرانبهای خطی در مباحث ادبی ، فقهی ، منطقی ، اصولی ، کلامی ، فلسفی ، و ریاضی و غیره در آنجا گرد آمده که از نفایس کتب به شمار می رود .

از نسخه های خطی بسیار نفیس این کتابخانه ، یکی " مجالس المومنین ، قاضی نور الله شوشتری (درگذشته ۱۰۱۹ ه . ق) است که به شماره ۶۰ ضبط شده ، دو دیگر " الایسا غوجی " یا مدخل منطق ارسطویی است که اشیرالدین مفضل بن عمر ابهری (درگذشته ۶۶۳ ه . ق) فیلسوف و منطقی نامدار سده ۶ هفتم نگاشته است . که شماره ۶۳ از مجموعه ۹۰ را داراست ، سه دیگر ، " خلاصه الحساب " شیخ بهائی (درگذشته ، ۱۰۳۱ ه . ق) است که به شماره ۴ از مجموعه ۵۵ ضبط شده است (۳) قسمتی از کتابهای خطی این کتابخانه را شاه عباس صفوی اهدا کرده است .

۲ . کتابخانه آستان قدس رضوی - این کتابخانه از کهن ترین کتابخانه های ایران است . گروهی از پژوهشگران کتابشناس تاریخ بنیاد آن را به سده ۶ پنجم هجری قمری رسانیده اند ، ولی درستی آن روشن نشده است . اما هر یک از پادشاهان و فرمانروایان بنا بر اعتقاد شخصی و عوامل دیگر در سرشار کردن این کتابخانه و به نیت اظهار خلوص نسبت به امام هشتم شیعیان خدماتی انجام داده اند . از جمله صفویان و افشاریان و زندیان و قاجاریان در افزودن کتابهای خطی و گرانقیمت این کتابخانه کوشش هایی کرده اند .

در سال ۲۴۹۶ (شاهنشاهی) رضاشاه بزرگ بنای باشکوه و وسیعی به مساحت ۶۰۰۰ متر مربع برای این کتابخانه ساخت که در سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی بنای آن پایان گرفت و کتابخانه و موزه آستان قدس به ساختمان مذکور انتقال یافت .

شماره ۶ کتابهای خطی و چاپی آستان قدس متجاوز از هفتاد هزار مجلد است که نزدیک به ده هزار مجلد آن خطی و از کتابهای بسیار نفیس و کمیاب تاریخ و فرهنگ اسلامی و ایرانی است که به ویژه از حیث دارا بودن نسخه های خطی قدیم فارسی و تازی اهمیت بسیار

(۲) محمد تقی دانش پژوه : نسخه های خطی ، ج ۳ ، ص ۶۱ ، چ دانشگاه .

(۳) محمد تقی دانش پژوه : نسخه های خطی ، ج ۳ ، ص ۷۶ .

شرح و بسط همه این نسخه های خطی مجال و پژوهش بسیار می خواهد و از حوصله این مقال بیرون است. تذکر این نکته لازم است که شاه عباس صفوی پس از دفع ازبکان در احیاء این کتابخانه بسیار کوشید، و امروزه بهترین نسخه های خطی و مطالای قرآن که در مشهد موجود است به همت او از اکناف و اطراف ایران و دیگر کشورهای اسلامی فراهم شده است.

در زمان حکومت شاهرخ گورکانی (حکومت ۸۲۶ - ۷۸۴ ه. ق) کتابخانه آستان قدس توسعه و رونق پیدا کرد، و از سده دهم به بعد قرآنهای نفیس به خط امامان و نیز کتابهای خطی به خط استادان بزرگ و خوشنویسان نامی از اقصی نقاط دنیا در آن گرد آمده است. در سده دهم هجری این شهر دچار فتنه ازبکان گردید و کتابخانه آن نیز به تاراج رفت ولی - بطوریکه گفتیم - شاه عباس پس از رفع فتنه ازبکان اعتبار گذشته این کتابخانه را به آن باز داد.

۳. کتابخانه آستانه معصومه (ع) - قم. این کتابخانه نیز مانند کتابخانه آستان قدس تاریخی قدیم دارد، ولی بنیاد کتابخانه جدید آن در سال ۲۵۱۱ گذاشته شد. شماره کتابهای این کتابخانه و به ویژه شماره نسخه های خطی آن از کتابخانه آستان قدس کمتر است، طبق فهرستی که از کتابهای موجود این کتابخانه فراهم شده، در حدود ۷/۶۰۰ مجلد کتاب در آن وجود دارد. تعداد نسخه های خطی آن ۶۷۰/ مجلد است که بیشتر فقهی و اصولی است.

از کتابخانه های دیگر شهر قم یکی: کتابخانه مدرسه فیضیه، و دیگری کتابخانه مسجد اعظم است که هر یک حدود چهار هزار نسخه خطی و چاپی دارند.

۴. کتابخانه آستانه شاه چراغ در باره این آستانه سه کتاب ویژه نوشته اند:

الف: آثار احمدی، به خامه هبه الله غیاث الدین، که خادم همین آستانه بوده و آن را برای شاه سلطان حسین صفوی نوشته و به سال ۱۱۰۵ ه. ق به پایان آورده است. (۴)
ب: هدیه احمدی، به خامه حاج شیخ محمد جعفر شاملی و محمد هادی سلاحی کتابدار آستانه شاه چراغ، که به سال ۲۵۲۱ شاهنشاهی در شیراز چاپ شده است.
ج: آثار احمدیه، به خامه جلال الدین محمد مجد الاشراف شیرازی (۱۳۳۱-۱۲۴۶) که در ماه رجب ۱۳۲۳ به چاپ سنگی رسیده است.

(۴) آقا بزرگ تهرانی: دربعه، ج ۴، ص ۱۵۲ و ج ۳، ص ۱۱ و ۱۵

این کتابخانه می و هشت نسخه خطی نفیس دارد که از جمله آنها:

۱. فیہ ما فیہ جلال الدین محمد مولوی (درگذشته ۶۷۲ ه. ق) ،

۲. کشاف زمخشری (درگذشته ۵۳۸ ه. ق) در تفسیر ،

۳. قانون ابو علی سینا فیلسوف و پزشک نامدار ایرانی (درگذشته ۴۲۸ ه. ق) که در سده شش و هفت نوشته شده و آغاز و انجام آن افتاده است . این کتابخانه حدود هزار و سیصد جلد کتاب چایی دارد .

۵ - کتابخانه ملی ایران: کتابخانه ملی را که در زمان سلطنت رضاه شاه کبیر تاسیس شد میتوان بزرگترین و مهمترین کتابخانه کشور دانست . قسمتی از کتابهای کتابخانه ملی تا قبل از اینکه به این نام موسوم شود ، در کتابخانه دارالفنون جای داشت که آن کتابخانه در تیر ماه سال ۲۴۵۷ به کوشش امین الدوله در زمان سلطنت مظفرالدین شاه تاسیس شد .

کتابخانه ملی ایران بفرمان رضا شاه کبیر توسط آندره گدار ، مستشرق و دانشمند ایرانیشناس و ایران دوست که در آن تاریخ مدیر کل موزه باستانشناسی بوده طراحی و ساخته شده است . روز سوم شهریور ۲۴۹۶ کتابخانه ملی ایران به وسیله آقای علی اصغر حکمت وزیر معارف وقت به نام اعلیحضرت رضاه شاه کبیر افتتاح شد و دو سال بعد ، شاهنشاه آریامهر که در آن زمان ولیعهد ایران بودند ، از کتابخانه ملی بازدید و دفتر کتابخانه را توشیح فرمودند و به این ترتیب تالار کتابخانه گشایش یافت و مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است .

در آغاز کار ایجاد کتابخانه ملی ، تعداد کتابها ۳۱۵۷۶ جلد بوده که ۲۹۰۹۱ جلد آن چایی ۲۴۲۳ جلد خطی و ۶۲ جلد آن فقط عکس بود ولی امروزه تعداد کتابها از موز ۱۱۰ هزار جلد گذشته که ۱۰۰ هزار جلد آن چایی است و نکته ی جالب اینکه ۵ هزار جلد از کتابهای این کتابخانه مربوط به یک بانک روسی (بانک استقراضی) بود که به موجب قرار داد ۸ اسفند ۲۴۷۹ (۲۶ فوریه ۱۹۲۱) درمسکو به امضای چیچورین - و - کاراخان نمایندگان روسیه و علی نقی خان مشاور الممالک نماینده ایران به دولت ایران واگذار گردید .

۶ . کتابخانه مجلس شورای ملی : این کتابخانه به سال ۲۴۸۲ تاسیس شده ، و امروزه یکی از کتابخانه های بزرگ ایران است ، در زمان موتمن الملک و باکمک و کوشش ارباب کیخسرو شاهرخ تاسیس شد و در سال ۲۴۸۴ بکار آغاز کرد .

کتابهای موجود در آن، در آغاز عبارت بود از ۲۰۰ جلد از کتابهای مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم معروف مشایی صاحب کتابهای اثبات الحرکه الجوهریه، و ربط الحادث بالقدم و نیز ۱۸۸۹ مجلد، از کتابهای احتشام السلطنه که اکنون نیز از آنها نگاهداری می شود. عده بی از رجال نامی کشور نیز کتابهای نفیسی به کتابخانه مجلس شورای ملی اهداء کردند. از جمله سید محمد صادق طباطبائی از وکیلان مجلس تعداد ۱۴۳۸ نسخه نفیس خطی و ۱۶۰۸ نسخه کتاب چاپی، به کتابخانه مذکور هدیه داده اند.

بطور خلاصه اکنون کتابخانه مجلس شورای ملی ۱۴۰۰۰۰ نسخه کتاب دارد که یازده هزار (۱۱ ۰۰۰) جلد آن خطی است. و نزدیک به ۲۰۰۰ مجلد آن از کتابهای خطی است که در دنیا نظیر ندارد.

در سال ۲۵۲۵ کتابخانه مجلس شورای ملی در حدود هشت میلیون ربال کتابهای خطی و چاپی نفیس خریداری کرد و بدین ترتیب کتابخانه مذکور از نظر داشتن ذخائر کتاب سرشارتر از گذشته گردید.

کتابخانه مجلس شورای ملی، برای خود سازمانی دارد که مختصر آن به قرار ذیل است:

۱. اداره بررسی و تحقیق، که عهده دار تهیه و تنظیم فهرست کتابهای خطی است.

۲. دایره کتابداری، که وظیفه آن تنظیم و طبقه بندی کتابها، و دادن کتاب به مراجعان است.

۳. قسمت عکاسی، که از نسخه های موجود کتابخانه میکروفیلم و عکس تهیه می کند.

۴. دایره روزنامه ها و مجله های داخلی و خارجی.

۵. شعبه صحافی که به تجلید و صحافی کتابها اشتغال دارد.

۶. دفتر کتابخانه که عهده دار تهیه نامه ها و بایگانی فیش ها و اوراق اداری است.

۷. کتابخانه مجلس سنا؛ این کتابخانه در سال ۲۵۰۹ شاهنشاهی به همت سید حسن تقی زاده پایه گذاری شد. در این کتابخانه حدود ۱۷۰۰۰ مجلد کتاب وجود دارد که ۸۰۸۸ مجلد آن فارسی و تازی است و مابقی کتابهای انگلیسی و اروپایی. در میان این کتابها هفتاد و شش مجلد نسخه خطی دیده می شود و در میان این کتابهای خطی چندین نسخه گرانبها از نوشته های کوتاه ابن سینا (درگذشته ۴۲۸ ه.ق) به چشم می خورد که

از آن جمله: " البروالاثم "، ش ۱۴ مجموعه ۲۲۵۲، " جوهریه النار "، ش ۱۲، مجموعه ۲۲۵۲، " حدالجسم "، ش ۸، مجموعه ۲۵۲۲ بسیار اهمیت دارد.
از جمله کتابهای برجسته خطی دیگر: " تحریر المجسطی "، اثر خواجه نصیرالدین طوسی، ش ۲۲۴۸، " والتحفه السعديه " در شرح قانون ابن سینا، که شماره ۲۲۵۶ دارد، که اثر قطب الدین شیرازی (درگذشته ۷۱۰ ه. ق) دانشمند جامع سده هشتم هجری است.

۸. کتابخانه سلطنتی: این کتابخانه از کتابخانه های قدیم ایران و وابسته به وزارت دربار شاهنشاهی است این کتابخانه تا سال ۲۴۹۳ باز نبود، در آن تاریخ به فرمان رضاه شاه پهلوی هیاتی مرکب از نمایندگان وزارت دربار شاهنشاهی ونخست وزیری ووزارت فرهنگ و وزارت دارایی برای مطالعه کتابها و تهیه فهرست جامع آنها مامور گردید.

این هیات پس از سه سال بررسی وتفکیک کتابها تعداد یازده هزار و ششصد مجلد کتاب چاپی و دو هزار و یکصد نسخه خطی از کتابهای موجود آن را به کتابخانه ملی وزارت فرهنگ منتقل کردند، وتعدادی کتابهای خطی نفیس همچنان در کتابخانه سلطنتی باقی ماند که نظایر آنها در کتابخانه های بزرگ دنیا کمتر یافت می شود.

در سال ۲۵۱۵ بفرمان شاهنشاه آریامهر هیاتی برای تهیه و تنظیم فهرست کامل نسخه های مذکور مشغول کار شد و در این میان آقای دکتر مهدی بهانی نقش مهمی داشت. پس از تهیه فهرست و کاتالوگ آنها، نمایشگاهی از نسخه ها و آثار نفیس کتابخانه مذکور در تالار آئینه برای مطالعه و استفاده مراجعان تشکیل شد.

۹. کتابخانه ملی حاج حسین ملک: حسین آقای ملک از علاقه مندان آثار عتیقه واز توانگران مشهور خراسان بوده و سالها خانه و باغ اومجمع شاعران و شوخ طبعان و کتاب دوستان به شمار می رفت. ملک در پایان عمر به سال ۲۵۱۰ شاهنشاهی کتابخانه یی تاسیس کرد و آثار نفیس و پر ارزشی که عبارت بود از آلات رصدی و کتابهای خطی بسیار گرانبها در آن کتابخانه نهاد. محل این کتابخانه در بازار حلبی سازان تهران است، و در حدود ۴۰ ۰۰۰ (چهل هزار) کتاب چاپی وخطی با اهمیت دارد. که مرجع بسیاری از پژوهشگران و محققان کشور است.

۱۰. کتابخانه مدرسه سپهسالار: این مدرسه که در سال ۱۲۹۶ ه. ق به همت میرزا حسین خان سپهسالار در جنب مسجد سپهسالار بنیاد یافت، دارای کتابخانه مهمی است که حدود ۱۷ ۰۰۰ (هیفده هزار) نسخه چاپی وخطی وعکسی گرانبها دارد که بیشترش

به زبان تازی و فارسی است و برخی از نسخه های خطی آن منحصر به فرد است برخی از رجال دوره ناصری کتابهای گرانقیمی به این کتابخانه اهداء کرده اند .

۱۱. کتابخانه وزارت امور خارجه : در سال ۲۵۱۸ که آقای علی اصغر حکمت تصدی وزارت امور خارجه را به عهده داشت ، آقای ایرج افشار مامور تهیه فهرستی درست از نسخه های خطی موجود در کتابخانه وزارت خانه مذکور شد . ولی در کتابخانه مذکور به مقتضای موضوع دو نوع نسخه خطی وجود دارد ، یک قسم کتابها و رسالاتی مستقل است که فهرست همه آنها فراهم گشته است ، قسم دیگر مجموعه های مکاتبات و اسناد فرمانها و منشورات و منشات و مراسلات روزگار قاجاریان است که مجلدات گوناگون و بسیار دارد و فرصتی دراز می خواهد تا فهرست دقیق و صحیح از آنها تهیه گردد .

فهرست نوع اول از این اقسام دوگانه یعنی کتابهای خطی متجاوز از سی و پنج مجلد و مجموعه گرانبهاست که از جمله آنها تحفه حکیم مومن از محمد مومن حسینی تنکابنی است که در حدود ۱۰۸۰ هـ . ق نوشته شده است .

دو دیگر " سبحة الابرار " جامی (درگذشته ۸۹۸ هـ . ق) است ، سه دیگر : " النجاه " یا خلاصه الشفاء ابو علی بن سینا (درگذشته ۴۲۸ هـ . ق) است ، چهارم ، " الاقیانوس فی شرح القاموس " که به دستور شاهزاده بهمن میرزا و به کوشش محمد بن صالح تبریزی در ماه رمضان ۱۲۶۲ هجری قمری انجام شده است . این کتاب را رکن الدین آشتیانی اهداء کرده و به شماره ۵۷۳۲ ضبط شده است .

مجموعه کتابهای خطی و چاپی این کتابخانه به ۶۰۰ مجلد می رسد .

۱۲. کتابخانه های دانشگاهی : دانشگاه تهران از آغاز کار خود به تشکیل و تاسیس کتابخانه و نگاهداری کتابها به روش علمی ، خواه آنها که از راه هدیه ، نیکمردان و فرهنگ دوستان گرد آوری می شود و خواه آنها که از راه خریدن کتابها فراهم می گردد ، متمایل بود و لزوم آن را می دانست . و از این رو ، می بایست در هر یک از دانشکده ها کتابخانه بی تاسیس شده باشد تا بتواند محل رجوع و مطالعه و کار دانشجویان و اهل تحقیق باشد .

برای برآوردن این آرزو دانشگاه مترصد فرصت بود تا اینکه نخستین قدم در این راه به وسیله استاد سید محمد مشکوه بیرجندی که از عاشقان کتاب بود و در فراهم آوردن نسخه های خطی عمر و ثروتی خرج کرده بود ، برداشته شد . یعنی ایشان کتابخانه خود را

(۵) ایرج افشار نشریه دانشگاه در باره نسخه های خطی ، ص ۷۵-۷۶ بخش نخستین ، ۲۵۱۹

به دانشگاه بخشید، و این قصد خبر را به تاریخ ۲۶ بهمن ۲۵۰۸ به اطلاع اعضای شورای دانشگاه رسانید، و دانشگاه طی مراسمی این هدیه گرانبها را پذیرفت، و همین کار اولیاء دانشگاه را تشویق کرد تا به بنای کتابخانه بزرگی اقدام کنند.

کتابهای مزبور در مسائل گوناگون فلسفی و ادبی و منطقی و فقهی و اصولی از تازی و پارسی است. (۶)

چنانکه گفتیم. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مدت درازی نیست که بنیاد گرفته است. اما در همین مدت نزدیک به ده سال توانسته است که تعداد کثیری از نسخه های خطی موجود در ایران را گردآوری کند و مجموعه مهم و در خور استفاده بی فراهم سازد. همچنین توفیق یافته است که با همکاری دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی فیلم و عکس از نسخه های مهم موجود در کتابخانه های معالک دیگر به ویژه ترکیه، انگلستان، فرانسه و آلمان و شوروی راتهبیه کند و وسائل تتبع و تحقیق در نسخ خطی را برای محققان ایرانی و پژوهشگران غیر ایرانی آماده گرداند.

یکی دیگر از غنی ترین دانشکده های ایران از نظر داشتن کتابهای خطی گوناگون کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی به شمار می رود. این کتابخانه، حالیه ۱۶۱۱ مجلد نسخه خطی دارد که ۲۸۲ عدد آن موقوف آقای سید شهاب الدین مرعشی است و ۱۱۹ نسخه از کتابهای مرحوم ضیاء الدین دری است که کتابخانه خریداری کرده است. فهرست کتابهای مذکور را آقای سید محمد باقر حجتی با راهنمایی آقای محمدتقی دانش پژوه کتاب شناس نامدار در ۱۲۲۶ صفحه فراهم کرده است که به سال ۲۵۲۵ جزو انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

کتابخانه دانشکده ادبیات تهران یکی از بزرگترین کتابخانه های فرعی دانشگاه تهران است که به سال ۲۴۹۱ بنیاد نهاده شد.

کتابخانه دانشکده پزشکی تهران: در سال ۲۴۹۳ نخست در خیابان آقا شیخ هادی بنیاد یافت و پس از آن به دانشگاه تهران انتقال یافت. کتابهای این کتابخانه به زبان های فارسی و تازی و انگلیسی و فرانسه و روسی و آلمانی است.

این کتابخانه تعدادی کتاب خطی نیز دارد که از جمله آنها کتاب "الطب المنصوری نوشته پزشک بزرگوار و آزاده ایران امام محمد زکریای رازی (درگذشته ۳۱۳ ه. ق) است که در سال ۴۸۴ ه. ق کتابت شده است.

(۶) علینقی منزوی: فهرست کتابخانه اهدایی آقای مشکوه به دانشگاه، ص ۳،

مقدمه.

همه ماهه نیز تعداد بسیاری مجله و روزنامه و نشریه پزشکی از کشورهای گوناگون به این دانشکده می رسد که در معرض مطالعه و استفاده استادان و دانشجویان دانشکده پزشکی و داروسازی و داندانپزشکی قرار می گیرد .

دانشگاه ملی ایران نیز از آغاز تاسیس ایجاد یک کتابخانه مرکزی و همچنین کتابخانه های وابسته به دانشکده های مختلف را وجهه همت خود قرار داده و اینک کتابخانه های این دانشگاه از معتبرترین کتابخانه های تهران به شمار می رود .

جدول ذیل که بر اساس آخرین آمار کتابخانه های دانشکده های دانشگاه تهران و دانشگاه ملی تنظیم شده است تعداد کتابهای فارسی و خارجی و مجلات مختلف این کتابخانه ها را نشان میدهد .

ردیف نام دانشکده	تعداد کتب فارسی	تعداد کتب لاتین	جمع کل کتاب	تعداد مجلات به زبان فارسی	تعداد مجلات به زبان لاتین	جمع کل عنوان مجلات
۱ دانشگاه تربیت معلم	۲۲۴۸۹	۲۲۱۳۰	۴۴۶۱۹	۶۳	۱۳۰	۱۹۳
۲ دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران	۷۸۵۶	۹۴۳۵	۱۷۲۹۱	۷۶	۴۷۶	۵۵۲
۳ دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران	۵۳۷۰	۶۳۵۰	۱۱۷۳۰	۱۹	-	۱۹
۴ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران	*	*	۹۰ ۰۰۰	*	*	۱۴۳

ردیف	نام دانشکده	تعداد کتب فارسی	تعداد کتب لاتین	جمع کل کتاب	تعداد مجلات به زبان فارسی	تعداد مجلات به زبان لاتین	جمع کل عنوان مجلات
۵	دانشکده علوم دانشگاه تهران	۱۰ ۰۰۰	۲۱ ۰۰۰	۳۱ ۰۰۰	۴۵	۸۵	۱۳۰
۶	دانشکده بهداشت دانشگاه تهران	۲۸۴۸	۱۵۸۰۰	۱۸۶۴۸	۱۲۰	۶۱۷	۷۳۷
۷	دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تهران.	*	*	۳۰ ۰۰۰	*	*	۶۰۰
۸	دانشکده داروسازی دانشگاه تهران.	۹۰۵۲	۴۳۷۵	۱۳۴۲۷	۷۴	۶۸	۱۴۲
۹	دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.	۲۳۷۵۰	۷۴۱۰۹	۹۷۸۵۹	۱۲۱	۴۵۹	۵۸۰
۱۰	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	۱۲۶۶۳	-	۱۴۶۸۶۷	-	-	-
۱۱	دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.	*	*	۱۶۹۶۸	*	*	۴۴۶

ردیف	نام دانشکده	تعداد کتب فارسی	تعداد کتب لاتین	جمع کل کتاب	تعداد مجلات به زبان فارسی	تعداد مجلات به زبان لاتین	جمع کل عنوان مجلات
۱۲	دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران .	*	*	۲۱۳۵۵	*	*	۵۰۰
۱۳	دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران .	*	*	۹۵۰۰	*	*	۹۰
۱۴	دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران .	*	*	۱۸۶۶۵	*	*	۱۰۰
۱۵	دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران .	*	*	۱۵۶۸۳	*	*	۴۵۴
۱۶	دانشکده فنی دانشگاه تهران .	*	*	۳۲۷۵۲	*	*	۲۱۸
۱۷	دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران .	*	*	۶۹۸۷	*	*	۱۱۸

ردیف نام دانشکده	تعداد کتب فارسی	تعداد کتب لاتین	تعداد کتب	جمع کل کتاب	تعداد مجلات به زبان فارسی	تعداد مجلات به زبان لاتین	جمع کل عنوان مجلات
۱۸ دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران .	*	*	*	۲۵۳۷۷	*	*	۳۰۰
۱۹ دانشکده هنرهای تزئینی	۳۸۵۰	۴۳۵۲	۸۲۰۲	۴۰	۱۰۰	۱۴۰	
۲۰ دانشکده پلی تکنیک تهران	۱۳۰۰	۱۴۵۰۰	۱۵۸۰۰	۵	۱۲۰	۱۲۵	
۲۱ دانشگاه صنعتی آریامهر	۷۰۳۸	۵۶۱۳۱	۶۳۱۶۹	*	*	۱۵۵۰	
۲۲ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملی .	۵۴۴۴	۲۰۷۱	۷۵۳۵	*	*	۳۰۰	
۲۳ دانشکده علوم دانشگاه ملی	۱۹۱	۱۰۴۷	۱۲۳۸	*	*	۹۰	
۲۴ دانشکده پزشکی دانشگاه ملی .	۲۷۶	۱۱۸۶	۱۴۶۲	*	*	۸۰	

ردیف نام دانشکده	تعداد کتب فارسی	تعداد کتب لاتین	تعداد کتب	جمع کل کتاب	تعداد مجلات به زبان فارسی	تعداد مجلات به زبان لاتین	جمع کل عنوان مجلات
۲۵ دانشکده معماری دانشگاه ملی .	۵۰	۱۰۵۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰	۲۶	۱۰۰۰	۱۰۲۶
۲۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه ملی	*	*	۷۹۰۰۰	۷۹۰۰۰	-	-	-
۲۷ دانشکده علم و صنعت .	۵۷۳۴	۱۵ ۰۰۰	۲۰۷۳۴	۲۰۷۳۴	۲۳	۷۳	۹۶
۲۸ دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی	۸۰۰۰	۴۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰	*	*	۱۸۰
۲۹ دانشکده هنرهای دراماتیک	*	*	۵۲۶۸	۵۲۶۸	-	-	-
جمع کل	۱۱۳ ۲۴۸	۹۵۲ ۵۳۶	۲۳۶ ۸۶۴	۲۳۶ ۸۶۴	+	+	۸ ۶۹۰

علائم :

* = ارقام جزء در دسترس نبود .

- = چیزی وجود نداشت .

+ = رقم تقریبی بود بهمین دلیل ذکر نشد .

غیر از این کتابخانه ها که به نحو اجمالی از آنها یاد کردیم ، بیشتر وزارت خانه ها و موسسات بزرگ فنی و علمی هر یک کتابخانه بی فراخور کار و زمینه فعالیت خود دارند

که پرداختن به همه آنها و بررسی کتابها و انواع مجلدات آن از حوصله این مقال بیرون است. اینک اشاره‌یی به کتابخانه های عمومی تهران می کنیم:

کتابخانه های عمومی تهران

در سال های اخیر به موازات احداث پارک ها و باغهای عمومی ، کتابخانه‌هایی نیز در جنب آنها از طرف هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور بنیاد گردیده که مهم ترین آنها در تهران بقرار زیر است:

۱ . کتابخانه مرکزی پارک شهر - این کتابخانه در سال ۲۵۲۰ ، تاسیس شده بود که از سال ۲۵۳۰ در ساختمان جدید مجهزی فعالیت دارد و اینک دارای متجاوز از ۳۷۰۹۹ جلد کتاب است .

کتابخانه های عمومی دیگر تهران عبارتند از:

۱ . کتابخانه باغ فردوس شمیران ، دارای متجاوز از ۵۰۰ ۱۱ مجلد کتاب .

۲ . کتابخانه عمومی نازی آباد ، دارای ۵۰۰ ۱۱ مجلد کتاب .

۳ . کتابخانه پارک خیام ، دارای - ۱۳ ۰۰۰ مجلد کتاب .

۴ . کتابخانه قلپک ، دارای ۹۷ ۰۰۰ مجلد کتاب .

۵ . کتابخانه نازی آباد ، دارای ۱۰۸۶۵ مجلد کتاب .

۶ . کتابخانه پارک بیست و پنج شهریور نارمک ، دارای ۱۰۳۰۰ مجلد کتاب .

۷ . کتابخانه عمومی شهرآرا دارای متجاوز از ۸۶۰۰ مجلد کتاب .

۸ . کتابخانه عمومی شهباز دارای ۱۰۴۰۰ مجلد کتاب .

۹ . کتابخانه عمومی پارک شفق ۱۰ ۰۰۰ مجلد کتاب .

۱۰ . کتابخانه عمومی زرکش ۱۰ ۰۰۰ مجلد کتاب .

و کتابخانه های عمومی دیگر .

کتابخانه های متفرقه مهم

کتابخانه های متفرقه مهم تهران عبارتند از:

کتابخانه بانک مرکزی ایران . - کتابخانه بانک مرکزی ایران در سال ۲۵۲۰ دایر گردید ، و در ابتدا قریب بیست هزار مجلد کتابهای بانک ملی ایران به آن کتابخانه انتقال داده شد و اکنون در حدود ۲۶ ۰۰۰ مجلد کتابهای چاپی فارسی و زبانهای خارجی

و تعدادی کتابهای خطی فارسی دارد. و هر سال نیز تعداد بسیاری از مجلات و روزنامه‌های خارجی و داخلی به آن کتابخانه می‌رسد که اغلب آنها در باره مسائل اقتصادی و بانکی است.

کتابخانه انجمن فرهنگ ایران باستان . - این کتابخانه در سال ۲۵۲۱ توسط انجمن فرهنگ ایران باستان تاسیس گشته و شماره کتابهای آن در حدود ۴۰۰۰ مجلد است که بیشتر آنها در باره زبان و ادبیات و تاریخ ایران باستان است. و چند نسخه کتاب خطی نفیس نیز دارد.

کتابخانه اردشیر یگانگی . - این کتابخانه در سال ۲۴۹۰ تاسیس شده و وابسته به انجمن زرتشتیان تهران است. شماره کتابهای آن اکنون به هفت هزار (۷۰۰۰) مجلد می‌رسد و بیشتر آنها مربوط به فرهنگ و هنر زبان و آیین ایران باستان است. از ویژگی‌های این کتابخانه وجود نسخه‌های خطی نفیس اوستا در آنست.

کتابخانه کمیسیون ملی یونسکو . - این کتابخانه از سال ۲۵۰۷ در قسمت شمالی عمارت موزه ایران باستان دایر گردیده، و حالیه - ۲۰۰۰ مجلد کتاب به زبان فارسی و تازی و فرانسه و انگلیسی و آلمانی دارد.
کتابهایی هم از طرف کمیسیون ملی یونسکو در مسائل مختلف علمی و تربیتی و فرهنگی ترجمه و انشمار یافته است.

۱. اصفهان

چنانکه گفتیم بسیاری از گنجینه‌های کتب علمی و ادبی ما را اروپاییان و ترکان عثمانی و آمریکا بپیان به یغما برده و در این راه، اندکی هم ناآگاهی ما از ارزش راستین این صفحات موش‌خورده و گرد و خاک گرفته و بوناک موثر بوده است.

اما با وجود این جای بسی خرسندی است که هنوز اسناد تاریخی و کتابهای ارزنده خطی و علمی و همچنین کتیبه‌ها و نیز فرمانهای بسیاری در گوشه و کنار کشور مابه‌صورت کتابخانه‌ها و یا موزه‌ها وجود دارد که هر کدام به نوبه خود مبهمات تاریخی و جغرافیائی و فلسفی و حقوقی و سایر رشته‌های علمی مملکت ما را روشن می‌سازد.

گذشته از مرکز کشور یعنی تهران، در میان سایر شهرهای ایران، اصفهان پایتخت شاهان صفوی را می‌توان خزانه‌ی بی‌پراز کتابهای با ارزش خطی شمرد که برخی از آنها در کتابخانه‌های عمومی و برخی دیگر در کتابخانه‌های اختصاصی و مقداری نیز در نزد اشخاص پراکنده است.

در میان کتابخانه‌های شهر اصفهان کتابخانه عمومی شهر مزبور از لحاظ کیفیت و دارا بودن نسخ خطی حائز رتبه نخستین است و در ردیف مهم ترین کتابخانه‌های کشور به شمار می‌رود و بنابراین بررسی و پژوهش این کتابخانه مصداق همان مثلی است که "کل الصيد فی جوف الفرا" و همان معنی که مولوی می‌گوید:

نام احمد نام جمله انبیاست چونکه صدامد نمود هم پیش ماست

در اهمیت این کتابخانه همین بس که از ۱۴۰۰۰ نسخه کتاب موجود در آن ۱۲۰۰ مجلد آن خطی است، و در میان این کتابهای خطی نسخه‌هایی بدیع و آثاری کمیاب و اعیانا "نایاب و منحصر به فرد یافت می‌شود که از لحاظ علم و ادب و فرهنگ روزگاران گذشته شایان توجه است. از نسخه‌های (۷) خطی گرانبهای این کتابخانه یکی: "تجارب السلف" هندو شاه نخبوانی، و دیگری "مناقب آل ابی طالب" نوشته ابن آشوب رانام می‌بریم.

گذشته از این کتابخانه، در اصفهان چندین کتابخانه معتبر وجود دارد که در زیر

(۷) جواد مقصود همدانی: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ملی اصفهان، ص ۴.

نام می بریم :

دو : کتابخانه دانشکده ادبیات اصفهان : این کتابخانه حدود - ۱۴۰۰۰ مجلد کتاب دارد. اما اهمیت آن به سبب وجود نسخه‌های خطی گرانبهای است که شماره آنها به ۴۸ مجلد می رسد ، که برخی از این مجلدات خود شامل چندین کتاب یا رساله است .
سه : کتابخانه عمومی شماره ۲ اصفهان : این کتابخانه حدود شش هزار مجلد کتاب دارد که از میان آنها ۲۱ نسخه خطی ارزش بسیار دارد .

چهار : کتابخانه رضویه مدرسه صدر : این مدرسه را حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار در بازار بزرگ ساخته ، و کتابخانه آنرا حاج سید محمد رضای خراسانی در ۱۳۶۳ هـ. ق بنیاد نهاده است . (۸)

این کتابخانه حدود هشت هزار مجلد کتاب دارد که از میان آنها حدود بیست و شش نسخه خطی اهمیت بسیار دارد . از مهم ترین آنها یکی " نهج البلاغه " سید رضی موسوی بغدادی (درگذشته ۴۰۶ هـ. ق) در سخنان امام علی (ع) است که به شماره ۲۶ ضبط شده و کاتب از نسخ و مقابله آن یکشنبه ۲۹ رمضان ۷۳۶ هـ. ق فارغ شده است .

پنج : کتابخانه موزه کلیسای ارمنیان در جلفا : که گذشته از دارا بودن چندین تابلوی بسیار قیمتی و گرانبها و فرمانهای گوناگونی از شاه طهماسب در ۹۷۳ هـ. ق ، و شاه حمزه در ۹۹۳ هـ. ق و شاه عباس در ۱۰۱۴ و ۱۰۲۸ و غیره ، دارای چند مجلد خطی نفیس نیز است که یکی از آنها : " قانون ابن سینا ، دو دیگر : " نقشه بحر خزر " ترسیم جان استروبی ، به کمک ملوانان ارمنی چاپ ۱۶۶۸ م را نام می بریم .

شش : کتابخانه آقای دکتر کارول میناسیان : این کتابخانه نزدیک به ۲۵۰۰ نسخه خطی نفیس دارد ، و هنوز به دقت علمی فهرست نشده است . از آنهاست دو کتاب بسیار قیمتی زیر :

الف : شرح التلویحات ، اثر سهروردی مقتول حکیم اشراقی ، بخامه شمس الدین محمد بن شهرزوری صاحب " تراجم الحکمای " مشهور .

ب : " کامل الصناعه " علی بن عباس مجوسی اهوازی (درگذشته حدود ۴۰۰ هـ. ق) که از بزرگان علم پزشکی و از مفاخر ایران است .

۲ : کتابخانه ملی تبریز

ساختمان کتابخانه ملی تبریز با مساعدت افراد خیر مخصوصاً " کمکهای مادی و معنوی

(۸) گنجینه آثار تاریخی اصفهان ، ص ۷۴۴-

برادارن نخجوانی در محل کنونی آن واقع در خیابان پهلوی اول خیابان شاه ساخته شده و در تاریخ ۲۵۱۵/۷/۱ افتتاح گردید .

زمین کتابخانه ۱۰۰۰ متر مربع و سطح زیر بنای آن در دو طبقه ۱۱۲۲ مترمربع میباشد .

۱ کتابخانه ملی تبریز بیشتر از ۳۴۵۰۰ جلد کتاب و از جمله در حدود ۱۴۰۰ جلد کتاب نفیس خطی دارد و طبق اساسنامه خاصی زیر نظر هیات امنا اداره میگردد . تعداد اعضای ثابت آن در حدود ۶۰۰ نفر و حد متوسط تعداد مراجعین آن در ماه ۵۰۰۰ نفر است که بیشتر آنان را دانشجویان ، دانش آموزان و کارمندان بازنشسته دولت تشکیل میدهند .

۳ : کتابخانه تربیت تبریز

کتابخانه تربیت در سال ۲۵۰۰ شاهنشاهی به همت شادروان محمد علی تربیت در کنار اولین مدرسه متوسطه تبریز ایجاد شد ولی ساختمان فعلی آن بوسیله وزارت فرهنگ و هنر و از اعتبار طرح های عمرانی تجدید بنا گردیده و در ۲۲ مهرماه ۲۵۳۰ به مناسبت جشن های شاهنشاهی افتتاح شد . سطح زیر بنای کتابخانه تربیت ۲۱۰۰ متر مربع در سه طبقه و مساحت آن ۱۲۰۰ متر است . این کتابخانه در حدود ۲۵۰۰۰ جلد کتاب و از جمله ۲۶۶ جلد کتاب خطی دارد و از موقعیت خاصی برخوردار است .

تعداد اعضای ثابت کتابخانه در حدود ۴۰۰۰ نفر و تعداد مراجعان آن در ماه بطور متوسط ۲۰۰۰۰ نفر میباشد که بیشتر آنان دانش آموزان ، دانشجو ، معلم و کارمند دولت هستند .

۴ : همدان

در این شهر چندین کتابخانه معتبر وجود دارد که برجسته ترین آنها را در زیرنام می بریم :

یک : کتابخانه آرامگاه بوعلی : در این کتابخانه حدود ۳۵۰۰ نسخه چاپی و خطی وجود دارد و آقای ادکایی فهرستی از نسخه های خطی فراهم آورده که بیشتر از همه ۲۳ نسخه خطی اعتبار علمی زیادی دارد . در سال ۲۴۹۲ آقای حبیب یغمائی به خواهش آقای رعدی رئیس انطباعات وزارت فرهنگ وقت " فهرست تصانیف ابن سینا " را برای همین کتابخانه فراهم کرده است .

دو : کتابخانه اعتماد الدوله : این کتابخانه دارای ۷۸۶ مجلد کتاب چاپی و خطی است که از میان آنها حدود پنجاه (۵۰) مجلد خطی نفاستی دارد .

۵ : کتابخانه مدرسه غرب همدان :

این کتابخانه از کتابخانه های برجسته همدان و ایران است که به همت آقای آخوند ملا علی همدانی در جنب مدرسه ، بنیاد گردیده و گذشته از کتابهای چاپی بسیار ، ۱۰۸۳ نسخه خطی دارد که همه فهرست شده و برخی از آنها حتی در مجلات تهران نیز شناسانده شده است .

از نسخه های ممتاز این کتابخانه یکی "التحصیل" از بهمنیار آذربایجانی شاگرد بزرگ ابن سینا (درگذشته ۴۵۸ هـ . ق) است ، دیگری : " همیان موشوگره ، که سراینده آن در روز ۱۰ شعبان ۱۲۸۰ هـ . ق از سرودن آن فارغ گشته ، و آن را به تقلید از موش و گرهبه عبید زاکانی (درگذشته حدود ۷۷۲ هـ . ق) با قافیه الف ساخته است " " رفت موشان به جوف همیانا " .

۶ : رشت

شهر رشت چندین کتابخانه دارد که مهم تر از همه :

کتابخانه ملی رشت است : که در آن مقداری نسخه های خطی نفیس هم نگاهداری می شود که آقای محمد روشن سرپرست سابق این کتابخانه فهرست هر دو کتابهای خطی و چاپی را تهیه کرده است . در این کتابخانه حدود شش هزار مجلد کتاب هست و مبلغی نیز فرمانهای تاریخی در آن کتابخانه نگاهداری می شود .

۷ : شیراز

شیراز از روزگار کهن دارای کتابخانه های معتبر و بزرگ بوده است . از روزگار پیش از اسلام اطلاع چندانی نداریم ، اما در روزگار اسلامی به ویژه از سده سوم و چهارم به بعد این شهر دل انگیز و سخن پرور همواره کتابخانه های بزرگ داشته است .

مقدسی در کتاب "البدء و التاریخ" ضمن بحث از روزگار امیر عضدالدوله دیلمی کتابخانه بزرگ شیراز را ستوده است :

" ... عضدالدوله کاخ رفیعی در این شهر بنا کرد که دارای ۳۶۰ حجره بود و تالار بزرگی ویژه کتابخانه داشت ، قفسه کتابخانه ها را در جوف دیوار نهاده اند تا محفوظ تر باشد ، و آنچه از کتابهای فلسفی و علمی در دسترش بوده ، در این کتابخانه نهاده اند و هر رشته را در قفسه و غرفه مخصوص آن جا داده اند . " (۹)

(۹) . البدء و التاریخ ، ج ۳ ، ص ۱۹۳ ، چاپ اروپا .

ابن البلخی مورخ ایرانی سده پنجم نیز این کتابخانه و نیز بیمارستان عضدی را دیده بود، یک جا می نویسد:

"... بیمارستان عضدی هست، اما به خلل شده است، و دارالکتب نیکو هست و آن قدر که آبادان مانده است." (۱۰)

گذشته از این کتابخانه ها که امروز اثری از آن ها نیست چندین کتابخانه بزرگ نیز در شیراز بوده که آثار برخی از آنها هنوز نیز بر جای است، برجسته ترین آنها به قرار ذیل است:

۱- کتابخانه مدرسه فخرالدین ابوبکر: این مدرسه را امیر فخرالدین ابوبکر بن ابونصر حوایجی از وزیران اتابک ابوبکر بن سعد زنگی بنیاد گذاشته است. شرح کارهای نیک و اهمیت بلند این وزیر در "تاریخ و صاف" به تفصیل آمده و مورخان دیگر نیز آنرا تأیید کرده اند این مدرسه و کتابخانه آن سالهای سال مجمع ادیبان و دانشوران بوده است.

۲- کتابخانه مدرسه عضدی شیراز: این مدرسه و کتابخانه آن را ترکان خاتون زن سعد بن ابوبکر سعد بن زنگی ممدوح شیخ سعدی تأسیس کرده. قسمتی از این بنا هنوز هم برجای مانده است و کتابخانه آن شناخته شده است ولی مورد استفاده نیست.

۳- کتابخانه دارالشفاء شیراز: این مدرسه که در آن پزشکی نیز آموخته می شد و مدت ها سید شریف جرجانی (در گذشته ۸۱۶ ه. ق) منصب تدریس آن را برعهده داشته از مستحدثات شاه شجاع مظفری است و در حدود سال ۷۵۷ بنا شده است.

۴- کتابخانه شیخ صدرالدین جنید شیرازی: این شیخ صدرالدین جنید مولف ذیل عوارف المعارف "شیخ شهاب الدین عمر سهروردی (در گذشته ۶۳۲ ه. ق) است و در شیراز کتابخانه نفیسی بنیاد کرده بود که متأسفانه از میان رفته است. امروزه نسخه بی از کتابهای کتابخانه مذکور که در سال ۷۷۵ نسخه برداری شده در کتابخانه آستانه قدس مشهد موجود است. (۱۱)

۵- کتابخانه مدرسه منصوریه: این مدرسه را دشتکی معروف (در گذشته ۱۰۱۵ ه. ق) بنیاد کرد، و برای اداره آن موقوفات سودمندچندی وقف کرد، و سلطان یعقوب آق قویونلو بر طبق فرمانی موقوفات این مدرسه را از هرگونه مالیاتی معاف کرد.

این کتابخانه منصوریه از کتابخانه هایی بوده که تا سده یازدهم هجری معروفیت خود را حفظ کرده بوده است.

(۱۰) ابن البلخی: فارسنامه، ص ۱۶، چ علی نقی بهروزی.

(۱۱) فهرست کتب خطی آستانه، ج ۳، ص ۲۴۰.

دیگر از کتابخانه های قدیم شیراز کتابخانه امام قلیخان فرمانروای پارس در روزگار صفویان ، و کتابخانه مدرسه خان است که در سال ۱۰۲۴ هجری قمری بنیاد شده بود . کتابخانه های بزرگ و مهم موجود در شیراز به قرار زیر است :

۱- کتابخانه خدای خانه مسجد جامع عتیق : این کتابخانه دارای متجاوز از ۱۲۰۰ هزار و دویست نسخه چاپی و خطی است که حدود نود و پنج ۹۵ نسخه خطی نفیس در میان این کتابها به چشم می خورد . از نسخه های نفیس خطی این کتابخانه " عیون اخبار الرضا " از ابن بابویه قمی است :

دیگری : " منهج الصادقین فی الزام المخالفین ، نوشته فتح بن شکرالله کاشانی است که کتابت آن روز سه شنبه جمادی الاولی ۹۸۳ به پایان آمده است .

۲- کتابخانه خانقاه احمدیه : این کتابخانه متجاوز از دو هزار مجلد کتاب دارد . شماره نسخه های خطی این کتابخانه به ۱۷۶ کتاب و رساله می رسد ، و بیشتر در مباحث عرفانی و مقامات صوفیگری است .

۳- کتابخانه دانشکده ادبیات شیراز : این کتابخانه که نسبتاً نو بنیاد است ، حدود ۱۴۰۰۰ مجلد کتاب دارد و در این میان شش هفت کتاب خطی نیز وجود دارد .

۴- کتابخانه آستانه شاهچراغ : که پیش از این درباره آن سخن گفتیم .

این بود خلاصه بی درباره کتابخانه های معتبر عمومی و خصوصی تهران و شهرستانهای بزرگ . اما شک نیست که در هریک از این شهرستانها که نام برده شد و نیز شهرستانهایی که نامشان در این فهرست نیامده ، کتابخانه های عمومی و خصوصی وجود دارد ، اکنون متجاوز از ۳۵۰ کتابخانه عمومی در شهرستانها و بخش های مهم کشور دایر است و برخی از جوانان دانش جو و دانش آموز و بعضی از مردمان بنا بر شوق و رغبتی که یافته اند در آن کتابخانه ها به خواندن کتاب و اندوختن دانش مشغولند ، و امید می رود که در آینده بر تعداد این کتابخانه ها و به ویژه بر تعداد کم خوانندگان کتاب افزوده شود و مردم ما نیز دریابند که هیچ همنشین و رفیقی بهتر از کتاب نیست زیرا جهل انسان را به علم و غرور او را به فروتنی مبدل می کند ، انیس شبهای خلوت و مونس روزهای وحشت اوست ، و سخن خواجه حافظ را فراموش نکنیم که فرموده است :

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است صراحی می ناپ و سپهنه غزل است از اقدامات تازه ای که بر زمینه ترویج و تشویق مطالعه و خواندن کتاب بخصوص در سطح کشور به عمل آمده و روز بروز هم در حال توسعه است ، تهیه و ایجاد کتابخانه های

سیار است . . .

امروز انواع کتابخانه های سیار در کشورهای پیشرفته جهان وجود دارد در جاده ها به صورت اتوبوس و در روستاها حتی به وسیله اسب و قاطر ، بسته های کتاب برای استفاده و مطالعه مردم فرستاده می شود ، و اتوبوس کتابخانه سیار ، تازه ترین پدیده برای توزیع کتاب در بین مردم به شمار می رود .

نظر استاد محمد محیط طباطبائی در باره "کتاب"

– استاد محمد محیط طباطبائی، قریب شصت و سه سال است که با کتاب آشنا و مآنوس بوده است و هر چند گاهی، مقالات و رساله‌هایی در زمینه‌های مختلف علمی – فرهنگی و ادبی نگاشته است و نیز قریب ۱۵ سال عهده‌دار کار برنامه مرزهای دانش رادیو ایران بوده است – استاد طباطبائی، جز مقالات و رساله‌های بسیاری که نوشته، تالیفی به صورت کتاب به نام "نقش سیدجمال‌الدین در مشرق‌زمین" دارد اما استاد کتاب را در خون خود دارد و در همه زندگی خود آن را شناخته و لمس کرده است .

استاد محیط طباطبائی می‌گوید: ما بایستی درس زندگی، درس صبر و شکیبائی و مداراها مشکلات و مسائل اجتماعی را به جوانان بیاموزیم... اکنون معاصره‌ای که با استاد محیط طباطبائی صورت گرفته نقل می‌شود .

— در پنجاه سال اخیر کتاب و محتوای آن چه وضعی داشته است ؟

محیط طباطبائی : این مربوط است به نویسنده و نوشته، چون سطح اطلاعات و دانش خوانندگان یا مردم کتاب خون در ایران تنوع و توسعه پیدا کرده، طبعاً باید در کتاب هم مطالب متنوع تر و گسترده تری مطرح گردد، به همین دلیل هم کتاب ها در موضوعاتی خیلی متفاوت نوشته می شود چون، به هر صورت در هر زمینه ای باشد خواننده دارد. پنجاه سال پیش کتاب نوشته نمی شد. چاپ نمی شد، چون خواننده نداشت، حالا که خواننده هست باید نوشته شود و می شود. اما نکته اینجاست که به همان نسبتی که تعداد کتاب خوانها زیاد شده و بر مقدار کار افزوده شد. از نظر دقت در کار و عمق در مطلب کمتر شده است سی سال قبل کسی که کتابی می نوشت چون مشتری فوری برای چاپ و یا خواندن آن نبود، در حدود حوصله و توانایی خود یکسال، دوسال، و حتی تا دهسال روی این کتاب کار می کرد، حالا به محض آنکه صفحه اول کتاب پاکتویس شد، می رود زیر ماشین چاپ و منتظر صفحه آخرند که هر چه زودتر منتشر شود...

— البته این وضع شامل همه نویسندگان مانیت، فقط چندتائی هستند که چنین موقعیتی را دارند.

محیط طباطبائی : تصور می کنم این مطلب به نویسنده کمتر مربوط است تا به خود نوشته، نوشته هایی که مردم می خوانند و می خوانند، نوشته ها این خاصیت را دارند که خواننده را به هر زبان و بیانی جذب خود می کنند و نویسندگان از این خاصیت برخوردارند که برای ذوق و پسند مردم چیزی می نویسند نه برای بیان حقیقت، بنابراین نویسنده در ایران هر قدر بزرگ و متین باشد و خوب چیز بنویسد نوشته اش به تناسب دریافت ذهنی عمومی نیست و این به لحاظ عدم دقتی است که پیش آمده است.

— اولین کتابهایی که با چاپ سنگی در ایران چاپ می شد، بیشتر از یک سنگ یعنی هفتصد تا هفتصد و پنجاه نسخه تیراژ نداشت. چطور است که حالا هم بعد از چندین سال با وجود این چاپ های خوب و امکانات وسیع و با کثرت روزافزون باسواد. تیراژ کتابها بیشتر از دو یا سه هزار جلد نیست ؟

محیط طباطبایی : کتابهایی که معمولاً " برای جواب گفتن به خواست مردم نوشته می شود با توجه به افزایش تعداد صاحبان این خواست ها ، تیراژ متناسبی دارد . معمولاً " هر چاپ کمتر از بیست تا سی هزار چاپ نیست . البته این کتابها یا بایستی مذهبی باشند یا کتابهای سرگرم کننده ، در مورد اول یعنی کتابهایی که جنبه مذهبی دارند و متناسبند با خواهشهای مذهبی مردم - باید قبل از هر چیز توجه داشت به این اصل که مردم در مسئله دین و مذهب و در عمل به تقوی و حقیقت اگر جلونرفته اند ، باز منکر دین و ایمان هم نیستند ، این است که اینگونه کتابها را استقبال می کنند ، کتابهای سرگرم کننده که نوعی وسیله وقت کشی است چنانکه قصه های خوبی داشته باشند معمولاً " کمتر از ده هزار جلد تیراژ ندارند .

اما با توجه به سی و سه میلیون جمعیت کشور که اگر بدبینانه ترین آمارهای خصمانه را نیز قبول کنیم به هر حال حداقل یک ثلثشان سواد دارند و می توانند کتاب بخوانند و اینکه از میان یازده میلیون حداقل پانصد هزار نفرشان قدرت خرید کتاب دارند ، اگر کتابی هم در پانصد هزار نسخه چاپ بشود ، مدعی رشدی نمی توانیم بشویم ، روی حساب اقتصاد زندگی مردم ... اما اگر می بینید چاپ کتاب کم است و فروش کتاب کم ، دلیل بر این است که بین نوشته و روحیه مردم تفاوت هست یا نوشته کاملاً " پاسخگوی خواننده نیست .

روزنامه ای را مثال بزنیم که در قاهره منتشر می شود ، " اخبار الیوم " خیلی بعد از روزنامه " اطلاعات " ما به وجود آمده آنهم در مملکتی که از حیث سکنه و جمعیت جلوتر از ایران نبوده ، از نظر فرهنگی مشابهت هایی دارد و از نظر اقتصادی و مخصوصاً " در بیست سال اخیر از اقتصاد ما به مراتب عقب تر است . این روزنامه در قاهره هر شماره ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نسخه تیراژ دارد یا مجله " العربی " که یک مجله ادبی و علمی است و هفتگی است تا ۱۵۰ هزار نسخه هم تیراژ داشته است .

پس اگر روزنامه ای در ایران در بین سی و سه میلیون جمعیتی که حداقل پانصد هزار نفرش می توانند روزنامه یا کتاب بخرند ۸۰ هزار یا ۱۰۰ هزار نسخه در روز چاپ شود ، تیراژ زیادی نیست . اگر ۵۰۰ هزار نسخه چاپ شود و فروش برود تازه حق مطلب ادا شده و طبیعی است .

— و شما می فرمائید ، این کمبود تیراژ کتاب و روزنامه و عدم استقبال مردم به خاطر آن است که مطلب مورد علاقه مردم در آنها نیست ؟

محیط طباطبائی: موضوع به این شکل مطرح نیست. ولی باید محیط را همیشه آماده نگاه داشت ما قدیمی‌ترین روزنامه نویسمان در روز خودش قلمش، قلم‌گیرایی بود در سال‌های اخیر هیچوقت چیزی را ننوشت و در مسائلی حرف نداشته که پیش از این می‌نوشت بلکه رفته است در سطح دانشگاه و کارهای آکادمیک، تحقیق در حافظ، سعدی، خیام و غیره ...

— سوی این مسائل که اشاره کردید، آیا مشغله‌های فکری و ذهنی و گرفتاریهای روزمره، نیست که سبب دوری مردم از کتاب و روزنامه شده است؟

محیط طباطبائی: کجای دنیا را سراغ دارید که مردمش گرفتار نباشند؟ من همه را به حساب کوتاه‌آمدن و سهل‌انگاری مردم می‌گذارم. به‌هرحال روزنامه نویسی هم خودش هنری است که اتفاقاً این هنر در ایران اگر کم بوده، خوب بوده و آنهایی که در این کار دست داشته‌اند، خوب استفاده برده‌اند، همینطور در کار کتاب، در عین حال فکر می‌کنم در ایران از مفهوم کتاب، کتابفروش بیشتر از کتاب‌نویس سود برده‌است، برای اینکه او می‌داند مردم چه وقت، چه کتابهایی می‌خوانند و بی‌آنکه به صحیح بودن یا نبودن کلمات، به جایا بی‌جا بودن معانی و مفید بودن یا نبودن مطالب توجهی داشته باشند همانها را چاپ می‌کند و تا سی‌هزار نسخه می‌فروشد.

— شما قریب پانزده سال برنامه‌های دانش رادیو را اداره کرده‌اید با این تجربه و شناختی که در این مدت از روحیه مردم به دست آورده‌اید فکر می‌کنید چطور می‌شود غنای فکری بیشتری به مردم داد و به‌محتوی بهتر کتابها جلبشان کرد؟

محیط طباطبائی: برای اینکه توجه کسی را به چیزی که ارائه می‌کنید جلب کنید باید قبل از هرکار اعتماد آن‌کس را نسبت به خودتان جلب کنید چون وقتی مردم نسبت به حسن نیت خود شما مردد باشند به‌کار محصول فکر شما هم با تردید نگاه می‌کنند، بنا بر این بایستی قبل از کار اعتماد افراد را جلب کرد مخصوصاً "اعتماد مردمی که به هر حال روی اهل قلم و اهل کتاب چندان اعتقاد و ایمانی ندارند.

— فکر می‌کنید بی‌اعتمادی مردم نسبت به کتاب نویسنده‌ها آفت کتاب شده است ؟

محیط طباطبائی: حاصل این امر سوای آن که بزرگترین آفت کتاب شده است این است که مردم پیش از آنکه عالم بشوند، معلم شده‌اند، آدمی اول باید دانا به موضوعی بشود آگاهی کامل بپایند، بعد، خود به‌خود برایش وظیفه‌ای تعیین می‌شود یعنی وقتی یک ثروت منطقی و علمی اندوخت، به‌حساب قدیمی‌ها بایستی زکوه ثروتش را بدهد و این زکوه و ادای دین به دو صورت انجام می‌شود :

یکی از راه تعلیم و یکی از راه تالیف، متأسفانه در ایران، اول معلم می‌شوند بعد عالم، اول مولف می‌شوند، بعد می‌روند سراغ کتاب‌خواندن... اینست که غالب کتابها صحبتشان بر نتیجه کلی‌شان می‌چربد، یعنی نتیجه یک است حجم صد. خود من کتاب هزار صفحه‌ای دیده‌ام که برای یک آدم بی‌طرف قادر به تشخیص خوب و بد بیست یا سی صفحه مطلب مهم ندارد... مخصوصاً "این گناهی است که پایتاش دردانشگاه‌ها ریخته شده است .

دانشگاه‌ها باید تا اطمینان حاصل‌نکرده‌اند که یک دانشجو درکارخودش ازمرحله جمع‌آوری به مرحله افاده و افاضه نرسیده‌است نباید بگویند بنویس... به هر حال نتیجه این گناه این شده است که تالیف زیاد داریم ولی مؤلف نداریم... البته رفع این مشکلات برنامه می‌خواهد، نویسنده مثل جوشکار یا ورزشکار نیست که ظرف ششماه کار کشته شود یک نویسنده حداقل بایستی سی‌سال زحمت بکشد تا به‌کار خودش مسلط باشد.

— می‌دانید که در این سالها، مقدار زیادی توجه به ادبیات کودکان و تهیه کتاب کودکان و نوجوانان شده‌است فکر می‌کنید، این قدم موثر در پیشبرد کار کتاب و کتابخوانی در آینده باشد ؟ .

محیط طباطبائی: به اعتقاد من اگر جایی تغییر نکرده باشد عقب افتاده‌است. اگر هم پای مردم راه می‌روید، نشان اینست که تکلیف خودتان را در هماهنگی و همسفری انجام داده‌اید، دلیل نیست که پیش‌آهنگ و شگیر حرکت کرده‌اید که جلو بزنید این کتابها که اشاره کردید، در همه جای دنیا هست اما به نظر من آنچه در ایران

ارائه شده، زمینه متناسبی با درخواست‌های مردم مملکت ما ندارد، چون تمام این کتاب‌ها ترجمه‌های دست و پا شکسته‌ای از افسانه‌هایی است که در سایر نقاط دنیا، برای بچه‌هایی نوشته شده که در شرایطی غیر از شرایط زندگی ما به سر می‌برند.

— یعنی باید چیزهایی نوشته و ارائه شود که متناسب با زندگی و آداب و سنن ملی ما باشد؟.

محیط طباطبائی: ما بچه‌ها را تربیت می‌کنیم برای اینکه در ایران ما، شرافتمندانه زندگی کنند، و یک ایرانی مسلمان باشند، بیشتر این قصه‌ها و افسانه‌های کودکان و نوجوانان مربوط به سگ و گربه است تا آدمی — می‌دانید که در هزاران خانواده ایرانی سگ نگه‌نمی‌دارند، یعنی معمول نیست مگر برای نگهبانی، برای گله‌داری... گربه نگه‌می‌دارند آنهم برای موش! در اسلام لهو و لعب معمول نبوده و انسان‌هرکاری می‌کند باید برای مردم فایده‌ای و یا اثری داشته باشد شاید در دنیا باشند آدم‌هایی که روی عادتشان سگ نگه‌می‌دارند، و حتی گاهی به بچه‌شان ترجیح می‌دهند، اشکالی هم ندارد عادت است. اما در یک داستان ایرانی اینهمه از سگ و گربه و بچه‌خوک گفتن با تربیت ما متناسب نیست. سازگار نیست، امروز از سی و سه میلیون جمعیت ایران اکثریت مطلق مسلمان هستند. بنابراین وقتی چیزی می‌نویسند، بایستی با رعایت این مسئله باشد، بحث اکثریت نیست، بحث تناسب است. باید متناسب با زندگی ما باشد. اینهمه داستان‌های پرزرق و برق به مردم می‌دهند. چه فایده‌ای دارد ایران مملکت کم آبی است حرف رودخانه و دریا دل مردم را کباب می‌کند، داستانها باید داستانهایی باشد که این زندگی شاق بی‌آب را که هزاران سال ملت تحمل کرده و نسبت به آب و خاکش وفاداری و پاسداری کرده، کمتر دشوار بنماید، هنوز در خانواده‌های تهران، از ۵ نفر به بالا در یک اطاق می‌خوابند، و بچه‌های همین‌ها هم به کودکستان و دبستان می‌روند و اینها باید کتاب بخوانند.

باید زندگی برای اینها طوری، نرم باشد که مریض نشوند شکست نخورند و به فکر آینده بهتر باشند، باید بچه برای مبارزه با سختی‌ها آماده باشد... باید فکری کرد که مردم بتوانند با مشکلات بسازند و در مقابل ناراحتی‌های طبیعت مثل کم آبی، صبر و شکیبایی داشته باشند منظره دل‌آرای انگلستان و فرانسه را برخ کشیدن، صفای کنار دریا را گفتن چه فایده‌ای دارد، مگر چند خانوار می‌توانند از این امکانات استفاده کنند، نه اینکه نشود یا نتوانند، کارهای لازم‌تری هست، و اساس زندگی برای لهو و لعب

نیست این توصیفات زندگی را و مملکت را زیبا جلوه نمی‌دهد، بلکه ما را شتابزده‌تر و سرگشته‌تر می‌سازد... کتابهای ما و کتابهای بچه‌های ما باید درس زندگی، درس مدارا کردن و درس انسان بودن را به ما بدهد و اینکه انسانی سازنده باشیم...

فصل پنجم

دبیرخانه هیات امنای
کتابخانه‌های عمومی کشور

در تاریخ " کتاب و کتابخانه در ایران " روز چهارشنبه بیست و نهم دی ۲۵۲۴ روز بزرگی است. در این روز قانون " تاسیس کتابخانه عمومی در تمام شهرها " که به تصویب دو مجلس رسیده بود به توشیح همایونی رسید و راه را برای توسعه امر کتاب در سراسر ایران هموار کرد.

متن قانون مزبور به این شرح است:

بیتائیدات خداوند متعال

ما

محمد رضا پهلوی آریامهرشاهنشاه ایران

محل صحن مبارک نهایونی

نظریه اصل بیت و مقیم تمام قانون اساسی مقرر می داریم

ماده اول. قانون تائیس کتابخانه عمومی در تمام شهرها که به تصویب

مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط است

به موقع اجراء گذاشته شود.

ماده دوم. هیئت دولت مأمور اجراء این قانون هستند.

قانون تاسیس کتابخانه عمومی در تمام شهرها"

ماده ۱- شهرداریها مکلفند هر سال قبل از تقسیم اعتبارات شهرداری یک و نیم درصد از کل درآمد خود را برای تاسیس کتابخانه عمومی و قرائتخانه و خرید کتاب و اداره کتابخانه هر شهر اختصاص دهند و اگر کتابخانه عمومی شهر در حال حاضر موجود باشد و به انجمن کتابخانه عمومی واگذار گردد صرف یک و نیم درصد مزبور با رعایت مفاد این قانون برای کمک و توسعه و تکمیل همان کتابخانه مجاز است.

تبصره ۱- برای نظارت در ساختن کتابخانه و خرید کتاب و لوازم مربوط و اداره آن در هر شهر انجمن کتابخانه که دارای شخصیت حقوقی است تشکیل می شود اعضای انجمن مرکب خواهند بود از رئیس فرهنگ و هنر، نماینده انجمن شهر و نماینده شهرداری و چهار نفر از دانشمندان و معتمدین آن شهر که با پیشنهاد رئیس اداره فرهنگ و هنر تصویب هیات امناء مذکور در ماده ۲ این قانون انتخاب می شوند رئیس فرهنگ و هنر به سمت ریاست و دو نفر از اعضاء به سمت خزانه دار و دبیر انتخاب خواهند شد تصمیمات انجمن که به تصویب اکثریت اعضاء رسیده باشد قابل اجرا خواهد بود اداره امور انجمن در شهر تهران با هیات امناء مذکور در ماده ۲ خواهد بود.

تبصره ۲- خدمت چهار نفر منتخب که ممکن است در شورای آموزش و پرورش نیز عضویت داشته باشند در انجمن کتابخانه افتخاری و برای مدت چهار سال است. هر گاه یکی از اعضاء فوت یا استعفا کند یا محکومیتی پیدا نماید که مستلزم محرومیت او از حقوق اجتماعی باشد جانشین وی برای بقیه مدت به ترتیب مقرر در تبصره ۱- انتخاب می شود.

تبصره ۳- در هر شهری که عمارت مناسب برای کتابخانه فراهم نباشد اعتبار از محل یک و نیم درصد و سایر وجوه حاصله در حساب مخصوص نگاهداری می شود که زیر نظر انجمن کتابخانه منحصر" به مصارف تعیین شده در این قانون میرسد.

انجمن کتابخانه مجاز است بطور امانی و یا از طریق مناقصه اقدام به ساختن بنای کتابخانه نماید. انجمن می تواند برای تسریع در تاسیس کتابخانه عمومی به اعتبار مبلغی که از درآمد شهرداری محل جهت تاسیس کتابخانه اختصاص داده شده، از بانکهای مجاز وام دریافت کند و به مصرف ساختن بنای کتابخانه برساند و از اعتبار مربوط مستهلک نماید.

تبصره ۴- شهرداریها مکلفند مقدار مناسب از اراضی متعلق به خود را به تقاضای

انجمن کتابخانه برای ساختمان کتابخانه عمومی با حفظ مالکیت بلاعوض در اختیار انجمن مذکور بگذارند. و در نقاطی که شهرداری فاقد زمین باشد مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت میتوانند با تصویب هیئت وزیران زمین و ابنیه مورد تقاضا را برای کتابخانه عمومی بلاعوض واگذار نمایند.

انجمن کتابخانه می‌تواند با تصویب انجمن شهر زمین دریافتی از شهرداری را با زمین مناسب تر تعویض نماید. ساختن بنای کتابخانه عمومی در شهرهایی که پارک شهر دارد در پارک مجاز است و اگر شهرداریها در پارک شهر دارای ساختمان مناسب باشند باید به کتابخانه عمومی اختصاص دهند (پارک شهر به باغات عمومی و ملی نیز اطلاق می‌شود). تبصره ۵- وزارت فرهنگ و هنر مکلف به بذل مساعدتهای مالی و معنوی برای توسعه کتابخانه های عمومی در شهرستانها است، و باید علاوه بر همکاری با هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور از کتب و مجلاتی که در اختیار دارد به همه کتابخانه های عمومی کشور به رایگان بفرستد.

تبصره ۶- مولفین و ناشرین کتب و مجلات و روزنامه های شهر یک نسخه از نشریه چاپ شده خود را به رایگان در اختیار کتابخانه عمومی شهر و لااقل چهار نسخه در اختیار وزارت فرهنگ و هنر می‌گذارند که بین کتابخانه های عمومی شهرستانها تقسیم شود. تبصره ۷- هر گونه اعانه نقدی و یا کتاب یا اشیاء دیگری که از طرف اشخاص یا موسسات به کتابخانه اهداء می‌شود بنام اهداء کننده در دفاتر ثبت و جزو اموال و درآمد عمومی کتابخانه محسوب می‌شود.

ماده ۲- برای راهنمایی و نظارت در انجام وظائف قانونی انجمنهای کتابخانه هیاتی بنام هیات امنا مرکب از ۷ نفر که عضویت آنها افتخاری است به شرح ذیل در تهران تشکیل می‌شود.

۱- وزرای فرهنگ و هنر و کشور با صدور فرمان همایونی.

۲- پنج نفر بنا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و هنر و صدور فرمان همایونی برای مدت پنج سال.

هیات امنا دبیر خانه ای دارد که اعضاء مورد احتیاج آن را وزارتین فرهنگ و هنر و کشور از کارمندان خود بدون تحمیل هیچگونه هزینه ای به بودجه انجمن کتابخانه تامین می‌نمایند.

هیات امنا یک نفر را که واجد صلاحیت باشد از بین ... و یا از خارج به نام دبیر کل با اکثریت آراء برای مدت پنجسال انتخاب خواهند کرد.
مسئولیت اداره امور دبیر خانه با دبیر کل خواهد بود.

تبصره - آئین نامه های اجرائی این قانون و طرز استفاده از کتب کتابخانه و مدتی را که متقاضی کتاب می تواند مورد تقاضا را نزد خود نگاهدارد ، و سایر مقررات مالی و اداری کتابخانه و نحوه تشویق اهداء کنندگان کتب و اعانات و اموال دیگر به وسیله دبیر کل تهیه و پس از تصویب هیات امناء به موقع اجرا گذارده می شود .

ماده ۳ - وزارتخانه های فرهنگ و هنر و کشور مأمور اجرای این قانون می باشند .
قانون بالا مشتمل بر سه ماده و هشت تبصره که در جلسه روز پنجشنبه دوم دی ۲۵۲۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود در جلسه روز چهارشنبه بیست و نهم دی همان سال به تصویب مجلس سنا رسید .

رئیس مجلس سنا . مهندس شریف امامی

وزارت فرهنگ و هنر که موظف به اجرای قانون بود ، مقدمات کار را به نحوی فراهم آورد که اولین جلسه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور به ریاست جناب آقای پهلبد وزیر فرهنگ و هنر و عضویت :

۱- جناب آقای عبدالرضا انصاری وزیر کشور

۲- خانم فرنکیس امید شفا

۳- سناتور رضا جعفری

۴- استاد محسن صبا

۵- آقای رکن الدین همایون فرخ

۶- استاد احسان یارشاطر

در روز پنجشنبه نهم آذر ۲۵۲۵ تشکیل گردید . به دنبال تصمیمات متخذه در این جلسه ، بلافاصله متن قانون تکثیر و توأم با آئین نامه اجرائی برای تشکیل انجمن های کتابخانه های عمومی به شهرستانها ابلاغ گردید و از آن پس به تدریج در هر شهر انجمنی به نام " انجمن کتابخانه عمومی " به وجود آمد و کلیه وظائف مربوط به ساختمان ، خرید کتاب و اداره کتابخانه عمومی شهر را برعهده گرفت .

آمار انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی از تاریخ تصویب تا پایان سال ۲۵۳۲ به شرح زیر است :

سال	۲۵۲۵	۱۲	انجمن
"	۲۵۲۶	۲۴۶	"
"	۲۵۲۷	۳۲۴	"
"	۲۵۲۸	۳۳۰	"
"	۲۵۲۹	۳۴۰	"
"	۲۵۳۰	۳۴۲	"
"	۲۵۳۱	۳۵۲	"
"	۲۵۳۲	۳۶۱	"

نظر به اینکه به موجب قانون مربوط یک و نیم درصد درآمد شهرداری هر محل برای تاسیس کتابخانه و اداره آن اختصاص یافته بود انجمن‌ها از محل درآمد مزبور که در بسیاری از موارد مبلغ ناچیزی بود با استفاده از کمک‌های بلاعوض افراد خیر و فرهنگ دوست محلی و بیشتر به سائقه عشق و ایمان به فرهنگ و بدون توجه به فقر مالی خود و تنها به امید اینکه در این خدمت مهم فرهنگی و ملی تنه‌اوی بی‌پاور نخواهند بود اقدام به تاسیس کتابخانه‌هایی نمودند.

برای بعضی از این کتابخانه‌ها ساختمان‌های مناسبی احداث شد و بیشتر کتابخانه‌ها بطور موقت در گوشه‌ای از ساختمان شهرداری یا دبستان محل یا بناهای واگذاری فرهنگ دوستان و یا موسسات دولتی برقرار گردید.

آمار کتابخانه‌هایی که به این ترتیب تاسیس و مورد بهره‌برداری قرار گرفت از سال ۲۵۲۵ تا پایان سال ۲۵۳۲ به شرح زیر است :

سال	۲۵۲۵	۱۳	کتابخانه
"	۲۵۲۶	۱۱۲	"
"	۲۵۲۷	۱۶۹	"
"	۲۵۲۸	۱۹۵	"
"	۲۵۲۹	۲۲۴	"
"	۲۵۳۰	۲۳۴	"
"	۲۵۳۱	۲۵۵	"
"	۲۵۳۲	۲۵۹	"

بعد از تصویب تبصره ۲۲ متمم بودجه سال ۲۵۳۲ پرداخت یک و نیم درصد درآمد شهرداری‌ها به انجمن‌ها موقوف گردید و اداره امور کتابخانه‌ها و طبعاً " کلیه امور مالی و

اداری آنها بر عهده وزارت فرهنگ و هنر قرار گرفت. اگر چه با اجرای تبصره مذکور وظایف و مسئولیت های انجمن ها کاهش یافت ولی نظریه رعایت اصل (سپردن کار مردم به دست مردم) ادامه کار انجمن ها لازم و مفید به نظر رسید و هم اکنون انجمن های کتابخانه های عمومی در زمینه تحصیل زمین رایگان برای احداث ساختمان کتابخانه های جدید، جمع آوری امانات نقدی و کتاب و اشیاء دیگر و تشویق و ترغیب مردم بخصوص طبقه جوان به مطالعه و مراجعه به کتابخانه های عمومی و نظارت بر صرف درآمدهای اختصاصی فعالیت های مفید و ثمربخشی به عمل می آورند.

بطور کلی تبصره ۲۲ ماده ۶ و ماده ۶ قانون بودجه سال ۲۵۳۲ کل کشور که اجرای آن منجر به قطع درآمد انجمن ها گردید این مقدمه را فراهم آورد که تحول عمیقی در وضع کتابخانه های عمومی به وجود آید و دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور با تجدید و گسترش سازمان خود که در خرداد ماه سال ۲۵۳۴ به تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور رسیده است حیات تازه ای یابد و دامنه فعالیت های خود را گسترش بیشتری دهد. و از آن تاریخ دبیرخانه هیات امناء از اداره کل کتابخانه ها مجزا شد و نظارت در کار انجمن ها و کتابخانه های تابعه آنها را بر عهده گرفت و به دنبال تشکیل نخستین کنگره انجمن های کتابخانه های عمومی کشور از ۲۶ تا ۲۹ آبان سال ۲۵۳۲ که با شرکت ۴۰۰ نفر نمایندگان انجمن های کتابخانه های عمومی در تهران برگزار گردیده بود به بررسی مسائل مربوط به کتابخانه های عمومی پرداخت. قطعنامه ای که در پایان این کنگره انتشار یافت نشان داد که بهبود وضع کتابخانه های عمومی مستلزم برنامه ریزی دقیق، سرعت عمل و کوششی خستگی ناپذیر است.

از ابتدای سال ۲۵۳۳ پس از انحلال اداره کل کتابخانه های وزارت فرهنگ و هنر که کلیه امور مربوط به کتابخانه های عمومی سراسر کشور در دبیرخانه متمرکز گردید، تامین بودجه کتابخانه ها، تعیین تکلیف کارکنان و کتابداران شاغل، نظارت و راهنمایی در نحوه اداره امور کتابخانه ها و رسیدگی به وضع ساختمانها و تامین نیروی انسانی مورد نیاز کار وسیع و گسترده ای بود که دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور در انجام وظایف محوله آغاز کرد اینک پس از گذشت چند سال با کوشش همه جانبه ای که به عمل آمده است. تعداد کتابخانه های عمومی به ۳۴۳ واحد افزایش یافته است. که ۱۷۴ کتابخانه در ساختمانهایی که از محل اعتبارات طرحهای عمرانی وزارت فرهنگ و هنر یا موجودی انجمن های کتابخانه های عمومی یا کمک سایر موسسات دولتی مخصوص کتابخانه احداث گردیده جای دارند.

۱۳۶ واحد کتابخانه در ساختمانهای استیجاری مشغول بکارند. و ۳۳ کتابخانه بطور موقت در ساختمانهایی که واگذار گردیده استقرار یافته اند.

جدول توزیع کتاب و کتابخانه های عمومی در استانهای مختلف به شرح زیر است:

ردیف	نام استان	واحد کتابخانه	موجودی کتاب
۱	استان مرکزی	۲۸	۲۶۳۷۵۰
۲	" گیلان	۲۶	۷۹۲۵۸
۳	" مازندران	۳۵	۱۳۳۱۱۶
۴	" آذربایجان شرقی	۲۷	۱۵۷۰۵۴
۵	" آذربایجان غربی	۱۶	۵۹۸۵۳
۶	" کرمانشاهان	۱۰	۳۱۲۵۹
۷	" کردستان	۹	۳۶۶۴۹
۸	" خوزستان	۲۰	۸۲۳۳۷
۹	" فارس	۲۷	۸۳۱۶۲
۱۰	" کرمان	۱۴	۶۵۷۲۰
۱۱	" خراسان	۴۰	۱۷۷۷۱۴
۱۲	" اصفهان	۳۲	۱۶۰۶۱۵
۱۳	" چهارمحال بختیاری	۳	۱۳۴۲۹
۱۴	" سیستان و بلوچستان	۶	۱۸۷۰۱
۱۵	" بوشهر	۷	۱۴۳۹۷
۱۶	" ساحلی	۹	۲۲۳۱۵
۱۷	فرمانداریکل سمنان	۶	۲۷۵۴۵
۱۸	استان ایلام	۳	۴۶۲۹
۱۹	" همدان	۱۱	۴۵۴۸۸
۲۰	" زنجان	۳	۱۰۰۵۵
۲۱	" لرستان	۵	۱۹۴۱۶
۲۲	" یزد	۶	۲۲۶۶۱
جمع کل		۳۴۳	۱۵۲۸۱۲۳

دبیر خانه، هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور علاوه بر نظارت و اداره امور جاری کتابخانه های موجود، پس از مطالعه و بررسی های لازم طرح های اساسی برای گسترش کتابخانه ها و تامین موجبات حسن جریان امور آنها تهیه کرده که اهم آن ها بشرح زیر است:

الف - طرح جامع توسعه شبکه سراسری کتابخانه های عمومی کشور:

در این طرح که ضمن برنامه های پنجم و ششم به مرحله اجرا در خواهد آمد. کتابخانه های مورد نیاز هر شهر از نظر سطح زیر بنا و حجم هر کتابخانه، تعداد کتابها و سایر مشخصات آن بر مبنای جمعیت و کلیه جنبه های مختلف اهمیت شهرها و پیش بینی گسترش آینده آنها به ترتیب: کتابخانه های مرکزی، درجه ۱، درجه ۲، درجه ۳، درجه ۴، و درجه ۵ پیش بینی شده است و در هر سال و بهر نسبت که اعتبارات سازمان برنامه و بودجه در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار گیرد با در نظر گرفتن اولویت ها اقدامات لازم در زمینه احداث ساختمانهای جدید به عمل می آید. کتابخانه عمومی کرج که در آبان سال ۲۵۳۴ افتتاح گردید نمونه ای است از یک کتابخانه درجه ۳ که در اجرای طرح مزبور ساخته شده و مورد بهره برداری است. افزایش روز افزون اعضای کتابخانه های جدید و تعداد مراجعین آنها گواه صادق موفقیت طرح توسعه کتابخانه ها و لزوم اجرای آن در سراسر کشور است.

ب - طرح تشویق مولفان و ناشران

بعد از تاسیس کتابخانه و تامین نیروی انسانی مورد نیاز برای اداره امور آن، کتاب سومین رکن کتابخانه است. برای غنی تر کردن گنجینه کتابخانه های عمومی و پاسخگویی به نیاز و شوق و رغبت عمومی بخصوص جوانان به مطالعه کتابهای ارزنده و سودمند و همچنین به منظور تشویق و ترغیب مولفان و ناشران به چاپ و انتشار کتابهای مفید و خواندنی آئین نامه خاصی تحت عنوان " آئین نامه خرید کتاب و تشویق مولفان و ناشران " تهیه واز بیستم شهریور ۲۵۳۰ به مرحله اجرا در آمده است. متن آئین نامه مزبور به شرح زیر است:

آئین نامه خرید کتاب و تشویق مولفان و ناشران

هدف

۱ - وزارت فرهنگ و هنر به منظور تشویق مولفان و ناشران در تهیه و نشر آثار ارزنده

و سودمند، در زمینه های مختلف فرهنگ ملی ایران و نیز برای توسعه و تکمیل مستمر کتابخانه های عمومی و رفع سایر نیازمندیهای خود، همه ساله به تناسب اعتبارات خود مبلغی را برابر این آئین نامه به مصرف خرید کتاب خواهد رسانید .
برنامه کار:

فصل اول - موضوع کتابها

۲- از هر کتاب ارزنده و سودمند که به زبان فارسی تالیف یا ترجمه گردیده و به زیبایی و نفاست چاپ و انتشار یافته باشد و ارزش مطالب و شیوه نگارش آن موردتأیید قرار گیرد تعدادی به موجب این آئین نامه خریداری خواهد شد .
۳- کتابهای مورد خریداری در موضوعات زیر خواهد بود:

الف - متون نظم و نثر فارسی که بر اساس کهن ترین نسخ معتبر موجود و با اصول علمی و فنی تصحیح گردیده و نخستین بار به چاپ رسیده یا بر چاپهای پیشین امتیازات بارز و مسلمی داشته باشد . (در این کتابها وجود مقدمه ای مبنی بر تحقیق در متن و معرفی مولف آن و معرفی نسخ اساسی و فرهنگ لغات و فهرستهای اعلام و اماکن مورد توجه خواهد بود) .

ب - تحقیقات علمی در زمینه فرهنگ و هنر و زبان و ادب و تاریخ و جغرافیا و فرهنگ عامه و معتقدات و کتابشناسی و کتابهای تحقیقی در باره تحولات و پیشرفتهای فرهنگی و اجتماعی عصر حاضر که به وسیله دانشمندان ایرانی نگارش یافته باشد .
(در این کتابها درستی شیوه تحقیق و وجود فهرست دقیق منابع و مآخذ و اعلام مورد توجه خواهد بود) .

ج - ترجمه تحقیقات ایرانشناسان خارجی در زمینه بندب ماده ۴ - ۳ -

د - کتابهای ارزنده اسلامی و مخصوصاً " کتابهایی که در زمینه مذهب رسمی کشور به فارسی شیوا و روان و ساده نوشته شده باشد .

ه - کتابهای جوانان و نوجوانان و کودکان در زمینه های زیر:

اول - کتابهایی که جوانان را با گذشته فرهنگ و تاریخ پرافتخار ایران آشنا تر سازد .

دوم - برگزیده شاهکارهای نظم و نثر فارسی .

سوم - نقل مطالب کتب و شاهکارهای ادبی و کهن به زبان ساده امروز .

چهارم - شرح حال بزرگان ایران و جهان که زندگی هر یک بتواند سرمشق نیکویی برای جوانان باشد .

پنجم - داستانهای تاریخی ایرانی که یادآور خاطرات تمدن باستانی و افتخارات کهن ملی و برانگیزنده روح میهن دوستی باشد .

ششم - ترجمه آثار مهم علمی، ادبی، فلسفی و هنری خارجی (در ترجمه های مکرر بهترین آنها از نظر امانت و دقت مترجم و شیوایی ترجمه انتخاب خواهد شد. و ترجمه از اصل اثر ترجیح خواهد داشت.

هفتم - اکتشافات و اختراعات گوناگون به زبان ساده.

هشتم - کتابهایی که در زمینه های یاد شده بزبانی ساده تر برای روستائیان نوشته شده باشد (درین کتابها سادگی و روانی انشاء و جذابیت و شیرینی آن و انطباق کتاب با هدفهای اخلاقی و تربیت ملی مورد توجه خواهد بود).

فصل دوم - هیات انتخاب کتاب

۴ - هیاتی از دانشمندان بنام هیات انتخاب کتاب در دبیر خانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور تشکیل می یابد. رای این هیات که به اکثریت نصف به علاوه یک صادر شده باشد مجوز خرید کتابها خواهد بود.

۵ - هیات انتخاب کتاب هفت عضو خواهد داشت که شش نفر از آنها از میان دانشمندان درجه اول از طرف وزیر فرهنگ و هنر به مدت یکسال برگزیده و منصوب می شوند و دوبرکل هیات امنای نیز عضویت هیات را خواهد داشت.

۶ - جلسات این هیات حداقل هفته ای یکبار در دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور تشکیل خواهد شد، و رئیس یا دبیر کل هیات امنای و در غیاب او معاون اداره سمت دبیری را خواهد داشت.

تبصره - به اعضای هیات بابت حضور در جلسات دستمزد مناسبی معادل آنچه در کارهای مشابه علمی معمول است پرداخت خواهد شد.

۷ - هر یک از اعضاء هیات که سه جلسه متوالی بدون عذر موجه غیبت نماید مستعفی شناخته می شود و عضو جدید برای بقیه مدت از طرف وزیر فرهنگ و هنر از بین سه نفر از افراد صلاحیت دار که دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور پیشنهاد می نماید برگزیده و منصوب خواهد شد.

۸ - دبیر خانه ای با حداقل کارمند در دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور مقدمات کار هیات را فراهم و مصوبات آنرا اجرا خواهد کرد.

فصل سوم - روش خرید کتاب

۹ - مولفان و ناشرانی که داوطلب فروش کتاب خود به وزارت فرهنگ و هنر باشند باید درخواست کتبی خود را به ضمیمه یک نسخه از کتاب به دفتر دبیر خانه هیات امنای

کتابخانه های عمومی کشور تسلیم کنند و رسید دریافت دارند. دریافت این نسخه ها صورت امانت داشته و بعد از اتخاذ تصمیم به صاحبان آنها مسترد خواهد شد.

۱۰- در مورد ترجمه ها متن اصلی که ترجمه از روی آن انجام گرفته باید ضمیمه کتاب باشد.

۱۱- در شرایط مساوی خرید کتاب در درجه اول از مؤلف و در درجه دوم از ناشران آزاد و در درجه سوم از موسسات دولتی یا سایر بنگاه های انتشاراتی غیر انتفاعی خواهد بود.

۱۲- کتابهای رسیده به ترتیب دردفتری ثبت می شود. و هر کتاب با رعایت تاریخ وصول به ضمیمه گزارشی که از طرف بررسان و کارشناسان دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور تهیه می شود در هیات مطرح می گردد هیات می توانند در صورت لزوم یک یا چند تن از اعضاء خود را مأمور تهیه گزارش در باره کتابها نماید یا نظر مشورتی کارشناسان خارج از هیات را بخواهد.

۱۳- هیات در باره هر کتاب صورت جلسه جداگانه تنظیم خواهد کرد. رای هیات قطعی و صریح و با ذکر مواد مربوط به آئین نامه (از نظر موضوع کتاب) و موارد احتیاج و مصرف و تعداد قابل خرید خواهد بود.

۱۴- هیات با بررسی مجموع کتابهای چاپ شده سال در صورتیکه کتابهایی را مناسب تشخیص دهد پیشنهادهای لازم مبنی بر تشویق مولفان به وزارت فرهنگ و هنر خواهد نمود.

۱۵- دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور حداکثر تا ۵۰۰ نسخه از هر جلد کتاب را به استناد رای هیات انتخاب کتاب طبق این آئین نامه از مؤلف یا ناشر خریداری خواهد کرد و اسناد آن را به پیوست صورت جلسه های هر دو هیات به اداره حسابداری ارسال خواهد داشت.

۱۶- در سال های آینده با افزایش کتابخانه های عمومی به تدریج تعداد نسخ خریداری افزایش خواهد یافت.

۱۷- در موارد فوری خرید کتاب به تعداد معدود برای رفع احتیاجات ادارات تابعه وزارت فرهنگ و هنر مشمول این آئین نامه نخواهد بود.

فصل چهارم - تعیین بهای کتاب

۱۸- هیاتی مرکب از نمایندگان دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور و حسابداری و یک کارشناس چاپ بهای تمام شده هر کتاب را جداگانه و با توجه به مزد چاپ و کلیشه و کاغذ صحافی و تجلید و تعداد نسخه های چاپ شده و مشخصات دیگر به قیمت عادلانه روز

تعیین خواهد کرد.

۱۹ - بهای هر کتاب بر مبنای یک برابر و نیم هزینه چاپ و نشر (کاغذ و خطاطی و نقاشی و کلیشه و چاپ و صحافی) به تشخیص کمیسیون قیمت گذاری، به اضافه سه برابر حق تالیف و ترجمه و مقدمه نویسی و تهیه فهرستها طبق قرار دادهای معتبر مورد قبول هیات انتخاب پرداخت خواهد شد مشروط بر اینکه رقم حق تالیف از ۲۵٪ بهای روی جلد مجموع نسخ تجاوز ننماید.

تبصره ۱ - ناشر موظف است اصل یا رونوشت قرار داد تالیف را در اختیار کمیسیون مربوط بگذارد.

تبصره ۲ - پرداخت بهای کتاب منوط به ارائه گواهی مولف یا وارث قانونی او مبنی بر رسید کلیه حق تالیف خواهد بود.

تبصره ۳ - در مورد کتابی که به وسیله ناشران بدون پرداخت حق تالیف چاپ شده باشد از این بابت وجهی منظور نخواهد شد.

تبصره ۴ - در مورد خرید کتابهای مهم مورد نیاز کتابخانه ها، که با گذشت مدت مقرر در قانون حفظ حقوق مولفان، حقوق تالیف آنها جزو اموال عمومی به حساب می آید و صاحب حق معینی ندارد، بهای کتاب به تناسب اهمیت آن به تشخیص کمیسیون تعیین بها، و تصویب هیات انتخاب کتاب قابل پرداخت خواهد بود.

تبصره ۵ - در مواردی که مولف اثر خود را به سرمایه شخصی به چاپ رسانیده، یا بر طبق گواهی کتبی صاحب حق قرار داد مستقلی بین مولف و ناشر وجود نداشته باشد یا موسسه نشر در تهیه و تدوین کتاب با تشکیل سازمانی خاص، یا استفاده از کار دسته جمعی افراد متعدد به نحوی سرمایه گذاری نموده باشد که هیات انتخاب کتاب قراردادها را کافی تشخیص ندهد، میزان حق تالیف به وسیله هیات مزبور تعیین خواهد گردید و تشخیص هیات قطعی است.

تبصره ۶ - در مورد هر کتابی که از نظر اهمیت موضوع، یا زحمات فوق العاده مولف، یا ارزش و نفاست چاپ و سرمایه گذاری بیشتر ناشر، به تشخیص هیات انتخاب، اثری ممتاز شناخته شود، یا ناشر کتاب با تشکیل هیاتی از دانشمندان و کارشناسان برای تهذیب و تنقیح کتاب (ادیتوریال) هزینه هائی متحمل شده باشد که مورد قبول و تایید باشد، یا تصویب هیات مبلغی به تناسب از ۱۰ تا ۲۵ درصد به مجموع کتابها افزوده خواهد شد.

تبصره ۷ - در هیچ موردی بهای خرید کتاب از ۸۵٪ بهای روی جلد آن که مولف یا ناشر تعیین نموده تجاوز نخواهد کرد.

تبصره ۸ - بهای نشریات ادواری بر مبنای ۸۵٪ بهای اشتراک محاسبه و پرداخت خواهد گردید.

۲۰ - دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور و حسابداری مسئول اجرای این آئین نامه هستند . این آئین نامه مشتمل بر ۲۰ ماده صحیح و مورد تصویب است .

وزیر فرهنگ و هنر مهرداد پهلبد

توضیحات :

- ۱- به موجب حکم شماره ۵۳۲۳ مقام وزارت فرهنگ و هنر مورخ ۳۳/۵/۱۰ اجرای این آئین نامه برعهده دبیرخانه هیات امنای کتابخانه های عمومی کشور محول گردیده است .
- ۲- ماده ۱۹ اصلاحی به تاریخ ۳۳/۱۰/۵ به تصویب مقام وزارت فرهنگ و هنر رسیده و به صورت حاضر در آمده است .

در اجرای " طرح خرید کتاب و تشویق مولفان و ناشران " از تاریخ تصویب تا پایان سال ۲۵۳۴ جمعا " ۷۱۷۶۹۵ جلد کتاب از ۳۱۱۰ عنوان و ۱۰۴۳۶۵ شماره مجله به انتخاب هیاتی مرکب از هفت نفر از اساتید کتابشناس خریداری و به کتابخانه های عمومی سراسر کشور ارسال گردیده است و مراجعین به کتابخانه های عمومی این فرصت را یافته اند که مجموعه ای از بهترین و جدیدترین کتابها را در دسترس داشته باشند .

علاوه بر این ، به منظور معرفی کتابهای جدید و ترغیب هرچه بیشتر مردم به مطالعه ، از کتابهای خریداری شده از سال ۲۵۳۱ همه ساله در آبان که مقارن با جشن های فرهنگ و هنر است نمایشگاه هائی در کتابخانه های عمومی شهرستانها برگزار گردیده است . همچنین همزمان با جشن های فرهنگ و هنر و هفته کتاب در تهران نیز نمایشگاه و غرفه های فروش کتاب با نظارت و همکاری وزارت فرهنگ و هنر از طرف اتحادیه ناشران و کتابفروشان برگزار می شود .

اعضای دومین هیات امناء که از تاریخ ۲۵۳۰/۸/۱۹ با فرمان همایونی به این سمت منصوب شده اند عبارتند از :

- ۱- جناب آقای مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر .
- ۲- جناب آقای وزیر کشور .
- ۳- خانم فرنگیس امید شفا .
- ۴- جناب آقای حسین خطیبی .
- ۵- استاد محسن صبا .
- ۶- استاد ذبیح اله صفا .
- ۷- استاد پرویز ناتل خانلری .

دبیرخانه تا کنون سه دبیر کل داشته است که عبارتند از:

۱ - جمشید بهروش.

۲ - محمد امین ریاحی.

۳ - علی اصغر سعیدی.

آنچه در گذشته انجام شده است نویدی است خوش برای آنچه در آینده انجام خواهد گرفت.

باشد که روزی فرا رسد که ساعات فراغت یکایک افراد این سرزمین گوهر بار را مطالعه و خواندن پرکند.

نظر مجتبی مینوی در باره " کتاب "

— استاد مجتبی مینوی، مولف، مترجم، محقق و نویسنده مشهور قریب هفتاد سال حیات پر بار خود را در لابلای صفحات و سطور کتابهای بسیاری که خوانده و در متون آنها به کاوش نشسته، به سر آورده است و هنوز نیز در جذبه کتاب و تکاپوی کتاب است، در خلال این سالها، کتابهایی مانند، دیوان ناصر خسرو، " کلیله و دمنه " " سیرت جلال الدین خوارزمشاه "، " شاهنشاهی ساسانیان "، " نوروزنامه "، و " شاهنامه " با تصحیح و تعلیقات وی به چاپ آمده که هر یک در خور تعمق و توجه بسیار است.

مینوی می گوید: " اگر باید فرهنگ وسیع و گسترده داشته باشیم و مردم فرهنگ دپده ای باشیم باید برای کتاب ارج بیشتری قائل باشیم و در توسعه آن کوشش کنیم " . (۱)

(۱) — وقتی این کتاب زیر چاپ بود متأسفانه استاد مجتبی مینوی به رحمت ایزدی

— شما بیشتر از دوسوم عمر پربارتان را با کتاب سرآوردید ، چه آن تعداد کثیری که در خلال این همه سال خواندید — و چه آن تعداد که تالیف خودتان بوده است . به عنوان یک کتاب شناس و یک صاحب کتاب ، لطفاً " کتاب را آن طور که دیدید ، شناختید و آنگونه که بوده و هست ، توجیه‌نمائید .

مینوی : من تصادفاً " از خانواده ای اهل کتاب هستم . از بچگی با کتاب بزرگ شده ام و با کتاب زندگی کرده ام تا وقتی پدرم زنده بود در جمع خانواده زندگی می‌کردیم ، همه مان کتاب خوان بودیم و به کتاب عشق می‌ورزیدیم ، این علاقه و عشق آنچنان در ما پایه گرفته بود که خود من از شانزده هفده سالگی ، راه جمع کردن کتاب را دنبال کردم و در خط‌نوشتن افتادم . و در حال حاضر قریب ۲۵ تا ۳۰ هزار جلد کتاب در کتابخانه خصوصی خودم دارم که در نظر دارم به یکی از مؤسسات فرهنگی وقف کنم و دلم می‌خواهد تا جاییکه می‌توانم در راه نشر کتاب و آشنا کردن مردم با کتاب کار کنم .

— گفتید که از شانزده سالگی به جمع آوری کتاب پرداخته‌اید ، چطور و تحت چه شرایطی می‌شود کتاب جمع کرد و چه کتابهایی ؟...

مینوی : من آن روزها ، سال اول دبیرستان دارالفنون بودم و تفریحم این بود که بعد از تعطیل مدرسه ، در طول راه منزل ، سری به مسجد شاه بزنم و به تماشا و انتخاب کتابهایی که در آنجا می‌فروختند مشغول بشوم . البته اینکه گفتم کتابفروشیهای مسجد شاه ، منظورم این نیست که کتابفروشیهای مسجد شاه وضعی مخصوص بخود داشتند ، به این معنی که توی صحن مسجد روی زمین می‌نشستند ، کتابها را کنار هم می‌چیدند به صورت سفره‌گسزده‌ای از کتابهای جورواجور و رهگذر ها و آنهایی که طالب کتاب بودند ، می‌آمدند ، کتابها را می‌دیدند و آنچه می‌خواستند انتخاب می‌کردند و می‌خریدند آن وقت هم کتاب ارزان بود . حکایت پنج شاهی و ده شاهی بود که امروز برای ما اصلاً " مفهومی ندارد .

— مردم آن زمان بیشتر چه کتابهایی می‌خواندند ، همینطور خود شما ؟...

مینوی: مردم بیشتر به کتابهای دینی نظر داشتند، کمی هم قصه، عامه مردم، یعنی طبقه تحصیل نکرده و به اصطلاح امروز دانشگاه ندیده، فقط به کتابهایی مثل "عاق والدین" "تعزیه حسن و حسین" و "یا قصه" "دزد و قاضی" علاقه داشتند و این کتابها بیشتر از صنار یا یک عباسی قیمت نداشت. کسانی هم بودند که می رفتند دنبال کتابهایی مثل "زاد المعاد" "یانات العباد"، یا کتابهای مجلسی مثل "حق الیقین" و "عین الحیات" و از این قبیل کتابها...

توی صحن مسجد شاه هر روز قریب ۲۰ کتابفروش بودند که کتابهایشان به صورت سفره گسترده بود و تماشاچی و طالب زیادی هم داشتند. علاوه بر اینها، کسان دیگری هم بودند که قصه گویی می کردند، درویشهایی بودند که معرکه می گرفتند یا مثنوی خوانی میکردند، بخصوص در ماه مبارک رمضان، قصه گوها، مثنوی خوانها و معرکه گیرها بیشتر می شدند و طبعاً آدمهای بیشتری را دور برشان داشتند، به هر حال منم خارج از مدرسه بیشتر وقتم تو همین صحن مسجد شاه و کنار بساط این کتابفروشیها می گذشت و من از این راه کتابهای زیادی جمع کردم که هنوز هم خیلی از آنها را دارم و بعضی پشتشان خط و تاریخ دارد که مربوط می شود به سالهای ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۶ هجری قمری... یعنی تقریباً شصت سال پیش...

— کتابهای درسی را هم می شد تو بساط این کتابفروشیها پیدا کرد یا مراکز دیگری برای فروششان بود؟

مینوی: گاهی پیش می آید که کتابهای درسی مثل "هندسه" "میرزا رضا خان" یا "هندسه" نجم الدوله هم لابلای این کتابها پیدا می شد، ولی معمولاً کتابهای درسی را بایستی تو کتابفروشیهای خیابان ناصر خسرو و یا بالاتر از آن سراغ می گرفتیم.

— این قصه گوها که گفتید، تو صحن مسجد شاه می گشتند و قسمی گفتند، چه جور آدمهایی بودند و قصه هایشان در چه روالی بود؟

مینوی: آدمهایی بودند که کمی سواد داشتند، به اندازه ای که بتوانند بعضی کتابها را بخوانند، مخصوصاً "قصه های دینی"، مثل قصص انبیاء را و همین ها را که می خواندند، برای مردم بازگو میکردند یا آنها که مثنوی می خواندند یا شعرهای صفی علیشاه را حفظ

کرده بودند و می خواندند . . .

جالب اینکه گاهی جزء وظایفشان می دانستند که مسئله بگویند ، یعنی مسائل دینی و شرعی و وظایف زن و مرد را در قبال یکدیگر و در مقابل دین بیان می کردند ، و ممکن بود درحین مسئله گفتن کسی هم بیاید ، تعبیر خوابی را بخواهد ، برایش تعبیر می کردند . . .

— خودتان اولین بار با چه کتابی آشنا شدید و نوشتن را چطور شروع کردید؟

مینوی: نوشتن را در پنجسالگی از پدرم آموختم ، آن روزها مکتب می رفتم . قرآن ، حافظ و گلستان اولین کتابهایی بودند که شناختم و خواندم ، آن سالها ما سامره بودیم پدرم همیشه میرزا محمد تقی شیرازی درس می خواند ، در همان اوان پدرم مرا واداشت کتاب "الفیه" ابن مالک " را که کتابی در باره" نحو عربی به شعر و در حدود هزار بیت بود بخوانم و حفظ کنم . . . در ایران هم که آمدم ، این روال ادامه داشت ، پدرم مشوق من بودوگاهی مرا به جبر به نوشتن و یادگرفتن وامی داشت ، در آن زمان در ایران مدارس ابتدایی کم بود ، قدیمی ترین معلم من آقای " حسن ذوقی " بود که در مدرسه امانت تاریخ و جغرافیا درس می داد و بعد از او ناظم الاسلام کرمانی ، صاحب کتاب " تاریخ بیداری ایرانیان " که ناظم مدرسه اسلام هم بود . غیر از این دو ، مدرسه دیگری بنام مدرسه افتخاربودکه بعدها به " سپهر " تبدیل شد و سر آخر دارالفنون . عده ای از شاگردان کلاس اول مدرسه دارالفنون که با من هم مدرسه بودند هنوز هستند مثل " دکتر نصرت اله باستان " . . . به هر حال من از همان زمان طالب کتاب بودم و عاشق کتاب . . . نمی شود گفت ، کسی این عشق را به من القاء کرد . . . این عشق در من و خانواده من بوده و ما با همین عشق زندگی کرده ایم و خود من سعی دارم تا آخر عمر با کتاب زندگی کنم و با کتاب بمیرم و دفن بشوم . اما متأسفانه می بینم این روزها باید لزوم کتاب خواندن را به مردم القاء کرد ، باید به یکی یکی آدمها تلقین کنیم که کتاب از هر جهت مفید فایده است . اینکار را چطور می شود کرد ، نمی دانم . . .

— در آن زمان ، یعنی حدود پنجاه سال یا شصت سال پیش که مورد اشاره شماست ، وضع چاپ چطور بود؟

مینوی: چاپخانه های ایران در آن موقع بیشتر سنگی بود و وضع چاپ خیلی بد . . .

کارچاپ سنگی هم زحمت زیاد داشت هم بازده کم . . . و ترتیب کار اینطور بود که مطالب کتاب را قبلاً " روی کاغذهای مشمع مخصوصی که رنگ زرد داشت با مرکب روغنی ، با خط می نوشتند این نوشته را بر می گرداندند روی سنگ مخصوص که برای اینکار آماده شده بود . خطها به سنگ منتقل می شد ، بعد مرکب چاپ را با " نورد " روی سنگ و خطوط منعکس شده می کشیدند و کاغذ کتاب را که قبلاً " تر کرده بودند روی سنگ می انداختند و مقداری کاغذ و مقوا روی آن ، که سنگین بشود و فشار زیادی بر آن وارد بیاورد و مرکبها به کاغذ منتقل شود .

اینطور چاپ کردن ، معمولاً " خیلی دیر و خیلی بد انجام می گرفت مگر اینکه استاد های خیلی ماهری باشند ، در نوشتن و چاپ کردن اینگونه کتابها ، معمولاً " ، خطهایی مثل خط " میرزا رضا کلهر " شیخ مرتضی نجم آبادی " و " ملک الخطالمیس " بیشتر به کار می آمد ، مخصوصاً " در چاپ کتابهایی که در دوره ناصرالدینشاه در " دارالطباعه " همایونی چاپ می شد . یا کتاب یوسف و زلیخا که در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسید . ولی چاپهای معمولی که به دست ما می رسید . چاپ خیلی خوبی نبود مخصوصاً " کتابهای قصه و تعزیه ها . . .

— با این مشکلات که گفتید ، معمولاً " یک کتاب چند نسخه چاپ می شد
و چطور فروش می رفت ؟

مینیوی : معمولاً " یک سنگ ، یعنی هفتصد و پنجاه نسخه ، یعنی یکبار که صفحه ای به سنگی منتقل می شد با این سنگ تا ۷۵۰ نسخه از صفحات کتاب چاپ می شد و دیگر آن سنگ قابل استفاده نبود . ولی در مورد فروش کتابها . . . باید اضافه کنم که همین هفتصد و پنجاه نسخه ، گاهی سالها در کتابفروشیها می ماند .

— چاپ به صورت فعلی از کی شروع شد ، و چه تاثیری در بهبود وضع
کتاب داشت ؟

مینیوی : در آن ایام ، چاپ سربی یا چاپ حرفی هم بود ولی خیلی محدود و فقط چند چاپخانه مثل چاپخانه های " خورشید " و " فاروس " چاپ حرفی داشتند ، کتابهایی هم که در این چاپخانهها چاپ می شد ، هیچوقت بیشتر از هزار نسخه نبود چون برای فروش هر کتاب زمان زیادی لازم بود و کسی که در این زمینه سرمایه گذاری می کرد بایستی

سرمایه اش را مدت‌ها راكد بگذارد تا كتابی به فروش برود و طبعاً "كسی چندان راغب این كار نبود .

— خود شما ، چه كتابهایی تالیف کرده اید و با چه شرایطی ؟

مینوی : پیش از آنکه خودم كتابی داشته باشم ، بیشتر علاقه مند بودم به چاپ كتابهایی كه دیگران نوشته بودند كمك كنم ، در گروه این كتابها ، كتاب " اردیبهشت " حاج میرزا یحیی دولت آبادی ، و جلد دوم كتاب " انتقام جوانان مزدك " تالیف صنعتی زاده بود كه در غلط‌گیری شان كمك كردم ، بعد با مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ، مرحوم دهخدا ، مرحوم تقی زاده كمك كردیم كه دیوان ناصر خسرو را به چاپ ببریم . . . در همان ایام ، كتاب " نامه تنسر " را به تنهایی چاپ كردم كه به نظر من نخستین كتاب مستقل خودم بود ، بعد ها یعنی در سال های ۲۴۹۳ (شاهنشاهی) ، یا کمی پیش از آن به تناوب مقالاتی در روزنامه ها یا مقدمه‌هایی بر برخی از كتابها نوشتم ، مدتی نیز با مرحوم صادق هدایت ، بزرگ علوی ، مسعود فرزاد ، و مرحوم عبدالحسین نوشین دست اندر كار چاپ و انتشار كتب مختلف بودیم . مخصوصاً " كتابهایی را كه صادق هدایت می نوشت . حتی كتاب " مازیار " را من صادق و هدایت با هم نوشتیم . یعنی من اطلاعات تاریخی و اسناد و ماخذ لازم را تهیه كردم و هدایت نمایشنامه اش را نوشت ، كتابهای دیگری هم داشتم كه بیشتر جنبهء تحقیق داشته مثل " کلیله و دمنه " ، " سیرت جلال الدین خوارزمشاه " ، شاهنشاهی ساسانیان ، " نوروزنامه " ، " شاهنامه " و . . .

— كار هدایت را می پسندید ؟

مینوی : بیشتر كارهایش هنوز هم پسندیده است . ممكن است كه بالاخره يك روز هدایت از ذهن مردم ایران برود و فراموش بشود ، ولی مسلماً " این مسئله فراموش نمی شود كه هدایت برای اولین بار قصه نویسی ، مخصوصاً " قصه کوتاه نویسی را در ایران باب كرد ، پیش از او كسی اینكار را نكرده بود ، در خارج از ایران جمال زاده ، قصه های کوتاهی با نام " یکی بود ، یکی نبود " نوشته بود . ولی در ایران ، هدایت اولین نفر بود و ابتدای كار . . . بعد ها بزرگ علوی ، صادق هدایت و شیراز پور پرتو مجموعه قصه ای نوشتند و بدنبال آن هدایت مجموعه قصه دیگری زیر عنوان مجموعه داستان به چاپ برد . كه مرحوم محمد رضانی ، چاپ و منتشر كرد .

— وضع ترجمه در آن زمان چگونه بود و اصولاً " ترجمه کتابهای خارجی ، چه تاثیری در بهبود وضع کتاب ایران داشت ؟

مینوی : کتابهای رمان ، مخصوصاً " رمان های سه تفنگدار و کنت مونت کریستو ترجمه مرحوم محمد طاهر میرزا و کتاب " شمس طغرا " ، ترجمه " محمد باقر میرزای خسروی ... که ترجمه های خوبی بودند ، آنروزها خریدار و طالب زیادی داشتند ، مردم می خواندند و گاهی آنها را در جمع خانواده می بردند و بهمین ترتیب ، ادب اروپایی و زندگی اروپایی در جامعه ما رسوخ کرد و ما را با دنیای تازه ای از ادب و هنر آشنا ساخت . این تاثیر ترجمه کتابهای آن روز بود . اما امروز ، من نمی دانم مردم چقدر دلشان می خواهد مثلاً " با ادبیات ژاپنی ، چینی یا فرضاً " ایتالیایی و روسی آشنا بشوند ، اما اگر واقعاً " طالب باشند و بخواهند این آثار مستقیماً " از زبان ژاپنی ، ایتالیایی ، یا چینی ، یا روسی به فارسی برگردانده شده باشد ... به نظرم چندان مقدور نیست ، چون نداریم کسانی را که به این زبانها ، نه تنها زبان ، بلکه به فرهنگهایشان آشنا و مسلط باشند و بتوانند ، آنچه هست مستقیماً " به ما منتقل کنند . شاید اگر داشتیم آدمهایی تا این حد آشنا و مومن ... ما می توانستیم با بسیاری از فرهنگهای جهان ، از نزدیک آشنا بشویم و از هر کدام برای خودمان بهره هایی داشته باشیم . از فرهنگ اسپانیولی ، از زبان مغولی یا قزاقی یا هندی و اردو و دیگر زبانها و ملت ها ، منظورم اینست که ترجمه آثار می توانست دگرگونی وسیع تری را در وضع کتاب و ادب ما داشته باشد که ندارد چون محدود است فقط به دوزبان انگلیسی و فرانسه و احیاناً " کمی آلمانی ... و این کافی نیست . در حالیکه لازم است ما علاوه بر اینکه فرهنگ خودمان را بشناسیم ، از فرهنگ دنیای خارج هم آگاه باشیم ، چگونه است در سوئد ، نروژ ، اسپانیا ، برزیل و آرژانتین ، نویسندگان کتاب می نویسند و جایزه نوبل می گیرند چگونه است که ما نمی نویسیم و نمی گیریم . یا می نویسیم و نمی گیریم ، برای اینکه تمام توجه مان معطوف شده است فقط به کتابهای آمریکایی یا انگلیسی زبان و از اصل فرهنگها و زبانها دور مانده ایم ، برای مثال بگویم ، کتابهای روسی بسیار معتبری در باره مشرق زمین و در باره ایران نوشته شده است . آیا کسی هست که اینها را به فارسی برگرداند ، و ما را از نتیجه مطالعات و تحقیقات شرق شناسان و در باره کشور خودمان آگاه کند ؟ نه ، اگر هم هست کافی نیست و خلاصه اینکه ترجمه می توانست وسیع و موثر باشد ولی نیست .

— با این وصف فکرمی کنید چطور می شود، در داشتن کتابهای بیشتر و بهتر و بهبود کیفیت و افزایش کمیت کتاب، موفق تر باشیم... و به قول شما فرهنگ خود را گسترده تر بگردانیم؟

مینوی: اول باید به چاپخانه توجه شود، ممکن است چاپخانه‌ها از نظر ظاهر کار و احیانا کثرت کار توسعه پیدا کرده باشند که کرده اند ولی کیفیت کارشان خوب نیست. در خیلی از چاپخانه‌ها حروفچینی ما به حال تعطیل درآمده، و آن سرعت و دقتی که بایستی در کار باشد نیست، صحافی چاپخانه‌ها هم مثل حروف چینی‌ها... کار را سطحی برگزار می کنند، کتابهای قدیم، بانبودن وسیله و امکانات، جوری صحافی شده اند که سالیان دراز مانده اند شما یک کتاب تازه پیدا کنید که سه ماه مانده باشد... از کیفیت کار کاسته شده سهل انگاری و بی دقتی در کار زیاد است. مسئله کاغذ، مسئله کارگر، مسئله گرانی کتاب این هابه نظرم، هر کدام بطور جدا و بعد هم در کل، مانع توسعه کتاب و جذب علاقه‌مندی مردم به کتاب شده است، یک کتاب سابق ده تومان یا پانزده تومان بود حالا هفتاد تومان یا صد تومان است. به همین میزان، درکار چاپ و مزد چاپ، اجرت چاپ یک فرم هشت صفحه ای کتاب به ششصد تومان رسیده است... باید هم توانائی چاپ برای ناشر و مولف باشد، هم توانائی خرید برای مردم...

— سوای گرانی کتاب و مشکلاتی که درکار کتاب شمردید فکرمی کنید سرگرمیهای رنگین روزهم دردورکردن مردم از کتاب تاثیر داشته باشد؟

مینوی: بله، یک مقدار دقت مردم صرف تماشای تلویزیون و سینما و گردش و تفریحات مختلف می شود و برای مطالعه کتاب وقت کمتر می ماند ولی اگر علاقه ای باشد اگر زمینه‌های مساعدی به وجود آید، می شود گفت کتاب، بازاری به مراتب گرمتر از آنچه امروز دارد خواهد داشت.

— سوای این مشکلات که اشاره شد، کتاب را در این سیرپنجاه ساله اخیر تاریخ ایران چگونه می بینید؟

مینوی: کتاب در این سیر تاریخی پستی و بلندی زیاد داشته است، مردم گاهی بیشتر

کتاب خوانده اند گاهی کمتر، اگر آمار از انتشارات هر سال در ایران تهیه شود، چگونگی کمی یا کیفی کتاب و این کم یا زیاد شدن تعداد کتابخوان ها روشن می شود، اما در مجموع باید قبول کرد که تعداد کتابخوان به مراتب بیشتر شده و این امید هست با توجهی که مخصوصاً " در این سالها به ادبیات کودکان و تهیه کتابهای خاص برای نوجوانان می شود، زمینه برای کتابخوان و کتابدان بودن نسل آینده کشور فراهم تر شود و کتاب هم از لحاظ کمیت و هم از جهت کیفیت نضج بیشتری بگیرد و این مهم وقتی عملی تر خواهد شد که دولت و مسئولین فرهنگی کشور، در کار کتاب گره گشایی کنند و مشکلاتی را که در راه کتاب هست از میان بردارند. اگر باید فرهنگ وسیع و گسترده داشته باشیم، اگر باید فرهنگ خودمان و دنیا را بشناسیم، و مردم فرهنگ دیده‌ای باشیم، باید برای کتاب بیشتر فکر کنیم و بیشتر و سریعتر قدم برداریم.

فصل ششم

روزنگاری کتاب و خاندان جلیل پهلوی

غلطنامه روز نگاری

صحیح	غلط	سطر	صفحه
کتابخانه بی	لازم است کتابخانه بی	۱۷	۲۲۴
جلسه ، در موضوع	جلسه ، موضوع	۶	۲۲۶
عامه	عامله	۱۳	=۲۲۶
کتاب	کتب	۲۲	۲۲۷
معرفی	مفسرین	۲۷	۲۲۸
آشنائی با خاور	آشنائی خاور	۲۵	۲۴۱
معرفی	مفسرین	۲۷	۲۴۱
کتاب	کتب	۲۰	۲۴۳
و جهت تامین	و تامین	۹	۲۴۶
تصادی مبلغی پرداخت	تصادی پرداخت	۱۰	۲۴۶
به	از	۲۳	۲۴۸
به اتفاق	و به اتفاق	۴	۲۵۰
الاوائل	لاوائل	۱۵	۲۵۰
شد	شده	۲۴	۲۵۱
۶۴۵۰ جلد کتاب	۶۴۵۰ کتاب	۲۵	۲۵۱
زبان	که زبان	۲۷	۲۵۱
را فراهم نموده اند	را نموده اید	۱۳	۲۵۲
کنفرانسهای نیز	کنفرانسهای	۱۷	۲۵۳
و در مورد	در مورد	۱۲	۲۵۴
اخلاق و علوم	اخلاق و تربیتی	۶	۲۵۵
سال تولد خواجه	سال خواجه	۶	۲۵۷
اعضای	اعضاء	۱۶	۲۵۸
و انتشار کتبی	و کتبی	۹	۲۵۹

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۵۹	۹	ملت	ملیت
۲۵۹	۱۵	از	به
۲۶۲	۱۶	کرده	کرد
۲۶۷	۱۸	هفت هزار هنر	هفت هزار سال هنر
۲۷۰	۱۷	ذکرهای	زکریهای
۲۷۱	۱۹	درسی و دربهای	درسی در بهای
۲۷۹	۱۰	مراکزی	مراکز
۲۸۶	۳	مستفر	مستتر
۲۸۶	۹	تالیفات نطقها	تالیفات ، نطقها
۲۸۶	۱۶	والایتعهد	ولایتعهد
۲۸۶	۱۹	۴۷	۲۷
۲۹۱	۶	وسائل	ووسائل
۲۹۳	۶	جغرافیا فرمودند ،	جغرافیا تقریر فرمودند ،
۲۹۷	۴	داده	داد
۲۹۷	۲۶	دایرالمعارف	دایرهالمعارف
۳۰۱	۲	لاور	لاور -
۳۰۱	۲۶	ماکو	باکو
۳۰۵	۸	شاهنشاهی در	شاهنشاهی ایران در
۳۰۵	۲۴	آموزش	آموزشی
۳۰۶	۴	پیدایش	پیدا کردن
۳۰۶	۶	دارند	دارند معنای ۶۶۵۰
۳۰۸	۲۴	ارزنده تری ،	ارزنده تر ،
۳۱۰	۹	در کار	در جریان
۳۱۰	۲۵	آسیای	آسیای
۳۱۱	۶	فردوسی به	فردوسی بود به

۲۴۸۵ شاهنشاهی

۲۱ شهریور ۲۴۸۵

دولت شاهنشاهی ایران الحاق خود را به قرار داد بین المللی منع معامله و تکثیر و هرگونه کتب و نشریات مستهجن برای جلوگیری از بدآموزیهای اجتماعی اعلام داشت .

۱۴ مهر ۲۴۸۵

اعلیحضرت رضا شاه کبیر در دیدار از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستطرفه دستور دادند که هیاتی از فضلا و کتب نویسان به تهیه و تدوین فهرستی از کتابهای نفیس کتابخانههای دولتی اقدام کنند .

۱۷ اسفند ۲۴۸۵

۱۴ نفر از نویسندگان و علمای ترک که برای یک دیدار از مراکز فرهنگی ایران به کشور ما آمده بودند با علمای ایرانی به پیشگاه رضا شاه کبیر شرفیاب شدند و مورد تفقد قرار گرفتند .

۲۴۸۶ شاهنشاهی

۲۹ خرداد ۲۴۸۶

در شرفیابی آقای سید محمد تدین وزیر معارف و آقای مخبرالسلطنه هدایت رئیس السوزراء رضانشاه کبیر در مورد لزوم تهیهی کتابهای بیشتر برای مدارس دولتی جهت مطالعهی محصلین اوامری صادر کردند .

۳۰ آذر ۲۴۸۶

از محل عایدات بلدیة و اعانات اهالی ، برای کتابخانهی شهر تبریز بنائی ساخته شد و از محل عطیة رضا شاه کبیر که بیست هزار ریال بود تعدادی کتب جدید خریداری شد و بعد از ترمیم کتابهای قبلی ، کتابخانه بنام شاهنشاه افتتاح شد .

۱۲ بهمن ۲۴۸۶

کتابخانهای از سوی بلدیة شهر مشهد افتتاح شد که به گردآوری کتابهای دینی آنجا اختصاص داشت .

۲۴۸۷ شاهنشاهی

۱ خرداد ۲۴۸۷

به فرمان اعلیحضرت رضا شاه کبیر قانون اعزام محصل به اروپا به تعداد سالی یکصد نفر با هزینه دولت از تصویب مجلس شورای ملی گذشت .

۲۳ مهر ۲۴۸۷

اولین کاروان از محصلین ایرانی که برای ادامه تحصیلات عالی در اروپا انتخاب شده بودند ، بعد از شنیدن سخنان رضا شاه کبیر عازم اروپا شدند و از جمله وظایفی که بر عهده یکصد تن اعضای این کاروان مقرر شد ، گزینش کتابهایی در زمینه های مختلف علمی و ادبی و ارسال آنها به ایران برای ترجمه و تکثیر جهت استفاده همگانی از کتابها بود .

۲۴۸۸ شاهنشاهی

۲۲ شهریور ۲۴۸۸

دومین کاروان علم و ادب ایران مرکب از یکصد دانشجوی دیگر به اروپا رفت و از آن پس هر سال یکصد تن دانشجو به اروپا اعزام شدند .

۲۴ آذر ۲۴۸۸

اعلیحضرت رضا شاه کبیر مدرسه عالی فلاحتی کرج را که مقدمات آن از طرف وزیر فواید عامه (محمود جم مدیر الملک) فراهم شده بود افتتاح کردند و هنگام دیدار از قسمت های مختلف آن مدرسه عالی دستور دادند که لازم است کتابخانه بی مجهزتر و بزرگتری برای چنین مرکز عمده ای آموزش فنی ترتیب داده شود .

۲۴ بهمن ۲۴۸۸

به فرمان رضا شاه کبیر استفاده از کتابهای کتابخانهی مجلس برای همگان آزاد گردید .

۲۴۸۹ شاهنشاهی

۱ فروردین ۲۴۸۹

در شرفیابی هیات دولت به منظور عرض تبریک به پیشگاه شاهنشاه رضاشاه کبیر در شمار فرمایشات خویش ، به لزوم توسعه بیشتر علم و فرهنگ و ایجاد کتابخانه ها برای رسیدن به کاروان تمدن اشاره فرمودند وزیر معارف را مامور این کار کردند .

۲۴۸۹ بان ۲۴۸۹

مجلس شورای ملی قرارداد بین المللی مربوط به منع چاپ و تکثیر ، ورود و معامله هرگونه نشریات مستهجن را برای جلوگیری از بدآموزی های اجتماعی تصویب کرد .

۲۴۸۹ آذر ۲۴۸۹

وزارت معارف برای توسعه و تکمیل کتابخانه های دوازده شهر از جمله تهران ، مشهد ، اصفهان ، تبریز ، قزوین ، رشت ، ارومیه (رضاشیه) و شیراز یک بودجه کافی اختصاص داد .

۲۴۹۰ شاهنشاهی

۱ فروردین ۲۴۹۰

در کرمان به دعوت رئیس بلدیة شهر (شهردار) دعوتی از ثروتمندان برای احداث اماکن عام المنفعه از قبیل کتابخانه شد و مدعوین به عنوان عیدی مبالغی تعهد کردند .

۲۸ اسفند ۲۴۹۰

به فرمان رضا شاه پهلوی کتاب تفسیر ابوالفتوح رازی که از آثار قرن ششم هجری است و در شمار شاهکارهای ادبی و مذهبی محسوب می شود در ۴ جلد توسط وزارت معارف منتشر شد .

۲۴۹۱ شاهنشاهی

۱۲ خرداد ۲۴۹۱

به فرمان رضاشاه کبیر ، دولت برای تهیه بعضی کتب مورد نیاز دارالفنون بودجه ای اختصاص داد .

۱۹ خرداد ۲۴۹۱

به فرمان شاهنشاه ایران برای تدریس در دارالمعلمین ، تعداد زیادی کتاب ، از معالک انگلیس و فرانسه و اتریش و هلند و آلمان خریداری شد .

۲۶ مهر ۲۴۹۱

در جریان دیدار رضا شاه کبیر از دارالمعلمین عالی . به استدعای اولیای دارالمعلمین که از شاهنشاه تقاضای یک کتابخانه مجهز داشتند ، قرار شد از محل عطیة سر سلسله ی پهلوی کتابخانه ای ساخته شود که با ۱۸۵۰ جلد کتاب در این روز افتتاح شد .

۲۴۹۱ آذر

یک هیات ادبی از سوی رئیس الوزراء (ممبرالسطنه هدايت) به دستور رضا شاه كبير هازم تبريز شدند تا ضمن بررسي و بازرسي از كتابخانه‌هاي موجود در آن شهر ، نسبت به تامين احتياجات كتابخانه‌هاي آن شهر و ساير شهرهاي ديگر آذربايجان اقدام شود .

۲۴۹۱ آذر ۱۵

به موجب تصويب وزارت معارف كميسيوني تشكيل شد و طی چند جلسه ، موضوع كمك به كتابخانه‌هاي مدارس كه مورد توجه خاص شهريار پهلوي بود مذاكراتي مفصل بعمل آمد و قرار شد كه از محل عوايد اوقاف ، براي انجام اين موضوع به اختيار كميسيون ، مبالغی واگذار شود .

۲۴۹۱ دی ۳۰

متحدالمالي از طرف وزارت معارف به همه ادارات معارف در ولايات و ايالات صادر شده مي‌بايست حسب الاموال حضرت همايوني در ايجاد كتابخانه‌هاي جديد و توسعه و ترميم كتابخانه هاي قديم براي بالا بردن سطح فرهنگ عامه اقدام شود .

۲۴۹۲ شاهنشاهی

۱۲ شهریور ۲۴۹۲

عمارت باغ ملي در تهران براي ساختمان عمارت موزمو كتابخانه‌اي كه كتابهاي وزارت معارف را محافظت كند به وزارت معارف واگذار شد . نقشه‌ي بنياد كتابخانه را مسيو آندره گذار مدير كل عتيقات ترسيم كرد و قرار شد كه از محل اعتبارات بودجه‌ي سال ۲۴۹۲ آغاز به انجام آن شود .

۱۵ مهر ۲۴۹۲

در سفر آذربايجان ، كتابخانه اردبيل مورد ديدار رضا شاه كبير قرار گرفت و براي نوسازي و تعميرات لازم و تكميل كتابهاي كتابخانه و جمع آوري كتابهاي خارج شده از آن اوامري صادر شد .

۲۲ آذر ۲۴۹۲

يك اكسپوزيسيون (نمايشگاه) از آثار دستي شاگردان مدرسه صنعتي ايران ، توام با يك اكسپوزيسيون ديگر از كتابهاي علمي و صنعتي مورد استفاده شاگردان مدرسه صنعتي در عمارت آن مدرسه تشكيل شد كه به دستور رضا شاه كبير براي تشويق عمومي به ايجاد چنين اكسپوزيسيونهاي هيات دولت در آن شركت كرد و نخست وزير از تشكيل آن ابراز رضائت

کرد .

۲۴۹۲ آذر

به مناسبت برگزاری جشن هزارهٔ فردوسی، به فرمان شاهنشاه پهلوی، انجمن آثار ملی اقدام به فروش بلیت‌هایی برای احداث یک بنای یادبود شایسته و کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری انواع شاهنامه‌های چاپ ایران و شاهنامه‌های دست‌نوشته و نفیس قدیمی کرد . ارزش هر یک بلیت، یک تومان بود که در اندک مدت توسط علاقه‌مندان به فروش رسید .

۲۴۹۲ دی

کتابخانهٔ حکومت خوزستان با حضور حکمران به نام نامی شاهنشاه افتتاح شد .

۲۴۹۲ بهمن

کار ایجاد کتابخانه فرودسی در طوس مشهد-پایان یافت . قسمت عمدهٔ کتابهای این کتابخانه را علاقه‌مندان و نیکوکاران مشهدی تقبل و تهیه کردند .

۲۴۹۲ بهمن

آقای علی اصغر حکمت کفیل وزارت فرهنگ، لایحه‌ای تقدیم مجلس نمود که بر اساس آن می‌بایست برای تهیه و تربیت معلم مورد نیاز برای تعلیمات عمومی اجباری، از اول فروردین ۲۹۴۳ تا مدت ۵ سال، بیست و پنج دستگاه دارالمعلمین و دارالمعلمات مقدماتی و یک دارالمعلمات عالی در تهران و ولایات ساخته شود که تحصیل در آنها مجانی خواهد بود .

۲۴۹۲ اسفند

برای ایجاد کتابخانه‌ی شهر کرمان والی ایالت، تقاضای یک مهندس خارجی کرد و به دستور رضا شاه مسیو "فریش" مامور شد که علاوه بر کتابخانه، سایر احتیاجات عمومی شهر را بر طرف کند .

۲۴۹۲ اسفند

دومین اکسپوزیسیون کتب در تهران افتتاح شد .

۲۴۹۳ شاهنشاهی

۳۱ فروردین ۲۴۹۳

یک نمایشگاه کتاب که همراه نمایشگاهی از صنایع دستی محصلین در محل هنرستان صنعتی تشکیل شده بود از سوی رضا شاه کبیر گشایش یافت .

۲۷ خرداد ۲۴۹۳

در محل مدرسه عالی سپهسالار، دانشکده علوم معقول و منقول گشایش یافت و به فرمان رضا شاه کبیر مقرر شد تا در مورد توسعه‌ی لازم کتابخانه، اقدامات سریع صورت گیرد.

۱۵ تیر ۲۴۹۳

کتابخانه‌ی ملی رشت که از طرف علاقه‌مندان به کتاب و مطالعه احداث شده بود گشایش یافت. این کتابخانه دومین کتابخانه در رشت محسوب می‌شد.

۴ مرداد ۲۴۹۳

با حضور آقای علی اصغر حکمت، کفیل وزارت معارف، جلسه‌ای برای بررسی امکانات ایجاد چند کتابخانه عمومی در شهر تهران و چند شهر بزرگ دیگر از جمله تبریز و مشهد و شیراز و اصفهان و کرمان تشکیل شد.

۱۸ شهریور ۲۴۹۳

اولین قسمت از کتابهای مخصوص تدریس در دانشکده فنی مهندسی وارد ایران شد. امیررضا شاه کبیر، هیئت ویژه‌ای این کتابها را از میان کتب منتشره‌ی ممالک اروپائی مخصوصاً آلمان و اتریش انتخاب کرده بودند.

۲۸ شهریور ۲۴۹۳

کتابخانه و تاسیسات دارالفنون تهران، مورد دیدار رضا شاه کبیر قرار گرفت و یک هفته بعد از آن فعالیت مجدد دارالفنون آغاز شد.

۱۵ بهمن ۲۴۹۳

سنگ اول بنای دانشگاه به دست اعلیحضرت رضا شاه کبیر در اراضی جلالیه نصب شد بر روی لوحه‌ای از نقره که شاه فقید آنرا به عمق یک متر و نیم زیر زمین در داخل جعبه‌ای از سنگ گذاردند این عبارات نوشته شده بود (هنگام شاهنشاهی پادشاه ایران رضا شاه پهلوی سردودمان پهلوی ساختمان دانشگاه تهران به فرمان او آغاز و این نبشته که به یادگار در دل سنگ جای گرفته به زمین سپرده شد، بهمن ماه سال هزار و سیصد و سیزده خورشیدی).

۲۴۹۴ شاهنشاهی

۱۷ فروردین ۲۴۹۴

به فرمان رضا شاه کبیر یک هیات از وزارت معارف مامور شدند تا برای تشویق محصلین به مطالعه و مفسرین آثار ادبی ایران برگزیده‌هایی از کتابهای نظم و نثر قرون گذشته‌ی ایران

تهیه کنند و وزارت معارف مامور چاپ و انتشار این کتابها شد .

۲۴۹۴ بان ۲۱

کتابخانه و موزه‌ی آستانه^۴ قم توسط آقای محمد علی فروغی نخست وزیر و علی اصغر حکمت وزیر معارف و محمود جم وزیر داخله افتتاح شد .

۲۴۹۴ بهمن ۲۵

طرحی برای ایجاد و تاسیس کتابخانه‌های اختصاصی برای همه^۴ وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی تهیه شد تا کارمندان و اعضاء هر اداره قادر باشند احتیاجات معنوی خود را در همان محل اداری خود رفع کنند .

۲۴۹۵ شاهنشاهی

۱۸ اردیبهشت ۲۴۹۵

کتابخانه^۴ ملی مورد دیدار رضا شاه کبیر قرار گرفت و به علت تنگی جا ، سر سلسله^۴ پهلوی مقرر فرمودند برای کتابخانه^۴ ملی ، ساختمان مجهزی ترتیب داده شود . در آن زمان کتابخانه ملی عبارت از محل کوچکی در گوشه^۴ مدرسه دارالفنون تهران بوده که در حدود ۱۴ هزار جلد کتاب چاپی و ۳۰۰ جلد کتاب خطی داشت و بنام (کتابخانه^۴ عمومی معارف) معروف بود .

۳۱ خرداد ۲۴۹۵

بر اساس فرمان رضا شاه کبیر وزارت فرهنگ تصمیم به احداث کلاس‌هایی به نام اکابر برای آموزش بزرگسالان گرفت در این کلاسها بیسوادان ۱۸ تا ۴۰ سال قادر به تحصیل بودند .

۲۴۹۶ شاهنشاهی

۲۷ خرداد ۲۴۹۶

در تالار اجتماعات دانشسرای تهران به مناسبت هفتصدمین سال تالیف گلستان شیخ شیراز سعدی ، مراسمی بر پا شد که در آن جمع زیادی از ادبا و سعدی شناسان داخلی و خارجی حضور داشتند . در این مراسم به فرمان رضا شاه کبیر تعداد زیادی از کتابهای گلستان بوستان اثر سعدی که توسط وزارت معارف طبع شده بود برای پراکنان برای مدارس و موسسات ادبی و فرهنگی ارسال شد .

طی مراسمی اولین درجه دکتراى افتخارى دانشگاه تهران به دو تن از ادبای فرانسوى اعطاشد. در این روز " اندره اونورا " شخصیت برجسته فرهنگى فرانسه و پروفیسور " هانرى ماسه " مستشرق فرانسوى که به فرمان رضا شاه کبیر به ایران دعوت شده بودند، درجه دکتراى افتخارى گرفتند و در این مراسم، کتب ذیقیمتى که در فرانسه در باره ایران طبع شده بود به دانشگاه تهران اهداء شد.

۳ شهریور ۲۴۹۶

کتابخانه ملی در اجرای فرمان شاهنشاه پهلوى در محل امروزی آن، متصل به موزه ایران باستان گشایش یافت و برای استفاده عمومى، به ملت ایران اهداء شد. پس از گشایش کتابخانه ملی در ساختمان کنونى آن، سیزده هزار جلد از کتابهای کتابخانه سلطنتى و پنجهزار جلد کتابهای بانک استقراضى روس به فرمان رضا شاه کبیر به آن کتابخانه منتقل گردید و اساس گنجینه کتابخانه ملی شد.

با پایان یافتن ساختمان کتابخانه ملی که در حقیقت (کتابخانه مادر) محسوبش باید داشت آقای حبیب یغمائى (مدیر مجله یغما) برای ماده ی تاریخ آن، این ابیات را سرود که به خط (امیرالکتاب) روی سنگ مرمر کردند و بر پیشانی ساختمان کتابخانه نصب کردند.

رضا شاه، شاهنشاه پهلوى
که از فراو یافت ایران، نوی:

بى افکند از نظم کاخى بلند
که از باد و باران نیابد گزند...

ز فردوسى آموز تاریخ آن
میاسای ز آموختن یک زمان

که آخرین مصراع (میاسای ز آموختن یک زمان) برابر است با ۱۳۱۶ (شمسى) یعنی تاریخ تاسیس و افتتاح کتابخانه ملی ایران.

۲۲ دی ۲۴۹۷

به فرمان رضا شاه کبیر و به موجب تصویب نامه هیئت وزیران سازمانی به نام سازمان پرورش افکار به منظور روشن کردن اذهان عمومی به فواید کتاب جهت افزایش اطلاعات عمومی و ترقی سطح فرهنگ تاسیس گردید. و اولین اعضای سازمان پرورش افکار عبارت بودند از دکتر عیسی صدیق، دکتر شایگان - دکتر آشتیانی و بدیع الزمان فروزانفر که تحت نظر دکتر احمد متین دفتری انجام وظیفه می کردند.

فکر تاسیس سازمان پرورش افکار اندیشه‌ی صحیحی برای رسوخ دادن کتاب و مطالعه در توده ملت بود و هر هفته یکی از فضلا و ادبای بنام ایران در جلسات سازمان سخنرانی می کرد.

۱۶ بهمن ۲۴۹۷

دانشگاه تهران در چهارمین سال تاسیس خود، برای اولین بار مورد دیدار شاهنشاه آریامهر قرار گرفت که در آن زمان عنوان والا حضرت همایون ولایتعهد داشتند. از قسمت های مورد دیدار والا حضرت همایون کتابخانه دانشگاه بود که فرمودند بر تعداد کتابها مخصوصا کتابهای مورد احتیاج دانشجویان افزوده شود.

۳ خرداد ۲۴۹۸

کتابخانه ملی مورد دیدار والا حضرت همایون ولایتعهد (شاهنشاه آریامهر) واقع شد. در اینروز ولایتعهد ایران که توجه و علاقه خاصی به کتاب و کتابخانه ابراز می داشتند، پس از دیدار از موزه ایران باستان به کتابخانه ملی تشریف فرما شده و پس از ملاحظه کتاب های نفیس دست نویس موجود در کتابخانه به کاخ سلطنتی مراجعت فرمودند.

۲۷ تیر ۲۴۹۸

اولین کتابخانه مطبوعاتی در ایران در واحد انتشاراتی اطلاعات به همت مرحوم عباس مسعودی بنیان گذار اطلاعات بوجود آمد و چون همگان قادر به استفاده از این کتابخانه بودند، جمع زیادی از رجال سیاسی و علمی و ادبی تعداد زیادی از کتب کتابخانه‌های اختصاصی خود را به آن اهداء کردند.

شاهنشاهی ۲۴۹۹

۸ اردیبهشت ۲۴۹۹

کتابهایی که برای استفاده از مطالب آن در دانشگاه تهران از ممالک اروپائی و آمریکائی و چندکشور آسیائی خریداری شده بود از شرفعرض رضاشاه کبیر گذشت و برای استفاده کاملتر از این کتب اوامری صادر کردند .

۵ مهر ۲۴۹۹

شورای عالی معارف به ریاست ممتاز و باحضور معاونان آن وزارتخانه تشکیل شد و در باره لزوم تسریع در امر بنای کتابخانه برای دانش آموزان و محصلین تبادل نظر به عمل آمد تا در اجرای اوامر رضا شاه کبیر اقدام شود .

۱۹ آذر ۲۴۹۹

در کرمانشاه یک کتابخانه عمومی که برای استفاده آحاد ملت تاسیس شده بود به نام نامی شاهنشاه توسط والی کرمانشاه افتتاح شد .

شاهنشاهی ۲۵۰۰

۱۶ مرداد ۲۵۰۰

به دستور رضا شاه کبیر، برای چاپ و انتشار سخنرانی‌هایی که در سازمان پرورش افکار ایراد شده بود، هیاتی از رجال علمی و ادبی به ریاست علی منصور، نخست وزیر وقت تشکیل شد و قرار شد که کتابهای چاپ شده در شهرستانها توزیع شود .

۵ مهر ۲۵۰۰

به منظور استفاده از کتابهای گرانبهای خطی به زبان فارسی و برای اینکه این قبیل کتابها که نسخه‌های آنها منحصر به فرد و کمیاب است، در دسترس عموم قرار گیرد، کمیسیونی از دانشمندان و محققین به فرمان شاهنشاه آریامهر که به تازگی به سلطنت رسیده بودند تشکیل شد تا صورتی از این قبیل کتب تعیین کنند. برای اجرای سریع این فرمان، شاهنشاه عطیه‌ای کافی مرحمت فرمودند و مقرر داشتند که از محل فروش کتابها، اقدام به چاپ و انتشار کتابهای دیگری شود .

۹ مهر ۲۵۰۰

در دومین ماه سلطنت شاهنشاه آریامهر، به فرمان معظم له، مبلغ ده میلیون ریال برای کمک

به آموزگاران و دبیران باز نشسته اختصاص داده شد تا آنان بتوانند با فراغ بال به تصحیح و تنقیح کتب درسی بپردازند .

۱۱ مهر ۲۵۰۰

شاهنشاه آریامهر مقرر فرمودند، بودجه‌ای تعیین گردد تا از محل آن اقدام به تشویق و ترغیب ادبا و نویسندگان و دانشمندان گردد و برای اینکه این کار صورت رسمی پیدا کند مقرر فرمودند که هیاتی از دانشمندان و اشخاص صلاحیت دار به بررسی آثار ادبی و هنری هر ساله بپردازند .

۱۲ مهر ۲۵۰۰

چون آموزگاران و معلمین و دبیران برای تدریس بهتر وسائل و کتبی را که مورد نیازشان بود در اختیار نداشتند، شاهنشاه آریامهر مقرر فرمودند که وزارت فرهنگ در کلیه مدارس و آموزشگاه‌ها، اقدام به تاسیس کتابخانه‌هایی کند تا وسائل مطالعه معلمین فراهم گردد. در اجرای فرمان شاهنشاه، از محل عطیه ملوکانه به هر دبستان و دبیرستان و آموزشگاه تعداد ۵۰ جلد کتاب مربوط به دروس مختلفه داده شد تا به تدریج، توسط اولیای مدرسه تکمیل شود .

۱۶ مهر ۲۵۰۰

فرمان تاریخی شاهنشاه آریامهر در مورد حفظ و نگهداری کلیه آثار ملی و یادگارهای گذشته از جمله، کتابهای نفیس و ارزشمند قدیمی و سعی در تکثیر و توزیع آنها شرف صدور یافت.

۲۳ مهر ۲۵۰۰

به فرمان شاهنشاه آریامهر، کتابخانه بانک ملی که دارای ۱۱ هزار جلد کتب مختلفه ادبی و اقتصادی و تاریخی و جغرافیایی و علمی و فنی بود، برای استفاده عموم آزاد شد.

۲۴ آبان ۲۵۰۰

شاهنشاه آریامهر در اولین پیام رادیویی به مناسبت چهارم آبان فرمودند (. . . . من ترقی فرهنگ کشور را به معنی اعم که موجب هرگونه پیشرفت و سعادت ملل است هدف نیت خود قرار داده‌ام و عموم طبقات ملت را دعوت می‌کنم که در این نیت ترقی پرورانه با من مساعدت نمایند)

۲۸ آبان ۲۵۰۰

برای تهیه کتبی جهت روشن کردن افکار مردم و ترویج ملکات فاضله میان طبقات مختلف مردم، به فرمان شاهنشاه آریامهر اقدام به ایجاد هیاتی از برجسته‌ترین دانشمندان و ادبا

گردید ، تا به ترجمه کتب مفید از زبانهای بیگانه بپردازند .
هیاتی که مامور تحقیق و انتخاب این قبیل کتب شد عبارت بودند از :
دکتر نصر مدیر کل وزارت فرهنگ - وحید الملک شیبانی استاد دانشگاه - علی پاشا صالح
و سعید نفیسی استادان دانشگاه - دکتر فرهمندی مدیر کل وزارت فرهنگ .
این هیات در حضور سید محمد تدین وزیر فرهنگ تشکیل شد و قرار شد که در درجه
اول ترجمه کتابهای شرح حال بزرگان جهان و کتابهایی که برای تکمیل معلومات دانش
آموزان مدارس و جوانان ، به زبانهای بیگانه نوشته شده ، تهیه شود و قرار شد هر یک از
اعضاء هیات لیستی از این کتب تهیه کنند .

۲۴ آبان ۲۵۰۰

کمیسیون ویژه ای برای تالیف و چاپ کتابهای درسی به تعداد ۳۹ جلد برای دوره اول و
۲۰ جلد برای دوره دوم دبیرستان در وزارت فرهنگ تشکیل شد .

۱۷ بهمن ۲۵۰۰

فرمان شاهنشاه دایر به توسعه دانشگاه تهران و تجهیز و تکامل سازمانهای وابسته به آن
دانشگاه ، از جمله کتابخانه دانشگاه صادر گردید .

۲۵۰۱ شاهنشاهی

۲ آذر بهشت ۲۵۰۱

تاسیسات دانشگاه تهران مورد دیدار شاهنشاه آریامهر قرار گرفت . هنگام دیدار از کتابخانه
آن دانشگاه شاهنشاه ضمن صدور اوامری برای توسعه هر چه بیشتر کتابخانه برای استفاده
دانشجویان ، خطاب به اولیای دانشگاه تهران فرمودند :

(جوانانی که وارد دانشگاه می شوند ، نباید دماغشان سوخته شود ، مخصوصاً با آنها
که به دانشکده حقوق می آیند ، باید طوری رفتار و سلوک شود که مفهوم راستین " حق " را
دریابند و برای کارهای قضائی ، با آزادی کامل تربیت شوند)

۱۱ خرداد ۲۵۰۱

اداره کل انتشارات و تبلیغات اعلام کرد که کلیه کتابهایی که در نیمه قرن اخیر ، (قرن
بیستم میلادی) تالیف یا ترجمه شده است از سوی آن اداره ، به صورت برنامه های ادبی
معرفی می شود تا سایرین تشویق به تالیف و تحقیق و تصنیف شوند و برای این منظور اقدام
به معرفی شرح حال مولفین و مصنفین گردید .

۲۴ تیر ۲۵۰۱

بنا به تقاضای زندانیان برای داشتن یک کتابخانه، از محل عطیه و ویژه‌ای که شاهنشاه آریامهر مقرر فرمودند، در زندان مرکزی اقدام به تاسیس یک کتابخانه شد.

۲۵ آبان ۲۵۰۱

در جریان افتتاح دانشکده معقول و منقول، وقتی یک جلد کلام الله مجید نفیس به خط (ابن عاشور) که از شاهکارهای خط است تقدیم حضور همایونی شد، شاهنشاه عطیه مخصوصی برای توسعه کتابخانه دانشکده مرحمت فرمودند.

۱۵ بهمن ۲۵۰۱

در جریان برگزاری مراسم جشن تاسیس دانشگاه تهران شاهنشاه آریامهر طی بیاناتی در مورد لزوم توجه بیشتر نوجوانان و جوانان مخصوصاً دانشجویان به مطالعه فرمودند؛ (.. دانشگاه سرچشمه عظمت و سعادت مملکت است و مرکز و دستگاهی که می‌تواند جوانان و فرزندان این آب و خاک را در مه‌د تربیت خود به‌روراند...)

۲۵۰۲ شاهنشاهی

۱۲ فروردین ۲۵۰۲

انجمن روابط ایران و آمریکا برای تفهیم و توسعه بیشتر امور فرهنگی میان دو کشور، از جمله مبادله کتب منتشره دو کشور، در تهران گشایش یافت.

۱۷ خرداد ۲۵۰۲

در جریان سفر شاهنشاه آریامهر به اصفهان، هنرستان هنرهای زیبا و کتابخانه اصفهان مورد دیدار شاهنشاه قرار گرفت و شاهنشاه توجه متمکنین اصفهانی را به گسترش و توسعه و تجهیز کتابخانه‌ی شهر که متناسب با سابقه تاریخی و تعداد جمعیت شهر نبود جلب کردند.

۵ مرداد ۲۵۰۲

لایحه تعلیمات اجباری و مجانی در سراسر کشور به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

۲۶ مرداد ۲۵۰۲

وزارت فرهنگ در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر، عده‌ای از دانشمندان و ادبا و محققین معروف را مامور کرد تا برای ایجاد تحولی در امر آموزش موثرتر اقدام به تالیف کتابهای دبستانی نمایند.

اول مهر ۲۵۰۲

شاهنشاه آریامهر، در شرفیابی وزیر فرهنگ به پیشگاه همایونی، اوامری در باره تامین کتاب‌های کلاسیک، صادر فرمودند.

۹ مهر ۲۵۰۲

قرائت خانه و کتابخانه شهر تهران افتتاح شد.

۹ مهر ۲۵۰۲

از محل عطیه مخصوصی که شاهنشاه آریامهر به استدعای خلیفه گری آرامنه مقرر فرمودند در محل کلوب آرامنه تهران اقدام به تاسیس کتابخانه شود.

۱۰ مهر ۲۵۰۲

در جریان سفر شاهنشاه آریامهر به مشهد، هنگام دیدار از آرامگاه فردوسی طوسی، مطالبی در مورد توسعه کتابخانه فردوسی از سوی شاهنشاه آریامهر صادر شد.

۱۳ مهر ۲۵۰۲

در جلسه شورای عالی مدرسه سپهسالار در تهران با حضور آقای دکتر علی اکبر سیاسی وزیر فرهنگ، آقای محسن صدرالاشراف وزیر دادگستری و کلیه استادان و مدرسان آن مدرسه، قرار شد در باره اجرای طرح توسعه و گسترش کتابخانهی مدرسهی سپهسالار اقدام شود.

۱۴ مهر ۲۵۰۲

شورای عالی مدرسه سپهسالار با حضور آقای صدرالاشراف وزیر دادگستری تشکیل شد و تصمیم گرفته شد که در اجرای فرمان مخصوص شاهنشاه نسبت به توسعه کتابخانه برای رفع احتیاجات طلاب علوم دینی تامین اعتبار شود.

۲۷ مهر ۲۵۰۲

در انجام برنامه ترغیب بیشتر جوانان دانشجو و دانش آموز به مطالعه کتاب، ساعات کار کتابخانهی ملی به دو برابر افزایش یافت.

۴ آبان ۲۵۰۲

به فرمان شاهنشاه آریامهر برای گسترش انتشار کتب در سراسر کشور، دستور داده شد که به معرفی کتابها و نویسندگان اقدام شود و به این منظور یک برنامه ادبی تحت عنوان (ادبیات امروز) در رادیو ترتیب داده شد و اولین برنامه را دکتر لطفعلی صورتگر اجرا کرد.

۲۵۰۲ بان ۱۱۲

کتابخانه ملی مورد باز دید قرار گرفت و کفیل وزارت فرهنگ آقای (وحید) و رئیس کل کتابخانه گزارش به شرفعرض شاهنشاه آریامهر رسانیدند .

۲۵۰۲ بان ۱۱۳

به منظور تهیه مقدمات تعلیمات عمومی اجباری بطور رایگان ، به فرمان شاهنشاه آریامهر در شهرهای تهران ، تبریز ، اصفهان ، مشهد ، رضائیه ، همدان ، شیراز ، رشت ، سنندج ، اراک ، ساری و کرمان به ایجاد کلاسهای اقدام شد و از طرف وزارت فرهنگ یک هیات مامور تهیه کتابهای مختلف مورد نیاز شدند .

۲۵۰۲ بان ۱۲۱

نمایشگاهی از کتابهای متفقین در زمان جنگ ، در تهران تشکیل شد .

۲۵۰۲ بان ۱۲۲

یک نسخه از ترجمه کتاب "مجالس النفائس" اثر امیر علیشیر نوائی از آثار قرن نهم هجری که از تذکره‌های مهم جهان است توسط جمال حسنوتارای سفیرکبیر ترکیه در ایران به عنوان هدیه وزارت فرهنگ ترکیه به وزارت فرهنگ ایران اهدا شد و عنوان گردید که "مجالس النفائس" گرانبهارترین اثر مربوط به قرن نهم هجری است .

۲۵۰۲ بان ۱۲۲

در محل کافه شهر داری (تئاتر شهر امروزی) نمایشگاه بزرگ ادبی و هنری دولتهای متفق به نام شاهنشاه توسط آقای حسین علاء وزیر دربار شاهنشاهی افتتاح شد . در این نمایشگاه تعداد زیادی از کتب به زبان خارجی که در باره ایران و تاریخ و تمدن ایران نوشته شده بود و همچنین تابلوهایی که از مناظر و بناهای تاریخی و باستانی ایران ترسیم شده بود به تماشا گذاشته شده بود .

۲۵۰۲ بان ۱۲۹

در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر ، نسبت به توسعه کتابخانه مجلس شورای ملی و ازدیاد کتب و تعویض و تعمیر کتابهای مستعمل ، از سوی هیئت رئیسه مجلس شورای ملی اقدام شد .

۲۵۰۲ دی ۶

اقدامات سفارت شاهنشاهی ایران در برن (سوئیس) برای تدریس زبان فارسی زهر دانشگا، ژنو به نتیجه مثبت رسید و سید محمد علی جمال زاده مامور تدریس زبان فارسی شد و به فرمان ملوکانه مقادیری از کتابهای مورد نیاز به ژنو ارسال گردید .

۲۵ دی ۲۵۰۲

اولین برنامه فرهنگی و آموزشی برای معرفی و بحث پیرامون کتابهای مختلف درسی و غیردرسی به منظور تشویق مردم به کتاب خوانی در رادیو تهران اجرا شد و اولین سخنران دکتر علی کنی بود.

۱۶ بهمن ۲۵۰۲

در دانشسرای تهران جشن سالیانه فرهنگ برپا شد و به استدعای دکتر صدیق اعلم وزیر فرهنگ، شاهنشاه برای تکمیل کتابهای کتابخانه دانشسرا مبالغی اهدا فرمودند.

۲۶ بهمن ۲۵۰۲

به دعوت دولت ایران یک هیات از دانشمندان و نویسندگان هندوستان برای دیداری از مراکز ادبی و کتابخانه‌های دائر خصوصی و عمومی ایران وارد تهران شدند.

۲۵۰۳ شاهنشاهی

۲۵ اردیبهشت ۲۵۰۳

کتابخانه شیراز در جریان سفر شاهنشاه آریامهر به استان فارس مورد دیدار شاهنشاه قرار گرفت و در پایان این دیدار، شاهنشاه برای تکمیل و تجهیز آن کتابخانه مبالغی مرحمت فرمودند.

۲۶ اردیبهشت ۲۵۰۳

مقدمات انتشار سلسله کتابهایی از سوی فرهنگستان ایران توسط استاد پور داود استاد محمدحجازی و استاد علی اصغر حکمت، برای شناساندن بیشتر ادبیات و فرهنگ و تاریخ ایران فراهم گردید.

۲۸ اردیبهشت ۲۵۰۳

بر اساس فرمان شاهنشاه که در آن هنگام در سفر اصفهان بودند و بنا به استدعای فرهنگیان شهرستان، مقدمات تاسیس کتابخانه مجهزی از محل عطیه ملوکانه در اصفهان فراهم شد.

۳ خرداد ۲۵۰۳

در جلسه فرهنگستان که به ریاست ادیب السلطنه سمعی تشکیل شد آقای پورداود استاد دانشگاه درباره کتابهای ایرانی در کتابخانه‌های هندوستان و اهمیت زبان فارسی کنفرانسی ترتیب داد و آنگاه کتابهایی که از هندوستان آورده شده بود، به صورت یک نمایشگاه نمایش داده شد.

۲ مرداد ۲۵۰۳

حاج آقا حسین ملک، اسناد رسمی باغ ملی را که توسط شهرداری در مقابل طلب وی واگذار کرده بود، وقف کتابخانه ملی کرد و با کسب اجازه از پیشگاه شاهنشاه آریامهر مقدمات احداث یک کتابخانه بزرگ عمومی در باغ فراهم شد.

۳ مهر ۲۵۰۳

ازسوی ایران آقای عباس اقبال آشتیانی برای شرکت در هزارمین سال ابوالعلاء معری با کتابهایی که در ایران در باره او نوشته شده بود به سوریه رفت.

۷ مهر ۲۵۰۳

به فرمان شاهنشاه آریامهر برای توسعه روابط بیشتر فرهنگی میان ایران و کشور هندوستان و مبادله کتابهای منتشره علمی و ادبی، یک کمیسیون عالی از اعضای اعزامی به هندوستان با حضور کاظمی وزیر فرهنگ تشکیل شد.

۹ آبان ۲۵۰۳

شهرداری برای تاسیس یک کتابخانه و قرائت خانه عمومی، تامین اعتبار نمود. این کتابخانه در برزن هفت تهران برای استفاده عموم ایجاد شد.

۱۴ آبان ۲۵۰۳

دراجرای اوامرشاهنشاه وزارت فرهنگ، برای اجرای ماده دوازده قانون تعلیمات اجباری، جهت باسواد کردن کارگران کارخانجات ملی شروع به اقدام کرده و از محل عطیهی ملوکانه، کتابهای لازم برای کلاسهای ترتیب یافته خریداری و توزیع شد.

۱۶ آبان ۲۵۰۳

هباتی به منظور تصحیح و تکمیل کتب درسی دبیرستانی براساس کتب درسی معالک لاتین و انگلو ساکسون تعیین شدند و شروع بکار کردند.

۲۸ آبان ۲۵۰۳

از سوی شورای فرهنگی بریتانیا، بر اساس موافقت نامه فرهنگی امضاء شده میان دو کشور ایران و انگلستان یک پارتی کتب نفیس برای کتابخانه شهر تهران به شهرداری اهداء شد.

۲ اسفند ۲۵۰۳

وزارت فرهنگ درصدد تدوین یک دایره المعارف جامع مربوط به ایران برآمد و دکتر عیسی

صدیق وزیر فرهنگ وقت، از متخصصین هر علم ورشته دعوت عام به عمل آورد تا جمع -
آوری و تدوین قسمت‌های تخصصی کتاب را آغاز کنند .

۴ اسفند ۲۵۰۳

در انجمن آثار ملی، مذاکرات مفصل برای تهیه مقدمات جشن‌های هزار ساله ساختمان
آرامگاه ابوعلی سینا و نشر آثار آن فیلسوف بزرگ که شاهنشاه آریامهر فرمان برگزاری مراسم
آنرا صادر فرموده بودند، صورت گرفت و تصمیمات نهایی گرفته شد .

۹ اسفند ۲۵۰۳

چون کتب دبستانها و دبیرستانها طوری چاپ می‌شد که در غیرموقع در دسترس محصلین
قرار می‌گرفت و سبب کندی کار تحصیل می‌شد، وزارت فرهنگ تصمیم گرفت که براساس
فرمان صریح شاهنشاه آریامهر، چاپ کتب درسی را به موسسات فنی و علمی واگذار کند و
با موافقت وزارت دارائی برای تامین اعتبار لازم برای اینکار دستور اجرای فرمان ملوکانه
داده شد .

۱۵ اسفند ۲۵۰۳

چون بر طبق دستور شاهنشاه مقرر گردید کتابهای کتابخانه سلطنتی مورد استفاده عموم
فضلا و پژوهندگان قرار گیرد، وزارت دارائی به فرمان شاهنشاه مقدمات بنای کتابخانه
تازه ای را در کاخ گلستان فراهم کرد . هزینه ایجاد این کتابخانه ۶۰۰ هزار تومان بود .

۲۵۰۴ شاهنشاهی

۸ فروردین ۲۵۰۴

به فرمان شاهنشاه آریامهر، برای اینکه کتب موثرتر، مفیدتر و معتبرتری برای تدریس در مدارس
و آموزشگاه‌ها نوشته شود شورائی بنام شورای عالی فرهنگ تشکیل شد .

۱۸ فروردین ۲۵۰۴

دولت ایالات متحده آمریکا تعداد دوپست و پنجاه جلد کتاب های تاریخی و علمی و
ادبی و صنعتی برای استفاده دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران، اهداء کرد .

۲۲ فروردین ۲۵۰۴

برای اینکه در امر انتخاب اراضی مناسبی برای کتابخانه‌ها تحقیق کافی شود، یک هیات
متخصص به کلیه شهرستانها اعزام شدند .

۱۰ اردیبهشت ۲۵۰۴

دویست و سیزده جلد کتاب از سوی وزارت فرهنگ انگلستان به فرهنگستان ایران تقدیم شد که شامل کتبی در ریاضیات، ادبیات، فلسفه و علوم بود.

۱۸ اردیبهشت ۲۵۰۴

اولین سری از کتابهای اهدائی انجمن فرهنگ ایران و شوروی به فرهنگستان ایران تحویل شد. قسمت عمده این کتابها توسط علمای روسی در باره ایران نوشته شده بود.

۲۶ خرداد ۲۵۰۴

برای اولین بار در ایران نسبت به آموزش و پرورش کودکان غیر دبستانی اقدام شد، و در جلسهای که به همین مناسبت در انجمن دانشوران که با حضور صدراالاشراف نخست وزیر وقت تشکیل شد، تصمیم گرفته شد برای اجرای منویات شاهنشاه آریامهر، نسبت به تنظیم کتابهایی برای کودکان و خردسالان اقدام شود.

۱۵ تیر ۲۵۰۴

کتابخانه جدید حضرت عبدالعظیم افتتاح شد. این کتابخانه که دارای تعداد زیادی کتب فرسوده بود، در جریان یک دیدار شاهنشاه مورد توجه واقع شد و مقرر شد که نسبت به اصلاح و تجلید مجدد کتب و افزایش تعداد کتابهای کتابخانه حضرت عبدالعظیم هر چه زودتر اقدام شود.

۱۴ مرداد ۲۵۰۴

کتابخانه‌ای در شمال شهرگشایش یافت که نیمی از هزینه تاسیس آن از محل عطیهای بلوکانه و نیمی دیگر از محل کمک های مردم محل و خود یاری ساکنان شمال شهر تامین شد. این کتابخانه در محل (باغ فردوس) تاسیس شد.

۲۲ شهریور ۲۵۰۴

یک هیات عالیرتبه فرهنگی برای صورت برداری از کتابهای ایرانی موجود در کتابخانه‌های خارج از کشور مامور شدند.

۱۵ مهر ۲۵۰۴

به فرمان شاهنشاه آریامهر، جهت آشنائی خاور شناس معاصر (هانری کرین) اهل فرانسه که همه عمر خود را وقف تحقیق در باره ایران و ادبیات و ادبای ایران مخصوصاً شیخ شهاب‌الدین سهروردی کرده بود. وی به ایران دعوت شد و این راه تازه‌ای برای مفسرین بیشتر ادبیات ایران ادبای ایران در یک سطح وسیع جهانی بود.

۳۰ مهر ۲۵۰۴

برای اولین بار یک هیات فرهنگی و ادبی از ایران، برای شرکت در جلسات کنفرانس فرهنگی ملل متفق که در لندن تشکیل شده بود به انگلستان رفت. هیات فرهنگی ایران گزارش اقدامات و عملیات فرهنگی ایران را در طول چهار سال سلطنت شاهنشاه آریامهر به کنفرانس فرهنگی داد.

۱۷ اسفند ۲۵۰۴

در مجلس شورای ملی کمیسیون محاسبات مجلس تشکیل جلسه داد تا در باره لایحه چاپ فرهنگ دهخدا مذاکره شود. در این جلسه اعلام شد که ۵۰۰۰۰۰ ریال فیش فرهنگ آماده است و ۸۰۰ هزار فیش دیگر نیز در دست تهیه است. کمیسیون محاسبات اعلام کرد که مبلغ ۶ میلیون ریال هزینه چاپ فرهنگ دهخدا برآورد شده است که در مدت ۴ سال باید فرهنگ چاپ شود و در همان جلسه مبلغ ۲۵۰ هزار ریال برای فراهم کردن مقدمات چاپ فرهنگ اختصاص داده شد تا بعد از تصویب مجلس بقیه بودجه تامین شود.

۱۲ اسفند ۲۵۰۴

به فرمان شاهنشاه آریامهر تعداد زیادی از کتب و رسالات علمی و فنی و کشاورزی که از سوی متخصصین و کارشناسان در ایران تدوین و چاپ شده بود، بطور رایگان در اختیار کلبه کتابخانه‌های کشور، جهت استفاده‌ی علاقه‌مندان گذاشته شد.

۲۲ اسفند ۲۵۰۴

از سوی وابستگی اطلاعات سفارت فرانسه تعداد ۲۶۷ جلد کتابهای ادبی و علمی و حقوقی و اجتماعی به دانشگاه تهران اهداء شد.

۱۵ اسفند ۲۵۰۴

جمعیت پرورش کودک باهدف تربیت جسم و روح کودکان از راه توسعه و تقویت آموزشگاهها و مراکز تربیتی مخصوص، گشایش یافت.

۲۵۰۵ شاهنشاهی

۴ فروردین ۲۵۰۵

در جریان دیدار شاهنشاه آریامهر از موزه‌ی ایران باستان، بیست کتیبه بزرگ و چهل کتیبه‌ی کوچک و تعداد زیادی از کتب نفیس متعلق به آستان قدس رضوی (مشهد) از نظر شاهنشاه گذشت.

اول اردیبهشت ۲۵۰۵

برای آغاز عملیات احداث ساختمان کتابخانه ملی در شیراز، اعتبار کافی از سوی دولت تامین شد و بعدها با تامین کسری آن با مراحم شاهنشاه، کار احداث کتابخانه پایان یافت.

۲۲ اردیبهشت ۲۵۰۵

انجمن نشر کتاب در تهران تاسیس شد و اساسنامه آن انتشار یافت هدف این انجمن که در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر به وجود آمد، انتشار آثار بزرگان علم و ادب خارجی است و به علت دقت و علاقه مندی خاصی که در گزینش این آثار از سوی اعضاء انجمن معمول می شود، کلیه آثار منتشره انجمن نشر کتاب با استقبال عمومی روبرو شده است.

۹ خرداد ۲۵۰۵

انجمن روزنامه نگاران ایران برای تقویت مبانی فرهنگی و ادبی افتتاح شد.

۴ تیر ۲۵۰۵

اولین کنگره نویسندگان ایران گشایش یافت و در این کنگره برای افزایش میزان فعالیت های ادبی برای ایجاد و چاپ و تکثیر آثار جدید و قدیمی به منظور ارشاد بیشتر نسل جوان بخصوص دانش آموزان و دانشجویان تصمیمات مهمی اتخاذ شد.

۸ تیر ۲۵۰۵

با کسب اجازه از پیشگاه شاهنشاه آریامهر، وزارت فرهنگ از همه استادان دانشگاه، دبیران و مولفان در امر تنظیم کتب مفیدتری برای تدریس در آموزشگاه ها دعوت کرده و اعلام کرد که تالیف کتب درسی آزاد است.

به این ترتیب انحصار کتابهای درسی که از زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر مرسوم شده بود ملغی و تعداد زیادی کتب در رشته های مختلف ادبی، ریاضی، طبیعی و علمی تالیف شد.

۱۳ شهریور ۲۵۰۵

در جریان دیدار شاهنشاه آریامهر از آسایشگاه مسلولین و بیماران ربوی در شاه آباد (که ملک آن را نیز شاهنشاه از املاک اختصاصی اهداء فرموده بودند) به استدعای تنی چند از بیماران، شاهنشاه مقرر فرمودند برای رفاه حال و تامین سرگرمی سالم جهت بیماران و کادر اداری آسایشگاه کتابخانه ای ایجاد شود.

شاهنشاهی ۲۵۰۶

۳ اردیبهشت ۲۵۰۶

به فرمان شاهنشاه آریامهر، از خدمات فرهنگی و ادبی دو تن از اساتید بزرگ ایران استاد عبدالعظیم خان قریب و استاد ابراهیم پور داود تجلیل شد.

۴ خرداد ۲۵۰۶

اولین کلنگ احداث دبستانهای مخصوص اجرای تعلیمات اجباری در کشور به زمین زده شد.

۱۴ تیر ۲۵۰۶

صورت مبالغ اعطائی شاهنشاه آریامهر در جریان سفر ملوکانه به آذربایجان انتشار یافت. این صورت به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بود و قسمتی از آن برای ایجاد کتابخانه اختصاص داشت.

۱۴ اسفند ۲۵۰۶

نمایشگاه کتابهای انگلیسی در کتابخانه ملی ایران گشایش یافت. قسمتی از این کتابها در مورد ایران و تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران نوشته شده بود.

شاهنشاهی ۲۵۰۷

۱۵ تیر ۲۵۰۷

مجلس شورای ملی، قبول عضویت قطعی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یعنی سازمان یونسکو را از سوی دولت شاهنشاهی ایران تصویب نمود.

۲۲ شهریور ۲۵۰۷

به فرمان شاهنشاه آریامهر کلاسهای تعلیماتی برای افراد عشایری گشایش یافت. برای تدریس در این کلاسها، هیاتی مامور تهیه و تدوین کتابهای ویژه‌ای شدند.

۲۲ آبان ۲۵۰۷

فرمان ملوکانه در مورد تاسیس دانشگاه روحانی در مسجد سهپسالار شرفصدور یافت و در جریان برگزاری مراسمی به همین منظور شاهنشاه آریامهر به اولیای امور دستور فرمودند که ابتدا می‌بایست مقدمات امر به خوبی فراهم شود و از جمله در تکمیل و تجهیز کتابخانه این دانشگاه زودتر اقدام گردد.

۲۵۰۸ شاهنشاهی

۱۸ فروردین ۲۵۰۸

در پیشگاه شاهنشاه گنجینه قرآن در کتابخانه ملی گشایش یافت ، در این گنجینه ، نفیس ترین قرآنهای موجود در کتابخانه‌های ملی و دولتی و شخصی جمع آوری شده بود .

۱۷ خرداد ۲۵۰۸

دولت شاهنشاهی ایران الحاق خود را به قرار داد بین‌المللی مبادله مدارک و نوشته‌های رسمی و هرگونه کتاب و نشریات علمی و ادبی اعلام کرد .

۱۱ تیر ۲۵۰۸

تالار بزرگ دانشکده ادبیات ، به پاس خدمات صادقانه و ارزشمند استاد فقید محمد قزوینی به نام او موسوم شد .

۱۰ شهریور ۲۵۰۸

موافقت‌نامه فرهنگی میان ایران و ایالات متحده آمریکا به امضاء رسید .

۲۵ آذر ۲۵۰۸

درسفر شاهنشاه آریامهر به ایالات متحده آمریکا ، هنگامی که دانشگاه میشیگان درجه دکترا را افتخاری به پیشگاه شاهنشاه تقدیم کرد . شاهنشاه فرمودند (. . .) بی شک همه میدانند از قرون اولیه ، باختریان از فرهنگ و کتابهای ایرانی ، آنچه را که منطبق با احتیاجات خود می‌یافتند ، اقتباس می‌کردند (. . . .)

۱۰ دی ۲۵۰۸

دولت شاهنشاهی ایران الحاق خود را به موافقت‌نامه تسهیل مبادلات بین‌المللی هرگونه کتاب و وسایل بصری و سمعی برای پیشرفت مقاصد تربیتی و علمی و فرهنگی عمومی اعلام کرد .

۱۵ بهمن ۲۵۰۸

هیات رئیسه دانشگاه به مناسبت جشن روز تاسیس دانشگاه به حضور شاهنشاه شرفیاب شدند و در این مراسم شاهنشاه ضمن ایراد بیاناتی پیرامون توسعه علم و دانش و افزایش سطح معلومات دانشجویان از راه افزایش کتاب و توسعه کتابخانه‌ها فرمودند (. . .) دانشگاه همچنانکه محل علم و دانش است باید در عین حال مرکز مملکت دوستی و وطن پرستی نیز باشد . جوانان این کشور و مخصوصاً دانشجویان باید با مطالعه مداوم ، با اسلام و قانون آشنا شوند و به زبور مبین پرستی آراسته باشند . . .

۲۵۰۹ شاهنشاهی

۲۰ اردیبهشت ۲۵۰۹

در برگزاری مراسم جشن روز اطفال از طرف جمعیت شیرو خورشید اعلام شد طرحی در دست تهیه و اقدام است، که براساس آن برای کودکان و نوجوانان کتابخانه‌های ویژه‌ای تاسیس خواهد شد.

۱۰ مرداد ۲۵۰۹

اولین کمک سازمان شاهنشاهی به وزارت فرهنگ برای تهیه کتابهای دبستانی به مبلغ ۲۰/۵۰۰ ریال پرداخت شد و تامین کتب لازم برای نوآموزان که یکی از وظائف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است هر ساله بطور مرتب و به نحو تصاعدی پرداخت بطوریکه در سالهای ۲۵۱۴ و ۲۵۱۵ میزان این کمک به مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال رسید.

۲۷ آبان ۲۵۰۹

یک هیات بزرگ فرهنگی، ادبی و هنری از هندوستان به دعوت دولت ایران به تهران وارد شد. تحقیقی در سیر پیشرفت‌های فرهنگی و ادبی ایران، از کارهای عمده‌ی این هیات بود.

۵ بهمن ۲۵۰۹

در اجرای فرمان همایونی و بر طبق تصویب نامه هیات وزیران در وزارت فرهنگ، اداره مستقلی بنام اداره کل هنرهای زیبای کشور با چاپخانه و کتابخانه مستقلی به وجود آمد. در شمار وظائف اداره تازه تاسیس، تامین کتب مورد نیاز هنری در ایران است.

۲۵۱۰ شاهنشاهی

۲ خرداد ۲۵۱۰

شورای عالی کتابخانه سلطنتی با حضور آقایان سید حسن تقی‌زاده، ابراهیم حکیمی، حسین سمیعی ادیب السلطنه، کاظمی وزیر امور خارجه، بدیع الزمان فروزانفر استاد دانشگاه دکتر هومن معاون وزیر دربار شاهنشاهی، نصرالله خلعتبری و مجتبی مینوی و بنا به دعوت وزارت دربار در کاخ گلستان تشکیل شد و در این جلسه قرار شد که مجتبی مینوی شروع به نوشتن فهرست کتابخانه سلطنتی کند.

۴ خرداد ۲۵۱۰

در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر در مورد تلاش بیشتر برای توسعه نفوذ کتاب در میان

طبقات مختلف ، برای اولین بار طرح کتاب توسط بنگاه کتاب در تهران شروع شد .

۷ خرداد ۲۵۱۰

مقدمات تاسیس کتابخانه بزرگ بابل فراهم شد .

۱۲ خرداد ۲۵۱۰

به مناسبت سالروز عید استقلال اردن ، دویست جلد از کتاب های تازه انتشار فارسی برای استفاده ی علاقه مندان ادبیات فارسی به عمان ارسال شد .

۱۴ خرداد ۲۵۱۰

جمعیت آناتول فرانس باحضور سعید نفیسی و به ابتکار خود او تشکیل شد . جمعیت آناتول فرانس اولین جمعیت کتاب دوست و کتاب خوان در ایران محسوب می شود .

۱۹ خرداد ۲۵۱۰

سفارت کبرای ایران در کراچی ۵۰۰ جلد کتاب فارسی به موسسه امور بین المللی پاکستان اهداء کرد و سر ظفراله خان وزیر خارجه پاکستان و آقای مسعود معاضد ، سفیر کبیر ایران در پاکستان در مورد توسعه ی روابط فرهنگی دو کشور و لزوم تماسهای بیشتر ادبی و هنری ایران و پاکستان سخنانی گفتند .

۲۱ خرداد ۲۵۱۰

آقای دکتر اوگدن رئیس بخش خاور نزدیک کتابخانه های کنگره آمریکا راجع به کتابخانه های ایران و اهمیت آن در خاور نزدیک سخنرانی کرد .

۲۲ خرداد ۲۵۱۰

به فرمان شاهنشاه آریامهر برای اطلاع همگانی از سازمان ملل متحد و چگونگی ایجاد آن سازمان کتاب تفسیر منشور و تشریح سازمان ملل متحد نوشته حسین علاء در یک تیراژ زیاد چاپ و برای همه آموزشگاه ها و موسسات فرهنگی و همگانی ارسال شد .

۲۳ خرداد ۲۵۱۰

کتابخانه ای از محل عطیه ملوکانه در مشهد گشایش یافت .

۲۵ خرداد ۲۵۱۰

قرار داد کمکهای فنی یونسکو برای ایران به امضاء رسید . بموجب این قرار داد سازمان فرهنگی یونسکو تعهد کرده که سیزده مشاور فنی برای امور کتابداری و تهیه و تنظیم کتابهای بخصوصی برای نوسوادان و بیسوادان به ایران اعزام دارد . برای اجرای برنامه های یونسکو

در ایران بودجه لازم تامین شد .

۳۰ خرداد ۲۵۱۰

سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره ، مجموعه‌ای از کتابهای فارسی برای استفاده اساتید و دانشجویان دانشگاه فاروق اول به کتابخانه آن دانشگاه اهداء کرد . این مجموعه شامل کتابهای تاریخی و ادبیات فارسی و مخصوصاً کتابهای تازه‌ای بود که درباره نفت و موقعیت سیاسی ایران به چاپ رسیده بود و بر اساس برنامه مبادلات ادبی و فرهنگی دو کشور ، اهداء شد .

۲ تیر ۲۵۱۰

شورای عالی کتابخانه سلطنتی تشکیل شدو در باره انتشار جلد اول تفسیر طبری و عکسبرداری از نسخه‌ی خطی آن مذاکراتی صورت گرفت و قرار شد مجتبی مینوی از نسخه خطی آن کتاب که در کتابخانه ملی استانبول (در ترکیه) محفوظ است نسخه برداری کند .

۶ تیر ۲۵۱۰

اعلام شد که جایزه‌ی ادبی (ریوارول) که هر ساله به یک نویسنده خارجی مقیم فرانسه داده می‌شود به خانم امینه پاکروان داده شد .

۱۰ تیر ۲۵۱۰

نمایشگاه کتاب های چاپی و کتابخانه و قرائت خانه‌ی فارسی که به امر شاهنشاه آریامهر در کراچی پاکستان احداث شده بود ، با حضور دو بیست تن از برجسته‌ترین دانشمندان و فضلا و محترمین توسط آقای معاضدسفر شاهنشاه آریامهر در پاکستان گشایش یافت و سرظفرالله خان وزیر خارجه‌ی پاکستان از ۵۰۰ جلد کتابهای اهدائی دولت شاهنشاهی اظهار سپاس کرد .

۱۶ تیر ۲۵۱۰

در جریان سفر مولانا ابوالکلام آزاد وزیر فرهنگ هندوستان از ایران کتابخانه‌های بزرگ ایران از جمله کتابخانه‌های مجلس سنا و دانشگاه و کتابخانه ملی مورد دیدار وی قرار گرفت .

۱۹ تیر ۲۵۱۰

مقدمات تاسیس یک کتابخانه در شاهی (از شهرهای مازندران) فراهم شد و اعتبار لازم برای احداث این کتابخانه از سوی سازمان برنامه تامین گردید .

۱ مرداد ۲۵۱۰

دکتر آوانس حق نظریان، استاد دانشگاه تهران و رئیس کتابخانه دانشسرای عالی با تصویب شاهنشاه آریامهر به ایالات متحده آمریکا سفر کرده تا مدت سه ماه در باره طرز تدریس زبان‌های سانسکریت، اوستا، ارمنی و روش تازه کتابداری مطالعه کند.

۲۹ مرداد ۲۵۱۰

اعلام شد که مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال در اختیار وزارت فرهنگ گذاشته شده است تا به مصرف تهیه و چاپ کتب چهار کلاس ابتدائی برسد. این کتابها پس از چاپ بطور رایگان به فرمان ملوکانه در اختیار نوآموزان قرار داده شد.

۱۱ شهریور ۲۵۱۰

به فرمان شاهنشاه آریامهر، به آقای راجیوت نویسنده کتاب "ایران امروز" نشان سپاس داده شد. این کتاب که در باره چگونگی تحولات ایران به رهبری شاهنشاه تنظیم شده بود در کراچی پاکستان انتشار یافته بود.

۲۰ آذر ۲۵۱۰

توسط چند تن از دانشمندان و ایران شناسان اروپائی کتابی به نام "روح ایران" تالیف شد که هر یک از ایران شناسان یک یا دو فصل آن را تنظیم کرده بودند. این کتاب در باره روح عالی و فرهنگ وسیع ایران تنظیم شده بود و نویسندگان آن عبارت بودند از: وته گروه رئیس جمعیت مطالعات ایرانی - ووشن ویلسون استاد بلژیکی دانشگاه لی یژ مادام گورا رهبر، و آندره گودار، رئیس سابق موزه ایران باستان، مسیوکتور رئیس افتخاری موزه‌های پاریس، لوئی ماسینیون خاورشناس فرانسوی، بیان ریپکا استاد دانشگاه پراگ (چک اسلواکی) هنری ماسه استاد السنه شرقی دانشگاه پاریس، آقای رشید یاسمی استاد ایرانی نیز با هیات ادبی مزبور همکاری داشت.

۱ بهمن ۲۵۱۰

به فرمان شاهنشاه آریامهر، دانشگاه تهران تعداد زیادی از کتب فارسی منتشره در سالهای مختلف را برای اهداء به بیست و پنج دانشگاه بزرگ هندوستان انتخاب و ارسال داشت این کتابها برائی تدریس زبان فارسی و ادبیات ایرانی در آن دانشگاهها، از جمله دانشکده هنرهای زیبای میسور هند برگزیده شده و در حدود سیصد جلد بود.

۷ بهمن ۲۵۱۰

از محل عطیه خاص ملوکانه که جهت افزایش کتابهای کتابخانه دانشگاه تهران مقرر فرموده

بودند . تعداد ۲۲۰ ۱۵ جلد کتاب تهیه گردید .

۱۵ بهمن ۲۵۱۰

آقای دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه تهران به مناسبت سالروز تاسیس دانشگاه تهران و به اتفاق اعضای شورای دانشگاه در کاخ مرمر بحضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شدند و سی و چهار جلد کتبی را که در طول سال تحصیلی از سوی استادان و مدرسان دانشگاه تهران به چاپ رسیده بوده به پیشگاه شاهنشاه تقدیم داشتند . در این مراسم شاهنشاه آریامهر ضمن ابراز تفقد نسبت به اعضای شورای عالی دانشگاه ، در مورد لزوم توجه و دقت و سرعت بیشتر در امر تنظیم چاپ کتابهای ارزشمند علمی و ادبی و تحقیقی برای آشنائی هر چه بیشتر دانشجویان و دانش پژوهان اوامری صادر فرمودند .

۱۸ بهمن ۲۵۱۰

ساختمان جدید التاسیس انجمن ایران در کلکته افتتاح شدو ۱۱۸ جلد کتابهای ادبی و تحقیقی تهیه شده توسط انجمن ایران در نمایشگاهی به نمایش گذاشته شد . در این مراسم اعلام شد که آثار ابوریحان بیرونی نیز که چاپ شده است ، برای تقدیم به پیشگاه شاهنشاه آریامهر به ایران فرستاده شده است .
از مهمترین آثار بیرونی التفهیم لاوایل الصناعته التنجیم_آثارالباقیه عن القرون الخالیه و تحقیق ماللهند بود .

۱۵ اسفند ۲۵۱۰

از سوی جواد عساری ورثه^۱ پروفیسور عبدالله عساری استاد السنه^۲ شرقی مسکو تعداد ۱۴۷ جلد کتاب نفیس و کمیاب به کتابخانهی ابوعلی سینا اهداء شد .

۲۸ اسفند ۲۵۱۰

مسعود معاضد سفیر شاهنشاه آریامهر در مصر ، با محمد رفعت پاشا وزیر فرهنگ آن کشور در اطراف کمکهای فرهنگی و مبادله^۳ کتابهای منتشره ی دو کشور به مذاکره پرداختند . و پیرامون تطبیق فرهنگ دو کشور وامکان استفاده از کتابهای ابتدائی و متوسطه^۴ یکدیگر تبادل نظر کردند و از سوی مصر ، تعداد زیادی از کتب تحقیقی و ادبی و علمی به ایران تحویل شد .

۱۰ فروردین ۲۵۱۱

قرار دادی برای طبع و توزیع کتابهای تعلیماتی و قرائتی با نظر مربیان ایرانی، میان دولت شاهنشاهی و اداره^۱ اصل چهار امریکا توسط دکتر حسابی وزیر فرهنگ ایران و مستر ویلهام وارن رئیس اداره اصل چهار امریکا امضاء شد.

۱۲ فروردین ۲۵۱۱

کتاب "ایران امروز" و ایران دیروز برای شناسانیدن ایران و پیشرفتهای همه جانبه ایران به مردم کشورهای دیگر به زبانهای انگلیسی، فرانسه، عربی، ترکی، و چند زبان دیگر انتشار یافت. این کتاب توسط علی سهیلی تنظیم شده بود.

۱۵ فروردین ۲۵۱۱

کتابخانه^۲ آستان قدس رضوی در جریان سفر شاهنشاه آریامهر به مشهد مورد دیدار شاهنشاه آریامهر قرار گرفت و از سوی شاهنشاه اوامری در جهت توسعهی بیشتر کتابخانه و همگانی کردن استفاده از آن صادر گردید.

۲۲ فروردین ۲۵۱۱

بر اساس تصمیم ششمین کنفرانس بین المللی بونسکو در پاریس و موافقت دولت سوئیس، کنفرانس بین المللی حق مولف در ژنو سوئیس دایر شد و به فرمان شاهنشاه آریامهر دکتر محمود مهران رئیس اداره^۳ سرپرستی محصلین برای شرکت در این کنفرانس از پاریس به سوئیس رفت.

۱۱ اردیبهشت ۲۵۱۱

آرامگاه سعدی شیرازی در حضور شاهنشاه آریامهر گشایش یافت و مقرر شد که مجموعه ای از آثار شیخ اجل از قدیمیترین ایام تا تازه ترین نمونه های آن گردآوری شود.

۱۲ اردیبهشت ۲۵۱۱

در جریان سفر شاهنشاه آریامهر به شیراز، کتابخانه^۴ ملی شیراز در پیشگاه شاهنشاه گشایش یافت. این کتابخانه با صرف هزینه ای به مبلغ دو میلیون ریال ایجاد شده و هنگام افتتاح دارای ۶۴۵۰ کتاب بود.

۳۰ اردیبهشت ۲۵۱۱

در پی اعلام دولت هندوستان که هردانشجو که زبان فارسی را در طول تحصیل دانشگاهی خود بیاموزد، ماهیانه ۷۵ روپیه کمک هزینه^۵ تحصیلی خواهد گرفت، به دستور شاهنشاه

آرپامهر تعداد زیادی کتابهای مناسب برای دانشجویان مایل به تحصیل زبان فارسی به آن کشور فرستاده شد .

۳ خرداد ۲۵۱۱

خانم دروتی تامپسون نویسنده آمریکائی در جریان یک مصاحبه اظهار داشت که شاهنشاه ایران ، یک رهبر دموکرات و علاقه‌مند به توسعه فرهنگ و ادبیات کشور خویش و در عین حال علاقه‌مند به قدرت همه‌جانبه کشور خویش است .

۴ خرداد ۲۵۱۱

مراتب رضامندی خاطر ملوکانه در جریان سفر شیراز توسط وزارت دربار شاهنشاهی به این شرح به وزارت فرهنگ ابلاغ شد تا مراحم ملوکانه را به اداره فرهنگ شیراز ابلاغ نماید : جناب آقای دکتر حساسی وزیر فرهنگ - بر حسب فرمان مطاع مبارک ملوکانه ابلاغ می‌شود که در مدت توقف در شیراز ، آنچه مشاهده شده ، کارکنان فرهنگ فارس در اجرای مراسم تشریفات و مراقبت در انجام وظیفه و آنچه مربوط به فرهنگ بوده به خوبی از عهده برآمده و رضایت خاطر مبارک شاهانه را نموده‌اند . قدغن فرمائید که مراتب رضامندی خاطر مهر مظاهر ملوکانه را به رئیس اداره فرهنگ و همه کارکنان آن اداره ابلاغ نمایند . وزیر دربار شاهنشاهی .

۲۵ خرداد ۲۵۱۱

قدیمی‌ترین نسخه دیوان حافظ که در کتابخانه‌ی دانشگاه اسلامی حیدرآباد دکن (هندوستان) بوده و در سال ۸۱۸ هجری قمری نوشته شده است . به عنوان هدیه علمی از طرف دولت هندوستان به ایران تقدیم شد .

۱ تیر ۲۵۱۱

عملیات ساختمانی برای احداث کتابخانه‌ی ابن سینا در محل آرامگاه وی در همدان پایان یافت و قسمتهائی از کتب متعلق به فیلسوف اجل ، در آن کتابخانه جمع‌آوری شد .

۷ تیر ۲۵۱۱

اولین نمایشگاه تعلیم و تربیت که توسط اداره اطلاعات سفارت آمریکا در تهران ترتیب یافته بود مورد دیدار قرار گرفت این نمایشگاه که در حقیقت گشاینده راه ترتیب نمایشگاه‌های بعدی در ایران بود . دارای آخرین وسائل تربیتی و کتابهای تعلیماتی برای کودکان بود .

۱۵ تیر ۲۵۱۱

انجمن آثار ملی اعلام کرد که برای تشکیل هزاره ابن سینا ، نمایشگاهی از کلیه آثار موجود

شیخ‌الرئیس ابن سینا در کتابخانه ملی تشکیل می‌شود. انجمن آثار ملی در اعلامیه خود از همگان تقاضا کرد که هر کس کتابی از ابن سینا (خطی و چاپی) دارد بطور امانت برای شرکت در نمایشگاه بفرستد.

۲۲ تیر ۲۵۱۱

بهاء‌الدین نوری وزیر عراقی، برای تقدیم یک جلد کلام‌الله مجید متعلق به ۱۲۷۸ هجری که قدیمی‌ترین قرآن چاپ شده در عراق است به ایران آمد و تقدیمی او مورد قبول شاهنشاه واقع شد.

۷ مرداد ۲۵۱۱

در شهر کراچی پاکستان، جشن هزاره ابوعلی سینا برگزار شد و از سوی دولت ایران بنا به فرمان شاهنشاه یک هیات از دانشمندان و علما و ادبای ایران، همراه با کتابهایی از آثار ابن سینا و آثاری که فضلی ایرانی در باره ابن سینا تالیف و تصنیف کرده بودند به پاکستان رفتند و آن آثار را به دولت پاکستان اهداء کردند.

۲۰ مرداد ۳۵۱۱

دو تن از استادان ایرانی، آقایان دکتر رضازاده شفق و دکتر لطفعلی صورتگر به فرمان شاهنشاه آریامهر، برای آشنا کردن بیشتر آمریکائیان با ادب و فرهنگ ایران همراه با برگزیده‌ای از آثار ادبی ایران در تاریخ و ادب و زبان، به ایالات متحده آمریکا رفتند. این کتب به دانشگاه کولومبیا اهداء شد و کنفرانسهایی ترتیب داده شد.

۱۶ شهریور ۲۵۱۱

وزارت کشور به همه نویسندگان ایرانی که در باره ابوعلی سینا و آثار او کتب و رسالاتی تالیف و تصنیف کرده‌اند و به همه کسانی که آثاری از ابن سینا از هر نوع در اختیار دارند اعلام کرد که آن آثار را برای برگزاری مراسم هزاره ابوعلی سینا در اختیار آن وزارتخانه بگذارند.

۱۶ مهرماه ۲۵۱۱

مراسم جشن مهرگان در پیشگاه شاهنشاه آریامهر برگزار شد. در این مراسم، شاهنشاه فرمودند (زحمات همه خدمتگزاران علم و ادب و فرهنگ، و مساعدت‌های معنوی و مادی مردم معارف پرور همیشه مورد نظر ما بوده و هست و امیدواریم که همه ساله در نتیجه این توجهات و اهتمام علاقه‌مندان، فرهنگ و ادبیات کشور به ترقیات و پیشرفت‌های بیشتری نائل شود....)

در پیشگاه شاهنشاه مراسم جشن مهرگان برگزار شدو در این مراسم شاهنشاه ضمن ایراد بیاناتی در زمینه لزوم گسترش معارف و فرهنگ و توسعه آن در میان همگان فرمودند (۰۰۰۰ زحمات خدمتگزاران فرهنگ، مساعدت های مادی و معنوی مردم معارف پرور همیشه مورد نظر ما بوده و امیدواریم که همه ساله در نتیجه اهتمام آنان، فرهنگ به ترقیات بیشتری برسد ۰۰۰۰)

۲۳ مهر ۲۵۱۱

هفته تجلیل از شیخ الرئیس ابوعلی ابن سینا آغاز شد. این هفته توسط کمیته ملی برگزاری جشن های تجلیل از ابن سینا تا روز ۲۹ مهر ادامه یافت.

۲۲ دی ۲۵۱۱

به مناسبت روز سازمان شاهنشاهی، شاهنشاه آریامهر پیمای فرستادند و ضمن آن در بیان علل ایجاد و پیدایش آن سازمان و انجام وظایفی که به عهده دارد، در مورد وجوهی که در روز مخصوص سازمان جمع آوری می شود فرمودند (۰۰۰ تمام این وجوه با نظر وزارت فرهنگ و مقامات محلی در هر شهر برای تهیه کتاب های لازم و کمک خرج تحصیلی دانشجویان دبیرستانها و دانشکده ها رسیده است و نتیجه مطلوبی داشته است ۰۰۰)

۲۵۱۲ شاهنشاهی

هیات فرهنگی پاکستان بدعوت وزارت فرهنگ ایران برای دیداری از مراکز فرهنگی و علمی و ادبی ایران و آشنا شدن با پیشرفتهای چشمگیر فرهنگی ایران به کشور ما آمدند.

۱۶ مرداد ۲۵۱۲

بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به فرمان شاهنشاه آریامهر، با عضویت عده ای از اساتید و دانشمندان برجسته کشور ایجاد شد تا بکار ترجمه و تصحیح و تدوین کتب برجسته و مشهور ادبیات ایران و جهان بپردازد و برای اولین بار کتب مفید را با طرز بسیار بدیع و زیبا به دوستداران کتاب عرضه کند.

۳۱ تیر ۲۵۱۲

شاهنشاه آریامهر که همواره هنرمندان و نویسندگان را مشمول مراحم خاص خود قرار داده و در هر موقعیت از زحمت و کوشش آنها تشویق و قدر دانی فرموده اند. مقرر داشتند ترتیبی داده شود که بهترین نویسندگان و مترجمانی که آثاری با ارزش بجامه هدیه می کنند مورد

مرحمت خاص قرار گرفته و جوایزی به آنها داده شود تا باین ترتیب از زحمت و خدمت مفید آنها قدر دانی شود .

در اجرای فرمان ملوکانه ، ادارهٔ املاک پهلوی با صوابدید شورای عالی دانشگاه تهران هیاتی برای انتخاب بهترین کتب انتخاب شدند و اولین برندگان جوایز سلطنتی بهترین کتاب روز اول فروردین ماه در ۴ رشتهٔ (ادبی - علمی - تاریخ و جغرافیا - اخلاق و تربیتی) ضمن شرفیابی به پیشگاه ملوکانه جوایز خود را دریافت داشتند .

۲۹ آبان ۲۵۱۲

عملیات احداث کتابخانهٔ دانشکدهٔ کشاورزی پایان یافت .

۲۴ دی ۲۵۱۲

کتاب پرسپولیس ، مجموعه آثار ایران شناسان ایالات متحده که در بارهٔ ایران نوشته بودند توسط سفیر کبیر آمریکا به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم شد .

۲۵۱۳ شاهنشاهی

۱ فروردین ۲۵۱۳

اولین برندگان جوایز سلطنتی بهترین کتاب به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب شدند و به دریافت جوایز سلطنتی (۵۰ هزار ریال برای بهترین تصنیف ادبی - ۳۰ هزار ریال برای بهترین تالیف ادبی ۲۰ هزار ریال برای بهترین ترجمهٔ ادبی) نائل شدند .

۱ - اردیبهشت ۲۵۱۳

کنگرهٔ مستشرقین جهان به مناسبت هزارهٔ ابوعلی سینا در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در همدان گشایش یافت .

۹ - اردیبهشت ۲۵۱۳

آرامگاه حکیم ابوعلی ابن سینا در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و با حضور جمع زیادی از ایران شناسان ایرانی و خارجی در همدان برگزار شد . در این مراسم شاهنشاه آریامهر ضمن نطق افتتاحیهٔ خود فرمودند (. . . قدرتی که ابن سینا در تدوین کتب علمی خودش بکار برد به درجه‌ای است که نه تنها آثار او در ایران و تمام جهان اسلامی طرف توجه و استفاده قرار دارد بلکه پس از مدت کمی دانشمندان باولع تمام شروع به ترجمه و نشر آنها در دانشگاه‌های اروپا کردند و این ترجمه‌ها به سرعت محل استفادهٔ همهٔ اهل علم و دانش قرار گرفت .

خدمات بی‌نظیر این سبنا به زبان فارسی از راه تالیف کتب مختلف علمی، دیرزمانی علت جداگانه‌ای برای نفوذ قطعی او در قلوب هموطنان خویش بوده است و به همین سبب در نظر ما، هرگونه تجلیل از چنین مرد هوشمندی از وظائف بزرگ است (۰۰۰).

۲ موداد ۲۵۱۳

شاهنشاه آریامهر در جریان شرفیابی نمایندگان مجلس شورای ملی، ضمن سخنان خود فرمودند (۰۰۰ به فرهنگ باید توجه کرد ۰۰۰ ما به تربیت افراد دانشمند و عالم محتاجیم اما به افراد هنردان و کاردان و صاحب حرفه محتاج تربیم (۰۰۰).

۵ بهمن ۲۵۱۳

موافقت نامه فرهنگی میان دولت شاهنشاهی ایران و ایتالیا امضاء شد.

۱۸ بهمن ۲۵۱۳

در نیویورک، شاهنشاه آریامهر به استعدای دانشجویان ایرانی مقیم آن سرزمین، آنان را به حضور پذیرفتند و ضمن سخنانی که با دانشجویان داشتند فرمودند (۰۰۰ در حال حاضر دو چیز برای ایران بسیار ضروری است، اول توسعه و ترقی سطح فرهنگ و تعمیم آن در سراسر کشور و دوم پول که باید به مصارف امور عمرانی و فرهنگی برسد (۰۰۰).

۲۷ بهمن ۲۵۱۳

انجمن دوستداران کتاب فعالیت خود را آغاز کرد. هدف این انجمن چنانکه از اساسنامه آن بر می‌آید، چاپ کتابهای مفید و ظریف و ایجاد نمایشگاه‌های کتاب است.

۲۵۱۴ شاهنشاهی

۳۰ خرداد ۲۵۱۴

کنگره ادبی شیراز با پیام شاهنشاه آریامهر کار خود را آغاز کرد.

۲۱ مهر ۲۵۱۴

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و ترکیه به امضاء رسید.

۲۸ آبان ۲۵۱۴

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و یونان به امضاء رسید.

۱۰ اسفند ۲۵۱۴

دولت شاهنشاهی ایران که الحاق خود را به قرار داد بین‌المللی مدارک و نوشته‌های رسمی

نشریات و کتابهای علمی و ادبی اعلام کرده بود . در مجلس نیز آن را تصویب نمود .

۱۸ اسفند ۲۵۱۴

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و پاکستان امضاء شد .

۲۵۱۵ شاهنشاهی

۵ خرداد ۲۵۱۵

کنگره هفتصدمین سال خواجه نصیرالدین طوسی گشایش یافت .

۱ مهر ۲۵۱۵

دکترای افتخاری ادبیات فارسی توسط هیات رئیسه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم شد . شاهنشاه ضمن ایراد بیاناتی فرمودند (. . . برای مملکت داری و کشورداری ، علم و معرفت لازم است ولی کافی نیست بلکه شرط اعظم توفیق در این راه ، ایمان و اخلاق و حق پرستی و میهن دوستی است در دانشگاه بیشتر باید به این نکات در مورد دانشجویان دقت شود .

۱ مهر ۲۵۱۵

برای ارشاد صحیح تر و موثرتر اطفال و نوجوانانی که در کانون کار و آموزش نگهداری می شوند اقدام به تاسیس یک کتابخانه شد .

۵ مهر ۲۵۱۵

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و لبنان امضاء شد .

۱۰ آذر ۲۵۱۵

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و هندوستان امضاء شد .

۱۳ دی ۱۵۱۵

سازمان برنامه برای کمک به نگاه ترجمه و نشر کتاب بودجه ای اختصاص داد .

۲۵۱۶ شاهنشاهی

۲۷ فروردین ۲۵۱۶

موافقت نامه فرهنگی میان دولت شاهنشاهی ایران و ژاپن امضاء شد .

۲۵۱۶ تهر

اولین کنگره فرهنگیان کشور با پیام ویژه شاهنشاه آریامهر، برای بررسی امکانات و چگونگی بهبود اوضاع تعلیم و تربیت در سراسر کشور در تهران گشایش یافت.

۲۷ شهریور ۲۵۱۶

از آنجا که شاهنشاه آریامهر همواره علاقه خاصی نسبت به با سواد شدن عموم طبقات کشور و استفاده از کتب برای افزایش سطح فرهنگ عمومی در کشور ابراز فرموده‌اند و لازم بوده قدم موثرتری در اجرای منویات ملوکانه برداشته شود قرار شد از محل در آمد بخت آزمایی اعانه‌ی ملی که صرفاً "برای تهیه کتاب به وجود آمد" ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال بوده که این مبلغ به مصرف تهیه ۱/۹۰۰/۰۰۰ جلد کتابهای چهار کلاس اول ابتدایی در ۸ نوع و توزیع رایگان آنها بین دانش آموزان سراسر کشور رسید و این روش در سالهای بعد نیز صورت گرفت.

۲۲ مهر ۲۵۱۶

کتابخانه دانشسرای عالی برای استفاده‌ی عموم دانشجویان آن دانشسرا که برای خدمت آموزشی در وزارت فرهنگ تربیت میشدند گشایش یافت.

۱۰ آبان ۲۵۱۶

اعضاء کمیته برگزار کننده یادبود هفتصدمین سال درگذشت مولوی که در دانشگاه برگزار شد به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب شدند و شاهنشاه ضمن ابراز تفقد نسبت به آنان در مورد وظائف عمومی نسبت به توسعه معارف و فرهنگ و ادبیات ایران برای آگاهی بیشتر جوانان مخصوصاً "دانش آموزان و دانشجویان بهاناتی ایراد فرمودند.

۱ آذر ۲۵۱۶

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و جمهوری برزیل به امضاء رسید.

۱۲ آذر ۲۵۱۶

مقدمات ایجاد گروه ملی کتاب شناسی ایران فراهم شد. کمیسیون ملی یونسکو نیز این گروه و هدف و فعالیت‌های آن را برسمیت شناخته است.

۵ دی ۲۵۱۶

از سوی سازمان برنامه. برای کمک به موسسه‌ی یونسکو اعتباری تامین شد تا به مصرف تدوین و چاپ کتاب ایران برسد.

۳۰ فروردین ۲۵۱۷

فرمان همایونی در مورد واگذاری املاک و مستغلات پهلوی به بنیاد خیریه^۶ پهلوی شرف‌صدر یافت. فصل دوم اساسنامه^۶ بنیاد خیریه پهلوی مربوط به توسعه^۶ فرهنگ و انتشار کتب بود از قبیل: ایجاد دبستان و دبیرستان و آموزشگاه و کمک به آن. موسسات، - توزیع کتاب‌های مورد نیاز بین دانشجویان و دانش‌آموزان بی بضاعت - نشر و طبع و توزیع کتب و مجلات علمی و فنی و صنعتی و حرفه‌ای - کمک به آموزشگاه‌های سالمندان کمک به تعلیمات اجباری عمومی. در فصل سوم این اساسنامه همچنین قید شده بود که بنیاد به تبلیغات و نشریات و کتبی که مبتنی بر تقویت روح ملت و اسلامیت و خدائشناسی و ایجاد علاقه به سنت‌ها و شعائر ملی و آثار باستانی باشد، کمک خواهد کرد.

۱۲ مرداد ۲۵۱۷

دومین کنگره^۶ فرهنگیان سراسر کشور با پیام شاهنشاه آریامهر گشایش یافت.

۲۶ مرداد ۲۵۱۷

یکهزار و دو بیست تن اعضای دومین کنگره^۶ فرهنگیان برای عرض سپاس به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شدند و در آن مراسم شاهنشاه به لزوم توجه و دقت بیشتری از همه فرهنگیان کشور که وظیفه‌ی آموزش و پرورش گردانندگان فردای ایران را دارند اشاره فرمودند و نقش موثر کتاب و توسعه^۶ کتابخانه‌ها را در اجرای این رسالت مقدس متذکر گردیدند.

۱۸ شهریور ۲۵۱۷

موافقت نامه^۶ فرهنگی میان ایران و جمهوری متحده عرب به امضاء رسید.

۲ مهر ۲۵۱۷

ساختمان جدید دانشکده^۶ ادبیات و کتابخانه^۶ آن در پیشگاه شاهنشاه آریامهر افتتاح شد.

۱۰ مهر ۲۵۱۷

برای اینکه نوا^۶ آموزان سالمند، در مدتی کوتاه و با کمترین زحمت، خواندن و نوشتن را یاد بگیرند هیاتی از سوی وزارت فرهنگ مامور تدوین کتب تازه‌ای شدند و در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر کتب مفید و موثری تألیف شد و بر اساس تجربیات حاصله از این کتب، کتابهای (همه با سواد می‌شویم) و (چگونه بهتر زندگی کنیم) به وجود آمد.

۱۵ مهر ۲۵۱۷

نمایشگاه کتابهای منتشره در سراسر کشور در پیشگاه شاهنشاه آریامهر گشایش یافت.

۲۹ مهر ۲۵۱۷

موافقت نامه فرهنگی ایران و ژاپن برای مبادله کتابها و استاد و دانشجویان دو کشور به امضاء رسید .

۲۱۹ آبان ۲۵۱۷

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر جلسه هیات دولت تشکیل شد و شاهنشاه در ادامه راهنمائیهای ارزنده خود، ضمن ایراد فرمایشاتی به هیات دولت فرمودند (... ترتیبی بدهید که کتب تحصیلی به صورت آبرومندی در آید و حاوی مطالب سودمندی باشد . در موقع رسیدگی به این موضوع باید مفید بودن و خوبی چاپ کتاب و بالاخره نفع حاصلین را هدف اصلی قرار دهید و چون اساس و شالوده تعلیم و تربیت کتب تحصیلی است باید بیشتر بآن توجه نمود)

۲۸ آذر ۲۵۱۷

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و ایتالیا مشتمل بر یک مقدمه و سیزده ماده در مورد مبادله کتب منتشره و دانشجویان و استاد و میان نمایندگان دو کشور با امضاء رسید .

۲۹ آذر ۲۵۱۷

مجلس شورای ملی . الحاق ایران را به موافقت نامه تسهیل مبادلات بین المللی هر گونه کتاب و وسائل سمعی و بصری برای پیشرفت مقاصد تربیتی و علمی و فرهنگی عمومی تصویب کرد .

۱۴ دی ۲۵۱۷

مجلس شورای ملی ، موافقت نامه فرهنگی میان ایران و بلژیک را به تصویب رسانید .

۹ بهمن ۲۵۱۷

قرار داد فرهنگی ایران و ترکیه در تهران امضاء شد .

دوازده تن نویسندگان و مصنفین و مترجمین بهترین کتب سال به پیشگاه شاهنشاه آریامهر معرفی شدند و این اولین باری بود که تعداد برندگان جایزه سلطنتی به دوازده تن در دوازده رشته ادبی بالغ می‌شد. برندگان عبارت بودند از :

- | | |
|--------------------------|--|
| ۱ - احمد علی سپهر | مولف کتاب ایران در جنگهای ۱۹۱۴ - ۹۱۸ |
| ۲ - هادی هدایتی | مترجم کتاب تاریخ هرودوت |
| ۳ - زین العابدین شیدفر | مولف کتاب حقوق عمومی و اداری |
| ۴ - عباس شایان | مولف کتاب جغرافیای تاریخی و اقتصادی مازندران |
| ۵ - شریف زندیه | مترجم کتاب بعد چهارم اثر موریس مترلینگ |
| ۶ - عبدالرحیم همایون فرخ | نویسنده دستور جامع زبان فارسی |
| ۷ - محمود بهزاد | مترجم کتاب سرگذشت زمین |
| ۸ - علی اصغر هدایتی | مولف کتاب بیمه و نقش آن در تامین خسارات |
| ۹ - محمود منصور | مترجم کتاب پیشرفت مدارس |
| ۱۰ - امیر جلال غفاری | مولف کتاب فرهنگ فارسی به فرانسه |
| ۱۱ - احسان یارشاطر | مولف کتاب داستان های ایران باستان |
| ۱۲ - حسین علی محفوظ | مولف کتاب کتاب و سعدی |

۰۱ اردیبهشت ۲۵۱۸

در جریان برگزاری مصاحبه مطبوعاتی مدیران و سر دبیران جراید پایتخت و شهرستان ها با شاهنشاه آریامهر، معظم له فرمودند (. . . وظیفه ما از هر حیث ترویج زبان فارسی است . وزارت فرهنگ در این مورد وظائفی دارد ، وابسته های فرهنگی ما هم در خارج برای ترویج زبان فارسی اقدام می کنند و البته از راه ارسال مطبوعات و کتابهای فارسی نیز امکان ترویج زبان فارسی هست . . .)

۰۶ اردیبهشت ۲۵۱۸

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و دولت اسپانیا به امضاء رسید .

۱۵ اردیبهشت ۲۵۱۸

قانون مربوط به موافقت نامه فرهنگی میان دولت شاهنشاهی ایران و کشور متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی برای مبادله استاد و دانشجو و هرگونه کتب سودمند به امضاء رسید .

۳۱ اردیبهشت ۲۵۱۸

موافقت نامه فرهنگی میان کشور پادشاهی هلند و دولت شاهنشاهی ایران مشتمل بر یک مقدمه و هشت ماده میان وزرای خارجه دو کشور به امضاء رسید .

۴ خرداد ۲۵۱۸

در جریان سفر شاهنشاه آریامهر به فرانسه، در شهر پاریس، دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شدند . در این مراسم شاهنشاه ضمن ابراز تفقد به دانشجویان فرمودند (. . . در آتیه فرهنگ و بهداشت برای عموم رایگان خواهد شد . در مورد تعلیمات اجباری اقدامات زیادی شده . . . مدارس زیاد ساخته شده و کتاب بسیاری منتشر شده است ولی این مدارس به هر صورت به مدیران و دبیران لایقی احتیاج دارند . . .)

۱۷ خرداد ۲۵۱۸

"هارولد لمب" مورخ شهیر آمریکائی برای یک اقامت ده روزه به تهران آمد و در طول مدت اقامت خود به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شد و چندین جلد آثار ارزنده خود را که در تاریخ ایران نوشته بود تقدیم کرده و به فرمان شاهنشاه مقرر شد که کتابهای او برای استفاده عموم ترجمه شود .

۱ تیر ۲۵۱۸

در جریان گشایش مرکز اتمی پیمان بغداد در تهران در پیشگاه شاهنشاه آریامهر، کلیه دانشمندانی که برای شرکت در اولین کنفرانس علمی اتمی به تهران آمده بودند به حضور ملوکانه شرفیاب شدند و در این شرفیابی شاهنشاه مقرر فرمودند برای گسترش علوم جدید، کتابهای تازه‌ی علمی و اتمی به زبان فارسی ترجمه گردد .

۸ مرداد ۲۵۱۸

برای تجدید نظر در برنامه دبیرستانها و تعویض و تجدید نظر کتب درسی کنگره بزرگ فرهنگی کشور با شرکت ۱۵۰۰ تن از کارشناسان امور فرهنگی و مولفین کتب درسی تشکیل شد در آغاز کنگره، شاهنشاه آریامهر پیام فرستادند . کنگره‌نگران بر اساس اجرای منویات ملوکانه تشکیل جلسه داده بود .

در مراسم سلام رسمی چهارم آبان، میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر، در پاسخ عرض تبریک رئیس دانشگاه تهران، شاهنشاه فرمودند (. . . نظر من اینست که نه فقط دانشگاه تهران باید توسعه یابد بلکه، دانشگاه‌های متعدد دیگر منجمله دانشگاه بزرگ شیراز در کشور ایجاد شود و ایران مثل همیشه یک کانون علم و معرفت و تحقیق و مطالعه باشد .

قانون مربوط به موافقت‌نامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی ایران و جمهوری متحده عرب برای مبادله استاد و دانشجو و هرگونه کتب سودمند دو کشور به یکدیگر در مجلس شورای ملی تصویب شد .

۲۵۱۹ شاهنشاهی

۱ فروردین ۲۵۱۹

هشت تن برندگان بهترین کتب سال باین ترتیب به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شدند :
در رشته ادبی - جواد مصلح مولف فلسفه عالی علی پاشا صالح - مولف آداب سخن سعید نفیسی مترجم آرزوهای بر باد رفته .

در رشته علمی - محمد باقر تاج بخش مولف بیمه - دکتر محمد حسن مهدوی اردبیلی مترجم هیدرولوژی .

در رشته تاریخ - دکتر نظام الدین کبیر شیبانی مؤلف تاریخ تمدن .

در رشته اجتماعی محمد علی بامداد مولف علم اخلاق - حمید عنایت مترجم سیاست ارسطو .

۱۸ فروردین ۲۵۱۹

قانون مربوط به موافقت‌نامه فرهنگی ایران و ایتالیا در مجلس شورای ملی تصویب شد .

۲۸ فروردین ۲۵۱۹

قانون مربوط به موافقت‌نامه فرهنگی ایران و هلند در مجلس شورای ملی به تصویب رسید .

۱۵ خرداد ۲۵۱۹

در جریان برگزاری مراسم سلام رسمی عید قربان شاهنشاه ضمن بیانات خود بار دیگر به مسئله لزوم توسعه نفوذ کتاب و مطالعه را در میان جوانان یاد آوری کرده فرمودند (. . . البته محصلین هم باید معلومات داشته باشند و دیپلم معرفت باشد و معرفت بیسوادی

و هیاو نباشد . . . به همین جهت است که میگویم فرهنگ ما باید قویتر شود .

۲۵ شهریور ۲۵۱۹

کتابخانه سنندج همزمان با افتتاح ساختمانهای تازه فرستنده رادیو کردستان افتتاح شد .

۲۷ مهر ۲۵۱۹

موافقت نامه فرهنگی میان ایران و اتریش به امضاء رسید .

۲۷ دی ۲۵۱۹

ساختمان تازه دانشکده دامپزشکی و کتابخانه آن دانشکده گشایش یافت .

۲۵۲۰ شاهنشاهی

۱ فروردین ۲۵۲۰

برندگان جوایز سلطنتی بهترین کتاب به پیشگاه شاهنشاه شرفیاب شدند .

۱۰ فروردین ۲۵۲۰

کتاب مجموعه نطقها و پیامها و مصاحبههای بیست ساله شاهنشاه از طرف وزارت دربار شاهنشاهی انتشار یافت این کتاب شامل ۱۱۰۰ صفحه به قطع بزرگ بود که در آن کلیه نطقها و پیامهای رسمی ، بیانات شاهنشاه در بازدیدها و متن مصاحبههای مطبوعاتی اعلیحضرت شاهنشاه در داخل و خارج ایران از ۲۶ شهریور ۲۵۰۰ تا اول فروردین ۲۵۲۰ نقل شده است .

۲ اردیبهشت ۲۵۲۰

در پیشگاه علیاحضرت شهبانونمایشگاه بزرگ کتاب که از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب ترتیب یافته بود ، در تالار فرهنگ گشایش یافت . در این نمایشگاه کتابهایی که از ابتدای تاسیس این موسسه بزرگ انتشاراتی تالیف و تدوین و ترجمه شده بود به معرض نمایش گذاشته شده بود .

۲۰ مرداد ۲۵۲۰

کلاسهای مبارزه با بیسوادی در سراسر کشور آغاز به فعالیت کرد و این یکی از مهمترین موثرترین اقدامات فرهنگی در ایران در طول سلطنت شاهنشاه آریامهر بود . به فرمان شاهنشاه یک هیات از سرشناسان امور آموزش و پرورش که مامور تهیه و تدوین کتابهای مربوط به تدریس و تحصیل در این کلاسها شدند با توجه به آخرین روشهای سواد آموزی کتابها را تالیف کردند .

۲ شهریور ۲۵۲۰

موجودیت دانشگاه بزرگ پهلوی شیراز که دارای یکی از مجهزترین کتابخانه‌های دانشگاهی در سراسر کشور است به طور رسمی اعلام شد .

۱۲ شهریور ۲۵۲۰

دانشگاه کلمبیا با کمک بنیاد گورگیان ، کرسی مستقلی برای مطالعات ایرانی زبان و ادبیات فارسی - تاریخ ایران زبانها و ادبیات پیش از اسلام (تاسیس نمود و از سوی ایران دکتر احسان یارشاطر استاد زبان فارسی باستان و اوستائی برای تصدی این کرسی برگزیده شد .

۲۵ شهریور ۲۵۲۰

مراسم هفته مبارزه با بی سوادی با پیام شاهنشاه آغاز گردید . اعلیحضرت در پیام خویش اعلام فرمودند (. . . جهاد با بی سوادی اولین جهاد بزرگی است که برای تجدید عظمت ایران آغاز کرده ایم) .

۲۶ شهریور ۲۵۲۰

به فرمان شاهنشاه آریامهر ، برای رفاه حال عامه بهای کتابهای درسی ، از دبستان تا دبیرستان کاهش یافت .

۲۰ مهر ۲۵۲۰

نمایشگاه عظیم هفت هزار سال هنر و فرهنگ ایران در پاریس در پیشگاه شاهنشاه افتتاح شد .

۲۳ دی ۲۵۲۰

بر اساس تصمیم هیات وزیران و در اجرای منویات ملوکانه فرهنگستان ایران مجدداً تشکیل شد و برای این منظور عده‌ای از دانشمندان به عضویت پیوسته فرهنگستان انتخاب شدند .

۱۹ اسفند ۲۵۲۰

در جریان برگزاری شورای روءسای دانشگاه‌های تهران در مورد توسعه کتابخانه مرکزی و تجهیز کتابخانه‌های اختصاصی دانشکده‌ها بر اساس فرمان شاهنشاه آریامهر تصمیمات لازم گرفته شد .

۲۵۲۱ شاهنشاهی

۲ فروردین ۲۵۲۱

برندگان جوایز سلطنتی بهترین کتاب به پیشگاه ملوکانه بار یافتند .

۲۶ شهریور ۲۵۲۱

فرمان شاهنشاه آریامهر در مورد توسعه و افزایش فعالیت مسئولان امر ، برای تامین کتابهای مورد نیاز دانش آموزان سراسر کشور شرفصدور یافت .

۱۵ آذر ۲۵۲۱

فرمان شاهنشاه آریامهر در مورد تشکیل شورای فرهنگی سلطنتی به این ترتیب صادر شد . نظر به علاقه خاص جوانان ، به حفظ و حراست و اشاعه زبان و ادب و فرهنگ ایران و به علت توسعه روز افزون روابط علمی و ادبی ایران با سایر ممالک ، امر و مقرر می داریم که از این پس شورائی بنام شورای فرهنگی سلطنتی به منظور مطالعه و اظهار نظر در کمیته ی امور فرهنگی و بمنظور نظارت بر سازمانهای فرهنگی وابسته به دربار شاهنشاهی تشکیل گردد .

۱۹ دی ۲۵۲۱

اصل ششم از اصول ششگانه منشور انقلاب شاه و ملت به عنوان ایجاد سپاه دانش به منظور اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری در سراسر کشور اعلام شد .

۸ بهمن ۲۵۲۱

نمایشگاه کتاب های ایرانی ، با کمک یونسکو (وابسته به سازمان ملل متحد) در تالار کتابخانه ملی تشکیل شد در توجیه علل تشکیل این نمایشگاه بزرگ و جامع و جالب اعلام شد که هدف اصلی ، ترویج کتاب و کتابخوانی بر اساس منویات شاهنشاه آریامهر است .

۱۷ بهمن ۲۵۲۱

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر ، ساختمان تازه کتابخانه مجلس شورای ملی که از جمله قدیمی ترین و غنی ترین کتابخانه های موجود در سراسر کشور محسوب می شود ، گشایش یافت .

۱۸ بهمن ۲۵۲۱

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر ، کتابخانه تازه ای که برای نگهداری کتابهای نفیس در مجلس شورای ملی بنا شده بود افتتاح شد و پس از آن کتابخانه مسجد سپهسالار نیز مورد دیدار شاهنشاه قرار گرفت .

۱۴ اسفند ۲۵۲۱

محل تدریس تعالیم اسلامی که به فرمان شاهنشاه آریامهر تاسیس شده بود ، افتتاح شد . در این مرکز فرهنگی و مذهبی ، کلیه دانشجویان دانشسرای عالی و دانشجویان مقیم ایران از

هرفرقه و مسلک حق استفاده دارند و غیر از دانشجویان، سایر دانش پژوهان نیز با استفاده از کتابخانه مجهزی که مخصوص کتب دینی و کتب اسلامی ترتیب یافته است می توانند با تعالیم عالییه اسلامی آشنا شوند. بودجه ایجاد تدریس تعالیم اسلامی و کتابخانه آن از محل عطایای شاهنشاه تامین شد.

۱۵ اسفند ۲۵۲۱

یک قرار داد فرهنگی، برای مبادله کتابهای آموزشی و فرهنگی میان دولت شاهنشاهی ایران و سازمان یونسکو، وابسته به سازمان ملل متحد به امضاء رسید.

۲۵ اسفند ۲۵۲۱

به مناسبت تاسیس انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی، شاهنشاه آریامهر پیامی فرستادند و طی آن با اشاره به مبادله کتابهای علمی و فنی و ادبی منتشره در ایران و شوروی فرمودند که این انجمن وسیله ای می تواند باشد برای تامین تفاهم متقابل بیشتر میان دو ملت ایران و روسیه که از دیرزمان آشنائی نزدیک با یکدیگر داشته و با یکدیگر دوست بوده اند و اکنون نیز می باشند.

۲۵۲۲ شاهنشاهی

۱ اردیبهشت ۲۵۲۲

اعتبار لازم برای چاپ فرهنگ دهخدا به تصویب رسید.

۱۴ اردیبهشت ۲۵۲۲

نمایشگاه بزرگ هفتهزار هنر ایران در کاخ سلطنتی گلستان گشایش یافت.

۲۵ اردیبهشت ۲۵۲۲

نمایشگاهی از کتابهای تالیف و ترجمه شده در باره شیمی افتتاح شد. این نمایشگاه قسمتی از برنامه ای ارائه تدریس علم شیمی به صورت عملی در دانشسرای عالی بود.

۱۲ خرداد ۲۵۲۲

اولین کلنگ احداث کتابخانه عمومی در شهر یزد بزمین زده شد و در اجرای اوامر ملوکانه ثروتمندان و متمکنین یزدی برای تامین بودجه لازم برای کتابخانه مبالغی تعهد کردند.

۱۰ مرداد ۲۵۲۲

دبیرخانه شورای عالی فرهنگی سلطنتی اعلام داشت که یک مرکز علمی مشترک توسط ایران

و یونسکو، به منظور ترجمه و نشر شاهکارهای علمی و ادبی ایران تاسیس شده است این مرکز علمی مشترک مامور اجرای فرمان شاهنشاه در باره ترجمه شاهکارهای ایرانی به زبان های مهم خارجی است.

۲۷ شهریور ۲۵۲۲

به فرمان شاهنشاه آریامهر، برای رفاه حال عموم طبقات مردم، قیمت کتابهای درسی تا میزان هشتاد در صد تنزل کرد و در همین زمینه بهای سایر کتب نیز تنزل فاحشی کرد.

۲۶ دی ۲۵۲۲

مرکز تحقیقات کتاب شناسی که در دانشگاه تهران فعالیت خود را آغاز کرد، تاسیس شد.

۱۳ اسفند ۲۵۲۲

امضاء قرار داد فرهنگی میان دولت شاهنشاهی ایران و جمهوری فدرال آلمان در مورد توسعهی هنرستانهای صنعتی تهران و تبریز و تامین کتابهای مورد نیاز هنرستانها.

۱۱ اسفند ۲۵۲۲

در پی تنزل بهای کتابهای درسی تا میزان ۸۰ در صد، برای یکنواخت کردن مطالب کتاب های درسی در دبیرستانها شرکت کتب درسی بطور رسمی تاسیس شد.

۲۵۲۳ شاهنشاهی

۱۹ اردیبهشت ۲۵۲۳

شاهنشاه آریامهر، هنگام افتتاح مؤسسه تحقیقات فضای در دانشگاه تهران فرمودند که برای تسهیل در امر مطالعه و یادگیری بیشتر دانشجویانی که در این رشته مطالعاتی می کنند آخرین کتب منتشره در مورد تحقیقات فضای فراهم و در اختیار آنان گذارده شود.

۱ تیر ۲۵۲۳

شورای عالی فرهنگ برنامه رسمی تحصیلات چهار سال ابتدائی را تصویب کرد و به این ترتیب در امر تالیف و تدوین کتابهای درسی نو آموزان تحول تازه ای ایجاد شد و در اجرای فرمان ویژه شاهنشاه آریامهر، گروهی از صاحب نظران ذیصلاحیت برای تالیف کتابهای دینی، فارسی، ریاضی، علوم تجربی (شامل تاریخ و جغرافیا و تعلیمات مدنی) دعوت شدند.

۲۳ شهریور ۲۵۲۳

کتابخانه عمومی گرگان که قسمتی از اعتبار هزینه های آن از محل عطیه مرحمتی علیاحضرت

شهبانو و قسمتی با خودیاری مردم تامین شده بود گشایش یافت .

۱ مهر ۲۵۲۳

در پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران، اولین کلنگ ساختمان مرکز دانشجویان بزمین زده شد. این مرکز دانشجویی شامل یک کتابخانه بزرگ و مدرن و مجهز به انضمام مرکز تفریحات سالم برای دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی تهران است و هزینه‌ی احداث آن به مبلغ ۸۰ میلیون ریال بالغ شده که قسمتی از آن از محل عطیه علیاحضرت تامین گردید .

۲ مهر ۲۵۲۳

عملیات ساختمانی برای احداث و تاسیس ساختمان ۱۸ طبقه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، آغاز شد. این کتابخانه که برای ایجاد آن مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال تامین اعتبار شده بود برای گردآوری یک میلیون جلد کتاب برنامه ریزی شده است .

۲۲ مهر ۲۵۲۳

کارهای ساختمانی کتابخانه عمومی گرسار پایان یافت و به نام شاهنشاه آریامهر کتابخانه گشایش یافت . قسمتی از کتابهای این کتابخانه توسط مردم اهدا شده بود .

۳۰ مهر ۲۵۲۳

پیام شاهنشاه به سران ممالک جهان برای کمک به نهضت مبارزه با بیسوادی انتشار یافت .

۲۳ آبان ۲۵۲۳

به فرمان شاهنشاه آریامهر ، به منظور تمرکز امور مربوط به مبارزه جهانی با بی سوادی و همکاری با سازمان بین المللی فرهنگی یونسکو و هم آهنگی فعالیت های سازمان فرهنگی جهان در تماس باشند تا نسبت به توسعه و تکمیل کتابهای آموزشگاه نابینایان اقدام لازم بکنند .

۲۰ آبان ۲۵۲۳

افتتاح نمایشگاه کتب برگزیده در پارک شهر ، در این نمایشگاه بادر نظر گرفتن میزان تخفیف کلی که در فروش کتابها در نظر گرفته شده بود ، صدها هزار جلد کتاب توسط دپدار کنندگان که اکثرا از دانش آموزان و دانشجویان بودند خریداری شد . برگزاری نمایشگاه کتب برگزیده به فرمان شاهنشاه و برای رسوخ و توسعه هرچه بیشتر کتاب در میان مردم صورت گرفت .

۲۱ آبان ۲۵۲۳

در جلسه افتتاحیه نمایشگاه کتابهای منتشره در سال ۲۵۲۲ که در گلخانه پارک شهر با

حضور جمعی از دانشمندان توسط شهر دار تهران گشایش یافت برگزیده‌ترین کتابهای سال ۲۵۲۲ تعیین و در این روز اعلام شد .

کتاب برگزیده در چهار رشته (متون قدیم - ترجمه - تألیف - ادبیات معاصر) توسط یک هیئت ادبی و علمی انتخاب شدند و هر رشته دارای سه برنده اول تا سوم بود .

۲۳ آبان ۲۵۲۲

در جریان افتتاح آموزشگاه نابینایان (رضا پهلوی) در کن که در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران صورت گرفت ، شاهنشاه هنگام دیدار از کتابخانه مخصوص نابینایان ، دستور فرمودند که اولیای آموزشگاه می‌بایست بطور دائم با کلیه مراکز مهم و مختلف فرهنگی کشورهای دیگر در تماس باشد در این باره ، یک کمیته سه نفری مرکب از آقایان دکتر جهانشاهی وزیر فرهنگ ، علی اصغر حکمت رئیس کمیسیون ملی ایرانی یونسکو و شجاع‌الدین شفا راینز فرهنگی دربار شاهنشاهی تشکیل شد .

۴ دی ۲۵۲۲

متن فرمان شاهنشاه آریامهر ، در باره تشکیل موسسه بنیاد فرهنگ ایران ، برای تهذیب و ترویج زبان فارسی و توسعه ادبیات و فرهنگ ایرانی ، انتشار یافت .

۶ دی ۲۵۲۲

با پیام ویژه‌ی شاهنشاه آریامهر که وسیله وزیر فرهنگ و هنر قرائت شد مراسم یک‌هزار و یکصدمین سال تولد محمد بن ذکریای رازی پزشک و فیلسوف نامی ایران در تالار ابن سینا برگزار شد و در پی پیام شاهنشاه پیرامون شخصیت علمی ذکریای رازی و آثار و تالیفات اوسخرانیهای ایراد شد و قرار شد که نسبت به تجدید چاپ و تکثیر آثار رازی اقدامات لازم انجام شود .

۲۵۲۴ شاهنشاهی

۱۶ فروردین ۲۵۲۴

دانشکده نوبنیاد علوم در دانشگاه مشهد در پیشگاه شاهنشاه آریامهر گشایش یافت هنگامی که شاهنشاه از کتابخانه دانشکده علوم دیدار می‌فرمودند ، گفتند که (. . .) در انقلاب ما ، دانشجویان ، نقش عمده‌ای به عهده دارند و از اینرو لازم است که برای آمادگی هر چه بیشتر ، همه جوانان دانشجو برای انجام وظایفی که در انقلاب به عهده دارند ، نسبت به توسعه و تکمیل هر چه بیشتر کتابخانه‌های دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها اقدام کنند .

شاهنشاه همچنین ، ضمن بیان مطالبی پیرامون نحوه کار آینده دانشگاه‌ها به افزایش فعالیت برای تامین کتب مورد نیاز دانشجویان رشته‌های مختلف اشاره فرموده و گفتند که

شرط نخست تحصیل صحیح و مشتاقانه وجود کتابخانه‌های مجهز و انتشار کتب مفید و مثبت است .

۲۵ فروردین ۲۵۲۴

در آذر شهر یک کتابخانه^۶ عمومی گشایش یافت .

۲۵ اردیبهشت ۲۵۲۴

در جریان برگزاری اولین کنگره^۷ دانشگاه‌های ایران ، اعلام شد که برای افزایش معلومات دانشجویان دانشگاه‌ها و مدارس عالی در سراسر کشور می‌بایست بر تعداد کتابخانه‌ها و تعداد کتابهای مورد نیاز کتابخانه‌های موجود اضافه کرد و از این حیث می‌بایست ذوق و شوق مطالعه را در اوقات فراغت از تحصیل روزانه در دانشجویان به وجود آورد .

۲۷ اردیبهشت ۲۵۲۴

اداره^۸ آموزش و پرورش شهرستان بهبهان از محل صرفه‌جویی‌های اداری و با خود یاری مردم کتابخانه‌ای برای استفاده^۹ فرهنگیان و دانش‌آموزان ایجاد کرد .

۱۳ خرداد ۲۵۲۴

اولین کتابخانه^{۱۰} شهرستان تفت ، گشایش یافت . بودجه^{۱۱} احداث و تاسیس این کتابخانه از محل قسمتی از عطایای علیاحضرت شهبانو تامین شد .

۳۰ خرداد ۲۵۲۴

اولین کتابخانه^{۱۲} شاه‌آباد غرب نیز افتتاح شد .

۴ تیر ۲۵۲۴

به فرمان شاهنشاه آریامهر ، برای رفاه حال همه^{۱۳} خریداران کتابهای درسی و دربهای این کتب تجدید نظر شد و قیمت کتب درسی کاهش یافت .

۱۱ مرداد ۲۵۲۴

یکصد و سی جلد کتاب نفیس از سوی شهبانوی ایران به کتابخانه شاهچراغ شیراز اهداء شد .

۹ شهریور ۲۵۲۴

شاهنشاه از خدمات خدمتگزاران به ادب و فرهنگ ایران تقدیر فرمودند .

۱۳ شهریور ۲۵۲۴

دوازدهمین کنگره بین‌المللی تاریخ دانان جهان با شرکت دویست و پنجاه تن از برجسته‌ترین تاریخ دانان و تاریخ نویسان با پیام شاهنشاه آریامهر کار خود را آغاز کرد .

۱۴ شهریور ۲۵۲۴

بنام شاهنشاه کلنگ اول بنای کتابخانه عمومی شهرستان قوچان به زمین زده شد .

۱۷ شهریور ۲۵۲۴

کنگره بزرگ و تاریخی مبارزه با بی سوادی ، در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در تهران گشایش یافت و گشایش این کنگره کم سابقه در طول تاریخ علم و فرهنگ ایران و همه جهان ، یکی از مهمترین رویدادهای فرهنگی و علمی و ادبی دوران سلطنت پرافتخار سلسله پهلوی محسوب می شود .

در این کنگره نزدیک به ۷۶۰ نفر از برجسته ترین شخصیت های آموزشی و پرورشی علمای فرهنگی ، کارشناسان بزرگ علوم تربیتی از ۸۶ کشور آسیایی و اروپایی و آفریقایی و آمریکایی و ۲۰ موسسه و سازمان بین المللی از جمله سازمان ملل متحد ، برای ریشه کن ساختن بیسوادی در سراسر جهان بدعوت شاهنشاه ایران در کاخ مجلس سنا اجتماع کردند ، شاهنشاه ایران در نطق افتتاحیه خود فرمودند ،

(. . . شکافی که ملت های مرفه را از سایر ملت ها جدا می کند ، روز بروز وسیع تر می شود . وجود بیش از ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سال مند بی سواد در روی زمین ، مسئله ای است که به هیچ عنوان نمی توان آن را نادیده گرفت و وجود این توده بزرگ از بیسوادان ، تهدید دائم برای صلح جهان است . . .)

شاهنشاه آریامهر در پیام خود همچنین ، از همه دولت ها دعوت کردند که سالیانه مبلغ ، ناچیزی از بودجه نظامی خود را به پیکار جهانی مبارزه با بی سوادی اختصاص دهند ،

۲۴ شهریور ۲۵۲۴

به فرمان شاهنشاه آریامهر ۱۵۵۰۰ جلد کتاب های ابتدائی و دبیرستانی میان دانش آموزان و نو آموزان سراسر کشور تقسیم شد .

۲۵ شهریور ۲۵۲۴

در شهرستان فردوس ، کلنگ اول برای احداث کتابخانه به زمین زده شد .

۲۹ مهر ۲۵۲۴

شاهنشاه آریامهر ، با صدور فرمان ویژه ای دستور فرمودند که کلیه کتاب های خطی ، فارسی و اسناد تاریخی و فرهنگی ایران و همچنین کلیه کتابها و آمار چاپی مربوط به فرهنگ و تمدن ایران جمع آوری شو دو در کتابخانه پهلوی متمرکز گردد . به فرمان ملوکانه این کتابخانه پس از تکمیل آن ، ضمیمه و مکمل کتابخانه سلطنتی شد .

۲۵۲۴ آبان ۲۱

دانشگاه صنعتی آریامهر، طی فرمانی، رسماً "تاسیس شد در همین روز هیات امنای دانشگاه صنعتی مرکب از سی تن در کاخ مرمر به پیشگاه ملوکانه شرفیاب شدند و شاهنشاه طی بیاناتی در باره جوانان و دانشجویان، توجه هیات امنای را به تأمین خواسته‌های جوانان در مورد تکمیل کتابخانه‌های دانشگاهی، جهت مطالعه مداوم و افزایش مستمر معلومات همگانی جلب کردند.

۲۵۲۴ آذر ۱

سازمان یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد در پایان مسابقه‌ای که برای تألیف بهترین کتاب در ایران طرح کرده بود، چهار جایزه خود را باین ترتیب به نویسندگان ایرانی تقدیم داشت (هر یک از جوایز به مبلغ ۴۰۰ دلار بود)

جایزه به مهدی آذر یزدی
جایزه به دکتر ابراهیم باستانی پاریزی
جایزه به پروفسور عباس شوستری
جایزه به علی اصغر مهاجر
برای نوشتن قصه‌های خوب برای بچه‌ها،
برای نوشتن کتاب شرح حال مشیرالدوله
برای نوشتن قهرمانان ایران باستانی.
برای نوشتن کتاب زیر آسمان کویر.

۲۵۲۴ آذر ۱۰

اعتبار تازه‌ای به مبلغ ۱۸۰ میلیون ریال برای توسعه ساختمان‌های مختلف دانشگاه تبریز منجمه کتابخانه آن دانشگاه تأمین شد.

۲۵۲۴ آذر ۲۸

شاهنشاه آریامهر طی یک فرمان جداگانه تهیه و تدوین تاریخ کامل ایران را از سوی محققین و مورخین صادر فرمودند. برای تهیه این کتاب، از کلیه مدارک و مأخذ و تحقیقات انجام شده توسط دانشمندان ایرانی و بیگانه استفاده خواهد شد.

۲۵۲۴ دی ۲۹

در این روز قانون تاسیس کتابخانه عمومی در تمام شهرها به تصویب رسید.

۲۵۲۴ بهمن ۴

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی، اولین کلاس مبارزه با بی سوادگی را به نام شاهنشاه آریامهر افتتاح کردند. در این کلاسها که طی شرایط ویژه‌ای در سراسر کشور برای اجرای فرمان تاریخی ملوکانه تشکیل و آغاز بکار کرد. با استفاده از کتابهای مخصوصی که توسط هیاتی از متخصصین تألیف شده است، هر سال دهها هزار نوآموز خردسال و بزرگسال به تحصیل

مشغولند .

۶ بهمن ۲۵۲۴

در همایون شهر اصفهان که نام قدیمی آن (سده) بوده یک کتابخانه با تعداد ۸۰۰ جلد کتاب گشایش یافت و شهر دار در نطق افتتاحیه قول افزایش کتابها را تا ۵ برابر داد .

۲۵ بهمن ۲۵۲۴

استاد پور داود ، نویسنده و مولف دانشمند ایرانی به دریافت جایزه^۱ مخصوص موسوم به جایزه تاگور نائل شد . این جایزه به خاطر ترجمه^۲ صد شعرا تاگور به پور داود داده شد .

۲۶ بهمن ۲۵۲۴

جوایز بهترین نویسندگان ایرانی برای تالیف بهترین آثار برای نو سوادان ، به این ترتیب میان آنان توزیع شد .

برای نوشتن داستان راستان

جایزه به مرتضی مطهری

برای نوشتن مقدمه بر رستم و اسفندیار .

جایزه به شاهرخ مسکوب

برای نوشتن کتاب سبزیکاری .

جایزه به محمد مشیری

۱۱ اسفند ۲۵۲۴

اولین کلنگ برای احداث یک کتابخانهی مدرن در شیراز بزمین زده شد . برای تاسیس این کتابخانه سه میلیون ریال اعتبار توسط شهر داری شیراز تامین اعتبار شد .

۲۵۲۵ شاهنشاهی

۸ فروردین ۲۵۲۵

به فرمان شاهنشاه آریامهر قرآن نفیسی که به خط چیره دستترین و بزرگترین خطاطان به رشته^۱ تحریر درآمده بود در اختیار همه مسلمانان قرار گرفت ، این اقدام رهبر ملت ایران مورد تأیید و سپاس همه^۲ ممالک و ملت‌های مسلمان جهان واقع شد .

۱۲ فروردین ۲۵۲۵

در اولین روز فعالیت های اداری در سال ۲۵۲۵ ، عملیات ساختمانی برای احداث کتابخانه مسجد سلیمان آغاز شد و همزمان با احداث این کتابخانه ، ساختمان موزه^۱ مسجد سلیمان نیز شروع شد . اعتبار احداث این دو مرکز فرهنگی توسط سازمان برنامه و بودجه تامین شد .

۱۲ فروردین ۲۵۲۵

کتابخانه عمومی مهاباد گشایش یافت .

۲۵ فروردین ۲۵۲۵

به فرمان شاهنشاه آریامهر ، پیشاهنگان سراسر کشور با پخش کتابهای مخصوصی که از سوی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی چاپ و منتشر شده بود در مبارزه با بیسوادی شرکت کردند .

این برنامه در تهران و ۱۸ شهر دیگر ایران ، همزمان آغاز و اجرا شد .

۲۸ فروردین ۲۵۲۵

وزارت فرهنگ و هنر برای حفظ حقوق مؤلف لایحه ای تدوین کرد تا بر اساس آن ، آثار ادبی و هنری همگی مولفین و مصنفین از دستبرد دیگران در امان بماند . این لایحه در جهت حفظ حقوق ایجاد کنندگان آثار ادبی و هنری تدوین و تصویب شد .

۲۹ فروردین ۲۵۲۵

هفته فرهنگی ایران و آلمان آغاز شد و از جمله اقدامات اجرا شده در این هفته ایجاد یک نمایشگاه دابل از کتابهای منتشره در باره ممالک ایران و آلمان و همچنین مبادله تعدادی کتب میان دو کشور بود .

۲ اردیبهشت ۲۵۲۵

کتابخانه جوانان در محلات ، بنام شاهنشاه آریامهر افتتاح شد . بنای این کتابخانه از محل عطیه مرحمتی علیاحضرت شهبانوی ایران صورت گرفت .

۱۲ اردیبهشت ۲۵۲۵

در فومن (گیلان) نیز یک کتابخانه بنام (آریامهر) گشایش یافت . این کتابخانه هم از محل عطیه مرحمتی علیاحضرت احداث شد .

۱۳ اردیبهشت ۲۵۲۵

شاهنشاه آریامهر ، بودجه نظامی یكروز ایران را برای تسهیل در امر پیکار جهانی با بی-سوادی ، به سازمان یونسکو اهداء فرمودند و از سران همه کشورهای جهان دعوت کردند که در انجام این عمل خیر به ایران تاسی کنند . رقم اهدائی بودجه یكروز ارتش ایران برابر با ۷۰۵ هزار دلار بود . و شاهنشاه در پیام خود به مدیرکل یونسکو این نکته را خاطر نشان

فرمودند که :

(... بدون تردید ، ریشه کن ساختن این بلای اجتماعی ، یعنی بیسوادی در سراسر جهان مستلزم وقت و مبالغی بیش از کمک دولت ایران می باشد ولی از سوی دیگر بایستی امید وار بود کشورهای دیگر از این اقدام که برای کشوری در حال توسعه مانند ایران توام با از خود گذشتگی واقعی می باشد ، پیروی کنند ...)

۱۸ اردیبهشت ۲۵۲۵

به فرمان شاهنشاه آریامهر ، یکرز حقوق شاهنشاه و والاحضرت ولیعهد به امر مبارزه با بی سوادی و تامین کتب لازم برای نوآموزان و نوسوادان اختصاص یافت .

۲۵ اردیبهشت ۲۵۲۵

لایحه حمایت مولف به هیات دولت رفت .

۳ خرداد ۲۵۲۵

اولین کتابخانه کودک در آمل (مازندران) طی تشریفات خاص گشایش یافت این کتابخانه در جهت تامین احتیاجات فرهنگی نوجوانان شهرستان آمل ایجاد شده بود .

۷ خرداد ۲۵۲۵

طی مراسمی پر شکوه در دانشگاه بخارست پایتخت کشور رومانی ، رئیس آن دانشگاه از جانب ملت رومانی ، در پیشگاه شاهنشاه آریامهر که در آن هنگام در سفر رومانی بودند تقاضا کرد که درجه دکترا افتخاری دانشگاه بخارست را به پاس خدمات ارزنده شان به صلح جهانی و فرهنگ عمومی همه دنیا بپذیرند و شاهنشاه آریامهر در همین مراسم فرمودند :

(... در عصر ما سر نوشت همه ملت ها به هم بسته است . امروز دیگر ما نمی توانیم وجود یک میلیارد نفر بی سواد را در داخل خانواده بزرگ انسانی تحمل کنیم . در مورد حکومت های مطلقه . تبعیضات نژادی ، بیسوادی ، محرومیت زنان از حقوق قانونی خود و اختلاف فاحش سطح زندگی جامع پیشرفته و در حال توسعه نیز این امر ، صادق است ...)

۱۲ خرداد ۲۵۲۵

طی تشریفات اسناد مربوط به قرار داد فرهنگی میان ایران و کشور اردن مبادله شد و در همین روز تعدادی کتاب برای دانشگاه عمان به اردن فرستاده شد .

۲۸ خرداد ۲۵۲۵

در دانشکده حقوق دانشگاه تهران ، برای انجام سه هدف ارزنده تعلیم و تربیت تعیین :
۱ - ایجاد مراکز تعلیماتی و تحقیقاتی برای پیدایش کتابهای مخصوص روش سواد آموزی

۲ - تعقیب جنبه‌های تحقیقاتی مسائل مورد احتیاج کشور .
۳ - انجام کارآموزی برای تعلیم و تربیت و آماده‌کردن افراد برای شرکت در مجامع عمومی (مرکز مطالعات عالی بین المللی) افتتاح شد .

۳ - تیر ۲۵۲۵

از محل بودجه شهرداری امیرکلا (در نزدیکی بابل مازندران) اولین کتابخانه‌ی عمومی در آن منطقه گشایش یافت .

۱۸ تیر ۲۵۲۵

در جریان کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تربیت ، وزیر آموزش و پرورش ایران دکتر هادی هدایتی به ریاست کنفرانس انتخاب شد . در این کنفرانس ، دولت ایران آخرین کتب منتشره در باره تعلیم و تربیت را به سایر اعضاء کنفرانس ارائه شد .

۲ مرداد ۲۵۲۵

مبلغ بیست و یک میلیون ریال برای کمک به انجام و اتمام ۱۴۰ طرح عمومی از جمله احداث کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها ، در اختیار شهردار قرار گرفت .

۱۳ مرداد ۲۵۲۵

در شهرستان بابل کتابخانه موسوم به (ولیعهد) افتتاح شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت .

۹ شهریور ۲۵۲۵

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر کنگره ایران شناسان گشایش یافت . شاهنشاه در نطق افتتاحیه این کنگره خطاب به برجسته‌ترین محققان و دانشمندان ممالک جهان فرمودند :

(. . . کار این کنگره ، همکاری جهانی در تالیف تاریخ کامل ایران است که همانقدر که متعلق به ماست متعلق به همه عالم بشریت است . تمدن و فرهنگ ما ، از آغاز ، یک تمدن و فرهنگ انسانی و دنیائی بوده و متفکران ، فلاسفه ، عرفا ، نویسندگان و شعرای ما همواره دید بشری و جهانی داشته‌اند . مایه اصلی ادبیات و حکومت ایران ، محبت و پیوستگی است . بیست و پنج قرن پیش ، تاریخ شاهنشاهی ما با منشور آزادی بخش کوروش آغاز شد و در تاریخ شاهنشاهی ایران ، آخرین صفحه‌ای که تاکنون نوشته شده ، منشور دیگری بنام انقلاب اجتماعی ایران است که طومار بی عدالتی‌های اجتماعی و تبعیضات و فقر و جهل برای همیشه در جامعه مادرهم نوردیده شده است

. . . تاریخی که دانشمندان ایرانی با همکاری علمای ایران شناسی سایر کشورها تالیف

خواهند کرد. قبل از هر چیز تاریخ یک تمدن و یک فرهنگ انسانی خواهد بود نه تاریخی که منحصر به شرح فتوحات و استیلاهای نظامی باشد (۰۰۰)

۲۵ شهریور ۲۵۲۵

به میمنت روز اعلام سلطنت شاهنشاه آریامهر، کتابخانه‌ای که برای استفاده کودکان و نوجوانان گنبد کاوس احداث شده بود، افتتاح گردید.

۳۰ شهریور ۲۵۲۵

کتابخانه آموزش و پرورش مراغه گشایش یافت.

۲ مهر ۲۵۲۵

در شهرستان خوی کتابخانه‌ی (موزه) افتتاح شد. این کتابخانه در روز تاسیس نزدیک به ۷۰۰ جلد کتاب داشت.

۶ مهر ۲۵۲۵

همزمان با هم، چهار کتابخانه تازه در تهران گشایش یافت. کتابخانه کوی نهم‌آبان کتابخانه خیابان شاهپور - کتابخانه خیابان بهار - کتابخانه خیابان کاشان و علاوه بر این چهار مرکز، یک کتابخانه سیار نیز برای دانش آموزان مدارس در تهران آغاز بسکار کرد.

۷ مهر ۲۵۲۵

اولین گلنگ برای احداث کتابخانه کودک بوسیله استاندار آذربایجان شرقی در تبریز به زمین زده شد.

۱۲ مهر ۲۵۲۵

در الیگودرز اولین کتابخانه عمومی گشایش یافت.

۱۵ مهر ۲۵۲۵

اولین انجمن کتابخانه‌ی عمومی در ایران کار خود را آغاز کرد و در پایان سال ۲۵۳۰ تعداد این انجمن‌ها به (۳۵۲) رسید. انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی در اجرای قسمتی از منویات شاهنشاه آریامهر و برای این منظور به وجود آمدند که با تشکیل جلسات مرتب به میزان احتیاجات کتابخانه‌ها به کتاب و تامین کتابهای لازم برای استفاده همگانی رسیدگی کنند.

در نیمه دوم سال ۲۵۲۵ در سراسر ایران ۱۲ انجمن تاسیس شد و در سال ۲۵۲۶

تعداد ۲۵۲ انجمن بکار پرداخت .

۳۰ مهر ۲۵۲۵

عملیات ساختمانی کتابخانه بهبهان که ایجاد آن مورد تقاضای مردم و مخصوصاً جوانان و دانش‌آموزان بهبهان بود پایان یافت و با خودیاری مردم مخصوصاً "متمکنین و فرهنگیان آن شهرستان اولین کتابخانه بهبهان افتتاح شد .

۲۵ آبان ۲۵۲۵

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر، ساختمان نوین یاد و مجهز کاخ جوانان، در جاده قدیم شمیران تهران که دارای یکی از مجهزترین کتابخانه‌های کاخ جوانان در سراسر کشور محسوب می‌شود افتتاح شد و شاهنشاه در جریان گشایش این کاخ فرمودند (. . . باید ترتیبی داده شود که عموم جوانان بتوانند بیشتر و راحت‌تر از وسائل این مراکز که مخصوص آنان ایجاد می‌شود استفاده کنند و گرایش آنان به کتاب و مطالعه به موازات گرایش در دیگر تفریحات سالم افزایش یابد . . .)

۲۵ آبان ۲۵۲۵

کاخ جوانان تهران در جاده قدیم شمیران افتتاح شد و در مراسم افتتاح آن شهردار تهران اعلام کرد که برای کلیه کاخ‌های جوانان کتابخانه‌های مجهزی دایر خواهد شد و یادار تکمیل کتب کتابخانه‌های موجود اقدام می‌شود .

۲۵ آبان ۲۵۲۵

به میمنت روز میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر در شهرستان فردوس (خراسان) کتابخانه عمومی گشایش یافت .

۱۳ آبان ۲۵۲۵

چکی به مبلغ ۷۰۵۸۶۲ دلار، بودجه یکروزه ارتش شاهنشاهی ایران توسط والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی به " رنه‌ماهو " مدیر کل سازمان یونسکو تسلیم شد تا به مصرف خرید کتاب و دیگر وسائل ضروری برای مبارزه با بی سوادی جهانی برسد .

۲۴ آبان ۲۵۲۵

اعلام شد که روز ۱۷ شهریور ماه هر سال روز مبارزه با بی سوادی اعلام شده است .

۲۹ آذر ۲۵۲۵

در اجرای فرمان شاهنشاهی و با توجه به قانون تاسیس کتابخانه‌های عمومی در تمام شهرها، هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور اولین جلسه خود را تشکیل داد و در پایان

این جلسات بود که متن قانون تکثیر، توام با آئین نامه اجرایی برای تشکیل انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی به شهرستانها ابلاغ شد.

۱۲ آذر ۲۵۲۵

در کرمان کتابخانه‌ای به نام (میمندهی نژاد) افتتاح شد.

۱۳ آذر ۲۵۲۵

دانشسرای عالی تهران دارای تعداد زیادی کتاب شد و کتابهایی که در این روز به دانشسرای عالی اهدا شد، کتابهای مرحوم استاد عبدالعظیم خان قریب بود.

۲۳ آذر ۲۵۲۵

مجهرترین و بزرگترین چاپخانه کشور به نام (بیست و پنجم شهریور - افست) از سوی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، برای چاپ و انتشار بهتر و بیشتر انواع کتابها افتتاح شد.

۲۷ آذر ۲۵۲۵

در شهر زاهدان، شرقی‌ترین مرکز استان های ایران یک کتابخانه عمومی افتتاح شد.

۱۰ دی ۲۵۲۵

هیات امنای کتابخانه‌های عمومی در کاخ سلطنتی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر باریافتند و در جریان این شرفیابی ضمن اظهار بیاناتی فرمودند در روستاها باید برای گسترش فرهنگ میان روستائیان، اقدام به تاسیس خانه‌های فرهنگ روستائی شود. باید سعی شود که روستائیان در اوقات فراغت از کار، بیشتر به سوی کتاب و فرهنگ و افزایش معلومات خود، جلب شوند.

۲۵ دی ۲۵۲۵

فرمان تاریخی شاهنشاه برای تجلیل از بزرگان علم و ادب و هنر شرف صدور یافت.

۲۹ دی ۲۵۲۵

میان دانشگاه پهلوی (شیراز) و دانشگاه معتبر پنسیلوانیا (آمریکا) قراردادی برای مبادله کتاب و دانشجو و استاد به امضاء رسید.

۶ بهمن ۲۵۲۵

کتاب معروف انقلاب سفید، نوشته شاهنشاه آریامهر انتشار یافت. این کتاب که روز سالگرد انقلاب شاه و ملت منتشر شد، دارای بخش‌های گوناگون بود و علل و جهات ایجاد انقلاب بزرگ ملی ایران و نتایج حاصله از اجرای اصول اولیه انقلاب در آن تشریح شده بود و برای

تفہیم بیشتر اصول انقلاب ، تدریس آن به صورت یک واحد مستقل درسی در دبیرستانها آغاز شد .

۶ بہمن ۲۵۲۵

از کتابخانہ ۶ ششم بہمن شہرستان نفت آغاز بہ بہرہ برداری شد .

۱۳ بہمن ۲۵۲۵

تدریس کتاب انقلاب سفید در کلاسهای سوم و پنجم متوسطہ سراسر کشور آغاز شد .

۱۳ اسفند ۲۵۲۵

بہ منظور تجلیل از روز تاریخی سوم اسفند ، کتابخانہ ای کہ توسط آموزش و پرورش تاسیس شدہ بود ، طی تشریفات خاص افتتاح گردید و بندر بوشہر ایجاد اولین کتابخانہ را جشن گرفت .

۱۹ اسفند ۲۵۲۵

شاهنشاه آریامہر ضمن دیداری از کتابخانہ دانشگاہ گندی شاپور درسفر خوزستان اوامری برای خرید کتب بیشتر برای استفادہ دانشجویان آن دانشگاہ فرمودند :

۱۰ اسفند ۲۵۲۵

بہرہ برداری از کتابخانہ و ساختمان مرکز تحقیقات علوم تجربی در دانشگاہ تہران آغاز شد . این مرکز تحقیقاتی کہ در خاور میانہ کم نظیر است در سہ طبقہ با ۳۶۴۵ مترمربع زیر بنا ایجاد شدہ و کتابخانہ آن دارای تازہ ترین کتابہای منتشرہ ایران و اروپا و آمریکا و آسیاست .

۱۷ اسفند ۲۵۲۵

در جریان سفر شاهنشاه آریامہر بہ پاکستان دانشگاہ پیشاور ، بہاس توجہ خاص شاهنشاه ایران بہ فرهنگ و ادب و هنر و سعی در گسترش ہرچہ بیشتر آن ، دکترای افتخاری تقدیم داشت .

در این مراسم شاهنشاه فرمودند :

(... علم و فرهنگ اصولاً " مرز و ملیت نمی شناسد . یکی از مشکلات امروز این است کہ اغلب مغزها و لوازم ممالک ، چون آہن و آہن ربا بہ مراکز علمی و فنی ممالک دیگر جذب می شوند تا وسایل کارشان بہتر فراہم شود . باید وسائل کار و زندگی نفرہا را در کشور خودمان فراہم کنیم تا بہترین نفرہا باین قطب جذب شوند ...)

۱۶ خرداد ۲۵۲۶

بنیاد فرهنگی رضا پهلوی، برای کمک و راهنمایی تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموزان پر استعداد و بی بضاعت در سراسر کشور افتتاح شد این بنیاد فرهنگی به ریاست افتخاری والا حضرت همایون رضا پهلوی ولایتعهد ایران فعالیت خود را آغاز کرد و با دانشگاههای معتبر ممالک آمریکائی و اروپائی برای اعزام دانشجویان استفاده از کلیه تسهیلات و امکانات آموزشی آن دانشگاهها قرار دادهائی منعقد کرده است. بنیاد فرهنگی رضا پهلوی در مراکز استانهای کشور و هر منطقه و شهر دیگری که هیات امنای آن بنیاد صلاح بدانند شعبه‌هایی ایجاد می‌کند.

۱۱ مرداد ۲۵۲۶

موسسه تحقیقات علوم پزشکی در پیشگاه شاهنشاه آریامهر گشایش یافت و در همین روز بهره برداری از آزمایشگاه تربیت معلم و تحقیقات تربیتی که به کتابخانه نیز مجهز است برای مطالعه و یادگیری بیشتر جوانان دانشجویان آغاز گردید. کتابخانه و آزمایشگاه تربیت معلم برای مطالعه رشته‌های (شیمی، جانور شناسی، گیاه شناسی و زمین شناسی) به تعداد ششصد دانشجوی رشته شبانه و سیصد دانشجوی رشته روزانه طرح ریزی شده است.

۲۴ تان ۲۵۲۶

کتابخانه عمومی شهرستان بابل به مناسبت روز تاجگذاری فرخنده شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانوی ایران گشایش یافت این کتابخانه که قبلاً نیز وجود داشت در محل تازه تاسیس مستقر شده و تعداد کتابهای آن از محل اعتبار تازه به دو برابر افزایش یافت.

۲۴ تان ۲۵۲۶

در روز فرخنده تاجگذاری اعلیحضرتین گذشته از کتابخانه بابل تعداد دیگری کتابخانه نیز در نقاط مختلف از جمله در (طیس، پاوه، اهواز و شیراز) گشایش یافت.

۲۴ تان ۲۵۲۶

اولین نمایشگاه کتاب به مناسبت جشن فرخنده تاجگذاری شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران در تالار نوبنیاد موزه ایران باستان گشایش یافت این نمایشگاه با تعداد ۲۲۱۹ جلد کتابهای برگزیده، یکی دیگر از فعالیت‌های انجام شده برای جلب مردم به کتاب خواندن و مراجعه به کتابخانه‌ها بود.

اولین نمایشگاه کتاب در تالار نوبنیاد موزه ایران باستان، مظهر ۲۵ سال سیر تکامل

و ترقی چاپ و نشر کتاب در ایران محسوب می‌شد و سخت مورد توجه علاقه‌مندان به کتاب قرار گرفت .

۲۵۲۹ آبان ۲۵۲۶

به مناسبت سالگرد میلاد والا حضرت همایون ولایتعهد در چند نقطه ایران، کتابخانه‌هایی افتتاح و در اختیار علاقه‌مندان به مطالعه قرار گرفت. از جمله این کتابخانه‌ها دو کتابخانه مخصوص کودکان و نوجوانان در شیراز، و منصوریه و همچنین کتابخانه عمومی میاندوآب، ندامتگاه بابل، کتابخانه گرگان و کتابخانه عمومی شاه داغی شیراز، بودند .

۲۵۲۶ آبان ۲۵۲۶

با نصب لوحه زرین ساختمان بنای دانشگاه بزرگ شیراز که یک کتابخانه بزرگ و مجهز برای استفاده دانشجویان، در نقشه آن در نظر گرفته شده بود آغاز شد .

۲۵۲۶ آذر ۲۵۲۶

علی‌احضرت شهبانو مبلغ هفتصد هزار ریال برای ایجاد یک کتابخانه مخصوص کودکان و نوجوانان شهرستان اهواز مرحمت فرمودند و مقدمات احداث کتابخانه فراهم آمد .

۲۵۲۶ آذر ۲۵۲۶

برای ایجاد یک کتابخانه‌ی مجهزه سبک معماری مرسوم دوران ساسانیان، به نام کتابخانه‌ی رضا پهلوی در شهرستان اصفهان، مبلغ ۶ میلیون ریال تامین اعتبار شد .

۲۵۲۶ بهمن ۲۵۲۶

کتابخانه‌ی پرورشگاه حرفه‌ای فرح پهلوی وابسته به جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران گشایش یافت .

۲۵۲۷ شاهنشاهی

۲۵۲۷ فروردین ۲۵۲۷

شاهنشاه آریامهر، پنجمین کنگره جهانی باستان شناسان را که آثاری در باره ایران و تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران تدوین کرده بودند، در تالار رودکی افتتاح نمودند .

شاهنشاه آریامهر هنگام گشایش کنگره جهانی باستان شناسی در تهران فرمودند :

(..... دانشمندی که با تحقیقات و تالیفات عمیق خود در راه معرفی تمدن

باستانی ایران کوشیده‌اند هرگز فراموش نمی‌شوند.....)

۱۰ اردیبهشت ۲۵۲۷

یک نمایشگاه از چاپهای مختلف شاهنامه فردوسی همراه با شاهنامه‌های خطی موجود در کتابخانه‌ها به مناسبت مراسم گشایش آرامگاه تازه حکیم طوس گشایش یافت.

۱۱ اردیبهشت ۲۵۲۷

در جریان افتتاح بنای تازه‌ای که در طوس خراسان برای استاد طوس، حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی ایجاد شده بود، شاهنشاه آریامهر، مقرر فرمودند که در چاپ و تکثیر و توزیع شاهنامه، در میان همه طبقات مردم دقت و توجه بیشتری شود.

۴ خرداد ۲۵۲۷

در جریان گشایش تاسیسات جدید مدرسه عالی دختران ایران درونک که در پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران برگزار شد، کتابخانه تاسیسات مورد دیدار شهبانو قرار گرفت و در باره توسعه کتابخانه برای رفع نیازمندیهای دانشجویان اوامری صادر شد.

۲۳ خرداد ۲۵۲۷

ساختمان تازه خانه مطبوعات افتتاح گردید.

۲ تیر ۲۵۲۷

به تعداد کتابهای کتابخانه ملی تبریز، بیش از نه هزار جلد کتاب نفیس چاپی و خطی نفیس به ارزش ۲۰ میلیون ریال که اهدائی خانواده‌ای بود، افزوده شد.

۱۲ تیر ۲۵۲۷

کانون اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان بزهدار در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو افتتاح شد و در جریان برگزاری این مراسم، شاهنشاه فرمودند که برای ارشاد بهتر و یادگیری بیشتر و موثرتر نوجوانان کانون، کتابخانه مجهزی تاسیس گردد.

۱۷ تیر ۲۵۲۷

در اهواز کتابخانه تازه‌ای گشایش یافت که مخصوص کودکان بود و در آن کتابهای تازه چاپ مخصوص کودکان برای استفاده نوجوانان اهوازی گردآوری شده بود.

۱ مرداد ۲۵۲۷

کتابخانه کودک زاهدان که از محل عطیه ویژه شهبانو ایجاد شده بود طی تشریفات بوسیله وزیر آبادانی و مسکن گشایش یافت.

۱۵ مرداد ۲۵۲۷

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر کنفرانس بزرگ رامسر گشایش یافت و در اولین جلسه این کنفرانس بزرگ آموزشی، شاهنشاه با اشاره به لزوم توجه بیشتر نسبت به تأمین وسایل آموزشی از جمله کتاب فرمودند: (. . . انقلاب آموزشی تنها مربوط به آموزش عالی نیست، این انقلاب از خانواده‌ها آغاز می‌شود و در کودکان و دبستان و دبیرستان ادامه می‌یابد و به سطح آموزش عالی می‌رسد. معایب دانشگاهی را باید از چند نقطه نظر مطالعه کرد، اداری، دانشجویی، هیات آموزش و موضوع تمام استادان، دانشجویان انسانی هستند که دارای فهم و ادراک می‌باشند و باید با آنان در شأن انسانی آنان رفتار کرد و به دانشجویان نیز مانند سایر طبقات مملکت در حد معقول مشارکت داد.

استاد باید با دانشجو دوستانه رفتار کند و در مقابل سؤال او جواب قانع کننده و منطقی و مودبانه بدهد و بر قراری این گفت و شنود باید بیشتر به عهده استادان راهنما باشد. امور دانشجویی را تا آنجا که مقدور است باید به عهده خود دانشجویان واگذار کرد)

۱۷ مرداد ۲۵۲۷

شاهنشاه آریامهر در جریان کنفرانس آموزشی رامسر که در پیشگاهشان تشکیل شده بود ضمن اعلام سیاست آموزشی تازه کشور فرمودند که: (. . . شخصا دقت خواهم کرد که انقلاب آموزشی به نتیجه مثبت برسد)

۲۹ مرداد ۲۵۲۷

فرمان تشکیل فرهنگستان از سوی شاهنشاه آریامهر صادر شد.

۲۹ مرداد ۲۵۲۷

یک کتابخانه کودک در تبریز افتتاح شد.

۲ شهریور ۲۵۲۷

اساسنامه بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان ایران اعلام گردید.

۵ شهریور ۲۵۲۷

بر اساس یک قرار داد فرهنگی، قرار شد که ایران و جمهوری رومانی برای گسترش بیشتر فرهنگ و ادبیات یکدیگر، کتابها و دانشجویان و استادانی مبادله کنند.

۵ شهریور ۲۵۲۷

اعضای شورای عالی فرهنگ و هنر طی مراسمی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب شدند

در جریان این شرفیابی شاهنشاه فرمودند: (. . .) باید انقلاب آموزشی را با توسعه فرهنگ اصیل ایران توأم سازیم. باید بکوشیم مظاهر تمدن باستانی ایران با تمام روح و صفاتش حفظ شود و روحیه خاص ایرانی در آن مستقر باشد. باید بکوشیم که فرد فرد افراد کشور با مظاهر فرهنگ قدیم ایران و روح ایرانی آن آشنائی داشته باشند تا بتوانند از راههای گوناگون آنرا حفظ کنند. باید در روستاهای دور افتاده نیز خانه‌های فرهنگ تاسیس شود. . . .)

۲۵ شهریور ۲۵۲۷

به افتخار آغاز بیست و هشتمین سال سلطنت شاهنشاه آریامهر، بزرگترین سند سیاسی و اجتماعی، شامل تالیفات نطقها، رساله‌ها و مصاحبه‌ها و بیانات شاهنشاه آریامهر در یک مجموعه پنج جلدی و در ۵۰۰۰ صفحه انتشار یافت.

۲۸ شهریور ۲۵۲۷

درانجمن ملی خانه‌های فرهنگ روستائی که تحت ریاست عالیّه والا حضرت همایون ولایتعهد تشکیل شده بود، اعلام شد که برای گسترش بیشتر کتاب در سراسر روستاها و میان اعضای خانه‌های فرهنگ روستائی، امکانات بهیشتی فراهم شود.

۲۸ شهریور ۲۵۲۷

فرمان تشکیل خانه‌های فرهنگ روستائی به ریاست عالیّه والا حضرت همایون ولایتعهد صادر شد.

۲۴ بان ۲۵۲۷

نمایشگاه کتابهای چاپی سال ۲۵۲۶ و نیمه اول سال ۴۷ در تالار نوبنیاد موزه ایران باستان تشکیل شد. در این نمایشگاه ۱۳۸۰ جلد کتاب گردآوری شده بود.

۲۹ بان ۲۵۲۷

برای گسترش بیشتر شناسائی ایران، از راه ارائه کتابها و فیلمها و سخنرانیهای مختلف به فرمان شاهنشاه آریامهر در ترکیه، خانه فرهنگ ایران گشایش یافت.

۲۱ بان ۲۵۲۷

اولین کنگره شعر فارسی در تالار رودکی توسط علیا حضرت شهبانو گشایش یافت و در جریان برگزاری مراسم گشایش کنگره، برگزیدگان شعر و نثر ایران شرکت داشتند.

۲۵۲۷ بان

لایحه حمایت مولفین و مصنفین در مجلس شورای ملی تصویب شد. این لایحه برای حفظ حقوق بیشتر نویسندگان و مترجمین و دلگرمی و تشویق بیشتر آنان در انجام خدمات بیشتر و موثرتر فرهنگی تدوین شده بود و بعد از تصویب مجلس سنا، توسط دولت آغاز به اجرا خواهد شد.

۲۵۲۸ بان

اولین کنگره تاریخ ایران با پیام شاهنشاه آریامهر گشایش یافت. در پیام شاهنشاه خطاب به کنگره تاکید شده بود (هیچ ملتی بی توجه به گذشته نمی تواند آینده خود را واقع به بینانه طراحی کند)

کنگره تاریخ ایران به منظور بررسی و تحقیق مفهوم تاریخ و تاثیر اجتماعی ملی و فردی تاریخ تشکیل شد.

اول آذر ۲۵۲۷

پنجمین خانه فرهنگ ایران در راولپندی پاکستان افتتاح شد و برای آشنائی مراجعین به این خانه فرهنگ، به فرمان شاهنشاه آریامهر تعداد زیادی از کتابهای فارسی به راولپندی فرستاده شد.

۲۵۲۸ شاهنشاهی

۱۶ فروردین ۲۵۲۸

نمایشگاه ویژه‌ای که شامل آثار منتشره برای کودکان و نوجوانان بود مورد بازدید علیاحضرت شهبانو قرار گرفت. در پایان این دیدار، علیاحضرت ضمن صدور اوامری در زمینه لزوم تلاش بیشتر برای تامین خوراک روحی کودکان و نوجوانان فرمودند (. . . نباید فراموش کنیم که کودکان امروز، مردان و زنان فردای همین کشورند . . . هر چه این مردان و زنان آینده بهتر و سالمتر پرورش یابند، دنیای فردای ایران عالی تر خواهد بود.

۲۱ فروردین ۲۵۲۸

اولین خانه فرهنگ روستائی در استان فارس گشایش یافت. در خانه فرهنگ روستائی علاوه بر کتابخانه، وسایل ورزشی و کارهای هنری نیز برای روستائیان خردسال فراهم شده بود تا در اوقات بیکاری به پرورش روح خود بپردازند.

۵ اردیبهشت ۲۵۲۸

خانهٔ ایران در پاریس (خیابان شانزله‌لیزه) توسط شهبانوی ایران گشایش یافت .

۶ اردیبهشت ۲۵۲۸

در پاریس ، خانهٔ فرهنگ ایران توسط علیاحضرت شهبانو افتتاح شد .

۸ خرداد ۲۵۲۸

اولین کلنگ بنای مدرسهٔ عالی ادبیات با حضور آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر ، به وسیلهٔ وزیر آموزش و پرورش بزمین زده شد . در این مراسم آقای هویدا نخست وزیر ضمن بیاناتی گفت (. . . سعی خواهد شد همهٔ آنچه را که یک دانشجوی راستین احتیاج دارد تا سر حد امکان برای او فراهم شود که در آغاز این احتیاجات کتاب و وسایل مطالعهٔ اوست . . . کتابخانه‌های زیادی تاسیس شده است و کتابخانه‌های دیگر نیز به وجود خواهد آمد . . .)

۲۲ خرداد ۲۵۲۸

مرکز انجمن‌های هنری و ادبی دانشگاه پهلوی در شیراز افتتاح شد . این مرکز شامل کتابخانه‌ها و کارگاه‌های نقاشی و عکاسی و تئاتر است و برای تقویت ذوق و استعداد دانشجویان به وجود آمد .

۲۷ خرداد ۲۵۲۸

در مراسم اعطای جوایز دانش‌آموزان ممتاز و نوجوانان و هنرمندان مدارس که در دبیرستان رضا شاه کبیر برگزار شد ، علیاحضرت مطالبی در زمینهٔ لزوم توجه بیشتر نسل نوجوانان به کتاب و مطالعهٔ بیان فرمودند و به اولیای امور آموزش و پرورش توجه دادند که شرط اول تربیت صحیح ، فراهم آوردن وسائل تربیت است که در راس آنها کتاب قرار دارد .

۲۹ خرداد ۲۵۲۸

اولین کلنگ برای احداث کتابخانهٔ عمومی در بندر عباس به زمین زده شد .

۱۰ تیر ۲۵۲۸

به فرمان شاهنشاه آرماسهر ، قرار شد که روستا زادگان با سواد که مشمول خدمت نظام و وظیفه می‌شوند ، برای اداره شرکت‌های تعاونی روستائی تربیت شوند و هیاتی از متخصصین مامور شوند که برای انجام فرمان ملوکانه کتابهای لازم را تدوین کنند .

۱۸ تیر ۲۵۲۸

مقدمات ایجاد هفت کتابخانهٔ عمومی در هفت شهرستان کشور فراهم شد .

۶ مرداد ۲۵۲۸

کنفرانس دبیران علوم اجتماعی در شهرستان تبریز افتتاح شد. در پیام ویژه شاهنشاه که به مناسبت گشایش این کنفرانس فرستاده شده بود تصریح شده بود که نخستین صفحات تاریخ افتخار آمیز آینده مادر حال نوشته شدن است. تاریخ آزمایشگاهی است که در آن علل وقایع تجزیه و تحلیل می شود.

۶ مرداد ۲۵۲۸

علیاحضرت شهبانوی ایران مبلغ دو میلیون ریال برای توسعه و تکمیل کتابخانه و سایر تاسیسات دانشگاه تبریز مرحمت فرمودند.

۱۹ مرداد ۲۵۲۸

سمینار مرکز دبیران زبان و ادبیات زبان فارسی برای بحث و مذاکره در باره کتابهای ادبی و کلاسیک فارسی، با پیام ویژه شاهنشاه آغاز شد.

۲۶ مرداد ۲۵۲۸

قرارداد تاسیس کتابخانه مرکزی دانشگاه پهلوی در هفت طبقه، به امضاء رسید این کتابخانه گنجایش یک میلیون جلد کتاب را برای استفاده دانشجویان دانشگاه دارد.

۲۶ مرداد ۲۵۲۸

اعلام شد که یک دانشگاه عظیم در خوزستان ایجاد خواهد شد که کتابخانه آن دانشگاه از حیث دارا بودن کتابهای مختلف در زمینه های (علمی، ادبی، صنعتی، اقتصادی، تاریخی، جغرافیائی و انسانی) در دنیا کم نظیر است.

۱۸ شهریور ۲۵۲۸

شاهنشاه آریامهر در پیام مخصوصی که به مناسبت سالروز پیکار جهانی با بی سوادی فرستادند فرمودند بایچه بارواج بیشتر کتاب، مبارزه با بی سوادی توسعه بیشتری پیدا کند.

۲۲ مهر ۲۵۲۸

کتابخانه پارک نارمک همراه با سایر تاسیسات آن پارک که در فضائی به مساحت ۶۱ هزار متر مربع احداث شده است گشایش یافت.

۲۴ مهر ۲۵۲۸

اولین عملیات ساختمانی برای احداث کتابخانه ای در آذر شهر آغاز شد.

۲۵۲۸ بان ۲۳

در غرب تهران، یک کتابخانه^۱ کودکان در پیشگاه علیاحضرت شهبانو افتتاح گشت.

۲۵۲۸ بان ۲۴

سومین نمایشگاه کتابهای چاپی، به تعداد ۱۶۶۴ جلد در محل تالار نوبنیاد موزه^۲ ایران باستان گشایش یافت.

۲۵۲۸ بان ۲۶

نمایشگاهی از کتابهای تازه چاپ فارسی در زمینه‌های مختلف در محل نوبنیاد موزه^۳ ایران باستان در پیشگاه شاهنشاه آریامهرو علیاحضرت شهبانو افتتاح شد. نمایشگاه کتاب در کنار خود شش نمایشگاه دیگر نیز داشت که عبارت بودند از نمایشگاه اشیاء عتیقه، نمایشگاه بررسی‌های جدید باستانشناسی، نمایشگاه آثار هنری استاد بهزاد، نمایشگاه عکسهای مظاهر فرهنگی، هنری واجتماعی آذربایجان، نمایشگاه آلات موسیقی، نمایشگاه پوسترها و عکسها.

۲۵۲۸ بان ۲۷

نمایشگاه‌های هفت گانه منجمله نمایشگاه کتاب در پیشگاه اعلیحضرتین افتتاح شد.

۲۵۲۸ بان ۱۱

هفته^۴ کتاب با پیام‌های مخصوص علیاحضرت شهبانو و والاحضرت همایون ولایتعهد در تهران و شهرستانها آغاز شد در جریان برگزاری مراسم هفته^۵ کتاب بود که اعلام شد در سالهای اخیر ۱۱۳ کتابخانه تازه در تهران و شهرستانها ایجاد شده است.

۲۵۲۸ بان ۱۲

به مناسبت برگزاری مراسمی در تجلیل از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ادیب و سیاستمدار و مورخ بزرگ ایران در قرون ۷ و ۸ هجری قمری شاهنشاه پیامی فرستادند.

۲۵۲۸ بان ۲۹

در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر ساختمان ۱۸ کتابخانه برای ۱۸ شهرستان آغاز شد.

۲۵۲۸ ذر ۲۴

خانه^۶ جوانان رضائیه افتتاح شد و کتابخانه^۷ آن مورد دیدار قرار گرفت.

۲۵۲۸ ذر ۱۶

شاهنشاه آریامهر در دیدار از ساختمان تازه^۸ بنیاد پهلوی فرمودند: " طرح بیمه^۹ فرهنگی را هر چه زودتر باید عملی کرد برای تعمیم بهداشت نیز باید اقدام شود. باید استعداد

دانش آموزان و دانشجویان را شناخت و از طریق بیمه فرهنگی امکان ادامه تحصیلات عالی را برای آنان فراهم ساخت . "

۲۵۲۸ آذر ۲۴

در پیشگاه علیاحضرت فرح پهلوی پارک نوین یاد یوسف آباد افتتاح شد . پارک یوسف آباد ، که ۲۵ هزار متر مربع وسعت دارد و دارای تالار عمومی ، کتابخانه ، بزرگسالان و کودکان کارگاه هنری نوباوگان ، سازمان زنان ، سازمان پیشاهنگی ، سالن مخصوص نمایش فیلم و سائ بازی و تفریح کودکان است .

۲۵۲۸ آذر ۲۳

کتابخانه مدرن دانشکده حقوق افتتاح شد .

۱۱ دی ۲۵۲۸

شاهنشاه آریامهر در پیام خود به مناسبت آغاز سال جهانی تعلیم و تربیت فرمودند :
" . . . برای جامعه بشری در عصر کنونی ، هیچ احتیاجی مهمتر و حیاتی تر از تعلیم و تربیت صحیح در سطح جهانی و حیاتی نیست . تا وقتی که توده های عظیم مردم جهان از آموزش و پرورش کافی محروم باشند و جهل و بی سوادی حاکم بر سرنوشت صدها میلیون افراد انسانی باشد نمی توان جامعه ها را در تلاش برای ترقی جامعه ای پیروز دانست . "

۱ بهمن ۲۵۲۸

اعلام شد که بودجه آموزش و پرورش ۲۰۰ میلیون تومان اضافه شده است تا نیازمندی های آن وزارتخانه از حیث تهیه و تامین کتب لازم بر طرف شود .

۱۵ بهمن ۲۵۲۸

به ماده اول قانون تاسیس کتابخانه های عمومی تبصره ای اضافه شد که بر اساس آن ، به کتابخانه های کودک کمک های مالی می شود و از روز الحاق این تبصره تا پایان سال ۲۵۳۰ مبلغ ۷۷۴۶۰۰۰ ریال در تهران و ۱۸۰۰۰۰۰ ریال در شهرستانها به کتابخانه های که برای استفاده کودکان و نوجوانان اختصاص دارد کمک شده است .

۲۵۲۹ شاهنشاهی

۴ فروردین ۲۵۲۹

اعضای کنکره هزاره شیخ طوسی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر بار یافتند و در این مراسم ، شاهنشاه خطاب به اعضای کنکره فرمودند : " . . . باید نوجوانان و جوانان ، مخصوصا دانش

آموزان و دانشجویان را به مطالعه مداوم ، البته مطالعه مثبت و مفید عادت داده و برای اینکار باید ابتدا کتابهایی را که لازم دارند در دسترس داشته باشند تا ذوق مطالعه در نهاد آنها از میان نرود ، وظیفه شما تامین این خواسته‌ها است . . . "

۱۰ فروردین ۲۵۲۹

"هلال الفاسی" ایران شناس معروف مراکشی که از سیاستمداران آن سرزمین نیز محسوب می‌شود ، طی یک سخنرانی که در انجمن قلم در تهران ایراد کرد ، پیشرفتهای همه جانبه ایران را که مخصوصاً در جهت گسترش فرهنگ ادبیات و نشر کتب بیشتر محسوس است ستود .

۱۱ فروردین ۲۵۲۹

کنگره جهانی ایران شناسان ، در تالار بزرگ فرهنگستان رم پایتخت ایتالیا با شرکت برجسته‌ترین دانشمندان و محققان و مورخان عصاره‌ممالک مختلف جهان و ایران با پیام‌های شاهنشاه آریامهر و رئیس جمهوری ایتالیا گشایش یافت . در جنب برگزاری این مراسم ، یک نمایشگاه مهم از مهمترین کتابهایی که در طول ۲۵ سال اخیر در باره ایران ، توسط ایران شناسان چاپ و منتشر شده است دایر شد .

۱ اردیبهشت ۲۵۲۹

برندگان جوایز مسابقه شاهنشاهی بهترین کتاب ، طی مراسمی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب شدند . در این مراسم ، شاهنشاه فرمودند : " . . . باید به جوانان بیشتر توجه داشت و نه تنها جوانان بلکه باید همه را به خواندن کتاب برای بهره‌گیری صحیح به نفع فرد و جامعه تشویق کرد . . . "

۲ اردیبهشت ۲۵۲۹

پنجاه و هفتمین کتابخانه کودکان در پارک نیاوران افتتاح شد و بیش از دو هزار جلد کتابهای مخصوص کودکان و نوجوانان در اختیار آنان قرار گرفت .

۱۱ اردیبهشت ۲۵۲۹

کتابخانه عمومی شهرستان لنگرود در استان گیلان گشایش یافت . این اولین کتابخانه در لنگرود به شمار می‌رود

۶ تیر ۲۵۲۹

کتابخانه و دفتر مذهبی کارخانه سیمان دورود در اجرای فرمان ملوکانه در مورد تلاش همگانی برای تولید و انتشار کتب جهت تقویت مبانی مذهبی ، افتتاح شد .

۲۸ تیر ۲۵۲۹

آخرین جلسه کنگرانس رامسردر پیشگاه شاهنشاه آریامهر برگزار شد. در این مراسم شاهنشاه فرمودند: "... انقلاب آموزشی باید محیط خانواده‌ها را نیز فرا گیرد و به دانشجویان و دانش‌آموزان محدود نشود و در این راه باید کتاب وارد خانواده‌ها شود. ..."

۳ مرداد ۲۵۲۹

در پیامی که شاهنشاه آریامهر برای سمینار علوم اجتماعی و تاریخ و جغرافیا فرمودند، تصریح شده بود: "... آنچه از این پس اساس انقلاب آموزشی را تشکیل می‌دهد، تربیت افرادی است که انسانهای واقعا " و عمیقا " فهمیده و متفکر و شایسته برای تشکیل جامعه مرفعی باشند. ..."

۵ مرداد ۲۵۲۹

با پیام شاهنشاه آریامهر اجلاسیه شورای مرکزی آموزشی کشور تشکیل شد.

۲۲ مرداد ۲۵۲۹

به مناسبت بیست و پنجمین سال تاسیس انجمن فرهنگی ایران و اتریش، تعدادی از انتشارات بزرگ و مهم علمی و تحقیقی و ادبی ایران، برای معرفی بیشتر فرهنگ و ادب ایران به مراکز آموزشی و تحقیقاتی اتریش ارسال شد و اتریشیها نیز کتابهای در همین زمینه مبادله کردند.

۲ شهریور ۲۵۲۹

اعلام شد که برای تامین نیازمندیهای شهرستانها، سی و دومیلیون جلد کتابهای درسی که چاپ و تجلید شده بود به شهرستانها ارسال گردید.

۱۱ شهریور ۲۵۲۹

اولین کنگره ایران شناسی با پیام ویژه شاهنشاه آریامهر افتتاح شد.

۱۲ شهریور ۲۵۲۹

کنگروه اول اسلام شناسی با پیام شاهنشاه آریامهر در دانشگاه تهران افتتاح شد.

۱۵ شهریور ۲۵۲۹

اعضای سازمان یونسکو، طی یک جلسه تاریخی، از شاهنشاه ایران به مناسبت کوششهای پیگیر معظم له در راه توسعه و گسترش فرهنگ و ادبیات، تجلیل کردند.

۲۰ شهریور ۲۵۲۹

برای تکمیل کتابخانه‌های چهار دانشگاه اعتبار لازم تامین شد.

۲۱ شهریور ۲۵۲۹

کنگره، بزرگداشت بیبھی با پیام شاهنشاه آریامهر گشایش یافت.

۲۲ شهریور ۲۵۲۹

اولین کلنگ برای احداث بنای کتابخانه‌ای بنام "شهبانو فرح" در بیجارکه هزینه‌ی احداث آن از محل عطیه‌ی علیاحضرت شهبانو تامین شده بود، به زمین زده شد.

۳۰ شهریور ۲۵۲۹

علیاحضرت شهبانو از کتابخانه‌ی پارک عمومی در جنوب شهر دیدار کردند و برای افزایش تعداد کتابها مبالغی مرحمت فرمودند.

۲۱ آبان ۲۵۲۹

دومین کنگره تاریخ ایران باستان با پیام شاهنشاه آریامهر گشایش یافت.

۲۳ آبان ۲۵۲۹

برای اولین بار در تاریخ کتاب و کتابخانه و ایجاد نمایشگاههای کتاب، یک نمایشگاه کتاب از آثار بانوان مولف و محقق و مصنف در سازمان زنان ایران در تهران تشکیل شد. در این نمایشگاه که در جهت معرفی و تجلیل ضمنی از بانوان نویسنده و شاعر به وجود آمد، قسمت عمده‌ای از کتابهایی که در طول فعالیت‌های ادبی بانوان در ایران بچاپ رسیده است، گردآوری شده بود.

۲۴ آبان ۲۵۲۹

نمایشگاه چهارم کتابهای چاپی، با تعداد ۲۲۰۰ جلد در ساختمان نوبنیاد موزه ایران باستان افتتاح شد. در این نمایشگاه کتابهای منتشر شده در نیمه دوم سال ۲۵۲۸ و نیمه اول سال ۲۵۲۹ جمع‌آوری شده بود و نسبت به کتابهای نمایشگاه سال قبل ۵۳۶ جلد افزایش یافته بود.

۲۵ آبان ۲۵۲۹

با پیام شاهنشاه آریامهر، جلسات بحث و سخنرانی در باره زبان فارسی، ادبیات ایران و بررسی کتابهای منتشره سالهای اخیر در تهران تشکیل شد.

۲۶ آبان ۲۵۲۹

با افتتاح یک نمایشگاه کتاب، نمایشگاه فرهنگ و هنر آغاز بکار کرد.

۱۳ آذر ۲۵۲۹

همراه با پنج واحد فرهنگی در مشهد ، یک کتابخانه نیز افتتاح شد .

۱۴ دی ۲۵۲۹

علیاحضرت شهبانودر مراسم ویژه‌ای ، در بارهٔ کودکان و جوانان و جوانان و لزوم گسترش و توسعه‌ی نفوذ کتاب در میان آنان بیانات مهمی ایراد کردند . علیاحضرت در این سخنان کتاب را از ضروری ترین احتیاجات یک فرد دانستند و فرمودند که همه گونه تسهیلات برای افراد و سازمانهایی که قصد انتشار آثاری در جهت هدایت سالم و ارشاد صحیح نوجوانان و جوانان و تقویت مبانی ایران دوستی و میهن پرستی در نهاد آنان دارند ، فراهم شده و باز هم خواهد شد .

۱۵ بهمن ۲۵۲۹

در مراسم شرفیابی استادان و نمایندگان دانشجویان به پیشگاه همایونی ، شاهنشاه آریامهر طی بیاناتی ، ضمن آنکه دانشجویان را به مطالعهٔ بیشتر برای آگاهی بیشتر از مسائل مختلف ملی و جهانی راهنمایی فرمودند ، گفتند باید ترتیبی داده شود که امور دانشجویان به خود آنها واگذار شود .

۲۵۳۰ شاهنشاهی

۱۷ اردیبهشت ۲۵۳۰

موافقت نامه فرهنگی میان دولت شاهنشاهی ایران و دولت مالزی برای مبادلهٔ کتاب و دانشجویان و ایجاد سایر تسهیلات فرهنگی به امضاء رسید و به فرمان شاهنشاه نزدیک به ۱۴۵۰ جلد کتب مختلفه برای دانشگاههای مراکز عالی تربیتی و فرهنگی مالزی ارسال شد .

۱۸ اردیبهشت ۲۵۳۰

در تالار پهلوی دانشگاه پهلوی شیراز ، طی تشریفات خاص ، با پیام شاهنشاه آریامهر ، کنگره جهانی سعدی (شیرازی) و حافظ لسان الغیب گشایش یافت .

۱۸ اردیبهشت ۲۵۳۰

در جریان سفر علیاحضرت شهبانو به شهرستان یزد ، کتابخانهٔ قدیمی آن شهر مورد دیدار علیاحضرت قرار گرفت و علیاحضرت در مورد اقدام برای تجدید بنای کتابخانه و افزایش کتابها برای تامین احتیاجات معنوی جوانان و علاقه مندان یزدی اوامری صادر فرمودند .

۲۴ اردیبهشت ۲۵۳۰

در کراکوی (لهستان) نمایشگاهی از کتابهای ایران تحت عنوان: "گنجینه‌های هنر و ادب ایران" بر پا شد.

۳۰ اردیبهشت ۲۵۳۰

در بوخارست، نمایشگاه آثار هنری ایران و کتابهای خطی فارسی و کتب مربوط به ایران در رومانی گشایش یافت. این نمایشگاه که امکانات ایجاد آن توسط دولت شاهنشاهی ایران فراهم شده بود، به علت استقبال طبقات مختلف مردم رومانی، بعدها در ۴ شهر دیگر آن کشور نیز تکرار شد.

۳ خرداد ۲۵۳۰

دانشگاه ورشو (پایتخت لهستان) نمایشگاهی از نسخه‌های خطی و چاپهای قدیمی و کتابهای مربوط به ایران شناسی ترتیب داد و دولت ایران نیز براساس قراردادهای مبادلات فرهنگی تعداد زیادی از کتب منتشره در ایران را برای آشنائی بیشتر لهستانینها به آن کشور اهدا کرد.

۱۳ خرداد ۲۵۳۰

در دانشگاه لندن، یک سمینار بزرگ علمی، در باره تاریخ شاهنشاهی ایران تحت سرپرستی انجمن سلطنتی آسیائی انگلستان برگزار شده که به فرمان شاهنشاه آریامهر هبائی از ایران نیز در آن سمینار شرکت کرد. در همین روز در منچستر نیز یک سلسله کنفرانس‌های علمی و ادبی بنام ایران جاوید برای معرفی ادبیات و کتابها و پیشرفت‌های فرهنگی ایران تشکیل گردید.

۲ تیر ۲۵۳۰

کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی در پیشگاه شاهنشاه آریامهر افتتاح شد و در جریان برگزاری این مراسم، شاهنشاه فرمودند: "... فعالیت بخش آموزشی در سال گذشته بیشتر در جهت گسترش - کمی - بوده تا گسترش - کیفی - و - می‌بایست این کمیّت و کیفیت متعادل تر شود و برای اینکار بوسیله انتشار و تکثیر کتابهای آموزنده تر میتوان اقدام کرد..."

۱۷ تیر ۲۵۳۰

علیاحضرت شهبانو در مراسم فارغ‌التحصیلی مدرسه عالی پارس، ضمن اظهار این مطلب که موفقیت یک دانشکده یا دانشگاه، به طرز رفتار با دانشجویان بستگی دارد، به همه دانشجویان توجه دادند که با مطالعه منظم و مرتب می‌توانند به نفع کشور، اطلاعات خود

را افزایش دهند .

۲۱ تیر ۲۵۳۰

کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان به مناسبت دوهزار و پانصدمین سال بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران، نمایشگاهی از کتب نفیس چاپی و خطی ایران و انتشارات راجع به ایران ترتیب داده که شامل (هنر مینیاتور ایران - سفرنامه‌های قدیم آلمانی در باره ایران - شعر و ادبیات کلاسیک ایران - کتب خطی - ترجمه‌ها و اقتباس‌های آلمانی از آنها - دوره ساسانی و آثار هنری آنان هخامنشیان و تخت جمشید - تحقیقات پارسی باستان - اوستا و دین زردشت) بود .

۳ مرداد ۲۵۳۰

یکصد و بیست و شش کمیسیون ملی یونسکو در یکصد و بیست و شش کشور جهان که عضو سازمان ملل متحد هستند، در اجرای قطعنامه معروف سازمان یونسکو که در تمام مراکز فرهنگی و علمی و تربیتی آمادگی خود را اعلام داشتند، از کلیه کشورهای عضو یونسکو برای شرکت در آئین برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدمین سال ایجاد شاهنشاهی در ایران دعوت به عمل آمده بود تا اقدام به نشر کتب و رسالاتی در باره ایران و تمدن ایران و تاریخ ایران شود و در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر این واقعه، یکی از مهمترین رویدادهای فرهنگی و ادبی محسوب می‌شود .

۴ مرداد ۲۵۳۰

به فرمان شاهنشاه آریامهر برای اجرای برنامه تدوین و تشریح تاریخ ایران، تمدن ایران و فرهنگ ایران، در برنامه‌های تحصیلی ممالک جهان، و هزار جلد کتب مختلفی که در باره ایران به رشته تحریر درآمده بود به ممالک مختلف جهان ارسال شد .

۵ مرداد ۲۵۳۰

بطور رسمی اعلام شد که بیش از پنجاه کتاب مفصل تحقیقی که با همکاریهای ارزنده علمی و ادبی یکصد و پنجاه دانشمند ایران شناس برجسته جهان نوشته شده است، به مناسبت برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بنیاد شاهنشاهی ایران منتشر میگردد .

۶ مرداد ۲۵۳۰

مجموعه‌ای از کتابهای دایرالمعارف که در باره ایران و سلطنت شاهنشاهی در ایران مطالبی داشتند، برای جشن‌های شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران تدوین شد .

به مناسبت برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدمین سال تاسیس شاهنشاهی در ایران ، در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر برای اعتلاء هر چه بیشتر ادب و هنر ایران ، در کشورهای مختلف ، نمایشگاههایی از کتب و رسالات ادبی و دیگر آثار هنری ایران ترتیب یافت و جمع کثیری از ملت‌های آن ممالک با مراجعه به این نمایشگاهها با هنر و ادب ایران و سیر تکاملی آن آشنا شدند . مهمترین این نمایشگاهها عبارتست از :

کتابخانه بزرگ واتیکان که اولین برگزار کننده نمایشگاه کتب خطی و چاپی و اسناد قدیمی ایران بود .

نمایشگاه بزرگ کتابهای خطی و فارسی در دانشگاه تو بینگن آلمان .

نمایشگاه کتب خطی فارسی و کتابهای نویسندگان آلمان در باره ایران ، در کاخ لیندیج .
نمایشگاه کتابهای خطی فارسی در شهر ماربورگ که متعلق به مجموعه مهم کتابخانه سلطنتی سابق برلین بود .

نمایشگاه بزرگ کتب خطی فارسی در کتابخانه معروف لنینگراد .

نمایشگاه کتابهای خطی علمی ایرانی که در جمهوریهای آسیای شوروی وجود دارند در کتابخانه تاشکند .

نمایشگاه کتابهای خطی ادبی ایرانی در شهر باکو (در ساحل دریای خزر)

نمایشگاه کتب قدیمی مصور ایرانی با تذهیب در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان شوروی .

نمایشگاه رسالات و اسناد ایران در شهر تفلیس مرکز سیاسی گرجستان شوروی .

نمایشگاه کتابهای روسی که در باره ایران نوشته شده است در ایروان مرکز ارمنستان شوروی .

نمایشگاه کتابهای مربوط به ایران اثر نویسندگان اروپائی در برن و ژنو در سوئیس .

نمایشگاه کتابهای قدیمی خطی تحقیقی در کتابخانه دانشگاه قدیمی و معروف هلسنکی فنلاند .

نمایشگاه ویژه دانمارک که در نوع خود جالب و بی نظیر بود - در جهت بزرگداشت جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران طی تشریفات خاص افتتاح شد . طبق برنامه تنظیمی در این نمایشگاه مجموعه منحصر به فردی از آثار خطی اوستائی و پهلوی و سایر کتابهای خطی و اسناد ایرانی متعلق به کتابخانه سلطنتی دانمارک با همکاری مرکز آرشو سلطنتی دانمارک در کپنهاک تشکیل شد .

فهرست کتابهایی که به تازگی وبه مناسبت جشنهای یاد بود دوهزار و پانصدمین سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران چاپ و منتشر شده بود انتشار یافت. برگزاری مراسم این جشنها زمینه مناسب و تحسین انگیزی برای ایران شناسی در کشورهای مختلف جهان فراهم آورد و سبب شد علاوه بر نمایشگاهها و کنفرانسهای مختلف این کتابها نیز تدوین شوند. مهمترین کتابهایی که به مناسبت بزرگداشت شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله ایران در ممالک مختلف منتشر شدند، از اینفرارند:

- " ایران کشور جاوید " اثر پروفیسور گیرشمن و پروفیسور مینورسکی - مصوربه سه زبان فارسی و انگلیسی و فرانسه در انگلستان .
- " عکسهای شاهنامه شاه طهماسب " توسط موزه ی متروپولیتن - مصور و رنگی - در امریکا .
- " هنر بافندگی در ایران " توسط موزه لوس آنجلس - مصور - در امریکا .
- " بهترین آثار هنر ادبی " توسط سازمان موزه های امریکا - مصور - در امریکا .
- " مطالعات ایران " - روابط تاریخی و فرهنگی ایران و اسپانیا " - " سفرنامه دون گارسیاد و فیگروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس " - " خدمتگزاران اسپانیایی در خدمت فرهنگ ایران . " برگزیده های از نوشته های سفرا و سیاحان اسپانیایی " - در اسپانیا .
- " سفرنامه های تاریخی سفرا و سیاحان ایتالیا (پترو دلواله ، جوزا باربارو ، کنتارینی)
- " فرهنگ بزرگ فارسی ایتالیایی " - " کتاب کوروش کبیر " تالیف ینولی ایتالیایی (که برنده جایزه بهترین اثر مربوط به کوروش کبیر شد) در ایتالیا .
- " تاریخ شاهنشاهی ایران " با مقدمه های از رئیس جمهوری و وزیر خارجه ی برزیل .
- " نفوذ ایران در آثار هنری و معماری پاکستانی " وهفت کتاب خطی نفیس و نادر فارسی متعلق به کتابخانه های ملی پاکستان - در پاکستان .
- اسناد سفرهای پرتغالی ها به ایران توسط ژان اوین ایران شناس - در پرتغال
- کتاب ارمن به زبان فارسی و ترکی که شامل مقالات دانشمندان ترک درباره ی ۲۵۰۰ سال تاریخ و فرهنگ ایران می شود و بیشتر مربوط به ادوار اخیر ایران است و همچنین گنجینه سخن فارسی با مینیاتورهای عالی - در ترکیه .
- نخستین سند تاریخ حقوق بشر بر اساس اعلامیه ی کوروش کبیر - در تونس

در زمینه ایجاد نمایشگاه های ویژه کتابهای خطی و چاپی ایران ، دولت و ملت لهستان برنامه وسیعی به عنوان شرکت در مراسم بزرگداشت شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران را آغاز کردند

و بر اساس برنامه^۴ تنظیمی در کتابخانه‌ی معروف ورشو، نمایشگاه کتابها و آثار خطی و کتابهای چاپی قدیمی و کتب نویسندگان لهستانی در مورد ایران ترتیب یافت .
بعد از نمایشگاه ورشو به ترتیب نمایشگاه‌های دیگری از کتابهای خطی و چاپی فارسی به سرپرستی مشترک انجمن خاور شناسی لهستان و دانشگاه کراکوی در کراکوی و بعد در چند شهر دیگر دایر گردید .

۱۳ مرداد ۲۵۳۰

در کتابخانه^۵ غازی خسرو بیگ در شهر (سرایه‌وو) نمایشگاهی تشکیل یافت که در آن کتابهای نفیسی از قرون گذشته^۶ ایران به نمایش درآمد .

۱۴ مرداد ۲۵۳۰

به مناسبت برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران تعداد ۲۵۰۰ جلد کتاب از سوی سازمان جوانان شیر و خورشید به پیشگاه شاهنشاه اهداء شد و به فرمان معظم له بین کتابخانه‌های مختلف توزیع شد .

۲۰ مرداد ۲۵۳۰

در روز تاء^۷ سپس نمایشگاه‌های کتب ایرانی در فرانسه در دانشگاه اوسلو نیز یک نمایشگاه از مهمترین کتب خطی فارسی ترتیب یافت .

۲۰ مرداد ۲۵۳۰

به لحاظ اهمیت مقام ادبی و علمی ایران در محافل و مجامع فرانسه از دیر باز تا کنون ، فرانسویان به مناسبت برگزاری جشنهای بنیاد ۲۵۰۰ ساله^۸ ایران همچون سایر ممالک اروپایی اقدام به تشکیل نمایشگاههایی از آثار علمی و ادبی هنری ایران کردند که از مهمترین این نمایشگاهها ، نمایشگاه بزرگ کتابهای ایرانی در کتابخانه^۹ پاریس بود و همچنین نمایشگاهی از کتابها و اسناد خطی فارسی در کتابخانه ملی و دانشگاهی استراسبورگ دایر شد .

۲۲ مرداد ۲۵۳۰

اعلام شد که عملیات تهیه^{۱۰} فیلمی در باره^{۱۱} تاریخ ایران باستان ، از متن کتاب تاریخی شاهنامه‌ی عهد شاه طهماسب صفوی ، توسط موزه مترو پولیتن نیویورک آغاز شد کتاب شاهنامه^{۱۲} عهد شاه طهماسب که حاوی آثاری پر ارزش از نقاشی‌ها و مینیاتورهای اصیل ایرانی و از جمله مفاخر ادبی ایران محسوب می شود در موزه^{۱۳} مترو پولیتن حفظ و نگهداری می شود .

۲۵ مرداد ۲۵۳۰

در ایتالیا به مناسبت برگزاری جشنهای ملی شاهنشاهی ایران نمایشگاههای بسیاری بر پا

شد که مهمترین آنها عبارت بودند از .نمایشگاه کتابخانه ملی ناپل - کتابخانه آبروزیانای میلان - کتابخانه ملی مارچیانی ونیز - کتابخانه سن لوزیتسوی و نیز - کتابخانه لاور نتسیانای فلورانس .

۲۷ مرداد ۲۵۳۰

در ناپل ایتالیا و بنادر جنوا ، و نیز و فلورانس آرشیوهای ملی اسناد عمده ای از تاریخ فرهنگ و ادب و سیاست ایران را به صورت نمایشگاه برگزار کردند .

۱ شهریور ۲۵۳۰

با کسب اجازه از پیشگاه شاهنشاه آریامهر ، کتاب نفیسی به نام (ایران ، شاهنشاهی فنا ناپذیر) در لاهه هلند چاپ شد که مجموعه ای بزرگ و کامل در باره ایران ، تاریخ پادشاهان و ملت ایران در طول تاریخ است . کتاب ایران ، شاهنشاهی فنا ناپذیر به هشت زبان فرانسه ، انگلیسی ، اسپانیایی ، ایتالیایی ، آلمانی ، روسی ، ژاپنی ، و فارسی در پنجاه نسخه طبع و نشر شد و متون آن را سه ایران شناس بزرگ (ولادیمیر مینورسکی ، رامش سنگوی و رمان گبرشمن نوشتند) .

۸ شهریور ۲۵۳۰

وزارت فرهنگ و معربه یاد بود جشن های شاهنشاهی ایران کتاب سهم ایران در تمدن جهانی را در معرفی تلاش ایرانیان در امور مختلفه انتشار داد .

۱۸ شهریور ۲۵۳۰

برنامه جشنهای یاد بود دوهزار و پانصدمین سال ایجاد شاهنشاهی ایران در روسیه شوروی منتشر شد . این برنامه ها عبارت بودند از .

- نمایشگاه بزرگ آثار باستانی و هنری ایران در موزه ار متیاز لنینگراد با هزاران اثر ایرانی از دوران ماقبل تاریخ منجمله قدیمی ترین فرش ایران و جهان معروف به فرش " پازیریک " .

- نمایشگاه آثار ایران در موزه هنرهای شرق در مسکو همراه با کنفرانس های علمی .

- نمایشگاه بزرگ کتابهای چاپی قدیمی ، و کمیاب ایران از قرن گذشته و مجلات و نشریات قدیمی ایران و کتابهای چاپی نویسندگان و محققان روسی در باره ایران .

- نمایشگاه های کتابها و اسناد خطی فارسی ، رکتابخانه های دولتی لنین گراد ، تاشکند دوشنبه تفلیس ، ماکو .

- کنگره بزرگ مطالعات ایران شناسی در مسکو با شرکت هزار دانشمند روسی و ممالک مختلف برای بحث در باره تمدن ، فرهنگ ، علم ، ادب و هنر ایران .

- نشر کتابهای (تاریخ فرهنگ و تمدن ایران) توسط انستیتوی خاور شناسی آکادمی علوم

شوروی (ایران امروز) مربوط به جنبه‌های مختلف صنعتی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی (زبان شناسی ایران) - متن فارسی کامل شاهنامه فردوسی - یازده کتاب تحقیقی مربوط به تاریخ و باستان شناسی و ادبیات و علوم ایران .

۲۸ شهریور ۲۵۳۰

وزارت فرهنگ و هنر سومین کنگره تاریخ و فرهنگ ایران را آغاز کرد و موضوع سومین کنگره تاریخ، مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران در زمان هخامنشیان بود که به مناسبت سال کوروش بزرگ و جشن شاهنشاهی ایران مورد بررسی قرار گرفت .

در این کنگره، سی محقق و دانشمند در چهار سالن سخنرانی کردند و متن سخنرانیها مانند دو کنگره قبلی به صورت کتابی چاپ شد .

پنج هزار نسخه دفترچه راهنما برای بناهای تاریخی اصفهان و فارس نیز در همین روز وسیله وزارت فرهنگ و هنر به سه زبان فارسی و فرانسه و انگلیسی منتشر شد .

۳۱ شهریور ۲۵۳۰

به دنبال انتشار برنامه جشنها در روسیه، برنامه جشنهای شاهنشاهی ایران در ایالات متحده آمریکا نیز باین ترتیب انتشار یافت .

- نمایشگاه هنر ایران در موزه مترو پولیتن نیویورک با ادامه آثار هنری ایرانی .

- نمایشگاه آثار هنری و باستانی ایران در موزه سیاتل .

- نمایشگاه مجموعه آثار هنری ایران در لوس آنجلس .

- نمایشگاه منحصر به فرد و عالی دوره‌های اشکانی و هخامنشی و ساسانی .

- نمایشگاه کتابها و نوشته‌های ایرانی از دوران هخامنشی تا عصر حاضر توسط کتابخانه کنگره آمریکا .

- سمینار دانشگاه جرج تاون به مدت یک هفته در واشنگتن درباره ترقی سطح ادبی و فرهنگی ایران .

- انتشار کتاب مخصوص موزه مترو پولیتن نیویورک در مورد نسخه خطی شاهنامه شاه طهماسب .

- نشریه مخصوص (بستن) در باره تحولات ادبی در طول دوره‌های مختلف ایران .

۱۶ مهر ۲۵۳۰

کتاب پوشاک مادیها و پارسی‌ها از روی نقوش تخت جمشید، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر به مناسبت جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی چاپ و منتشر شد .

کنگرهٔ بزرگ ایران شناسان هند مرکب از ۱۲۰ نفر از اساتید کرسی فارسی به منظور بررسی تاریخ ایران و سیر تکاملی ادبیات ایران تشکیل شد و کتاب «فروغ پهلوی» نوشتهٔ استاد ایران شناس هندی مربوط به دوران سلطنت پهلوی از شمار یافت.

کنگرهٔ بزرگ ایران شناسان گشایش یافت و در مراسم گشایش این کنگره جمع زیادی از برجسته‌ترین ایران شناسان چهار قاره‌ی جهان با تالیفات و آثار گرانبهای خویش که در بارهٔ ایران و تمدن و فرهنگ و تاریخ ایران برشتهٔ تحریر درآمده بود شرکت داشتند. به فرمان شاهنشاه آریامهر، مقرر شد که از تالیفات ایران شناسان، برای آگاهی بیشتر نسل جوان و دانش آموزان و دانشجویان، از راه ترجمه و تکثیر آن آثار به زبان فارسی اقدام شود.

آماری از تعداد کتابخانه‌ها، تعداد کتب ارسالی وزارت فرهنگ و هنر به آن کتابخانه‌ها و اسامی شهرهایی که دارای این قبیل کتابخانه‌ها هستند انتشار یافت. بر اساس این آمار از سال ۲۵۲۶ تا پایان نیمهٔ اول سال ۲۵۳۰ مجموعاً ۶۸۷۲۸ جلد کتاب و ۳۰۰۲۸ جلد از نشریات ادواری آن وزارتخانه به کتابخانه‌های عمومی فرستاده شد.

کتابخانه‌هایی که در شهرستانها، وابسته به (اداره کل کتابخانه‌ها) هستند در این شهرها می‌باشند: تهران - رضائیه - خوی - ماکو - قره - سوسنگرد - مشهد - تربت حیدریه - اصفهان - سمنان - نجف آباد - لنجان سفلی - شاهرود - شهرکرد - ساری - کاشان - تبریز - بیرجند - نائین - تویسرکان - سبزوار - گرمسار - آمل - تفرش - شهرضا - ساوه - اسکو - زنجان - طبس - طوالش - بجنورد - شیراز - قزوین - آستارا - شهسوار - مرند

اعلیحضرتین از سازمان ملی رفاه خانواده دیدار فرمودند. در این مراسم، شاهنشاه آریامهر ضمن ابراز تعلق به کودکان مهد کودک مرکز رفاه، مقرر داشتند برای آموزش بیشتر و سرگرمی سالمتر کودکان، در تکمیل و توسعهٔ کتابخانه‌های مختلف و انتشار بیشتر و بهتر کتابهای کودکان کوشش شود.

جمعی از نویسندگان بهترین کتابهای سال، طی مراسمی ویژه در کاخ سلطنتی به پیشگاه

علیاحضرت شهبانو شرفیاب شدند. در این مراسم، شهبانوی ایران ضمن ابراز مرحمت به نویسندگان برگزیده، توجه همه مولفین را برای تلاش بیشتر و موثرتر در خلق و ایجاد آثار تحقیقی و ادبی و هنری بیشتر جلب کردند و فرمودند که: "رسالت ارشاد و هدایت معنوی نسل جوان بعهدۀ شماست و به طور قطع نتیجه مثبتی که از اجرای صحیح و علاقه مندانهی این رسالت نتیجه کشور می شود عاید خود شما نیز خواهد شد".

۲۰ بهمن ۲۵۳۰

اعلام شد که مجموعه نطق های شاهنشاه در مراسم جشن های بزرگداشت ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران، مخصوصاً بیاناتی که شاهنشاه آریامهر در برابر آرامگاه کوروش کبیر ایراد فرمودند. از طرف اتحادیه جهانی ایرانی شناسان به کلیه زبانهای قدیم و جدید دنیا برگردانده شده و به عنوان هدیه ای از سوی همه ایران دوستان و ایرانی شناسان به پیشگاه شاهنشاه و ملت ایران تقدیم شده است.

۱۱ اسفند ۲۵۳۰

مراسم اهدای اولین جوایز ادبی که به نام فروغ فرخزاد شاعره فقید مرسوم شده است برگزار شد و جلال آل احمد موفق به دریافت اولین جایزه ادبی فروغ شد.

۲۵۳۱ شاهنشاهی

۸ فروردین ۲۵۳۱

در جریان گشایش سومین کنفرانس ریاضی کشور که با سخنان وزیر علوم و آموزش عالی افتتاح شد، گفته شد که لازم است برای چاپ و تالیف کتب ریاضی براساس آخرین تحقیقات علمی در جهان، تسهیلات بیشتری فراهم شود تا این قبیل کتب که معمولاً طالبان کمتری دارد، رفته رفته مورد توجه قرار گیرد.

۷ اردیبهشت ۲۵۳۱

با پیام ویژه شاهنشاه آریامهر، کنگره عمومی شوراهای آموزش و پرورش همه مناطق کشور شروع بکار کرد. اولین موضوع مورد بحث که پس از قرائت پیام شاهنشاه توسط علم وزیر دربار شاهنشاهی، از سوی اعضا کنگره مورد بحث قرار گرفت، مسئله کتب درسی و سایر کتب برای دانش آموزان بود.

۲ خرداد ۲۵۳۱

در جریان سفر علیاحضرت شهبانو به استان کرمان، کتابخانه عمومی شهر کرمان مورد

دیدار علیاحضرت قرار گرفت و شهبانو اوامری در جهت اقدام به ازدیاد کتب کتابخانه صادر فرمودند .

۴ مرداد ۲۵۳۱

با پیام شاهنشاه آریامهر که بوسیله امیر اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی قرائت شد مراسم سال بین المللی کتاب در ایران آغاز شد . این مراسم با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران برگزار شدو در جریان آن چند نمایشگاه کتاب نیز ترتیب یافت .

۱۱ مرداد ۲۵۳۱

به فرمان شاهنشاه ایران ، کشور شاهنشاهی در کنفرانس آموزش بزرگسالان که با حضور یکهزار و پانصد نماینده از ۸۳ کشور جهان در توکیو ژاپن تشکیل شده بود شرکت کرد و تجربیات حاصله ازتالیف کتب مربوط به آموزش بزرگسالان را در اختیار همگان گذاشت .

۲۸ مرداد ۲۵۳۱

در مراسم شرفیابی اعضای هیات امنای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به پیشگاه علیاحضرت شهبانو ، ترازنامه ۶ سال ۲۵۳۰ به عرض رسید و پس از تصویب آن ، علیاحضرت طی بیاناتی در مورد تکثیر آثار مربوط به کودکان و نوجوانان جهت علاقه مند کردن آنان به کتاب و کتاب داری و کتاب خوانی اوامری صادر فرمودند .

۱۱ شهریور ۲۵۳۱

سومین کنگره تحقیقات ایرانی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران افتتاح شد .

۲۲ شهریور ۲۵۳۱

کنفرانس آموزشی رامسر در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و با حضور آقای نخست وزیر ، وزیران علوم و آموزش عالی ، فرهنگ و هنر ، آموزش و پرورش ، وزیر دربار شاهنشاهی و روسای دانشگاههای ایران برگزار شد .

۱۰ آبان ۲۵۳۱

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو ، مجتمع آموزش (فرح) گشایش یافت و در جریان این مراسم ، شاهنشاه در باره لزوم تهیه و توسعه کتابخانه های عمومی و دانشگاهی و فرهنگی ، برای استفاده بیشتر دانش آموزان و دانشجویان اوامری صادر فرمودند .

۱۹ آذر ۲۵۳۱

اعضای کمیته عالی سال بین المللی کتاب در کاخ نیاوران به پیشگاه علیاحضرت شهبانو

شرفیاب شدند .

۲۳ دی ۲۵۳۱

در اجرای فرمان ویژه شاهنشاه آریامهر در مورد تنقیح لغات متداول در صحبت‌های روزمره و همچنین پیدایش معادلی برای کلمات متداول در صحبت‌ها ، رئیس فرهنگستان ایران اظهار داشت که کارشناسان و زبان شناسان ایران که در گروه‌های مختلف گزینش واژه های فرهنگستان شرکت دارند ۶۶۵۰ واژه خارجی را روشن کرده و معادلی برای آنها یافته‌اند .

۸ بهمن ۲۵۳۱

نمایشگاه مشترک فعالیت‌های فرهنگی و کتاب و نقاشی که در موزه ایران باستان ترتیب یافته بود مورد دیدار شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو قرار گرفت . در نمایشگاه کتاب تازه‌ترین آثار منتشره در سال ۲۵۳۰ و نیمه اول ۲۵۳۱ از نظر اعلیحضرتین گذشت .

۲۴ بهمن ۲۵۳۱

خلاصه وضعیت موجودی کتاب و نشریات ادواری کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور انتشار یافت . بر اساس آماري که در این روز منتشر شد تهران با ۱۷۲۰۸۱ جلد و استان ایلام با ۴۹۴ جلد کتاب دارای بیشترین و کمترین تعداد کتاب در کتابخانه‌های عمومی بوده‌اند و بعد از تهران ، استانهای آذربایجان شرقی با ۴۵۸۰۸ جلد و مازندران با ۴۱۷۷۷ جلد در ردیف های دوم و سوم قرار داشتند . مجموع کتب کتابخانه‌های عمومی در این خلاصه وضعیت ۵۱۲۵۰۹ جلد اعلام شد .

۲ اسفند ۲۵۳۱

شجاع‌الدین شفا معاون وزارت دربار شاهنشاهی در یک اجتماع فرهنگی و ادبی اعلام داشت که به فرمان شاهنشاه آریامهر ، کتابخانه پهلوی یکی از بزرگترین کتابخانه‌های جهان خواهد شد .

۲۵۳۲ شاهنشاهی

۲۲ فروردین ۲۵۳۲

تعداد کتابخانه‌های عمومی کشور به تفکیک استان برای آگاهی عمومی منتشر شد . بر اساس این آگاهی نامه ، در پایان سال ۲۵۳۱ در سراسر کشور ۲۸۰ واحد کتابخانه عمومی مشغول فعالیت بوده‌اند که بیشترین تعداد در استان خراسان (۳۸ واحد) و کمترین تعداد در استان زنجان (۱ واحد) بود .

بعد از خراسان ، این استانها دارای بیشترین تعداد واحد کتابخانه‌های عمومی بودند .
استان اصفهان ۳۲ واحد .

استان مرکزی ۲۹ واحد (که ۱۶ واحد آن در تهران فعالیت داشتند) .
استان مازندران ۲۶ واحد .

استان آذربایجان شرقی ۲۴ واحد .

استان گیلان ۲۳ واحد .

۲ اردیبهشت ۲۵۳۲

هفتاد و نهمین کتابخانه^۶ ثابت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در فرح آباد ، در
پیشگاه علیاحضرت شهبانو گشایش یافت .

۸ اردیبهشت ۲۵۳۲

علیاحضرت شهبانوی ایران از نمایشگاهی که در کتابخانه^۶ مرکزی دانشگاه تهران ترتیب یافته
بوده دیدار کردند این نمایشگاه مربوط به کتابهای چاپ شده در ونیز در طول تاریخ درباره^۶
ایران بود .

۱۶ اردیبهشت ۲۵۳۲

به پاس شخصیت ممتاز جهانی علیاحضرت شهبانوی ایران و به خاطر مجاهدت معظم لها در
بالا بردن سطح فرهنگ و کتاب و هنر ، از طرف بزرگترین جمعیت زنان ایتالیا ، جایزه^۶
مخصوص بنام (پروانه^۶ طلائی) به حضور شهبانو ، تقدیم شد .

۲۷ تیر ۲۵۳۲

هشتمین کنگره^۶ خاور شناسان ، با شرکت بیش از چهار هزار دانشمند خاور شناس و محقق ،
در محل تازبخی دانشکده^۶ سوربون در پاریس فرانسه ، با نطق شجاع‌الدین شفا معاون وزارت
دربار و دبیر کل اتحادیه^۶ ایران شناسان گشایش یافت .

۱۵ آبان ۲۵۳۲

علیاحضرت شهبانو جوایز محققان و پژوهندگان دانشگاه‌ها را در جریان شرفیابی آنان در کاخ
نیاوران اهدا^۶ فرمودند و در مورد تلاش بیشتر برای تحقیق و پژوهش بیشتر اوامری صادر
کردند .

۲۶ آبان ۲۵۳۲

اولین کنگره^۶ نمایندگان انجمنهای کتابخانه‌های عمومی کشور با شرکت ۵۰۰ نفر از نمایندگان
برگزیده هر انجمن در تهران افتتاح شد .

۲۵۳۲ بان ۲۹

امروز کارکنگره نمایندگان انجمنهای کتابخانه‌های عمومی به پایان رسید و نتیجه مذاکرات و تصمیمات طی یک قطعنامه ۴۰ ماده ای به تصویب رسید .

اول دی ۲۵۳۲

بموجب تبصره ۲۲ قانون بودجه ، سهمیه $\frac{1}{4}$ ٪ درآمد شهر داریها قطع ، و تامین کلیه اعتبارات کتابخانه‌های عمومی به عهده وزارت فرهنگ و هنر واگذار گردید .

۲۵ دی ۲۵۳۲

کمیته مشترک جوایز فردوسی ، آقایان شجاع‌الدین شفا و پرویز ناتل خانلری بودیسی پطروسکی مورخ و خاور شناس روسی و رئیس موزه ، ارتمیاز لنینگراد و پروفیسور شاه اسلام شاه محمد اوف رئیس بخش فارسی دانشگاه تاشکند را که مترجم آثار سعدی و فردوسی و خیام و بهار است . به مناسبت کوششهای ارزنده‌ی آنان در راه معرفی فرهنگ و تمدن دوکشور ایران و شوروی برندگان جایزه فردوسی اعلام کرد .

۴ اسفند ۲۵۳۲

شاهنشاه آریامهر ، طی صدوریک فرمان تاریخی و انقلابی ، تحصیلات ابتدائی و دوره راهنمائی تحصیلی را در سراسر ایران مجانی اعلام کردند و به این ترتیب راه تازه و وسیع تری برای استفاده نوجوانان کشور از کتب مختلف باز شد .

۲۵۳۳ شاهنشاهی

۲۹ مرداد ۲۵۳۳

علیاحضرت شهبانو ضمن دیداری از کتابخانه مرکزی دانشگاه ملی ایران نمایشگاه تکنولوژی در خدمت آموزش و پرورش را افتتاح فرمودند .

۱۸ شهریور ۲۵۳۳

ضمن شرفیابی هیات مدیره آسیائی وابسته به دانشگاه پهلوی (شیراز) به پیشگاه علیاحضرت شهبانو ، معظم لها در باره تلاش بیشتر برای معرفی ایران و تمدن درخشان ایران ، از راه تحقیق و انتشار کتب ارزنده تری ، اوامری صادر نمودند .

۲۰ شهریور ۲۵۳۳

اولین موافقت نامه فرهنگی میان دولت شاهنشاهی ایران و جمهوری خلق کره برای مبادله کتب و دانشجو و استاد توسط عباس خلعتبری وزیر امور خارجه و (لی . یون . بیو) سفیر کره

امضاء شد .

۲۵۳۳ آذر

در جریان برگزاری مراسم ضیافت مجللی که به دعوت دبیرخانه اروپائی اتحادیه جهانی ایران شناسان در " کاخ ملت‌ها " در بروکسل پایتخت بلژیک ترتیب یافت ، آغاز انتشار بزرگترین نشریه مطالعات ایران شناسی بنام " یادنامه فرهنگی جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران " بنام " آکتاایرانیکا " اعلام شد .

۲۶ بهمن ۲۵۳۳

قرار داد فرهنگی ومبادلات کتب واستاد و دانشجو میان دولت شاهنشاهی ایران و شوروی در مسکو میان نمایندگان دو کشور به امضاء رسید .

۲۸ بهمن ۲۵۳۳

به فرمان شاهنشاه ، برای توسعه زبان و ادبیات فارسی ، یک کرسی زبان فارسی در مدرسه شرقی دانشگاه رم افتتاح شد و تعدادی از کتب فارسی برای معرفی کتابها و ادبیات ایرانی به آن دانشگاه اهداء شد .

۲۵۳۴ شاهنشاهی

۱۰ فروردین ۲۵۳۴

شرح وظائف کتابداران به تصویب مشترک اداره امور استخدامی کشور و وزارت فرهنگ و هنر رسید و بر اساس آن خریداری کتب خطی ، حفظ و نگهداری و شناسائی و تایید اصالت این کتب ، فقط به عهده کتابداران رسمی قرار گرفت .

۱۲ فروردین ۲۵۳۴

کتابخانه بیمه مرکزی ایران بنام (محمد سلطانی) موسوم گردید .

۱۸ فروردین ۲۵۳۴

در اجرای فرمان شاهنشاه آریامهر ، به مناسبت روز جهانی کتاب ، یک نمایشگاه از کتابهای کودکان که در تهران گشایش یافت اعلام کرد که کتابهای کودکان را ۲۰ درصد ارزانتر می‌فروشد .

۲۷ فروردین ۲۵۳۴

در جریان دیدار علیاحضرت شهبانو از کتابخانه شماره ۲ کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان در کرمان، اوامری جهت تسریع در توسعه کتابخانه و افزایش کتابخانه‌های دیگر، صادر فرمودند.

۱۰ اردیبهشت ۲۵۳۴

اعلام شد که به فرمان شاهنشاه آریامهر، تعداد ۶۲ هزار جلد کتاب، از طرف کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی، به منظور استفاده و آموزش اعضای خانه‌های فرهنگ روستائی سراسر کشور توزیع شد.

۱۷ اردیبهشت ۲۵۳۴

از سوی وزارت فرهنگ و هنر دستور داده شده منظور استفاده بیشتر دانش‌آموزان، مخصوصاً در ایامی که امتحانات درکار است کتابخانه‌های عمومی از ۷ صبح تا ۱۲ شب یکسره باز باشند.

۲۰ اردیبهشت ۲۵۳۴

در مراسم برگزاری اولین سمینار بررسی مسایل جغرافیائی در دانشگاه فردوسی مشهد به مسئله لزوم ایجاد دگرگونی‌هایی در امر آموزش جغرافیا از راه کتابهای جغرافیائی رسیدگی شد.

۲۵ اردیبهشت ۲۵۳۴

مجمع بین‌المللی ادبیات کودکان با پیام علیاحضرت شهبانو در پارک فرح‌گشایش یافت. موضوع رواج بیشتر کتاب میان کودکان و نوجوانان مهمترین مسائل کار این مجمع بود.

۷ خرداد ۲۵۳۴

رویدادهای سفر رسمی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو به کشورهای ونزوئلا، مکزیک و ایالات متحده آمریکا از سوی وزارت اطلاعات و جهانگردی به صورت یک مجموعه‌ی نفیس منتشر گردید.

۱۰ خرداد ۲۵۳۴

مسابقه شاهنشاهی بهترین کتاب سال از سوی بنیاد پهلوی برای سال ۲۵۳۴ آغاز شد.

۱۳ خرداد ۲۵۳۴

بررسی کتابهای جدید درسی مخصوص سال دوم دبیرستانهای نظام جدید آغاز شد.

۲۴ خرداد ۲۵۳۴

با قرائت پیام مخصوص علیاحضرت شهبانو مجمع بین‌المللی جریان‌های ادبی و آسیائی مرکزی در تالار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گشایش یافت. این مجمع برای شناخت بیشتر ادبیات ایران و ممالک آسیای مرکزی و توسعه کتابهای ایرانی ترتیب یافته بود.

۴ تیر ۲۵۳۴

یک نمایشگاه از ۲۰۰ نسخه کتابها و نشریاتی که تا بحال درباره «شاهنامه» فردوسی منتشر شده بود در نگارخانه «مهر شاه ترتیب یافت».

۸ تیر ۲۵۳۴

به فرمان شاهنشاه آریامهر سال ۲۵۴۶ که مصادف با یکهزار و پنجاهمین سال ولادت شاعر حماسه سرای ایران ابوالقاسم فردوسی به نام سال فردوسی موسوم شد.

۱۰ تیر ۲۵۳۴

موسسه «فرهنگی دهخدا»، همزمان با پایان لغتنامه «دهخدا» توسط رئیس دانشگاه افتتاح شد. چاپ لغتنامه «دهخدا» با صرف ۱۰ میلیون تومان در مدت ۳۴ سال به پایان رسید.

۱۴ تیر ۲۵۳۴

۵۶۴۰ تن از دبیران رشته‌های مختلف و سپاهیان دانش، در اجرای فرمان شاهنشاه برای آشناسدن با نحوه «تدریس کتب درسی در نظام جدید آموزش و پرورش در شهرهای مختلف کشور» اجتماع کردند.

۲۱ تیر ۲۵۳۴

براساس فرمان شاهنشاه آریامهر، مقدمات تجدید چاپ ۵۰ کتاب نایاب که در باره «ایران» نوشته شده است فراهم شد. این کتابها از کتابخانه‌های داخل و خارج تهیه شده و پس از فیلمبرداری از متن آنها به موجب اساسنامه‌ی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در زمره «خدمات فرهنگی سازمان تجدید چاپ می‌شوند».

۲۳ تیر ۲۵۳۴

کتابخانه فردوسی وابسته به انجمن پرورش کودکان در مشهد در پیشگاه علیاحضرت شهبانو گشایش یافت و به عرض شهبانو رسید که در مدت ۷ سال که اولین کتابخانه «کانون درپارک» پرورش مشهد افتتاح شد تا به حال ۱۱۴۸۰ نفر عضو یافته است. کتابخانه «فردوسی» دارای ۸ هزار جلد کتاب است.

۳۰ تیر ۲۵۳۴

به مناسبت برگزاری جشنواره «طوس در مشهد»، یک نمایشگاه از آثار و ادبیات حماسی در نگارخانه «مهر شاه» افتتاح شد.

۱۹ مرداد ۲۵۳۴

دراجرای فرمان شاهنشاه آریامهر، به دستور آقای هویدانخست وزیر، قیمت کتابهای درسی که به علت گرانی کاغذ ۳۰ درصد افزایش یافته بود لغو شد و قیمت‌های تازه کتابها اعلام گردید.

۳۱ مرداد ۲۵۳۴

نمایشگاه قرآن‌های خطی و کتابهای دینی و آثار مذهبی ایرانی، در مدرسه قوام در شیراز در پیشگاه علیاحضرت شهبانوی ایران گشایش یافت. این اولین نمایشگاه در نوع خود در ایران بود.

۱ شهریور ۲۵۳۴

کنگره، تحقیقات ایرانی برای تحقیق در ادبیات ایران و تنقیح کتب فارسی با شرکت ۳۲۰ تن از دانشمندان و محققین داخلی و خارجی در شهرستان تبریز گشایش یافت.

۳ شهریور ۲۵۳۴

قرار داد تازه‌ای براساس تشریک مساعی دولت شاهنشاهی ایران و دولت سوئد در مورد تامین کتب و سایر وسایل موردنیاز هنرستانهای صنعتی و تکنولوژی ایران به امضاء رسید.

۱۰ شهریور ۲۵۳۴

با پیام ویژه علیاحضرت شهبانو، کنگره بین‌المللی مطالعات میترائی و سومین کنگره بین‌المللی ایران شناسی در دانشگاه ملی تهران گشایش یافت. در این دو کنگره علماء مشهور جهان که در باره ایران و تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران مطالعات و آثاری داشتند شرکت کردند و مطالعات و آثار خود را عرضه کردند.

۱۶ شهریور ۲۵۳۴

سومین کنگره جغرافی دانان ایران توسط آقای هویدا نخست وزیر در دانشگاه ملی گشایش یافت در این کنگره ضمن ارائه آخرین تحقیقات جغرافیائی، در مورد کتابهای درسی جغرافیائی و تصحیح و تنقیح آن برای استفاده بیشتر دانش آموزان مدارس مذکراتی صورت گرفت.

۱۶ شهریور ۲۵۳۴

جلسات بحث ۳۰۰ دبیر علوم اجتماعی با مولفان کتابهای درسی به مدت یک هفته در دبیرستان البرز تهران آغاز شد هدف از این بحث رفع اشکالات موجود در کتابهای علوم اجتماعی بود.

۲۵ شهریور ۲۵۳۴

اعضای کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی به حضور شاهنشاه باریافتند و شاهنشاه فرمودند. . . . در این جهاد ملی لازم است که نه تنها وزارتخانه‌ها و تشکیلات رسمی مملکت بلکه کلیه مردم ایران شرکت کنند تا در زمانی کوتاه همه مردم تا سن ۵۰ سال بتوانند بخوانند و بنویسند. ۴۰

۲۴ شهریور ۲۵۳۴

براساس نوشته مجله آمریکائی نیوزویک مقدمات دایر شدن ۱۰ موزه و کتابخانه هنری در ایران براساس تصمیم علیاحضرت شهبانوی ایران فراهم شد.

۲۵ شهریور ۲۵۳۴

تاسیس کتابخانه ملی پهلوی از سوی سازمان بین‌المللی یونسکو استقبال شد و مجله رسمی آن سازمان در امور کتابخانه‌ها در مورد ایجاد این کتابخانه نوشت که: . . . " به سرپرستی عالیه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران کتابخانه ملی پهلوی در تهران به صورت یک مجتمع بزرگ علمی و فرهنگی و کتابداری و یکی از مدرنترین مراکز نوع خود در تمام جهان اکنون در دست ایجاد است.

اصول برنامه‌هایی که برای این کتابخانه طرح ریزی شده است با دیدگاه‌های یونسکو از نظر برداشت‌های ایدئولوژی و فرهنگی یک کتابخانه نمونه عصر حاضر هماهنگی کامل دارد و از این نظر سازمان یونسکو از نزدیک با تحقق این پروژه همکاری خواهد داشت. ۱۱

۳۱ شهریور ۲۵۳۴

کتب سه ساله راهنمایی تحصیلی برای استفاده دانش‌آموزان در اختیار کتابفروشی‌ها گذاشته شد. این کتابها اگر چه از حیث محتوی بسیار غنی و قوی بوده ولی از حوصله درک دانش‌آموز بیرون بود.

۷ مهر ۲۵۳۴

سازمان کتابهای درسی ضمن صدور اعلامیه‌ای از کلیه مولفان و معلمان و فرهنگیان و کسانی که توانائی نوشتن کتاب دارند دعوت کرد که برای تالیف کتابهای درسی با آن سازمان همکاری کنند. با صدور این اعلامیه، تالیف کتابهای درسی از انحصار بیرون آمد.

۱۹ مهر ۲۵۳۴

کلاس‌های کتابداری و ترویج بهره‌گیری از مدارک علمی با ۱۵۰ نفر از طرف موسسه تحقیقات و برنامه ریزی افتتاح شد تا از فارغ التحصیلان آن در امر اداره کتابخانه‌های مختلف

استفاده شود .

۲۴ مهر ۲۵۳۴

بزرگترین کتاب مصور دربارهٔ ایران ، برای شناخت بهتر جلوه‌های مختلف فلسفی ، اجتماعی سیاسی و فرهنگی ایران بنام (ایران پل فیروزه) به زبان انگلیسی با مجموعه‌ای از زیباترین عکسهای رنگی و سیاه و سفید از سوی وزارت اطلاعات و جهانگردی انتشار یافت کتاب ایران پل فیروزه که در میان آثار مربوط به ایران کم نظیر است در ۳۶۷ صفحه با ۲۲۸ عکس رنگی و تعداد زیادی عکس سیاه و سفید به ابتکار علیاحضرت شهبانوی ایران منتشر شد .

۲۶ مهر ۲۵۳۴

کمسیون تالیف و ترجمهٔ دانشگاه تربیت معلم مقررات خاصی برای چاپ کتابهای دانشگاهی اعلام کرد .

۲۷ مهر ۲۵۳۴

گزارش ده‌سالهٔ اقدامات کتابخانهٔ پهلوی در زمینه گردآوری آثار فرهنگ ایران ، و فعالیت های ایران شناسی و گزارش اقدامات برنامه ریزی کتابخانه بزرگ پهلوی توسط مدیر عامل کتابخانه به پیشگاه ملوکانه تقدیم شد ، و شاهنشاه دربارهٔ برنامه های کار کتابخانهٔ بزرگ پهلوی اوامری صادر فرمودند .

۲۳ آبان ۲۵۳۴

اعلام شد که در جریان برگزاری هفتمین دوره جشن فرهنگ و هنر علاوه بر ۶۲ نشریه و کتاب که منتشر شد ۱۶ موسسه فرهنگی (کتابخانه و موزه) نیز در شهرستانهای مختلف گشایش یافت .

۱۷ آبان ۲۵۳۴

در حضور وزیر آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر مراسم هفتهٔ کتاب در کتابخانهٔ مرکزی پاک شهر افتتاح شد .

۱۹ آبان ۲۵۳۴

از تازه ترین آثار و کتابهای علمی دانشگاه تهران نمایشگاهی در دانشگاه تهران افتتاح شد .

۲۱ آبان ۲۵۳۴

طی مراسمی کتابهای برگزیده کودکان و نوجوانان از سوی شورای کتاب کودک در تالار سخنرانی کتابخانهٔ عمومی پارک شهر معرفی شد و نمایشگاه کتابهای سال ۲۵۳۳ مخصوص کودکان و نوجوانان نیز افتتاح شد .

۲۵۳۴ ذر ۲۳

در جلسه هیات امنای دانشگاه صنعتی آریامهر به ریاست مهندس شریف امامی، مسائل جاری و عمرانی دانشگاه و از جمله افزایش تعداد کتابهای کتابخانه برای استفاده بیشتر دانش‌جویان مورد رسیدگی قرار گرفت.

۲۵۳۴ ذر ۲۵

در اجتماع بزرگ ۳۵۰۰ نفری دانش‌آموزان سراسر کشور در مجتمع ورزشی آریامهر، آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر لزوم ترغیب بیشتر دانش‌آموزان را به مطالعه مستمر کتاب و بزرگداشت مفاخر علمی و ادبی و اجتماعی و نظامی ایران گوشزد کرد.

۲۵۳۴ ذر ۲۵

سازمان کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش از همه مولفین و مصنفین رشته‌های مختلف درسی برای تالیف کتابهای تازه دعوت کرد.

۲۵۳۴ ذر ۲۹

در پیشگاه علیاحضرت شهبانو شورای پژوهش‌های علمی کشور در کاخ نیاوران تشکیل شد، در این مراسم شهبانودستور فرمودند: "یکی از وظایف اصلی این شوراباید کمک و مساعدت به پژوهشگران و محققین رشته‌های مختلف باشد."

۲۵۳۴ دی ۴

کمیته فرهنگی و مطبوعاتی سازمان همکاریهای عمران منطقه‌ای در آنکارا ضمن بررسی برنامه‌های سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ و تصویب مبادلات فرهنگی (استاد، دانشجو، کتاب روزنامه نگار و آرتیست) تصویب کرد، که سه کشور ایران و ترکیه و پاکستان هماهنگ در بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی شرکت کنند.

۲۵۳۴ دی ۱۰

وزارت آموزش و پرورش به مناسبت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی و به منظور آشنایی جوانان به نقش بزرگ و آفریننده سلطنت پهلوی در ایجاد ایران نو، نوشتن کتابی در باره سلسله پهلوی را میان همه دانش‌آموزان به مسابقه گذاشت.

۲۵۳۴ دی ۱۵

اعضای جدید شورای انتشارات دانشگاه تهران انتخاب و تعیین شدند.

۲۵۳۴ بهمن ۷

پس از دوازده سال و قرارداد چاپ کتابهای درسی که با سازمان کتب درسی بود لغو شد، برای تسهیل بیشتر در امر چاپ و انتشار کتابهای درسی، سازمان شاهنشاهی مامور آنجا

۱۱ بهمن ۲۵۳۴

در اجرای فرمان ملوکانه در مورد تجلیل از رجال و مفاخر ادبی و نویسندگان و شعرای ایران و به مناسبت سالروز تاسیس دانشگاه تهران، تالار نونبیاد شورای دانشگاه تهران به نام تالار امیر کبیر و تالار بزرگ اجتماعات کتابخانه مرکزی دانشگاه به نام تالار فروغی نامگذاری گردید.

۲۰ بهمن ۲۵۳۴

نمایشگاهی از کتابهای چاپ هندوستان در زمینه‌های اقتصاد، علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنرهای زیبا در دانشگاه تهران گشایش یافت.

۳۰ بهمن ۲۵۳۴

در جلسه کمیته‌ها و مراکز برگزارکننده آئین ملی بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی اعلام شد که به فرمان شاهنشاه آریامهر " سفرنامه خوزستان " به عنوان اولین نشریه مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی منتشر خواهد شد. سفرنامه خوزستان کتابی است که رضا شاه کبیر آن را تقریر کرده اند.

